

KAYHAN LONDON

بنیانگذار: دکتر مصطفی مصباح زاده

جمعه ۲۳ تا ۹ آذر ماه ۱۴۰۲ خورشیدی

سال چهارم - شماره ۱۹۰۵

بازنشسته بیزار است !!
از تحصیل بیزار است !!

بازنشستگان ایران از اینجا مانده، از آنجا رانده!





بنیانگذار:

دکتر مصطفی مصباحزاده

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY

- @KayhanLife
- @kayhanlife
- @KayhanLife
- <https://kayhanlife.com/newsletters-subscription>

کیهان شما ، کیهان لندن

- @KayhanLondon
- @kayhanlondon
- @kayhanlondon
- https://t.me/kayhan_london

10 New Square-Lincoln's Inn
London WC2A 3QG
Tel: 0044 (0)20 3633 3684
e-mail:
info@kayhan.london
ads@kayhan.london
editorial@kayhan.london
www.kayhan.london
www.kayhanlife.com

سال چهلم

کیهان شماره ۱۹۰۵ (۴۳۹)

جمعه ۳ تا ۹ آذرماه ۱۴۰۲

۲۴ تا ۳۰ نوامبر ۲۰۲۳



مژده به هم میهنانی که خواستار کتاب **سقوط بهشت** بودند می توانند چاپ دوم این کتاب را از **کیهان** خریداری نمایند
نسخه دیجیتال کتاب نیز به زودی در دسترس خواهد بود

سقوط بهشت

خاندان پهلوی و روزهای پایانی ایران پادشاهی

اندر و اسکات کوپر ترجمه رضا تقی زاده



آگهی در کیهان آگاهی می آورد

نشانی سایت:

www.kayhan.london

روابط عمومی:

info@kayhan.london

آگهی و تبلیغات:

ads@kayhan.london

سردبیری:

editorial@kayhan.london

وبسایت کیهان لندن به زبان انگلیسی

KAYHANLIFE
SPOTLIGHT ON A GLOBAL IRANIAN COMMUNITY
www.kayhanlife.com

کیهان لندن منتشر کرد:



کتاب «سوریه: چاله عنکبوت» به قلم **حامد محمدی (افسر خلبان)**

برای نخستین بار ابعاد گسترده حضور نظامی و ناگفته های دخالت رژیم جمهوری اسلامی در جنگ داخلی سوریه را به صورت مستند از آغاز این جنگ تا به امروز به تصویر می کشد. علاقمندان می توانند این کتاب را مستقیماً از طریق تماس با **کیهان لندن** ads@kayhan.london و یا انتشارات ساتراپ و سوپر هرمز در لندن و کتابفروشیهای معتبر ایرانی در اروپا و آمریکا به نشانی های زیر به مبلغ معادل ۴۰ پوند شامل هزینه بسته بندی و پست خریداری کنند.

Satrap Publishing: Email: satrap@btconnect.com www.satrap.co.uk

Super Hormuz, Finchley Road, Golders Green, NW11 0AD

Ibex Publishers Bookshop, Inc. PO Box 30087, Bethesda, MD 20824-0087, USA

Ferdosi Bookshop, Box 45095, SE-104 30 Stockholm, SWEDEN

UTOPIRAN, 89 Rue du Ruisseau, 75018 Paris, FRANCE

Forough Publishing and Bookshop, Jahnstraße 24, 50676 Köln, GERMANY

کهبان

* فهرست مطالب *

- ۴ سرمقاله- فعالان و احزاب مدعی دموکراسی، شمار قیب هم نیستید!... /الاهه بقراط.....
- ۴-۵ تیر هفته -بازنشستگان ایران از اینجا مانده، از آنجا رانده!... روشنگ آسترکی
- ۶-۷ شاهزاده رضا پهلوی: جمهوری اسلامی بیش از همه از قدرت مردم ایران می‌ترسد... /.....
- ۸ شاهزاده رضا پهلوی: گروگانگیری حماس نسخه برداری از جمهوری اسلامی است... /.....
- ۸-۹ جمهوری اسلامی شرکایش را قربانی بقای نظام می‌کند... /حامد محمدی.....
- ۱۰-۱۱ حمله مجدد نیابتی هابه پایگاه آمریکادر سوریه... /.....
- ۱۱ حکم حکومتی!... /خیراندیش (احمد/حرار).....
- ۱۲-۱۳ خاطر اتی از دکتر غلامحسین صدیقی ووقایع سال ۱۳۵۷... /مینو مفتاح.....
- ۱۴-۱۵ الهه تو گلپان در گفتگو با «لیبرو»: اینکه من موفق به ترک ایران شدم،... /.....
- ۱۵ ایران بانو خوب می‌داند چکار کند!... /.....
- ۱۶ توافق اسرائیل و حماس برای توقف چهارروزه عملیات نظامی در غزه... /.....
- ۱۷ بی‌بینس اینساید: احتمال اینکه روس‌ها از طریق جمهوری اسلامی ایران،... /.....
- ۱۸ توماج صالحی باوثیقه آزادشد: «نقض حکم» در دیوان عالی کشور... /.....
- ۱۹ خالد پیرزاده باوجود وضعیت وخیم جسمی از بیمارستان به زندان اوین... /.....
- ۲۰-۲۱ جنایتکاری می‌تواند تنبیه شود، اگر از ادای بر ای... /محمود مسائلی.....
- ۲۱ محمود مسائلی: جامعه مدنی ایرانی باید با شناخت حقوقی علیه جمهوری اسلامی... /.....
- ۲۲-۲۳ از دستاوردهای «نگاه به شرق»: روسیه به ایران پشت کردوسر مایه‌اش را... /.....
- ۲۳ رافائل گروس: جمهوری اسلامی مجوز بازرسان با تجربه و حرفه‌ای آژانس را... /.....
- ۲۴-۲۵ دامون گلریز در گفتگو با کهبان لندن: حکومت با شکست در «جنگ روایت‌ها»... /.....
- ۲۶ سرایت ویروس «کشتی ربایی» از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به... /.....
- ۲۶-۲۷ «وعده طالبان به جمهوری اسلامی»: ساخت یک سد دیگر... /.....
- ۲۸-۲۹ آغاز تحقیقات کنگره آمریکادر باره همکاری دانشگاه پرینستون با حسین موسویان... /.....
- ۲۹ علی خامنه‌ای میان «دولت‌های مسلمان» تنها مانده... /.....
- ۳۰ مهساز دانی: مادر داغداری که به دلیل «دادخواهی» به ۱۳ سال زندان... /.....
- ۳۱ اعتصاب دوروزه‌ی دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه ملی ایران (بهشتی)... /.....
- ۳۲-۳۳ جز بیات جدیدی از پرونده قتل مهرجویی و همسرش... /.....
- ۳۳ واکنش محبوبه رضایی فعال مشروطه خواه به محکومیت بیش از ۲۶ سال زندان... /.....
- ۳۴ پایگاه خبری «آکسیوس»: افزایش حملات هکری وابسته به جمهوری اسلامی... /.....
- ۳۴-۳۵ اختلال مشکوک اینترنت در سرسرایران... /.....
- ۳۵ پیشنهاد احمد رضا اردان به سفیر رژیم سوریه برای ارتقاء همکاری‌های... /.....
- ۳۶-۳۷ واگذاری ۱۲۰ پروژهمعدنی به روس‌ها؛ چینی‌ها هم در صف هستند... /.....
- ۳۷ طرح دوحزبی در کنگره آمریکادرخواست برای ممنوع شدن دسترسی... /.....
- ۳۸ یک اسپانیایی شعبه در رابطه با سوء قصد به بنیانگذار حزب VOX... /احمد رأفت.....
- ۳۹ مصوبه مجلس شورای اسلامی برای توزیع یارانه بنزین بین همه مردم... /.....
- ۴۰-۴۱ تغییر محاسبه سن بازنشستگی باهدف جبران ناترازی صندوق‌های بازنشستگی... /.....
- ۴۱ مساجدمترو که!... /.....
- ۴۲ یکی دیگر از موفقیتهای جمهوری اسلامی: مقام نخست در صدور مهاجر!... /.....
- ۴۳ افزایش ۴۳ درصدی ابتلابه سرطان در ایران تا سال ۱۴۰۴... /.....
- ۴۴ انسیه خزعلی: زنان طلبه مستعد فیلمسازی و بازیگری معرفی شوند چرا... /.....
- ۴۵ تخلف و اختلاس؛ فساد که در جمهوری اسلامی پایانی ندارد... /.....
- ۴۶ دولت بایدن به دنبال قرار دادن مجدد شبه نظامیان حوثی در فهرست... /.....
- ۴۶-۴۷ محکومیت اسحاق جهانگیری به یک سال زندان با اتهام توهین و افتراء به... /.....
- ۴۷ ارتش آمریکانبروهای وابسته به جمهوری اسلامی را در عراق در دو عملیات... /.....
- ۴۸ گردشگری و کتاب از سید مصطفی بسیاری از خانوارها حذف شد... /.....
- ۴۹ ادعاهای رئیس کل بانک مرکزی درباره وضعیت ارزی... /.....
- ۵۰ زمزمه‌های کمبود گاز در زمستان... /.....
- ۵۱ تشدید بحران کم‌آبی در کشور؛ فلاکت اکولوژیک در کمین ایران... /.....
- ۵۲-۵۳ ۱۸ هزار آموزگار بدون حقوق و بیمه مشغول کار... /.....
- ۵۳ تغییرات آب و هوایی سلامت جوامع بشری را... /دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی.....
- ۵۴ پشت جلد- عکس هفته /محبوبه رضایی فعال سیاسی مشروطه خواه: جانم فدای ایران!.....

بازنشر
بازنشر



بازنشستگان ایران از اینجا مانده، از آنجا رانده!

فعالان و احزاب مدعی دموکراسی، شمار قیب هم نیستید!
چون اصلا ملت و مملکتی ندارید!

نگاهی به چهار دهه فعالیت افراد و احزاب سیاسی ایرانی مخالف جمهوری اسلامی در خارج کشور عمدتاً بیانگر ناکامی آنها در همکاری است. آندسته که عکس‌برگردان جمهوری اسلامی هستند با هر ایدئولوژی و ادعایی که داشته باشند، با وجود مخالفت با رژیم کنونی اما خارج از معادله‌ی دموکراسی و حقوق بشر قرار می‌گیرند. درست همانطور که بنیانگذاران و زمامداران این رژیم از آغاز خارج از این معادله بودند.

بی‌تردید ظرفیت انباشته‌ای از نیروهای ملی و میهن‌دوست و مدافع دموکراسی در داخل ایران به صورت پراکنده وجود دارد که به دلیل شرایط موجود امکان ابراز وجود آن نیست. حاملان این ظرفیت در شرایط مساعد بلافاصله به جریانات مختلف ملی و دموکراتیک جذب خواهند شد درست همانگونه که نیروهای ضدملی از جمله اقلیت طرفدار رژیم نیز به سازمان‌هایی که می‌توانند آنها را نمایندگی کنند خواهند پیوست.

در این میان یک جمعیت جوان چندین میلیونی وجود دارد که پایگاه اجتماعی نیروهای ملی و دموکراسی‌خواه و همچنین دشمنان آنها، و نه رقبای آنها، را تشکیل می‌دهد.

جریانات دشمن‌انتهایی هستند که به دنبال ایران و منافع ملی و امنیت و رفاه مردم نیستند بلکه در پی قدرت تام و تمام‌اند تا آنچه را که فکر می‌کنند در ۵۷ از آنان دزدیده شده، به دست آورند؛ قدرت انحصاری برای تحقق ایدئولوژی مذهبی یا غیرمذهبی خود؛ این قدرت انحصاری می‌تواند ضد غرب باشد یا نباشد. مهم این است که ضد مردم و حاکمیت ملی و ضد دموکراسی و حقوق بشر است! ایران از ۴۵ سال پیش زیر سلطه‌ی چنین جریانیست و جایگزینی این رژیم با رژیمی مشابه قطعاً نه «تغییر» است و نه «راه حل»! بلکه تداوم آن به شکلی دیگر خواهد بود. جریانات رقیب‌انتهایی هستند که با تعهد به دموکراسی و حقوق بشر، در راه و روش و برنامه‌ی تحقق آنها با یکدیگر اختلاف نظر دارند. این جریانات رقیب اما می‌بایست در سه اصل اشتراک منافع و تعهد داشته باشند: حفاظت از تمامیت ارضی کشوری که می‌خواهند در آن با به دست گرفتن قدرت دولتی به تحقق ایده‌های خود بپردازند؛ حفاظت از قانون اساسی که بر مبنای منافع ملی و دموکراسی و حقوق بشر تنظیم شده. حفاظت از نظام سیاسی (جمهوری یا پادشاهی) که مردم آن را به عنوان چارچوب و بنیان حاکمیت ملی خود انتخاب کرده‌اند. مسئله اما اینجاست که جریانات رقیب اصلا ملت و مملکتی ندارند که بخواهند بر سر ایده‌های خود با یکدیگر به رقابت بپردازند! حلقه‌ی گمشده‌ی این پراکندگی، از سال‌ها پیش، چیزی جز همبستگی این جریانات از راست تا چپ، گرد یک محور ملی و دموکراتیک نیست. نه تجمیع فیزیکی چند فرد و یا تکرار افراد هم‌فکر در انجمن‌هایی با نام‌های متفاوت بلکه جبهه‌ای واقعی و متحد که از یکسو بتواند تکیه‌گاه ظرفیت عظیم جنبش ملی و آزادخواهی در داخل کشور باشد، و از سوی دیگر طرف صحبت جامعه جهانی قرار گیرد. وگرنه تا زمانی که افراد و جریانات مدافع دموکراسی نه تنها به رقابت بلکه به دشمنی و تحریف یکدیگر مشغول باشند، هرگز ملت و مملکتی نخواهند داشت تا در آن و برای آن به رقابت بپردازند!

انتخاب با شما، نیروهای سیاسی چپ و راست مدعی دموکراسی! آیا ترجیح می‌دهید همچنان با رژیم گذشته و تأیید و تکرار پهلوی مشغول باشید و یا با رژیم کنونی مبارزه کنید و رقابت‌ها بتان را بگذارید برای زمانی که واقعا رقیب هم باشید؟ تردید نداشته باشید اگر این فرصت از دست برود، چیزی بر فرصت‌های شما اضافه نخواهد شد بلکه مهم‌ترین و واقعی‌ترین جایگزین ملی و دموکراتیک که جمهوری اسلامی تمام‌قد علیه آن بسیج شده است، از دست خواهد رفت.

تا کنون تلاش‌های ناکام را بارها آزمایش کردید، این آزمایش نیز برای شما در خارج کشور رایگان است منتها تاوان سنگین تداوم جمهوری اسلامی را ملت با فلاکت شهروندان و جان عزیزانش، و مملکت با غارت و تخریب مداوم باید بپردازند. انتخاب با شما! مگر اینکه ترجیح شما مدعیان چپ و راست دموکراسی، در صورت عدم اطمینان به پیروزی در رقابت آینده، استمرار جمهوری اسلامی در حال باشد! در اینصورت لطفاً به اینه و وجدان خود مراجعه کنید!



KAYHAN LONDON

● وضعیت برخی صندوق‌های بازنشستگی چنان وخیم است که در عمل به یک ساختار عریض و طویل زیرمجموعه دولت تبدیل شده‌اند که اگر دولت بودجه‌پاشی نکند، آهی در بساط نخواهند داشت.

پر کند که به معنی آنست که ۳۴ سال دیگر نیز باید حق بیمه پرداخته و کار کند تا بتواند بازنشسته شود؛ مگر آنکه زودتر از این ۳۴ سال به سن ۶۲ سالگی برسد.

مصوبه مجلس با ادعای «پلکانی کردن شرایط بازنشستگی» در عمل سن و سابقه کار را برای برخوردارانی فرد شاغل از حقوق و مزایای کامل بازنشستگی افزایش داده و هر فردی که کمتر از سابقه حداکثری و سن مصوبه بازنشسته شود، حقوق و مزایایی بسیار ناچیز دریافت خواهد کرد. به بیان دیگر با این مصوبه به شاغلان تحمیل می‌شود طولانی‌تر کار کنند تا بتوانند به مزایای کامل بازنشستگی دست پیدا کنند.

بر اساس مصوبه جدید در سال ۱۴۰۳ فردی که به سن بازنشستگی رسیده باید ۶ ماه دیگر هم کار کند و حق بیمه بپردازد تا بازنشسته شود. در سال ۱۴۰۴ فردی که به سن بازنشستگی رسیده باید یک سال دیگر کار کند. در سال ۱۴۰۴ افراد در سن بازنشستگی باید ۵/۱ سال و در سال ۱۴۰۵ باید ۲ سال بیشتر کار کنند. به عبارتی در یک دوره ۵ ساله و به تدریج، سن بازنشستگی ۵/۲ سال افزایش پیدا می‌کند.

موافقان و مخالفان چه می‌گویند؟

این مصوبه با موجی از انتقادات از سوی فعالان کارگری و شماری کارشناسان حوزه کار و اقتصاددانان روبرو شده و هر یک از زاویه‌ای این مصوبه را به پرسش کشیده‌اند.

فعالان کارگری معتقدند چنین مصوبه‌ای با هدف نجات صندوق‌های بازنشستگی از ورشکستگی در عمل شاغلان را قربانی می‌کند بدون اینکه به صورت زیربنایی به حل مشکلات صندوق‌ها کمک کرده باشد.

صورت مرتضوی وزیر کار جمهوری اسلامی درباره این مصوبه گفته که «این اصلاحات سنجه‌ای، به منظور پایداری و تاب‌آوری صندوق‌هاست. در حال حاضر ضریب پشتیبانی صندوق‌ها به شدت کاهش یافته و اگر با این روند پیش بروند، در آینده نزدیک صندوق‌ها قادر به پاسخگویی به ذینفعان نخواهند بود.»

در مقابل، حمید حاج اسماعیلی کارشناس بازار کار معتقد است که دولت و مجلس به صورت یکجانبه و بدون مشورت با نمایندگان کارگران و کارفرمایان چنین تصمیم بزرگی

در هفته‌ای که گذشت در حالی که بازنشستگان در ایران به دلیل مشکلات معیشتی و صنفی ده‌ها تجمعی اعتراضی برگزار کردند، مجلس شورای اسلامی با هدف «جبران ناترازی در صندوق‌های بازنشستگی» تغییر شرایط بازنشستگی و محاسبه حقوق بازنشستگان را تصویب کرد. این مصوبه با موجی از انتقادات روبرو شده و به نظر منتقدان، حکومت بار مشکلات را به دوش قشر بازنشسته انداخته و بار دیگر مردم باید هزینه ناکارآمدی نهادهای مسئول را پرداخت کنند.

نسل بازنشستگان که از سوی نسل‌های جوان‌تر به عنوان مقصران پیش‌برد انقلاب ۵۷ شناخته و در عرصه سیاسی سرزنش می‌شوند، در سال‌های گذشته به دلیل مشکلات شدید معیشتی و ناکافی بودن درآمدها و مزایای درمانی و دیگر مسائل صنفی در زیر باران و برف و آفتاب در خیابان‌ها به اعتراض می‌پردازند.

این اعتراضات که از سوی بازنشستگان تحت پوشش صندوق‌های مختلف به صورت هفتگی ادامه دارد، با بی‌توجهی کامل حکومت روبروست. حالا مصوبه‌ای جدید از سوی مجلس شورای اسلامی درباره آندسته شاغلانی که به زودی به جمعیت بازنشستگان افزوده خواهند شد، موجی از انتقاد را به همراه داشته و به نظر می‌رسد به عامل جدیدی برای تشدید اعتراضات صنفی در کشور تبدیل شود.

مصوبه مجلس چه می‌گوید؟

نمایندگان مجلس شورای اسلامی روز یکشنبه ۲۸ آبان در مصوبه‌ای جنجالی و با هدف نجات صندوق‌های بازنشستگی از ورشکستگی و جبران ناترازی در این صندوق‌ها، تغییراتی در جدول‌بندی سن و سابقه کار برای واجد شرایط بازنشستگی بودن و رقم دستمزد و مزایا دادند.

جعفر قادری عضو کمیسیون تلفیق لایحه برنامه هفتم توسعه به «شرق» گفته که افراد برای بازنشستگی باید یکی از دو شرط «حداکثر ۳۰ سال سنوات خدمت برای زنان و ۳۵ سال سنوات خدمت برای مردان» یا «حداکثر ۵۵ سال سن برای زنان و ۶۲ سال سن برای مردان» را داشته باشند. برای مثال فردی که تا کنون شش سال کامل کار کرده و حق بیمه برای او پرداخت شده، طبق این جدول ۴۰ سال در مجموع باید سابقه

را گرفته‌اند. وی گفت: مگر می‌شود درباره چیزی که زندگی انبوهی از مردم را تحت تاثیر قرار می‌دهد بدون اعتنا به نهادهای مدنی تصمیم‌گیری کرد؟!

حمید حاج اسماعیلی مصوبه مجلس را «بحران‌زا» خوانده و معتقد است ساختار اداره صندوق‌های بازنشستگی نیاز به اصلاحاتی جدی دارد اما دولت و مجلس بجای اینکه اصلاحات را درون ساختار و از بالا آغاز کنند با تغییر در شیوه محاسبه سن و سنوات کاری، سن بازنشستگی را بالا می‌برند و می‌گویند اصلاح شد! او می‌گوید، دولت در عمل بار اصلاح در صندوق‌های بازنشستگی را فقط بر دوش مردم انداخته است. مرتضی افقه اقتصاددان نیز معتقد است «اگر این طرح اجرا

شود، ممکن است ورودی درآمدها افزایش پیدا کند اما چون نحوه استفاده از این منابع و «هزینه‌کرد» منابع درست نیست مشکل صندوق‌های بازنشستگی به شکل کامل حل و ریشه‌کن نمی‌شود و ادامه پیدا می‌کند. تمامی تدابیر و سیاست‌های اعمالی، روی معلول‌ها متمرکز شده‌اند و علت را نادیده گرفته‌اند. شاید علت‌ها دیده نمی‌شوند، شاید شناخته نمی‌شوند و حتی شاید عده‌ای، علت‌ها را می‌بینند، اما، چون پای منافع عده‌ای دیگر در میان است، نمی‌توانند مشکل را حل کنند.»

حسن صادقی رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری در واکنش به مصوبه مجلس شورای اسلامی گفت «با افزایش سن بازنشستگی، وضعیت سازمان تأمین اجتماعی به سمتی خواهد رفت که نمی‌تواند پاسخگوی نیاز مستمری‌بگیران و شاغلان باشد و به ناکارآمدی سازمان منتج خواهد شد.»

وی افزوده «یک شاغل ۳۰ سال خدمت، دچار فرسودگی شغلی و استهلاک جسمی و روحی می‌شود، روشن است که با افزایش این سن، او نمی‌تواند کارآمدی مناسبی برای ایفای نقش خود داشته باشد. ضمن اینکه نرخ بیکاری را هم افزایش خواهد داد و جوانان نمی‌توانند وارد بازار کار شوند.»

برخی موافقان این مصوبه، سن بازنشستگی کشورهای توسعه‌یافته اروپایی را مطرح کرده و معتقدند سن بازنشستگی در ایران همچنان از آن کشورها کمتر است. این در حالیست که در آن کشورها شاخص‌هایی چون سلامت و امید به زندگی، و همچنین مزایا و شرایط اشتغال با شرایط اسفبار موجود در جمهوری اسلامی اصلاً قابل مقایسه نیست!

بحرانی به عمر نیم قرن ناکارآمدی و سوء مدیریت

بحران در صندوق‌های بازنشستگی مسئله امروز و دپروز نیست و بررسی وضعیت صندوق‌های بازنشستگی نشان از سوء مدیریت مزمن و انباشت مشکلات طی نیم قرن را نشان می‌دهد. هشدارها درباره مشکلات صندوق‌هایی که به «مپ ساعتی» تشبیه می‌شدند از سال گذشته افزایش پیدا کرد و بارها موضوع «ورشکستگی» آنها تیتز رسانه‌ها شد.

در ایران ۱۸ صندوق بازنشستگی وجود دارد که در مجموع ۲۵ میلیون بازنشسته و مستمری‌بگیر را تحت پوشش قرار داده‌اند. همه این صندوق‌ها با بحران‌های انباشته و زیان‌دهی روبرو هستند. بر اساس گزارش‌ها، کسری منابع این صندوق‌ها امسال در مجموع حدود ۳۰۰ هزار میلیارد تومان عنوان و پیش‌بینی شده با ادامه شرایط کنونی کسری منابع آنها تا سه سال دیگر و در سال ۱۴۰۵ به ۸۰۰ هزار میلیارد تومان برسد. هرچند برخی حفظ ظاهر کرده‌اند اما در عمل همه آنها ورشکسته محسوب می‌شوند. وضعیت برخی از صندوق‌ها چنان وخیم است که در عمل به یک ساختار عریض و طویل زیرمجموعه دولت تبدیل شده‌اند که اگر دولت بودجه‌پاشی نکند، آهی در بساط نخواهند داشت. برای نمونه سهم صندوق‌های بازنشستگی از بودجه سال ۱۴۰۲ تا ۲۵ درصد افزایش یافت و به رقم ۳۳۰ هزار میلیارد تومان رسید. همچنین تعدادی از صندوق‌های بازنشستگی بیش از ۸۰ درصد آنچه را در قالب مستمری به بازنشستگان پرداخت می‌کنند از بودجه

دولت می‌گیرند. یک دهه پیش رقم تخصیص یافته به این صندوق‌ها حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان بود و طی ده سال حدود یازده برابر افزایش یافته است. این در حالیست که صندوق‌های بازنشستگی نباید با بودجه دولت مستمري‌ها را پرداخت کنند بلکه قرار بوده با سرمایه‌گذاری، درآمد داشته و حتی منابعی مازاد نیز ایجاد کنند!

سجاد پادام مدیرکل وقت بیمه‌های اجتماعی وزارت کارچند ماه پیش درباره وضعیت صندوق‌های بازنشستگی هشدار داده و گفته بود که «به زودی مجبور خواهیم شد کیش و قشم و خوزستان را بفروسیم تا بتوانیم حقوق بازنشستگان را بدهیم.»

هرچند سجاد پادام بلافاصله پس از این اظهارات برکنار شد اما آنچه در صندوق‌های بازنشستگی در جریان است چندان دور از پیش‌بینی هشدارآمیز او نیست. به ویژه با توجه به اینکه جمعیت ایران رو به پیر شدن می‌رود و در سال‌های آینده همواره بر تعداد بازنشستگان افزوده خواهد شد و از سوی دیگر شمار شاغلان و بیمه‌پردازان نیز به همان نسبت کاهش خواهد یافت.

از سوی دیگر، برخی قوانین و مصوبات ناپخته مانند معافیت‌های کارفرمایان کارگاه‌های کوچک از پرداخت حق بیمه، موقتی بودن قراردادهای کار و ازدیاد شرکت‌های پیمانکاری نیروی انسانی که به اشکال مختلف از پرداخت حق بیمه به ویژه برای کارگران فرار می‌کنند نیز سبب کاهش درآمدهای صندوق‌هایی چون سازمان تأمین اجتماعی شده است. ناصر چمنی فعال کارگری به تازگی اعلام کرد که «۹۶ درصد کارگران قرارداد موقت دارند». جدا از آنکه این قراردادهای موقت حقوق کارگران را پایمال و امنیت شغلی آنها را به خطر انداخته، کارفرمایان را نیز مجبور به بیمه کردن کارگران و پرداخت سهم خود می‌کند.

سفره گسترده برای مافیای فاسد حکومتی

بخش «سرمایه‌گذاری» صندوق‌های بازنشستگی و فعالیت اقتصادی و بنگاهداری آنها البته بخش جذاب برای ساختار فاسد و مافیایی وابستگان حکومت است. بطوری که هر کدام از صندوق‌های بازنشستگی به یکی دیگر از سفره‌ی گسترده‌ی انقلاب برای وابستگان حکومت تبدیل شده و حتی مافیاهای وابسته به جریان‌های مختلف حاکم نیز برای تسخیر مدیریت

صندوق‌ها به نبردهای پنهان با یکدیگر می‌پردازند. سالاهاست که گزارش‌های مختلفی از اختلاس، پولشویی، زمین‌خواری و ارتزاق از منابع بازنشستگان در صندوق‌های بازنشستگی توسط مدیران ارشد و میانی منتشر می‌شود.

آذرماه سال ۹۴ محمود اسلامی مدیرعامل صندوق بازنشستگی در کنفرانس خبری به گونه‌هایی از فساد مالی در این صندوق پرداخت. او از جمله به بدهی ۱۲۰ میلیون دلاری یک فرد ساکن آمریکا به صندوق بازنشستگی، فروش زمین ۵ هزار متری صندوق به یک پنجم قیمت و فروش زمین دیگری به قیمت ۱۱۸ میلیارد تومان کمتر از ارزش واقعی اشاره کرد.

فساد ۱۴ هزار میلیارد تومانی در صندوق ذخیره فرهنگیان، فساد ارزی ۱۲۰ میلیون دلاری و واگذاری غیرقانونی زمین ۱۵۰ میلیارد تومانی در صندوق بازنشستگی کشور، فساد هزار میلیارد تومانی و فساد ۱۰ میلیون یورویی در سازمان تأمین اجتماعی تنها گوشه‌ای از پرونده‌های فساد افشاشده در صندوق‌های بازنشستگی کشورند. تنها در مدت کوتاه دو ساله‌ای که سعید مرتضوی ریاست سازمان تأمین اجتماعی را بر عهده داشت دو پرونده مهم فساد ۲/۵ میلیون یورو و ۸۲ میلیارد یورو زاپین افشا شد.

پرونده‌های فساد در صندوق‌های بازنشستگی در روزهای گذشته و در پی مصوبه مجلس بارها مورد اشاره کارشناسان و فعالان صنفی قرار گرفته است. در همین رابطه علی خدایی عضو کارگری شورای عالی کار گفته که «سال‌های سال است حواشی شرکت‌های سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی- شستا را می‌شنوید! کدام اقدام موثری برای جلوگیری از این ناکارآمدی‌ها صورت دادید؟ چطور امیدوار باشیم، با افزایش سابقه بازنشستگی و تنفس مقطعی برای تأمین اجتماعی، مشکلات حل می‌شود؟»

در چنین شرایطی دولت و مجلس شورای اسلامی که خود بخشی از مافیاهای فاسد حکومتی هستند نیز توان و اراده‌ای برای رویارویی با شبکه مافیایی که بر صندوق‌های بازنشستگی کشور چنگ انداخته ندارند. در این میان بجای حل مشکل، تنها با مصوبه‌ای به پاک کردن صورت مسئله پرداخته و طبق معمول تقصیر ناکارآمدی و تباهکاری حکومت را بر دوش مردم انداخته‌اند! روشنگ آسترکی



شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با پاتریک بت-دیوید: جمهوری اسلامی بیش از همه از قدرت مردم ایران می‌ترسد



شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با پاتریک بت-دیوید در برنامه «PBD» پادکست

درصد مردم با اداره کشور با «حکومت مذهبی» مخالف‌اند و تنها ۲۸ درصد از نظام دینی حمایت می‌کنند که کمتر از یک سوم مردم هستند. در همین نظرسنجی، ۶۴ درصد مردم با دید مثبت به خدمات محمدرضا شاه پهلوی نگاه می‌کنند و تنها ۲۸ درصد خدمات او را منفی ارزیابی کرده‌اند. پاتریک بت-دیوید با اشاره به این اعداد و ارقام می‌گوید در ۴۴ سال گذشته موارد متعددی از تلاش مردم برای تغییر نظام و بازگرداندن آزادی و برقراری دموکراسی به ایران انجام شده اما شکست خورده است. وی از شاهزاده رضا پهلوی می‌پرسد وضعیت مردم امروز چه تفاوتی با گذشته دارد؟ در پاسخ به این پرسش شاهزاده رضا پهلوی می‌گوید «فکر می‌کنم قبل از همه اینها مهمترین چیزی که همه باید درک کنند مسیری است که مردم ایران حداقل در یک قرن اخیر طی کرده‌اند. در ابتدای قرن بیستم ایران انقلاب مشروطه را داشت، ما اولین کشوری بودیم که از نظام مطلقه به نظام پادشاهی پارلمانی رسیدیم و این در روزگار خودش یک جهش رو به جلو بود. اما بیشترین عاملی که باعث خروج ایران از توسعه‌نیافتگی و عقب‌ماندگی دوره قاجار شد، ظهور مدرنیته و سکولاریسم بود که پدر بزرگ اوایل قرن بیستم وارد کشور کرد و این یک تغییر اساسی در یک جامعه بسیار سنتی و مذهبی بود. آن دوران هیچ نهاد مدنی در ایران وجود نداشت. نه خبری از پلیس و ارتش بود و نه اداره پست. وقتی پدرم زمام امور را در اواخر جنگ جهانی دوم به دست گرفت از طریق انقلاب سفید این مدرنیته را ادامه داد؛ چیزی که آن دوران رویایی بود و زمینه آزادی و برابری فراهم شد. زنان حق رأی گرفته و در سیاست مشارکت کردند. فرصت‌های اقتصادی ایجاد شد.»

ایران پیش از انقلاب ۵۷ در منطقه منحصراً به فرد بود

وی در مورد شرایط مردم در پیش از وقوع انقلاب

مسموم می‌کنند یا به صورت مردم شلیک می‌کنند.»
«طوری که من خودم را در فردای ایران می‌بینم در یک کاخ سلطنتی یا کاخ ریاست جمهوری گرفتار نیستم. ترجیح می‌دهم در آینده ایران به نقاط مختلف کشور بروم تا از نزدیک مشکلات را ببینم تا اینکه پشت یک میز با یک گروه بوروکرات بنشینم و کار اجرایی کنم.»

شاهزاده رضا پهلوی در گفتگویی مفصل با پاتریک بت-دیوید نویسنده و برنامه‌ساز ایرانی-آمریکایی که روز شنبه ۱۹ نوامبر ۲۰۲۳ (۲۷ آبان ۱۴۰۲) از کانال یوتیوب «Valuetainment» پخش شد، درباره مسائل مختلف از جمله عوامل منجر به انقلاب اسلامی ۵۷ در ایران و پیامدهای منفی آن بر سرنوشت مردم و همزیستی در خاورمیانه و همچنین نقش دولت‌های خارجی در تحولات مرتبط با ایران سخن گفت.

در مقدمه این برنامه پاتریک بت-دیوید با اشاره به اینکه در آمریکا بزرگ شده ولی خودش را ایرانی می‌داند و آرزو دارد روزی فرزندانش کشور پدرشان را ببینند، به شرح مختصری از وقایع ایران در تاریخ معاصر به ویژه پیشرفت‌های کشور در دوران دومین پادشاه پهلوی پرداخت و با اشاره به شرایط وخیم و گسترش هرج و مرج در خاورمیانه و احتمال وقوع یک جنگ فراگیر توضیح داد که محمدرضا شاه پهلوی خدمات زیادی داشت و ایران را به کشوری بهتر تبدیل کرد.

وی پرسش‌های خود را با اشاره به نتایج یک نظرسنجی مؤسسه «گمان» (مستقر در هلند) آغاز کرد که داده‌های آماری آن نشان می‌دهد بیش از ۶۰ درصد مردم ایران خواهان «تغییر رژیم» در ایران هستند. همچنین بر اساس همین آمار ۸۸ درصد مردم ایران خواهان برقراری یک حکومت دموکراتیک در کشور هستند که اکنون از آن برخوردار نیستند و ۶۷

«بیشترین عاملی که باعث خروج ایران از توسعه نیافتگی و عقب‌ماندگی دوره قاجار شد ظهور مدرنیته و سکولاریسم بود که پدر بزرگ اوایل قرن بیستم وارد کشور کرد و این یک تغییر اساسی در یک جامعه بسیار سنتی و مذهبی بود. آن دوران هیچ نهاد مدنی در ایران وجود نداشت.»

«ما اولین کشوری بودیم که از نظام مطلقه به نظام پادشاهی پارلمانی رسیدیم و این در روزگار خودش یک جهش رو به جلو بود.»

«پیش از وقوع انقلاب اسلامی ۵۷ در ایران از بعضی جهات دیدگاه‌های کاملاً سوسیالیستی به اجرا گذاشته شد. مثل دادن سهام به کارگران و سهم کردن آنها در سود کارخانه‌ها. در هیچ‌کدام از کشورهای سوسیالیستی چنین چیزی اتفاق نیفتاده بود. وقتی به سایر کشورهای منطقه در آن دوران در مقایسه با ایران نگاه می‌کنیم وضعیت کاملاً منحصر به فرد بود.»

«بقای جمهوری اسلامی ربطی به قدرت‌های پشتیبان آن اعم از چین و روسیه یا سایرین ندارد. مردم ایران اصلی‌ترین عامل برای تغییر هستند. بسیاری از ایرانی‌ها امروز در سنی هستند که خیلی چیزها را برای اولین بار تجربه می‌کنند. بسیاری از آزادی‌هایی که با روی کار آمدن این رژیم از دست رفت و مردم دنبال آن هستند قبل از انقلاب وجود داشت.»

«از زمان روی کار آمدن دولت جدید در واشنگتن [دولت بایدن] جمهوری اسلامی به بیش از ۹۰ میلیارد دلار درآمد دسترسی یافت. رقمی بیشتر از زمانی که جمهوری اسلامی در تحریم نبود! این پول برای مردم از جمله کارگران یا سفره مردم خرج نشده است.»

«حکومت بیش از همه از قدرت مردم می‌ترسد. بنابراین عوامل رژیم به مدارس دخترانه می‌روند و آنها را

اقتصادی است. درآمد آنها حتا کفاف داشت تغذیه مناسب را نمی‌دهد. حدود ۶۰ درصد جامعه ایران در فقر یا زیر خط فقر زندگی می‌کنند. از مشکلات اساسی در ایران بیکاری است. مردم برای امرار معاش مجبورند اعضای بدن خود را بفروشند تا بتوانند اجاره‌ی منزل را بپردازند. از زمان روی کار آمدن دولت جدید در واشنگتن [دولت بایدن] جمهوری اسلامی به بیش از ۹۰ میلیارد دلار درآمد دسترسی یافت. رقمی بیشتر از زمانی که جمهوری اسلامی در تحریم نبود! این پول برای مردم از جمله کارگران یا سفره مردم خرج نشده. در عوض این پول‌ها خرج گروه‌های نیابتی مثل حزب‌الله و حماس شد. آنها در منطقه به دشمنی دامن می‌زنند مثلاً با حوثی‌ها علیه عربستان اقدام می‌کنند یا به روس‌ها در جنگ علیه اوکراین کمک می‌کنند. مردم می‌دانند هرچه می‌گذرد بیشتر فقیر می‌شوند.»

شاهزاده رضا پهلوی در ادامه به کاهش سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران و فرسودگی زیرساخت‌ها و ورشکستگی بنگاه‌های مالی اشاره کرد و گفت: «نیمی از بانک‌های ما عملاً ورشکسته است. مردم نمی‌دانند صاحب دارایی‌هایی که در بانک گذاشتند هستند یا نه!»

حکومت بیش از همه از مردم می‌ترسد

محور اصلی گفتگو در نیمه دوم این مصاحبه طولانی و سه ساعته، قدرت مردم برای ایجاد تغییر بود. شاهزاده رضا پهلوی درباره نقش اراده مردم برای ایجاد تغییر اساسی در ایران گفت: «حکومت بیش از همه از قدرت مردم می‌ترسد. بنابراین عوامل رژیم به مدارس دخترانه می‌روند و آنها را مسموم می‌کنند یا به صورت مردم شلیک می‌کنند. برای کشتن گردها نیرو به آن مناطق اعزام می‌کنند. تا وقتی آنها ببینند جامعه جهانی از مردم ایران پشتیبانی نمی‌کند به این اقدامات ادامه خواهند داد. آنها از ضعف سیاست خارجی دولت‌ها بهره‌برداری می‌کنند. دولت‌های غربی می‌توانند با افزایش فشار به رژیم، توانایی آن را برای سرکوب در داخل و تهاجم در خارج کاهش دهند. باید به موازات آن، سیاست حمایت حداکثری از مردم ایران را پیش بگیرند. فرصت برای مردم و برای ایجاد فشار از درون به وجود آورد.»

از پرسش‌های دیگر پاتریک بت-دیوید درباره نقش شاهزاده در مبارزات مردم علیه حکومت و همچنین در آینده ایران بود. وی پرسید «آیا واقعاً می‌خواهید برای ایجاد یک تغییر در ایران رهبری را به عهده بگیرید؟» شاهزاده پاسخ داد: «طوری که من خودم را در فردای ایران می‌بینم در یک کاخ سلطنتی یا کاخ ریاست جمهوری گرفتار نیستم. ترجیح می‌دهم در آینده ایران به نقاط مختلف کشور بروم تا از نزدیک مشکلات را ببینم تا اینکه پشت یک میز با یک گروه بوروکرات بنشینم و کار اجرایی کنم. افراد زیادی هستند که می‌توانند این نقش‌ها را به عهده بگیرند. ایرانی‌ها نباید به من اینطور نگاه کنند که همه چیز حول و حوش من می‌چرخد؛ این خدمتی به ملت نمی‌کند.» وی بار دیگر مانند همه گفتگوهای دیگر تأکید کرد: «من دنبال سود و منفعت شخصی نیستم و بیشترین تلاشم برای توانمند ساختن مردم ایران است تا بعد از سرنگونی حکومت با تشکیل یک مجلس مؤسسان و ایجاد نهادهای مدنی و مشارکت احزاب مختلف انتخابات آزاد برگزار کنند و شکل حکومتی را که می‌خواهند تعیین کنند.»

گفتنی است که پاتریک بت-دیوید برنامه‌ساز و مجری این گفتگو با استفاده از هوش مصنوعی، همزمان ترجمه این مصاحبه به فارسی را نیز در اختیار بینندگان قرار داد. هرچند این ترجمه دقیق نیست و با کمبود واژه و تلفظ همراه است اما با استقبال مخاطبان ایرانی روبرو شد.

عامل برای تغییر هستند. بسیاری از ایرانی‌ها امروز در سنی هستند که خیلی چیزها را برای اولین بار تجربه می‌کنند. بسیاری از آزادی‌هایی که با روی کار آمدن این رژیم از دست رفت و مردم دنبال آن هستند قبل از انقلاب وجود داشت. آن زمان اقلیت‌های دینی و زنان آزاد بودند. ما تبعیض را به شکلی که امروز در ایران می‌بینیم قبل از انقلاب نداشتیم. بهایی، یهودی یا مسیحی تفاوتی نمی‌کرد.»

شاهزاده رضا پهلوی ادامه داد: «یکی از زیباترین لحظه‌هایی که از آن دوران یادم هست صعود ایران برای اولین بار به جام جهانی بود. بازی را در تهران در استادیوم تماشا می‌کردم. حدود ۱۱۵ هزار نفر در یک استادیوم ۱۰۰هزار نفری جمع شده بودند. با کویت مسابقه داشتیم. چرا این را مطرح کردم برای اینکه در آن تیم ملی از همه ایران نماینده داشتیم: از آبادان بازیکنی با پوست تیره تا بازیکنانی از شمال ایران با پوست روشن‌تر. بازیکن ارمنی و آذری داشتیم و بازیکنان گُرد داشتیم. اصلاً تبعیض معنا نداشت. کسی به معنای واقعی احساس نمی‌کرد در اقلیت است. این چیز است که این رژیم ایجاد کرد. ما سزاوار داشتیم یک رژیم بهتر هستیم. ما امروز باید ژاپن خاورمیانه می‌بودیم نه کره شمالی. ما همه‌ی پتانسیل‌ها را داشتیم و هنوز هم داریم. مسئولیت من علاوه بر امید دادن به مردم ایران توانمند ساختن آنها برای دستیابی به هدفشان است. مردم باید باور داشته باشند که می‌توانند تغییر به وجود بیاورند. ما دشواری‌ها و خطرات راه را می‌دانیم. کار آسان نیست اما باید به خودمان باور داشته باشیم.»

تسلیم نخواهیم شد

شاهزاده رضا پهلوی با تأکید مجدد روی نقش اساسی مردم برای تغییر رژیم در ایران عنوان کرد: «ما برای دستیابی به حقوق‌مان از جمله آزادی و حق تعیین سرنوشت و حقوق بشر تسلیم نخواهیم شد اما همه اینها بستگی به آن دارد که از شرّ بلایی که کشورمان به آن دچار است رها شویم.» در بخش دیگری از این گفتگو موضوع ضرورت حمایت کشورهای قدرتمند غربی از مردم ایران مطرح شد که خود را مدافع حقوق بشر و دموکراسی می‌دانند. شاهزاده رضا پهلوی در اینباره گفت: «پیام ما به بقیه جهان این است که وقتی ارزش‌های انسانی در زمینه آزادی و حقوق بشر و برابری و پایان دادن به هر نوع تبعیض را به اشتراک می‌گذاریم و ارزش‌های شما برای ما ارزش محسوب می‌شود، در اصل ما متحد شما هستیم و انتظار داریم غربی‌ها از مردم ایران حمایت کنند. منافع اقتصادی و سیاسی دولت‌های غربی هم وقتی تأمین خواهد شد که حکومت مردمی در ایران سر کار باشد. ما باید با هم کار کنیم. البته معتقدم ما باید اول روی پای خودمان بایستیم.»

وی با بیان اینکه مسیر دستیابی به آزادی سخت است و آسان به دست نمی‌آید تأکید کرد: «با تمام این سختی‌ها معتقدم نور در انتهای این تونل دیده می‌شود.» وی افزود: «سیاست کشورهای کلیدی نقش مهمی را در وضعیت ایران ایفا می‌کند اما این به معنای این نیست که همه چیز وابسته به آنهاست. ما باید هرکاری که می‌توانیم انجام دهیم و نمی‌توانیم به کسی جز خودمان متکی باشیم.»

چالش‌هایی که مردم با آن روبرو هستند

پاتریک بت-دیوید در بخش دیگری از این مصاحبه با اشاره به مشکلات شدید اقتصادی از جمله تورم که مردم در ایران با آن دست به گریبان هستند درباره چالش‌های مختلف از جمله بحران کم‌آبی و مسائل اقتصادی پرسید. شاهزاده پاسخ داد: «بزرگترین مشکل مردم ایران مشکل

اسلامی در ایران گفت: «از بعضی جهات دیدگاه‌های کاملاً سوسیالیستی به اجرا گذاشته شد مثل دادن سهام شرکت‌ها به کارگران و سهیم کردن آنها در سود کارخانه‌ها. در هیچکدام از کشورهای سوسیالیستی چنین چیزی اتفاق نیفتاده بود. وقتی به سایر کشورهای منطقه در آن دوران در مقایسه با ایران نگاه می‌کنیم وضعیت کاملاً منحصر به فرد بود. برای رسیدن به همه این پیشرفت‌ها نیاز به ثبات بود. بنابراین مهم بود که با سایر کشورهای حوزه خلیج فارس و همسایگان از جمله اتحاد جماهیر شوروی روابط حسنه داشته باشیم. در آن دوران در روابط با اروپا و آمریکا و چین سیاست بسیار متعادلی داشتیم.»

شاهزاده رضا پهلوی در این ارتباط که چرا در آن دوران ایران با دولت‌های غربی روابط بهتری داشت می‌گوید: «به نظرم در شرایط جنگ سرد با توجه به وضعیت کشورهای کمونیستی چاره‌ای جز نگاه به غرب نداشتیم. برخلاف دنیای کمونیستی، اقتصاد غرب بازار آزاد بود. این وضعیت توضیح می‌داد چرا ما بیشتر نزدیک به غربی‌ها بودیم. سطح روابط ایران آن دوران با دولت‌های اروپایی نسبت به سایر بلوک‌ها بالاتر بود اما این به معنای قطع روابط با شرقی‌ها نبود. فکر می‌کنم بخش عمده‌ای از پیشرفت‌هایی که در زمینه‌های مختلف در این دهه‌ها در ایران اتفاق افتاد حاصل همین سیاست‌گذاری بود. در آن دوران جامعه مدنی تقویت شد که در کنار ساختار حکومت برای هر کشوری بسیار مهم است.»

مردم متوجه شدند که این رژیم اصلاح‌پذیر نیست

بخشی از گفتگوی شاهزاده رضا پهلوی در این مصاحبه بطور مشخص در مورد دیدگاه‌های نسل‌های جوان ایران بود. نسل‌هایی که پس از وقوع انقلاب و در دهه‌های بعدی متولد شدند اما به دنبال آزادی‌هایی هستند که پیش از انقلاب در ایران وجود داشت. وی با اشاره به دگرگونی‌های اساسی در بطن جامعه گفت: «مردم ایران برای داشتن آینده‌ی دموکراتیک آماده هستند. نسل جوانتر در ایران از پدران و مادران شنیده‌اند که ایران قبل از انقلاب چه شرایطی داشت. آنچه در آن روز وجود داشت اکنون الگوی جوان‌هاست. رژیم دو سه دهه شانس اصلاح شرایط را داشت. اما مردم به این نتیجه رسیدند که رژیم اصلاح‌پذیر نیست. راهکار نهایی گذار از جمهوری اسلامی است. تا وقتی این حکومت در ایران حاکم است ما نمی‌توانیم به هیچکدام از خواسته‌های خود برای داشتن آینده بهتر برسیم.»

باید ژاپن خاورمیانه می‌بودیم اما کره شمالی شدیم

یکی از مباحثی که پاتریک بت-دیوید در این برنامه با شاهزاده رضا پهلوی مطرح کرد درباره حمایت‌های جمهوری خلق چین و روسیه از جمهوری اسلامی و تأثیر آن در بقای نظام بود. وی گفت که «بسیاری مردم می‌گویند تغییر رژیم در ایران ممکن نیست. ایران اکنون یک قرارداد ۲۵ ساله ۴۰۰ میلیارد دلاری با چین دارد. آنها توسط روسیه حمایت می‌شوند و از رژیم ایران حمایت می‌کنند. از سوی دیگر، ترکیه را داریم که یکی از قوی‌ترین ارتش‌ها را دارد.»

شاهزاده در پاسخ به این پرسش گفت: «رویدادهایی در دوران زندگی من اتفاق افتاده که شاید هرگز تصور آن را نمی‌کردم. مثلاً سقوط دیوار برلین را فکر نمی‌کردم، اما این اتفاق افتاد. منظورم این است که رویدادهای مهمی در دنیا پدید می‌آید که ممکن است مردم فکرش را هم نکنند اما اتفاق می‌افتد. هر لحظه ممکن است هرچیزی تغییر کند. بقای جمهوری اسلامی ربطی به قدرت‌های پشتیبان آن اعم از چین و روسیه یا سایرین ندارد. مردم ایران اصلی‌ترین

شاهزاده رضا پهلوی در مصاحبه با شبکه «آی ۲۴»: گروگانگیری حماس نسخه برداری از جمهوری اسلامی است؛ باید با منشاء تروریسم مقابله کرد



شاهزاده رضا پهلوی در گفتگو با i24

● «کل این ماجرای گروگانگیری تازه نیست! از زمانی شروع شد که در تهران کارکنان سفارت آمریکا به گروگان گرفته شدند و تا امروز شاهد هستیم گروه‌های دست نشانده رژیم نیز همانطور عمل می‌کنند. آنها به دلیل تردید و وضعی که از دولت‌های غربی دیده‌اند یاد گرفته‌اند که گروگانگیری یک ابزار سودمند است.»

● «اگر تسلیم اخاذی شوید، آنوقت باید انتظار داشته باشیم که آنها گروگان‌های بیشتری بگیرند. در ارتباط با این موضوع نیز در واقع اینکه شما با علائم بیماری مبارزه کنید، یک چیز است. مسئله اینست که شما باید با عامل بیماری مقابله کنید و عامل بیماری، منبع همان چیز است که منشأ رادیکالیسم و تروریسم است.»

● «بدیهی است برای جمهوری اسلامی که نمی‌خواهد روند صلح میان دولت‌های عربی و اسرائیل و «پیمان ابراهیم» نتیجه داشته باشد، پس سعی کردند آن را تخریب کنند که کار همیشگی آنهاست. آنها سعی کرده‌اند با این نوع اقدامات اعتبار نیز کسب کنند اما در مورد مسئولیت‌پذیری و مواجهه با عواقب آن، همیشه تلاش می‌کنند از زیر بار آن شانه خالی کنند. این تاکتیک آنهاست.»

شاهزاده رضا پهلوی روز چهارشنبه ۲۲ اکتبر (یکم آذرماه)، در مصاحبه با شبکه «آی ۲۴» با موضوع توافق موقت برای توقف درگیری میان اسرائیل و گروه حماس برای آزادی تعدادی از گروگان‌های حماس که در حمله مرگبار «هفت اکتبر» به اسارت برده شدند می‌گوید «استراتژی گروگانگیری گروه‌های جهادی» درست نسخه‌برداری از سناریویی است که جمهوری اسلامی آن را نوشته است.

وی در این مصاحبه برخورد با گروه تروریستی حماس را مقابله با «علائم بیماری» خواند و تأکید کرد «علاج واقعی» وقتی است که منشاء تروریسم یعنی رژیم ملاحا از بین برود.

● **اعلیحضرت، اسرائیل به تازگی با حماس بر سر یک آتش‌بس چهار روزه و آزادی ۵۰ گروگان به توافق رسیده؛ آیا به نظر شما توافق با یک گروه وحشی مثل حماس توافق خوبی است یا بد؟**

– خُب، اول از همه در سطح بشردوستانه، مطمئناً کسی نمی‌تواند از دیدن اینکه عزیزان خانواده‌ها به آنان برگردانده می‌شوند، خرسند نباشد. در واقع یک مسئله بشردوستانه است، با این حال، اجازه دهید با این نکته شروع کنم که کل این ماجرای گروگانگیری تازه نیست! از زمانی شروع شد که در تهران کارکنان سفارت آمریکا به گروگان گرفته شدند و تا امروز شاهد هستیم گروه‌های دست نشانده رژیم نیز همانطور عمل می‌کنند. آنها به دلیل تردید و وضعی که از دولت‌های غربی دیده‌اند یاد گرفته‌اند که گروگانگیری یک ابزار سودمند است.

اخیراً دولت بایدن در ازای آزادی برخی گروگان‌ها به جمهوری اسلامی پول پرداخت. آنچه می‌خواهم بگویم این است که اگر تسلیم اخاذی شوید، آنوقت باید انتظار داشته

جمهوری اسلامی شرکایش را قربانی بقای نظام می‌کند؛ غربی‌ها روی این واقعیت حساب باز کرده‌اند

● همزمان با توافق اسرائیل با حماس برای توقف موقت جنگ دست‌کم پنج نفر از فرماندهان ارشد حزب‌الله لبنان از جمله عباس رعد پسر محمد رعد از نمایندگان ارشد وابسته به حزب‌الله در پارلمان لبنان در حمله اسرائیل کشته شدند.

● حزب‌الله نه تنها درباره «انتقام خون» این فرماندهان هنوز بی‌بانه‌ای نداده بلکه اعلام کرده به «آتش‌بس» چهار روزه حماس و اسرائیل پایبند خواهد بود. بنیامین نتانیاهو گفته حزب‌الله اصلاً بخشی از تعهدات اسرائیل برای توقف موقت جنگ نبوده است!

● حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی که به بیروت رفته در دیدار با نخست‌وزیر لبنان گفته «جمهوری اسلامی به دنبال توسعه جنگ در منطقه نبوده و نیست زیرا اگر چنین بود، شرایط منطقه بطور کلی تغییر می‌کرد.»

● حکومت برای دستیابی به هدف‌های بلندمدت بی‌گدار به آب نمی‌زند. شاید فعلاً «بزن در رو» بهترین تاکتیک باشد. ● هیچ بعید نیست حماس یا فرماندهان آن و حتا فرماندهان حزب‌الله و سایر گروه‌های شبه‌نظامی وفادار به سپاه پاسداران قربانی منافع جمهوری اسلامی یا کارت بازی مقابل قدرت‌های غربی و منطقه‌ای شوند.

حامد محمدی - همزمان با توافق اسرائیل با حماس برای توقف موقت جنگ در غزه در ازای آزادی ۵۰ نفر از گروگان‌های حمله تروریستی «هفت اکتبر» در شرایطی که وزیر خارجه جمهوری اسلامی برای دیدار با مقامات لبنان و رهبران حزب‌الله به بیروت رفته بود، گزارش شد که دست‌کم پنج نفر از فرماندهان ارشد حزب‌الله لبنان از جمله عباس رعد پسر محمد رعد (رئیس فراکسیون الوفاء) از نمایندگان ارشد وابسته به حزب‌الله در پارلمان لبنان در حمله اسرائیل کشته شدند. منابع غربی به نقل از مقامات امنیتی تأیید کردند که این افراد در یک ساختمان در «بیت یاحون» در جنوب لبنان نزدیک مرز اسرائیل حضور داشتند. حزب‌الله در بیانیه‌ای اعلام کرد که عباس رعد «در راه قدس به شهادت رسید.»

تجربه نشان می‌دهد در چنین مواردی رهبران و فرماندهان حزب‌الله به صورت رسمی یا در مصاحبه‌ها بلافاصله صحبت از اقدام تلافی‌جویانه یا گرفتن انتقام خون نیروهای از دست رفته خود می‌کنند. اما اینبار هنوز صحبتی از انتقام نشده است. حتا حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی روز چهارشنبه در دیدار با نجیب میقاتی نخست‌وزیر لبنان گفت: «جمهوری اسلامی به دنبال توسعه جنگ در منطقه نبوده و نیست زیرا اگر چنین بود، شرایط منطقه بطور کلی تغییر می‌کرد.»

پس از کشته شدن دست‌کم پنج فرمانده ارشد میدانی حزب‌الله در حملات اسرائیل به جنوب لبنان نیز نه تنها موضوع

باشیم که آنها گروگان‌های بیشتری بگیرند. در ارتباط با این موضوع نیز در واقع اینکه شما با علائم بیماری مبارزه کنید، یک چیز است. مسئله اینست که شما باید با عامل بیماری مقابله کنید و عامل بیماری، منبع همان چیز است که منشأ رادیکالیسم و تروریسم است و دوباره به رژیم در تهران بر می‌گردد که اصلی‌ترین تأمین‌کننده مالی گروه‌هایی مانند حماس است.

● **بر اساس آنچه گفتید اعلیحضرت، جمهوری اسلامی چه نقشی در درگیری کنونی میان اسرائیل و حماس داشته است؟**

- بدیهی است برای جمهوری اسلامی که نمی‌خواهد روند صلح میان دولت‌های عربی و اسرائیل و «پیمان ابراهیم» نتیجه داشته باشد، پس سعی کردند آن را تخریب کنند که کار همیشگی آنهاست. آنها سعی کرده‌اند با این نوع اقدامات اعتبار نیز کسب کنند اما در مورد مسئولیت‌پذیری و مواجهه با عواقب آن، همیشه تلاش می‌کنند از زیر بار آن شانه خالی کنند. این تاکتیک آنهاست و به همین دلیل است که آنها گروه‌های نیابتی دارند زیرا تا کنون توانسته‌اند با سرکوب در داخل و منحرف کردن جهان به مشکلات دیگر از جمله درگیری‌های منطقه‌ای و البته مسائلی مثل حمله تروریستی اخیر به اسرائیل، خود را در قدرت حفظ کنند. نیابتی‌های رژیم فعال‌اند و روز به روز در تأمین مالی می‌شوند، آموزش می‌بینند و مسلح می‌شوند.

واضح است که چرا رژیم اینهمه پول را بجای اینکه برای مردم خرج کند در منطقه هزینه کرده. قصدش استفاده از گروه‌های نیابتی در مقاطع لازم برای تخریب و ایجاد بی‌ثباتی است. این تاکتیک است که در چهار دهه گذشته همیشه به کار گرفته و جز این [از جمهوری اسلامی] سراغ نداریم.

احساس کنند علی خامنه‌ای و سپاه پاسداران در روزهای سخت پشت آنها را خالی می‌کند یا حتا آنها را قربانی منافع جمهوری اسلامی خواهند کرد، شواهد و مدارک میدانی کم نیست. همینکه نیروهای حماس می‌پرسند چرا در جنگ با اسرائیل خیری از کمک‌ها نشد به اندازه کافی گویاست! در تمام ۴۴ سال گذشته نیز پیام رژیم ایران برای غرب همین بوده است: با ما همکاری کنید و سرکوب و جنایت‌ها را در داخل نادیده بگیرید.

این احتمال نیز که عقب‌نشینی جمهوری اسلامی از اقدام علیه اسرائیل همراه با کشیدن افسار حزب‌الله، پیام به غرب باشد دور از ذهن نیست. در اوج درگیری‌ها در غزه علی باقری کنی به ژنو رفت تا با انریکه مورا نماینده اتحادیه اروپا در مذاکرات اتمی گفتگو کند. همزمان جمهوری اسلامی علنی به رهبران غرب پیام داد که آماده میانجیگری برای آزادی شهروندانی است که حماس به گروگان گرفته است. مشابه همان روشی که از طریق آن میلیاردها دلار پول بلوکه شده آزاد شد. اینکه مقامات آمریکایی مدام می‌گویند «شواهد و مدارک کافی از دخالت جمهوری اسلامی در حمله حماس به اسرائیل موجود نیست» می‌تواند نشأت گرفته از امیدواری دائمی آنها به سازگار کردن جمهوری اسلامی از طریق دیپلماتیک با دادن امتیازات مداوم به آن باشد. آنها در برابر رژیم ایران بدون گزینه مانده و خود را «به کوچکی علی‌چپ» زده‌اند. در این میان، پیداست که جمهوری اسلامی خود را برنده عملیات «طوفان الاقصی» می‌داند.

رژیم ایران غیرمستقیم سنگین‌ترین ضربه را به اسرائیل و یهودی‌ها بعد از جنگ دوم جهانی زده اما مقامات غربی بی‌هیچ پروایی با وزیر خارجه و دیپلمات‌های رژیم دیدار و

ما هستند و ما همان آنهایم که در غزه و لبنان و یمن و عراق و سوریه حضور داریم؛ پس از صحنه خارج نشده‌ایم که بخواهیم وارد شویم.»

آنچه حسین شریعتمداری به تشریح آن پرداخت در واقع استراتژی جمهوری اسلامی در حمایت از شبه‌نظامیان منطقه است: جنگ نامتقارن علیه دشمنان منطقه‌ای بدون پذیرفتن مسئولیت اقدامات آنها و استفاده ابزاری از آنها برای امتیاز گرفتن در سیاست خارجی.

با این استدلال هیچ بعید نیست حماس یا فرماندهان آن و حتا فرماندهان حزب‌الله و سایر گروه‌های شبه‌نظامی وفادار به سپاه پاسداران قربانی منافع جمهوری اسلامی یا کارت بازی در مقابل قدرتهای غربی و منطقه‌ای شوند. در همین ارتباط، زمره‌هایی درباره «خیانت» جمهوری اسلامی به حماس از نخستین روزهای جنگ غزه به گوش می‌رسید.

خبرگزاری رویترز چهارشنبه ۱۵ نوامبر (۲۴ آبان) به نقل از «سه مقام ارشد» گزارش داد که علی خامنه‌ای در دیدار با اسماعیل هنیه رهبر حماس در تهران گفته «شما هیچ هشدار در مورد حمله هفتم اکتبر خود به اسرائیل به ما ندادید و ما از طرف شما وارد جنگ نخواهیم شد.» هرچند در مورد صحت و سقم ادعاهای مطرح شده در این گزارش تردیدهای بسیار وجود دارد بطوری که حماس با صدور اطلاعیه‌ای، خبر رویترز را بی‌اساس خواند. برخی تحلیلگران از جمله محسن سازگارا از بیناگذاران و عضو سابق سپاه پاسداران معتقدند که «جمهوری اسلامی از ترس به رویترز اطلاعات غلط داده تا بگوید از حمله حماس بی‌خبر بوده است.»

برای علی خامنه‌ای به عنوان فرمانده کل قوا که بیشتر از سایرین به نقاط ضعف و قوت حکومت خود آگاه است

انتقام مطرح نشده بلکه یک منبع وابسته به این گروه تأکید کرد که حزب‌الله به آتش‌بس چهار روزه پایبند خواهد بود. به گزارش روزنامه «تایمز اسرائیل»، حزب‌الله روز چهارشنبه ۲۲ نوامبر (اول آذرماه) اعلام کرد که در آتش‌بس چهار روزه بین اسرائیل و حماس که قرار است از صبح پنجشنبه آغاز شود، شرکت خواهد کرد، هرچند که این موضوع بخشی از مذاکرات اسرائیل و حماس نبوده است.

یک منبع از حزب‌الله به شبکه «الجزیره» گفت تا وقتی اسرائیل به توافق احترام بگذارد، این گروه به توقف درگیری پایبند خواهد بود. این منبع افزود، با این حال، حزب‌الله به هرگونه «تشدید درگیری‌ها از سوی اسرائیل در جنوب لبنان یا غزه در طول آتش‌بس پاسخ خواهد داد.» اما با وجود کشته شدن پنج نفر از فرماندهان حزب‌الله هیچ اقدام قابل توجهی از سوی این گروه علیه اسرائیل صورت نگرفت.

بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل همان روز تأکید کرد که «اسرائیل هیچ تعهدی در مورد توقف درگیری‌ها در مرزهای شمالی ن داده و واکنش به حزب‌الله بر اساس اقدامات آنها ادامه خواهد داشت.»

این احتمال دور از ذهن نیست که هشدارهای مستقیم مقامات آمریکا، دولت‌های اروپایی و اسرائیل یا پیام‌های پشت پرده از طریق دولت‌هایی مثل چین و قطر در مورد پیامدهای دخالت جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان بازدارنده بوده است. هرچند که تجربه نشان می‌دهد جمهوری اسلامی با همکاری گروه‌های نیابتی از هر فرصتی برای ضربه زدن به اسرائیل و نیروهای آمریکایی در منطقه استفاده خواهد کرد چنانکه در عملیات مرگبار حماس در «هفت اکتبر» نیز تکرار شد. درواقع اگر پای منافع در میان باشد، جمهوری اسلامی و حزب‌الله برای گرفتن انتقام یا اقدام میدانی عجله نخواهند کرد و منتظر فرصت مناسبی که آنها از آسیاب بيفند خواهند نشست. بر همین اساس در حالی که طرفداران جمهوری اسلامی و حامیان «جریان مقاومت» توقع داشتند پس از آغاز عملیات نظامی اسرائیل در خاک غزه دست‌کم حزب‌الله از حماس حمایت کند اما حسن نصرالله جا زد و با پنهان شدن در پشت جمهوری اسلامی، روز ۱۲ آبان‌ماه در یک سخنرانی گفت، «آمریکا پیام داد اگر عملیات علیه اسرائیل ادامه یابد، ایران را پمباران می‌کند!»

برای جمهوری اسلامی «نابودی اسرائیل» یک اصل و «واجب شرعی» است. در قم مراجع تقلید شیعه می‌گویند «مهمترین زمینه‌ساز ظهور امام زمان نابودی اسرائیل است» اما حکومت برای دستیابی به هدف‌های بلندمدت بی‌گدار به آب نمی‌زند. شاید فعلاً «بزن در رو» بهترین تاکتیک باشد. چنانکه در بالاترین رده‌های سیاسی و نظامی جمهوری اسلامی از یکسو به صورت علنی اعلام می‌کنند که با هدف «محو اسرائیل» از جریان «مقاومت» حمایت مالی و تسلیحاتی می‌کنند و از سوی دیگر همزمان به انکار هرگونه دخالت در حمله به اسرائیل می‌پردازند.

برای علی خامنه‌ای و فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی یا حسن نصرالله شمار کشته‌شدگان در غزه کمترین اهمیتی ندارد. در همین ارتباط حسین شریعتمداری مدیرمسئول و سردبیر «کیهان» چاپ تهران می‌گوید «ایران بجای هیچ ملتی وارد جنگ نمی‌شود و دقیقاً این راهبرد تا کنون خنثی کننده سناریوهای مختلف آمریکا علیه ایران در منطقه غرب آسیا بوده است.»

وی نهم آبان‌ماه در پاسخ به یک دانشجوی بسیجی که پرسید «جمهوری اسلامی کی قرار است وارد غزه شود؟» گفت: «باید پرسید کی قرار است از غزه خارج شود؟» وی در ادامه توضیح داد: «ما و نیروهای مقاومت که امروزه سراسر جهان اسلام را فرا گرفته است، یک روح واحد هستیم. آنها همان



بازدید علی خامنه‌ای از دستاوردهای پهبادی و موشکی سپاه پاسداران / آبان ۱۴۰۲

گفتگومی‌کنند!

در یک نمونه‌ی دیگر، با اینکه روسیه به بزرگترین تهدید علیه اروپا به ویژه برای کشورهای اسکاندیناوی تبدیل شده و جمهوری اسلامی اقدام به ارسال پهپاد انتحاری به روسیه در جنگ علیه اوکراین می‌کند، کاری کاهیلوتوتو سفیر فنلاند در تهران با لفاظی برای جمهوری اسلامی چاکرآمبی می‌کند! اینهمه در حالیست که با وجود اینکه مخالفان جمهوری اسلامی و همچنین جمهوریخواهان در آمریکا مدام می‌گویند رژیم ایران غیرقابل اعتماد است اما همچنان دولت‌های مدافع دموکراسی به تغییر «دی‌ان‌ای» ملاها و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی امیدوارند.

«عقب‌نشینی تاکتیکی» عقلانی است حتا اگر به قیمت از دست رفتن وفادارترین مهره‌ها و عوامل سیاسی و نظامی خود یا شراکیش تمام شود. در این میان به نظر می‌رسد ضعف دولت بایدن و رهبران اروپایی برای مهار تهدیدات جمهوری اسلامی هزینه‌های اقدامات خصمانه رژیم را به حداقل رسانده است. درواقع جمهوری اسلامی با این استدلال که غربی‌ها گزینه زیادی برای رویارویی با رژیم ندارند و نظام هم در مقابل تحریم‌ها واکنسینه شده است، در منطقه با کمک نیابتی‌ها تاخت و تاز می‌کند و هر جا که ضروری باشد آماده قربانی کردن شراکیش است.

برای اینکه طرفداران حماس یا حتا فرماندهان حزب‌الله

حمله مجدد نیابتی‌ها به پایگاه آمریکا در سوریه؛ همسویی جمهوری اسلامی و دولت بایدن در انکار نقش رژیم در حملات موشکی و تروریستی!



نیروهای نظامی آمریکا در سوریه / رویترز

مقابل حملات ایذایی گروه‌های نیابتی ضعف نشان داده و همین موضوع گروه‌های تروریستی و شبه‌نظامی را به پشتوانه جمهوری اسلامی گستاخ کرده است. در همین ارتباط رابرت اوברاین آخرین مشاور امنیت ملی دونالد ترامپ در مصاحبه با «پولیتیکو» می‌گوید: «اقدام بایدن برای جلوگیری از این حملات شکست خورده است. اقداماتی که او برای تلافی انجام داد یکی دو حمله خفیف کوچک بود.»

وی توضیح داد، «حملات علیه نیروهای آمریکایی ادامه‌دار خواهد بود. [رژیم] ایران کوتاه نیامده و نیابتی‌های آن مانعی برای حملات خود نمی‌بینند... ما به اندازه کافی برای محافظت از نیروهای آمریکا اقدام نمی‌کنیم... باید کارهای بیشتری انجام شود.»

هرچند وزارت دفاع آمریکا برای اقدام در مقابله با حملات ایذایی در منطقه گوش به فرمان دولت است اما بدیهی است در بالاترین رده‌های امنیتی و نظامی مشاوره‌های هدفمند به دولت بایدن در تصمیم‌گیری او برای بی‌عمل ماندن در مقابل راکت‌پرانی‌ها تأثیرگذار بوده است.

با اینکه در یک ماه گذشته بیش از ۵۰ پرسنل آمریکایی در پایگاه‌های منطقه دچار جراحت و آسیب شده‌اند، سابرینا سینگ سخنگوی پنتاگون با دفاع از عملکرد دولت بایدن گفت که حملات شبه‌نظامیان عمدتاً «ناموفق» بوده و آسیب «قابل توجه» به زیرساخت‌ها یا نیروهای نظامی وارد نکرده‌اند. وی همچنین از حملات هوایی تلافی‌جویانه ایالات متحده دفاع کرد و گفت که آنها دسترسی گروه‌های شبه‌نظامی به تسلیحات را «بطور قابل توجهی کاهش داده است.»

وی ادعا کرد: «ما منتظر چیزی برای اقدام نیستیم. ←

شنبه شب ۲۷ آبان‌ماه نیز پایگاه نظامیان آمریکا در «التنف» در شرق سوریه را هدف قرار دادند. مسئولیت این حمله پهپادی را حزب‌الله عراق به عهده گرفته است. خبرگزاری‌های داخلی ایران به نقل از «منابع ناشناس» اعلام کردند «این حمله در پاسخ به تجاوز آمریکا به شهرهای المیادین و البوکمال در شرق سوریه صورت گرفته است.» این حمله دو روز پس از آن انجام شده که جو بایدن از شی جین‌پینگ رئیس‌جمهوری چین برای مهار گروه‌های نیابتی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی کمک خواسته بود!

چهار سال پیش در دوره ریاست جمهوری دونالد ترامپ، روز ۳۱ دسامبر (۱۰ دی‌ماه ۱۳۹۸) نیروهای حشدالشعبی و حزب‌الله به سفارت ایالات متحده در منطقه سبز بغداد حمله کردند و بخشی از دیوارهای سفارت را به آتش کشیدند. کمتر از یک ماه بعد به تلافی این اقدام و عملیات مشابه علیه منافع آمریکا، قاسم سلیمانی فرمانده نیروهای قدس سپاه پاسداران و ابومهدی المهندس از فرماندهان ارشد حشدالشعبی در حوالی فرودگاه بغداد به خط پایان زندگی خود رسیدند.

از آغاز جنگ اسرائیل در غزه تا کنون حدود ۶۰ بار به پایگاه‌های آمریکا در سوریه و عراق حمله شده است. در این حملات بیش از ۵۰ نفر دچار آسیب شده‌اند. در پاسخ به این حملات، آمریکا تنها سه بار مواضع گروه‌های شبه‌نظامی وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سوریه را هدف قرار داده است.

در آمریکا معتقدند وضعیتی که امروز نظامیان آمریکا در منطقه با آن روبرو هستند نتیجه ضعف دولت بایدن است. شمار زیادی از تحلیلگران منطقه تأکید می‌کنند آمریکا در

رابرت اوبراین آخرین مشاور امنیت ملی دونالد ترامپ در مصاحبه با «پولیتیکو» می‌گوید: «اقدام بایدن برای جلوگیری از این حملات شکست خورده است. اقداماتی که او برای تلافی انجام داد یکی دو حمله خفیف کوچک بود.»

با اینکه در یک ماه گذشته بیش از ۵۰ پرسنل آمریکایی در پایگاه‌های منطقه دچار جراحت و آسیب شده‌اند، سخنگوی پنتاگون با دفاع از عملکرد دولت بایدن گفت که حملات شبه‌نظامیان عمدتاً «ناموفق» بوده و آسیب «قابل توجه» به زیرساخت‌ها یا نیروهای نظامی وارد نکرده‌اند.

حسین امیرعبداللّه‌یان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه با روزنامه «فایننشال تایمز» گفته «ما هیچ گروه نیابتی در منطقه نداریم؛ ما هیچ گروه نیابتی در سوریه و عراق نداریم. اینها گروه‌هایی هستند که خود تصمیم می‌گیرند و خود اقدام می‌کنند.» وی همزمان تهدید کرد که «هرگونه هدف قرار گرفتن نیروهای ایرانی در سوریه را به شدت پاسخ می‌دهیم.»

برای جمهوری اسلامی تاکتیک «بزن در رو» به کمک نیابتی‌ها تا کنون جواب مساعد داده است. انکار دخالت جمهوری اسلامی در حملات گروه‌های نیابتی به پایگاه‌های نظامیان آمریکایی و همچنین دخالت داشتن در عملیات تروریستی حماس علیه اسرائیل گذشته از اینکه هم‌صدایی دولت بایدن با جمهوری اسلامی است، بلکه دروغی است که به نظر می‌رسد دولت کنونی آمریکا به آن راضی است چرا که در غیراینصورت مجبور به واکنش متقابل می‌شود که به نظر می‌رسد خطر آن زیادتر از انفعال برآورد می‌شود!

شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی در منطقه با وجود هشدارهای پی در پی مقامات ارشد ایالات متحده،

بازنشر

حکم حکومتی!

خیراندیش (احمد احرار)

(کیهان لندن شماره ۱۰۴۲) بهمن ماه ۱۳۸۳



مرداد ۱۳۷۹ مهدی کروبی، مسئله حکم حکومتی را عمومی کرد

می‌شد. طرحی تهیه کردند و به مجلس دادند تا بندهایی را که مجلس پنجم بر پای مطبوعات نهاده بود بگسلند یا دست‌کم آنها را شل کنند. جامعه مشتاقانه به این اقدام مصلحانه می‌نگریست. مجلس از حق خود استفاده می‌کرد و چون طرح اصلاحی نه با شرع مقدس تناقضی داشت و نه با قانون اساسی، شورای نگهبان نیز نمی‌توانست بهانه‌ای بگیرد و کار را فلج کند. چیزی که در حساب نیامده بود چوب ملای مکتبدار بود که ناگهان بر سر شاگردان شرور

«مقام معظم رهبری» با صدور حکم حکومتی حق استیضاح وزرای دولت اسلامی را از وکلای مجلس اسلامی سلب فرمودند و «نماینندگان مردم» در بیانیه‌ای مراتب سپاس و امتنان خود را از این تصمیم داهیهانه اعلام داشتند. حکم حاکم و مرگ مفاجات. گامی دیگر در جهت بسط مردمسالاری دینی.

در مکتبخانه‌ای که ملای مکتبدار، چوب به‌دست آن بالا نشسته است و امر و نهی می‌کند از بچه‌های «مکتبی» جز اطاعت گوسفندوار نشاید:

نشسته بود فقیهی به صدر مجلس درس
 به‌جای لفظ «عن» اندر کتاب خود «من» دید
 قلمتراش و قلم برگرفت و من، عن کرد
 سپس که داشت در آن باب اندکی تردید
 یکی ز طلاب این دید و گفت با دگران
 جناب آقا عن کرد، جمله عن بکنید!

تصور نباید کرد که چون «اصلاح‌طلبان» در مجلس هفتم جای خود را به «محافظه‌کاران» سپرده‌اند جناب آقا دست از آستین درآورده است و معنی «ولایت مطلقه» را به همگان تفهیم می‌کند. نخستین بار، نمایندگان اصلاح‌طلب مجلس ششم بودند که بربیع کنان پشت خود را خم کردند و به مقام معظم رهبری اذن سپوختن دادند.

در حقیقت این سومین بار است که «رهبر معظم» جهت آنکه وکلای ملت حواسشان جمع باشد و یادشان نرود که برای چه کاری برگزیده می‌شوند و به مجلس می‌روند از این «حق» قانونی استفاده می‌کند.

غلامبارهای آرمردی را به خانه می‌برد. در راه که می‌رفتند انگشتی هم به او می‌رساند. گفت این چه ضرورت دارد؟ گفت لازم است تا یادت نرود که به چه کار می‌رویم!

حکم حکومتی از سوی فقیه حاکم اول بار در ابتدای کار مجلس ششم صادر شد. زمانی که «اصلاح‌طلبان» با پیروزی چشمگیر در انتخابات، اکثریت کرسیهای مجلس قانونگذاری را تصرف کرده بودند و به خیال خودشان، در حالی که دولت را در کنار و ملت را پشت سر داشتند می‌خواستند بر مصوبات ارتجاعی مجلس پنجم قلم ابطال بکشند. اصلاح قانون مطبوعات اولین اقدام مصلحانه اصلاح‌طلبان محسوب

ما پاسخ داده‌ایم و اگر حملات بیشتری صورت بگیرد، مطمئناً در زمان و مکان مورد نظر خود پاسخ خواهیم داد.»

بایدن راضی است!

اخیراً تام کاتن سناتور جمهوریخواه به همراه الیز استنیک از نمایندگان نیویورک طرح «منع موشک‌های بالستیک یا پهپادهای ایران» را با هدف تشدید و اجرای تحریم‌ها علیه توسعه و انتقال موشک‌های دوربرد و پهپادها توسط جمهوری اسلامی ارائه داده‌اند. وی در اینباره می‌گوید، «به نظر می‌رسد دولت بایدن از اینکه کاری برای مقابله با حمله گروه‌های نیابتی وابسته به [ژریم] ایران علیه نیروهای آمریکایی انجام نمی‌دهد، راضی است.»

حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه با روزنامه «فایننشال تایمز» مدعی شده است «ما هیچ گروه نیابتی در منطقه نداریم؛ ما هیچ گروه نیابتی در سوریه و عراق نداریم. اینها گروه‌هایی هستند که خود تصمیم می‌گیرند و خود اقدام می‌کنند.» وی همزمان تهدید کرد که «هرگونه هدف قرار دادن نیروهای ایرانی در سوریه را به شدت پاسخ می‌دهیم.»

تجربه نشان می‌دهد زور جمهوری اسلامی به عملی کردن این رجزخوانی‌ها نمی‌رسد و قادر نیست به حملات هوایی علیه نیروهای سپاه پاسداران و شرکای آن در منطقه به همان شکل یعنی از طریق حملات هوایی پاسخ بدهد اما برای تلافی راه‌های دیگری پیدا کرده است.

برای جمهوری اسلامی تاکتیک «بزن در رو» به کمک نیابتی‌ها تا کنون جواب مساعد داده است. از یکسو فرماندهان ارشد سپاه پاسداران گروه‌های «مقاومت» را «سرپنجه‌های جمهوری اسلامی در منطقه» می‌نامند و خود را مدافع و پشتیبان آنها می‌دانند و از سوی دیگر وزارت خارجه رژیم به انکار نقش و مداخله‌ی حکومت در این حملات می‌پردازد.

از سوی دیگر با وجود اعتراف رهبران ارشد حماس در مورد پشتیبانی تسلیحاتی و مالی جمهوری اسلامی از عملیات علیه اسرائیل، مقامات بلندپایه آمریکا اصرار دارند که شواهد و مدارک برای دخالت جمهوری اسلامی در حمله هفتم اکتبر کافی نیست. در واقع انکار دخالت جمهوری اسلامی در حملات گروه‌های نیابتی به پایگاه‌های نظامیان آمریکایی و همچنین دخالت داشتن در عملیات تروریستی حماس علیه اسرائیل گذشته از اینکه هم‌صدایی دولت بایدن با جمهوری اسلامی است، بلکه دروغی است که به نظر می‌رسد دولت کنونی آمریکا به آن راضی است چرا که در غیراینصورت مجبور به واکنش متقابل می‌شود که به نظر می‌رسد خطر آن زیادتر از انفعال برآورد می‌شود! در مقابل اما جمهوری اسلامی از این سیاست به شدت استقبال می‌کند زیرا با انکار نقش خود در این حملات، احتمال واکنش‌های قوی از جمله تلافی یا شکلی از اقدام نظامی از سوی آمریکا را کاهش می‌دهد.

سیاست انکار و انفعال در مقابل حملات و اقدامات جمهوری اسلامی و نیابتی‌هایش از آغاز کار دولت بایدن در پیش گرفته شده و نتیجه‌ی آن شدت گرفتن این حملات بوده است که فاجعه هفتم اکتبر در خاک اسرائیل را نیز می‌توان یکی از پیامدهای آن دانست. کم نیستند تحلیلگرانی که معتقدند ضعف نشان دادن آمریکا در برابر رژیم ایران باعث گستاخی تهران و شرکای آن شده و قربانی شدن ۱۲۰۰ غیرنظامی توسط حماس در اسرائیل و به گروگان گرفته شدن ده‌ها تن از جمله کودکان و سالمندان و همچنین کشته و زخمی شدن ده‌ها آمریکایی در حملات اخیر در منطقه، نتیجه ضعیفی است که دولت بایدن نشان داده است.



فرود آمد و به‌موجب حکم حکومتی آنها را بر جای خود نشانند. طرح اصلاح قانون مطبوعات همانجا مدفون شد. با آن «حکم حکومتی» مجلس ششم حساب کار خود را کرد و دوره چهارساله را بربیع کنان به‌پایان رساند. در انتخابات مجلس هفتم، دومین حکم حکومتی شرفصدور یافت و محمد خاتمی و مهدی کروبی را که عاجزانه استدعا کرده بودند لاقلاً ظواهر امر رعایت شود به‌اجرای اوامر مطاع «ولی امر مسلمین جهان» و تمکین به انتخابات رهبرفرموده مکلف ساخت.

و اینک سومین حکم حکومتی که یکسر فاتحه می‌خواند بر اساس حکومت پارلمانی و نظام دموکراسی، زیرا فلسفه حکومت پارلمانی، ناسلامتی محدود کردن اقتدارات و اختیارات حکمران به‌وسیله پارلمان است نه برعکس!

خاطراتی از دکتر غلامحسین صدیقی و وقایع سال ۱۳۵۷

(تاریخ نشر در کیهان لندن: شهریور ۱۳۸۴ - شماره ۱۰۷۲)

مینو مفتاح

بازنشر

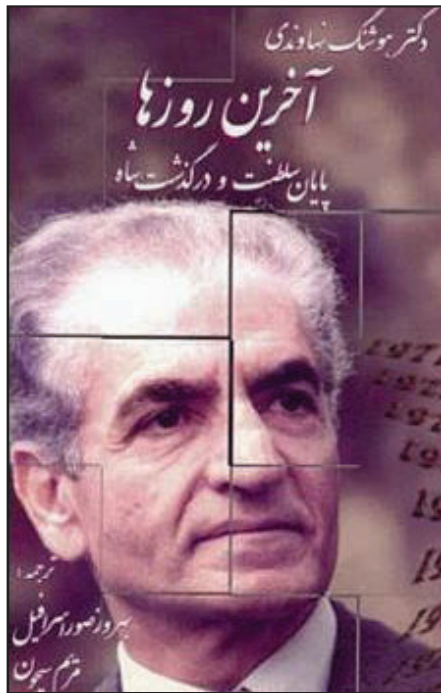
حالی که ما نه توهینی کردیم و نه ناسزا و مرگ بر این و آن گفتیم. منابع خبری علاوه بر آنکه تعداد ما را بسیار بسیار کمتر از آنچه بود می‌گفتند ضمنا ما را ناپروودگانی می‌دیدند که حالا منافعمان به خطر افتاده است در صورتی که درست بعکس بود. ما همه کسانی بودیم که صرفا بخاطر جلوگیری از سقوط فرهنگی، سیاسی و اقتصادی میهن و هم‌میهن‌مان وارد میدان شده بودیم و منافی نداشتیم که به خطر افتاده باشد چنان که اینک در خارج از کشور غالب ما روزگاران لاقول از نظر مادی حتی از داخل ایران قبل از انقلاب بهتر است زیرا هم سواد کافی داریم، هم فرهنگ کار کردن و هم اندیشه درست.

به عکس آنان مقابل ما دهانی گشاد، بازویی پر زور و چاقویی در دست داشتند. ما نه فقط هیچکدام از آنها را نداشتیم حتی قادر نبودیم و نیستیم که يك سیلی به هموطنمان بزیم، برای نمونه که شاید امروز کمی خنده آور هم باشد يك روز بسیار سرد و برفی که من در بلندگو در امجدیه صحبت کرده بودم هنگام خروج در میدان ۲۵ شهریور عده‌ای مرا احاطه کردند. کسی فریاد زد این همان است که در کابل بلندگو صحبت می‌کرد. بعد همگی با کلمات بسیار زشتی مرا مخاطب قرار داده از من خواستند که بگویم مرگ بر شاه. من گفتم فرهنگ مرگ گفتن ندارم، خلاف تمدن است، نه مرگ بر شاه می‌گویم و نه مرگ بر خمینی. کسی فریاد زد «ول کنید بابا زنیکه دیوونه است» در این موقع مردی يك سیلی به من زد و جسم تیزی را در پشت کمرم حس کردم و فریاد آقا رضا راننده دکتر صدیقی که همراه من بود و ما او را عضوی از خانواده خود می‌دانیم بلند شد که فریاد زد با زن و بچه مردم چکار دارید، این دختر من است و با چتری که در دست داشت شروع به زدن آنان کرد و به این ترتیب من از معرکه جان سالم بدر بردم و فقط پالتو و لباسم با چاقو پاره شده بود.

پیشنهاد نخست وزیری

يك روز بعد از ظهر دکتر صدیقی به من و افراد خانواده‌اش گفت فر دا باید به اتفاق آقایان محمد علی وارسته و عبدالله انتظام حضور اعلیحضرت شرفیاب شود زیرا به او پیشنهاد نخست وزیری شده بود. در این شرفیابی که بعد از حوادث سال ۱۳۳۲ اولین ملاقات بین آنان بود دکتر صدیقی قبل از هر کلام اجازه خواست تا از رهبر فقیدش دکتر مصدق یاد کند که معتقد بود طبق قانون اساسی شاه باید سلطنت کند و نه حکومت و نتیجه عدم مراعات این اصل مهم این شد که امروز خشم ملت مستقیما علیه مقام سلطنت است. بهر حال او قبول پست نخست وزیری را مشروط کرد به موافقت شاه با ۲۳ شرط و عرض کرد اگر من هم نخست وزیر نشوم هرکس دیگری که این پست را در این موقعیت حساس قبول نماید باید این ۲۳ شرط را انجام دهد. مهمترین این شروط انحلال ساواک و عدم خروج شاه از کشور بود زیرا به گفته دکتر صدیقی خروج شاه منجر به پاشیدگی ارتش می‌گردد که دیدیم چنان شد.

اما انحلال ساواک طبق پیشنهاد دکتر صدیقی به این صورت بود که بلافاصله انحلال اعلام گردد اما در عمل مرحله به مرحله انجام گیرد تا کسانی که موجب عدم ثبات



نگذاشت اساس حکومت و کشور متلاشی گردد. یاد می‌آید چنان مردم مسخ شده بودند که روزی یکی از افسران ارتش که نامش را محفوظ نگاه می‌دارم زیرا مطمئن هستم حالا پشیمان شده است با هیجان به دکتر صدیقی گفت روی آیت الله را درماه دیده است و دکتر صدیقی با تمسخر به او گفت تیمسار عزیز آن جای پای آرمسترانگ (فزانورد آمریکایی) بوده است.

در این احوال توسط یکی از آشنایان (مرحوم غلامرضا حمید) از من دعوت کرد تا در شورای اجرائی تظاهرات طرفداران قانون اساسی شرکت کنم. از دکتر صدیقی نظرش را خواستم، گفتند حتی اگر يك درصد هم باشید بروید و انجام دهید و به دنیا نشان دهید که ایرانیان همه ضدشاه و خواهان تغییر رژیم نیستند. بدین ترتیب من به جریانات سیاسی کشانده شدم و بالاخره پس از ۲۲ بهمن به سازمان چریکهای ناسیونالیست ایران پیوستم و سپس به اتهام شرکت در کودتای شاهرخی (نوزده) به زندان افتادم، من که حتی آدرس کلانتری محل را هم نمی‌دانستم، گرفتار مخوف ترین زندانها شدم در زمان مستبدترین رژیمها.

شرکت کنندگان در تظاهرات قانون اساسی جدا از طبقه زحمتکش و کارگر، از طبقه‌ای بودند که شاید حتی برای خرید هم پیاده گذر نکرده بودند و نمی‌دانستند چگونه فریاد بزنند، چگونه نزار کنند، کلمات ریک بکار برند و یا چاقو بکشند. اینان جزو همان کسانی بودند که محمدرضا شاه گفته بود طرفداران من افراد خاموش هستند که در منازلشان نشسته‌اند. حالا شماری از آن افراد خاموش به خیابانها کشانده شده بودند مبهوت و مات و نمی‌دانستند چه باید بکنند. در هیچ کدام از وسایل خبری نیز چه در داخل و چه در خارج گفته نشد که ما کتک خوردیم بر اثر پرتاب قلهو سنگ مضروب شدیم و برایمان چاقو کشیدند. در

چاپ کتاب آقای دکتر نهایندی که حاوی نکات بسیار دقیقی از وقایع سال ۱۳۵۷ می‌باشد، مرا بر آن داشت تا آنچه می‌دانم درباره زنده یاد دکتر غلامحسین صدیقی و جریاناتی که خود شاهد آن بودم برای آگاهی بیشتر خوانندگان هفته نامه معتبر کیهان به قلم آورم.

شناسایی‌ام از دکتر صدیقی از زمان کودکی من بود، ضمنا افتخار آنرا دارم که شاگرد او در دانشگاه تهران و مؤسسه تحقیقات اجتماعی نیز بودم.

او دانشمند آزاده‌ای طرفدار حق و حقیقت، ملزم به اجرای قانون، فارغ از چاپلوسی و تملق و دروغ و بسیار وطن دوست بود.

گفتار او در دادگاه مصدق معروف است که به تیمسار آزموده می‌گوید: «شما در پشت سر خود لوحه‌ای دارید که نوشته است خدا، شاه، میهن و من می‌گویم خدا، میهن، شاه» سخنانش را در دادگاه با اجازه جناب آقای نخست وزیر «مصدق» آغازید و هیچگونه بی حرمتی نه به شاه کرد و نه به مصدق. این در حالی بود که شاید اگر وساطت دانشگاه سوربن نزد شاه نبود برای او حکمی سنگین صادر می‌شد. روز ۲۹ مرداد ۱۳۳۲ پس از دستگیری او، او باش به منزلش حمله بردند، اثاثیه را غارت کردند و خانه را آتش زدند. همسر و ۳ فرزند خردسالش بناچار به منزل قدیمی پدر دکتر صدیقی در سرچشمه تهران رفته و در آنجا سکنی گزیدند تا اینکه چندین سال بعد توانستند خانه دیگری در خیابان روزولت خریداری نمایند.

بعد از زندان ۲۸ مرداد دکتر صدیقی بارها زندانی گردید. با این حال همواره براین عقیده بود که کشور به شاه نیاز دارد ولی در چارچوب قانون اساسی زیرا معتقد بود عدم اجرای قانون موجب هرج و مرج در کشور است که دیدیم چنان شد. بخاطر دارم یکبار پس از آزادی از زندان، که به علت اعتراض به انحلال مجلس بود، به دیدنش رفته بودم او گفت درست است که بستم مجلس خلاف قانون است ولی این شاه کارهایی هم انجام داده است که تاریخ در مورد او به نیکی یاد خواهد کرد (خصوصا در مورد تساوی حقوق زنان) او محبوبیتی کم نظیر بین اکثر طبقات جامعه اعم از بازاریان، روحانیون - که شماری از آنان دانشجویی او در دوره دکترای دانشکده الهیات بودند - ورزشکاران و سایرین داشت که مرتب به خانه‌اش رفت و آمد می‌کردند. از این وجاهت و محبوبیت می‌شد در موقع حساس به نفع کشور استفاده نمود.

در سال ۱۳۵۷ این آمد و رفت ها بیشتر و تبدیل به نشست دسته جمعی طبقات در روزهای بخصوص شد و حتی از شهرستانها نیز با او تماس می‌گرفتند.

در آن موقع من به عنوان کارمند سیاسی در دفتر وزیر امور خارجه کار می‌کردم، با توجه به روحیه میهن پرستی شدید که از خانواده‌ام به ارث برده‌ام طبعاً با نگرانی بسیار هر روز پس از پایان کار اداری به منزل دکتر صدیقی می‌رفتم تا ببینم چه می‌شود کرد. بی بی سی خبر از تظاهرات چهارمیلیونی می‌داد که بنحو شدیدی اغراق آمیز بود. تجمع در منزل دکتر صدیقی حالا چنان بود که مردم روی پله‌ها می‌نشستند و با او مشورت می‌کردند. او به همه حضار اندرز می‌داد که باید در این مرحله حساس از شاه دفاع کرد و

شاید آنان از طرف مقاماتی دستور داشتند تا تظاهرات ما را بهم بریزند.

بالاخره آخرین و بزرگترین تظاهرات طرفداران قانون اساسی مشروطه سلطنتی در میدان بهارستان انجام گرفت. ابتدا مقابل کاخ نخست وزیری (میدان کاخ) جمع شده و از آنجا به طرف بهارستان حرکت کردیم. در میدان کاخ ۳ نفر از اعضای شورای اجرایی طرفدار قانون اساسی به داخل دفتر

خارج از کشور بدست عمال رژیم اسلامی کشته شد. چند روز قبل از عزیمت شاه از ایران، دکتر صدیقی برای خداحافظی به کاخ احضار گردید. در این شرفیابی شاه به او گفت شما مرد بسیار وطن دوستی هستید و بسیار صدیق. و او عرض کرد آخرین پیشنهاد من به اعلیحضرت این است حالا که از کشور خارج می‌شوید لاقلاً از منطقه خارج نشوید. آن شب که شاه ایران را ترک کرد همه ما گریستیم. او تا

→ امنیت کشور بودند شناسایی شده و پرونده‌های آنان درمحل امنی نگاهداری گردد. متأسفانه مرحوم بختیار بیدرنگ ساواک را منحل کرد و پرونده‌ها معدوم گشت در نتیجه توده‌های ها و مجاهدین بعد از ۲۲ بهمن پستهای کلیدی حساس را بدست آوردند و بیشتر اعدامهای انقلابی اولیه و مصادره بی رویه اموال و تضعیف ارتش کار آنان بود و نیز تئورسین‌های رژیم اسلامی در زندانها نیز آنان بودند چنانچه در زندانها سیستم شکنجه تلخ و شیرین و خالی و پرکردن مغز به متد استالینی که خود شخصا در زندان تجربه‌اش کرده‌ام نتیجه روش و دستورات آنان بود.

دکتر صدیقی با ارائه این شرایط یک هفته مهلت خواست تا کابینه‌اش را تشکیل دهد اما شاه با کلیه شرایط موافقت نمود به استثنای خروج از کشور.

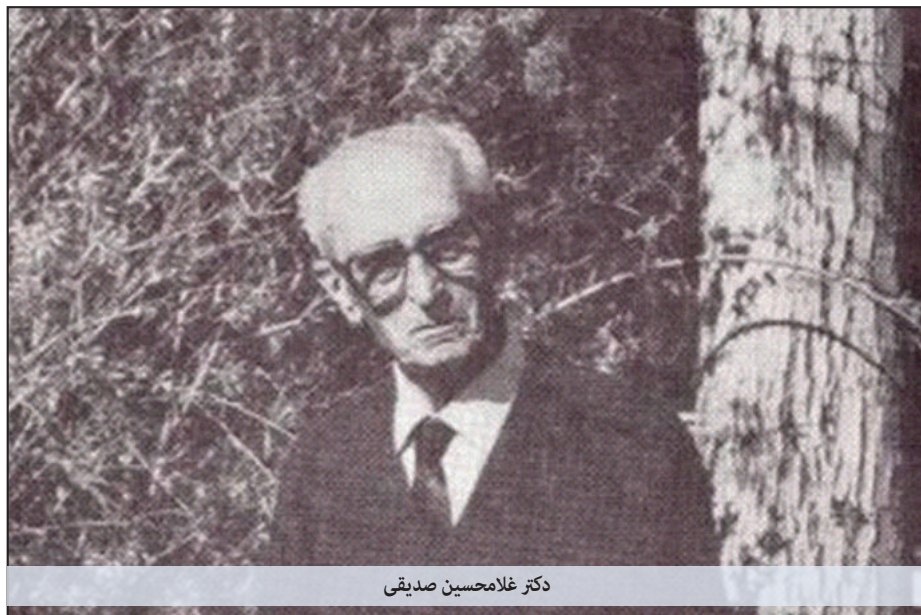
در این یک هفته مجتمعی در منزل او اصرار داشتند که قبول مسئولیت نکنند زیرا وجهه ملی خود را از دست خواهد داد ولی او می‌گفت من وجهه ملی را برای گور خود نمی‌خواهم، باید در این موقع حساس بنفع کشور از آن استفاده کنم. در یکی از این جلسات شخصی از او پرسید آیا شما نظراتر را هم پرسیده‌اید او جواب داد مرا به کارتر چه کار؟ آیا کارتر نظر مرا در مورد ریاست جمهوری خواست که حالا من نظر او را بخواهم؟ آقایان خودتان باشید و از خارجی چشم امید و کمک نداشته باشید. زیرا آنان بیش از آنکه به فکر شما باشند به فکر خودشان هستند. (خوب است که ما این سخنان را حالا هم در نظر بگیریم) داریوش و پروانه فروهر از حاضرین همیشگی جلسات بودند و از او می‌خواستند که این مقام را قبول نکند. روزی دکتر صدیقی به آنان گفت، جانم آنان اگر پیروز شوند شما را هم از بین خواهند برد و دیدیم که با چه قساوتی آنان را به شهادت رساندند. عجیب این بود داریوش فروهر، وطن دوست کم نظیری که شنیده ام در سفره عقدش بجای قرآن شاهنامه فردوسی گذارده بود و در جریان استقلال بحرین سیاه پوشید و اعلامیه صادر کرد و به زندان افتاد، حالا طرفدار جمهوری اسلامی شده بود. البته خیلی زود پشیمان گشت. فروهرها و سعیدی سیرجانی که یادشان همیشه برای ما زنده است تا موقع مرگشان همه ساله در مراسم سالمرگ دکتر صدیقی حاضر شده و اشعار و سخنرانیهای ارزنده در مورد وطن و آزادی ایراد می‌نمودند که با بلندگو تا خیابان روزولت پخش می‌گردید بدون هیچ ترس و واهمه‌ای.

در آن یک هفته مهلت، دکتر بنی صدر به عنوان سخنگوی آیت الله خمینی از پاریس مرتب به منزل دکتر صدیقی تلفن می‌کرد تا پیام آیت الله را بدهد. دکتر صدیقی هم دخترش دکتر نیکو صدیقی را به عنوان سخنگوی خود انتخاب کرد تا با سخنگوی آیت الله صحبت کند زیرا معتقد بود آیت الله اگر پیامی دارد باید شخصا تماس بگیرد. البته گویا یک یا دو بار شخصا با دکتر بنی صدر صحبت نمود آنهم به علت سابقه دوستی و مودت که بین آنان در زمان دانشجویی بنی صدر در دانشگاه تهران بود.

شنیده شد که آیت الله خمینی در مورد دکتر صدیقی گفته بود او مرد عالم و وطن خواه است و می‌داند که چه می‌کند. این گفتار ۲ ماه بعد از ۲۲ بهمن ۵۷ در روزنامه واشنگتن پست به چاپ رسید که شاید اگر به موقع اعلام شده بود می‌توانست جریان انقلاب را از مسیری که می‌رفت منحرف سازد. و الله اعلم.

و بالاخره دکتر بختیار آنطور که از کتاب دکتر ناهوندی بر می‌آید به پیشنهاد و انتخاب علیاحضرت شهبانو فرح به نخست‌وزیری منصوب گردید.

اما این مرغ طوفان نه فقط به هدف خود نرسید بلکه در این طوفان ویرانگر رل کرنسکی را بازی کرد و سرانجام او هم



دکتر غلامحسین صدیقی

نخست وزیر خوانده شدند. در بازگشت به ما ۳ نفر دیگر عضو شورای اجرایی با تعجب گفتند که نخست وزیر دستور داده تا از دادن شعار به نفع سلطنت و شاه خودداری گردد و هیچ اسمی از شاه و سلطنت برده نشود. مسلماً به این علت که او می‌خواست از این تظاهرات به نفع خود بهره‌برداری نماید چنانچه تظاهرات آنروز را که حدود ۴۵۰/۰۰۰ نفر و شاید هم بیشتر بود در بی.بی.سی گفتند «۵۰۰۰۰ نفر طرفداران بختیار امروز در بهارستان جمع شده بودند.» فردای آنروز از طرف شورای اجرایی مامور شدم تا با تیمسار بدره‌ای تماس گرفته و حقیقت را دریابم. بدیدن ایشان رفتم که روحشان قرین رحمت باد. وقتی ماجرای پائین آوردن عکسها و دستور عدم دادن شعار به نفع سلطنت و شاه را گفتم، ایشان بسیار عصبانی شدند و جریان را تلفنی به تیمسار وشمگیر و تیمسار نشاط گفتند و از آنان خواستند بی‌درنگ در یابند بختیار چه خیالی در سر دارد. فردای آن روز خبر کشته شدن تیمسار بدره‌ای منتشر گردید. ما در صدد برپایی تظاهرات وسیعتری بودیم که با ۲۲ بهمن ۵۷ همه امیدها به بازگشت امنیت، ثبات و آبروی ایران بر باد رفت. بعد از ۲۲ بهمن روزی از دفتر آیت‌الله خمینی به دکتر صدیقی اطلاع دادند که چنانچه او مایل باشد می‌تواند حضور امام شرفیاب شود. او در جواب گفت: «من از دیدن آیت الله خمینی شرفی نمی‌یابم ولی ایشان اگر پیامی دارند می‌توانند برایم ارسال دارند» که البته هیچ ارتباطی برقرار نشد.

روز ۹ اردیبهشت ۱۳۷۰ دکتر صدیقی جامعه شناس وطن دوست آزاده به جاودانگی پیوست ولی ما شاگردانش همواره پندش را در وطن دوستی و احترام به قانون آویزه گوش و خاطره اش را گرمی و زنده نگاه خواهیم داشت. و با دریغ و افسوس بسیار محمدرضا شاه را خارج شدن از ایران و سپس منطقه به شاهنشاهی ۲۵۰۰ ساله ایران که خود در بزرگداشت آن بسیار همت گماشت پایان داد.

صبح در اتاق کارش در منزل قدم می‌زد و تکرار می‌کرد که شاه رفت، ایران رفت.

بعد از انتخاب دکتر بختیار به نخست‌وزیری، یک روز به محل کارم «دفتر وزیر خارجه» رفتم مشاهده کردم که کلیه تمثالهای اعلیحضرتین و رضاشاه و حتی عکس کوچکی از رضا شاه و ولعهد (محمدرضا شاه) که متعلق به شخص من بود و از منزل برده و روی میز کارم گذاشته بودم همگی برداشته شده‌اند. بسیار تعجب کردم زیرا هنوز سلطنت وجود داشت و شاه فقط به عنوان معالجه از کشور خارج شده بود، نه استعفا داده بود و نه رژیم تغییر کرده بود. از آقای محسن درودیان سرپیشخدمت وزیر که خدا بیامرزش پرسیدم عکسها چه شده؟ او با بغض در حالی که اشک در چشمانش حلقه زده بود گفت دستور وزیر است. بعد اضافه کرد خانم مفتاح، ناراحت نباشید، من دوبار شاهد بوده‌ام که عکسها پائین آورده شده‌اند این بار هم باز بالا خواهد رفت. جریان را به رئیس مستقیم خود که وزیر خارجه بود گزارش دادم. جناب احمد میرفندرسکی وزیر خارجه وقت گفتند دستور دکتر بختیار است که عکسها در محل امنی نگاهداری شود.

در این اثنا تظاهرات قانون اساسی دامنه وسیعتری گرفته بود. در یک روز برفی بسیار سرد ما از امجدیه حرکت کردیم و قصد داشتیم به طرف بهارستان برویم، در زیر پل سعدی عده‌ای که روی پل ایستاده بودند با پرتاب قلوه سنگ به ما حمله کردند، عده زیادی از تظاهرکنندگان مجروح گشتند و بناچار متفرق گردیدند. خانم جوانی که پشت سر من بود از شدت خونریزی صورت و گردنش دیده نمی‌شد و قادر به راه رفتن نبود. من او را تقریباً روی دوش خود حمل کردم تا توانستم او را سوار اتومبیل یکی از دوستان کرده به بیمارستان مهر برسانم در آنجا سر او ۱۱ بخیه برداشت. عده‌ای از اشخاصی که در بالای پل سعدی بودند با دستگاه بی‌سیم صحبت می‌کردند. در آن زمان موبایل وجود نداشت و دستگاه بی‌سیم مخصوص افسران و مامورین امنیتی بود،

اله توکلیان در گفتگو با «لیبرو»: اینکه من موفق به ترک ایران شدم، وظیفه‌ای را روی دوش من گذاشته تا سندی از رنج مردم کشورم باشم



-من پنج روز پس از مرگ مهسا امینی از آن فاجعه مطلع شدم، به شدت در هم کوبیده شدم و به همین دلیل تصمیم گرفتم در یکی از تظاهرات‌هایی که در سراسر کشور برگزار می‌شد شرکت کنم تا من نیز از رژیم آیت‌الله‌ها بخواهم که خشونت علیه زنان را متوقف کند. عصر آن روز در اسفراین مردم زیادی برای تظاهرات مسالمت‌آمیز در میدان اصلی شهر تجمع کرده بودند. ده دقیقه بعد اعضای سپاه پاسداران شروع به تیراندازی به سمت ما کردند. ابتدا دو پسر مورد اصابت قرار گرفتند. من برای کمک به آنها نزدیک شدم، در همان لحظه سرم را بلند کردم و به وضوح دیدم که یک پاسدار به سمت من نشانه گرفته. تصور نمی‌کردم که شلیک کند، پسر و دختر دوقلوی نه ساله‌ام در کنارم بودند. صدای شلیک را شنیدم و بلافاصله زمین خوردم، برای ده ثانیه فقط سیاهی می‌دیدم و سرخی خون.

● بعد چه اتفاقی افتاد؟

-تعدادی پلیس لباس شخصی سعی کردند مرا با خودشان ببرند اما جمعیت مانع شد. من به لطف شجاعت تعدادی از شهروندان انقلابی که مرا سوار ماشین‌شان کردند موفق به رسیدن به نزدیکترین بیمارستان شدم. در آنجا دکتر کشیک به من گفت که نمی‌تواند کاری برایم انجام دهد چون یک مورد سیاسی شده‌ام و به همین دلیل در راهرو بیمارستان ماندم و کمی بعد از هوش رفتم. در نهایت پدرم با هزینه گزافی مرا به مرکز دیگری منتقل کرد و در مدت سه هفته سه بار تحت عمل جراحی قرار گرفتم. ویدئوهای من در شبکه‌های اجتماعی و کانال‌های مخالف رژیم پخش شدند و از آن لحظه همه چیز تغییر کرد. از دانشگاه محل تحصیلم و از شرکتی که در آن کار می‌کردم اخراج شدم. در آن اوضاع فردی مدارک شناسایی‌ام را دزدید. در ماه‌های مهر و آبان ۱۴۰۱ فشار انقلاب در ایران همچنان بالا می‌رفت و من قصد کنار کشیدن نداشتم و با چشم‌بند به تظاهرات برگشتم.

به خیابان‌ها آمدند و خواستار پایان جمهوری اسلامی شدند. در ۲۱ سپتامبر ۲۰۲۲ در جریان یک تظاهرات، شبه‌نظامیان رژیم، یعنی سپاه منفور پاسداران، دستور تیراندازی بی‌رحمانه به جمعیت را به اجرا گذاشت: چشم‌ها و اندام‌های تناسلی تظاهرکنندگان هدف اصلی شلیک‌ها بودند. در میان تظاهرکنندگان، الهه توکلیان، زن جوان، مادر دو فرزند و ساکن شهر کوچک اسفراین دیده می‌شود که تا آن زمان هیچ علاقه‌ای به سیاست نداشت.

با نشانه‌گیری دقیق اما دردناکی، گلوله‌ای درست به صورتش شلیک می‌شود و چشم راستش از بین می‌رود. این زن جوان تنها به این دلیل زنده می‌ماند که گلوله پلاستیکی از ناحیه چشم جلوتر نمی‌رود. از آن شب، رویدادها سرعت می‌گیرند از جمله خروج وی از ایران به مقصد ترکیه، جایی که یک روزنامه‌نگار ایتالیایی به نام روبرتا ری به او کمک می‌کند. وی الهه را ابتدا به میلان و سپس به رم می‌برد تا روند پیچیده درمانش را آغاز کند. جراحان ایتالیایی بطور معجزه آسایی موفق به کاشت پروتز تقریباً مشابه چشم از دست رفته بدون مخدوش کردن بافت‌های ظریف چشم می‌شوند. در دوران بستری بودنش در بیمارستان، ماموران مخفی جمهوری اسلامی تحت پوشش دیپلمات‌های کنسولگری تلاش بی‌نتیجه‌ای می‌کنند تا اوضاع را تحت کنترل داشته باشند. به سرعت، زخم صورت الهه به نمادی در برابر نفرت و سرکوب تبدیل می‌شود. عکس اینستاگرام او با گلی که چشم زخمی را پوشانده، در دنیا دست به دست می‌شود و به عنوان تصویری از وضعیت غمناک زنان ایرانی، مورد توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرد.

کشور ایتالیا به او پناه‌اندگی سیاسی اعطا کرده و همچنین از وی برای شرکت در مراسم اهدای جایزه صلح نوبل در ماه دسامبر ۲۰۲۳ در اسلو دعوت شده است.

● چه چیزی تو را برای شرکت در خیزش انقلابی به خیابان کشاند و از آن لحظات پر التهاب چه خاطره‌ای داری؟

● چطور به ایتالیا رسیدی؟

● عکس اینستاگرام او با گلی که چشم زخمی را پوشانده، در دنیا دست به دست می‌شود و به عنوان تصویری از وضعیت غمناک زنان ایرانی، مورد توجه رسانه‌ها قرار می‌گیرد. کشور ایتالیا به او پناه‌اندگی سیاسی اعطا کرده و همچنین از وی برای شرکت در مراسم اهدای جایزه صلح نوبل در ماه دسامبر ۲۰۲۳ در اسلو دعوت شده است.

● «دو پسر مورد اصابت قرار گرفتند. من برای کمک به آنها نزدیک شدم، در همان لحظه سرم را بلند کردم و به وضوح دیدم که یک پاسدار به سمت من نشانه گرفته. تصور نمی‌کردم که شلیک کند، پسر و دختر دوقلوی نه ساله‌ام در کنارم بودند. صدای شلیک را شنیدم و بلافاصله زمین خوردم، برای ده ثانیه فقط سیاهی می‌دیدم و سرخی خون.» - «همانطور که می‌دانیم بسیاری از مردان از همان لحظه اول انقلاب از ما حمایت کردند و توسط رژیم کشته یا زندانی شدند و این نشانه همدلی زنان و مردان در جامعه ایران است. در کنار: زن، زندگی، آزادی، شعار دیگر این انقلاب مرد، میهن، آبادی است.»

در پاییز سال گذشته، جمهوری اسلامی در حالی که زیر بار انزوی بین‌المللی و بحران اقتصادی قرار داشت، به شدت از موج یک انقلاب ضربه خورد. موجی که در پی دستگیری و قتل مهسا امینی آغاز شد. ایران با فریاد «زن، زندگی، آزادی» شعله‌ور شد و نور انقلاب به سرعت بر چهره‌های پوشیده، بر نگاه‌های شکسته و رویاهای از دست رفته نسل جوانی تابید که هفتاد و پنج درصد جمعیت ایران را تشکیل می‌دهند.

مشهد دومین شهر بزرگ ایران پس از تهران است که در شمال شرق کشور در نزدیکی مرز افغانستان طالبان زده قرار دارد و مذهبی‌ها آن را مکانی مقدس می‌دانند زیرا میزبان آرامگاه امام هشتم شیعیان است. با وجود این در قیام سال گذشته، در مشهد و در تمام استان خراسان، هزاران نفر با شعار «مرگ بر خامنه‌ای» و فریاد زدن نام پادشاهان پهلوی،



ایران بانو خوب می‌داند چکار کند!



متأسفانه در ایران به عنوان یکی از قربانیان سرکوب رژیم شناخته می‌شدم، هربار که به خیابان می‌رفتم چشم‌بند روی صورتم به مردم یادآوری می‌کرد با من و بچه‌های دیگر شبیه من چه کردند. یک روز تلفنم زنگ خورد، فردی گفت که مدارکم را پیدا کرده که بطور عجیبی هفته‌ها قبل گم شده بودند. برای بازگرداندن مدارک از من خواست که به آرامستانی در حومه مشهد بروم. فهمیدم که برای نجات جانم و به خطر نینداختن زندگی خانواده‌ام دیگر نمی‌توانم در کشورم بمانم. از طریق اشکان خطیبی بازیگر مخالف رژیم با یک ایتالیایی به نام میکله مارلی ارتباط برقرار کردم و او هم مرا با روبرتا ری، روزنامه‌نگار، آشنا کرد. قبل از اینکه قاضی‌های رژیم پاسپورتم را باطل کنند، روبرتا موفق شد برای من یک ویزای درمانی در خارج کشور بگیرد که با آن ابتدا به استانبول و سپس به میلان رسیدم. به لطف نظام بهداشت و درمان ایتالیا، در بیمارستان سان رافائله تحت عمل جراحی قرار گرفتم و بجای چشم از دست‌رفته‌ام، پروتزی مشابه چشم اصلی قرار دادند. جراحان ایتالیایی در حین عمل با تعجب متوجه شدند که در عمل‌های قبلی در ایران گلوله از چشم خارج نشده. من تا پایان عمر از کادر پزشکی و درمانی ایتالیا که با آغوش باز از من استقبال کردند و با وجود موانع زبانی، با محبت از من در تمام مدت بستری بودند در بیمارستان مراقبت کردند، عمیقاً سپاسگزار خواهم بود. زنجیره همبستگی‌ای که ایتالیا با آن از من محافظت کرد، از جمله اهدای پاسپورت پناهندگی سیاسی در زمان بسیار کوتاه، باعث افتخار است و هر روز مرا تحت تأثیر قرار می‌دهد.

● از تصمیمی که آن روز برای شرکت در تظاهرات گرفتی پیشیمان نیستی؟

-به هیچ وجه! تا وقتی که در ایران بودم، حتی پس از مجروح شدن، با وجود جراحی چشم و گاز اشک‌آور و سرکوب توسط دستگاه امنیتی رژیم، به شرکت در تظاهرات ادامه دادم. بسیاری از ایرانیان هستند که جان خود را از دست داده‌اند (بیش از ۶۰۰ نفر در ماه‌های اول خیزش کشته شدند) یا مانند من چشمان خود را از دست داده‌اند. اکثر آنها نتوانستند از ایران خارج شوند، بنابراین وظیفه من اینست که صدای آنها را اینجا در دنیای آزاد به گوش همه برسانم.

● چند هفته دیگر یک رویداد بسیار مهم در انتظار شماست!

-هیجان‌زده‌ام و افتخار بسیار بزرگی است که به عنوان یکی از نمادهای این انقلاب به مراسم اهدای جایزه صلح نوبل دعوت شده‌ام. انقلاب ما برای دفاع از آزادی است و از این رو به همه جهان مربوط است. اینکه من موفق به ترک ایران شدم، وظیفه‌ای را روی دوش من گذاشته تا با چهره و داستان شخصی‌ام سندی باشم از رنجی که بسیاری از مردم کشورم هر روزه تجربه می‌کنند.

● در استان شما، خراسان، آرامگاه فردوسی قرار دارد.

شاعری که سراینده حماسه ملی ایرانیان، شاهنامه، است و برای ایرانیان سکولار بسیار گرامی و محترم است. آیا نمادهای تمدن ایرانی پیش از اسلام در مقابل اقدامات تخریبی رژیم اسلامی دوام می‌آورند؟

-در ایران یک زن متحجر از زیر چادر می‌گوید: «ایران فقط متعلق به اسلام شیعه است». ما در عوض فکر می‌کنیم

که ایران متعلق به همه ماست، متعلق به مردم‌اش است. این آگاهی در میان جوانان بسیار افزایش یافته. روحیه ملی، میهن‌پرستانه و سکولار زنده است و نمادهای فرهنگ باستانی ما که متعلق به پیش از فتح ایران توسط اعراب در قرن هفتم میلادی‌اند، بسیار مورد علاقه و احترام مردمی قرار دارند که از تاریخ ما آگاهند و می‌دانند که گذشته ما بسیار غنی‌تر است.

● چه آینده‌ای برای ایران متصور هستی؟

-پس از اینهمه خشونت، اقتصاد در حال فروپاشی است، مردم خسته شده‌اند. ما چهل و چهار سال است که منتظر سقوط این رژیم بوده‌ایم و من مطمئن هستم که این سقوط با اتحاد مردم به زودی فرا خواهد رسید. حمایت از جمهوری اسلامی در ایران همواره رو به کاهش است و از ۲۰ درصد فراتر نمی‌رود. پس از سال ۲۰۰۹ و جنبش سبز، سرکوب تشدید شد و به همین دلیل مردم به تنهایی و با دست‌خالی قادر به تغییر وضعیت نیستند. یک امید می‌تواند این باشد که فشار بر حکومت ایران از سوی جهان غرب افزایش یابد تا اقدامات جنایتکارانه آن را فلج کند و به ایرانیان فرصتی را برای شروع گذار مسالمت‌آمیز به سمت یک سیستم لیبرال و دموکراتیک بدهد.

● اکنون که در یک کشور آزاد زندگی می‌کنی، چگونه به

مبارزه‌ات ادامه خواهی داد؟

-من سی و سه سال دارم. انگیزه بسیاری دارم که می‌خواهم برای آزادی مردمم اختصاص دهم، به امید اینکه بتوانم به زودی دوباره فرزندانم را در آغوش بگیرم. شروع کردم به نوشتن کتابی تا داستانم را تعریف کنم. در برنامه‌های تلویزیونی شرکت می‌کنم، مصاحبه می‌کنم. به زودی در مراسم جایزه صلح نوبل در نورژ خواهم بود.

● بسیاری انقلاب ایران را یک جنبش زنانه توصیف می‌کنند. آیا این موضوعی است که فقط زنان را درگیر می‌کند؟

-قطعاً نه. همانطور که می‌دانیم بسیاری از مردان از همان لحظه اول انقلاب از ما حمایت کردند و توسط رژیم کشته یا زندانی شدند و این نشانه همدلی زنان و مردان در جامعه ایران است. در کنار زن، زندگی، آزادی، شعار دیگر این انقلاب مرد، میهن، آبادی است.

● اگر بتوانی به نخست‌وزیر ایتالیا پیامی بفرستی، چه می‌گویی؟

-به نظر من بسیار مهم است که یک زن رئیس دولت شماس و می‌خواهم از داستان او الهام بگیرم. من می‌دانم که دیپلماسی بین‌المللی معیارهای خاصی را تحمیل می‌کند، اما برای من افتخار بزرگی است که بتوانم او را ملاقات کنم تا از او بخواهم که از زنان و همه ایرانیانی که توسط رژیم ملاما به گروگان گرفته شده‌اند حمایت کند.

● زنانی که بیشتر از همه آنها را تحسین می‌کنی و اثری ملموس در جامعه ایرانی از خود بجا گذاشته‌اند، چه کسانی هستند؟

-مطمئناً چندین زن به ذهنم می‌آیند، مانند مریم میرزاخانی ریاضیدان، یا کتایون ریاحی بازیگر. اما کسی که بطور ویژه‌ای به او فکر می‌کنم شهبانو فرح پهلوی است، به خاطر اقدامات بزرگش در عرصه‌های اجتماعی، فرهنگی و حقوق زنان. او امروز بسیار مورد احترام است و اکثریت مردم او را مادر ملت ایران می‌دانند.

*منبع: لبرو

*ترجمه و تنظیم: انجمن ایران- ایتالیا

توافق اسرائیل و حماس برای توقف چهار روزه عملیات نظامی در غزه در ازای آزادی ۵۰ تن از گروگان‌های حمله تروریستی «هفتم اکتبر»



درخواست برای آزادی گروگان‌هایی که حماس آنها را در عملیات مرگبار «هفت اکتبر» به غزه برد / رویترز

توسط اسرائیل دیکته شده نزدیک‌تر است.» یک مقام ارشد آمریکایی گفت که انتظار می‌رود سه آمریکایی، از جمله یک دختر سه ساله که والدینش در میان کشته شدگان حمله حماس در «هفتم اکتبر» بودند، جزو گروگان‌هایی باشند که آزاد می‌شوند.

دولت اسرائیل اعلام کرده است که علاوه بر شهروندان اسرائیلی، بیش از نیمی از گروگان‌ها تابعیت خارجی و دوتابعیتی از حدود ۴۰ کشور از جمله ایالات متحده، تایلند، بریتانیا، فرانسه، آرژانتین، آلمان، شیلی، اسپانیا و پرتغال دارند. رسانه‌های اسرائیلی اعلام کردند که انتظاری می‌رود روز پنجشنبه اولین گروگان‌ها آزاد شوند. طبق گزارش‌ها، اجرای این توافق باید پس از ۲۴ ساعت شروع شود تا طی این مدت آزادی زندانیان فلسطینی از دادگاه عالی درخواست شود و به تأیید آن برسد. کاملیا هوتار ایشای مادر بزرگ گالی تارشنسکی ۱۳ ساله که گفته می‌شود در غزه اسیر است، گفته تا زمانی که تماسی مبنی بر آزادی این نوجوان دریافت نکنند، گزارش‌های مربوط به توافق و مبادله را باور نخواهد کرد.

او گفت: «آنوقت می‌دانم که واقعاً تمام شده و می‌توانم نفس راحتی بکشم و بگویم تمام شد.» قدورا فارس رئیس کمیسیون امور زندانیان در تشکیلات خودگردان فلسطین مستقر در رام‌الله نیز به رویترز گفت که در میان بیش از ۷۸۰۰ فلسطینی زندانی در اسرائیل، حدود ۸۵ زن و ۳۵۰ کودک وجود دارند. او گفت که اکثر آنها بدون اتهام یا به خاطر حوادثی مانند پرتاب سنگ به سوی سربازان اسرائیلی و نه برای انجام حملات شبه‌نظامیان بازداشت شده‌اند.

محمد الخلیفی مذاکره‌کننده ارشد وزارت خارجه قطر در گفتگوهای آتش‌بس موقت به رویترز گفت که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در داخل غزه برای تسهیل آزادی گروگان‌ها تلاش خواهد کرد.

اعلام کرد، طی این توافق به کامیون‌های حامل کمک‌های بشردوستانه، پزشکی و سوخت اجازه ورود به غزه داده می‌شود. اسرائیل متعهد شده است که در طول آتش‌بس موقت در تمام نقاط غزه به هیچکس حمله نکند و یا دست به دستگیری هیچکس نزند.

جو بایدن رئیس‌جمهور آمریکا از این توافق استقبال کرد. وی در بیانیه‌ای گفت که «این توافق باید گروگان‌های آمریکایی بیشتری را به خانه بیاورد و من تا زمانی که همه آنها آزاد نشوند دست از تلاش برمی‌دارم.»

دولت قطر اعلام کرد ۵۰ زن و کودک غیرنظامی گروگان از غزه در ازای آزادی «تعدادی از زنان و کودکان فلسطینی که در زندان‌های اسرائیل نگهداری می‌شوند» آزاد خواهند شد. وزارت دادگستری اسرائیل فهرستی از حدود ۳۰۰ زندانی فلسطینی را منتشر کرد که قرار بود آزاد شوند.

با اینهمه بنیامین نتانیاهو تأکید کرده این توافق بطور موقت عملیات را متوقف می‌کند و مأموریت گسترده‌تر اسرائیل بدون تغییر خواهد ماند.

وی در پیامی صوتی گفته «ما در جنگ هستیم و جنگ را تا رسیدن به همه اهداف خود ادامه خواهیم داد. برای نابودی حماس، بازگرداندن همه گروگان‌هایمان و اطمینان از اینکه هیچ موجودی در غزه نخواهد توانست اسرائیل را تهدید کند.» از سوی دیگر، گروه تروریستی حماس که از سال ۲۰۰۷ اداره باریکه غزه را بر عهده دارد، در بیانیه خود اعلام کرد: «همزمان با اعلام انعقاد یک توافق آتش‌بس، تأکید می‌کنیم که انگشت ما روی ماشه باقی می‌ماند و مبارزان پیروز ما برای دفاع از مردم و شکست دادن اشغالگران، مراقب خواهند بود.»

در همین ارتباط، دکتر کوبی مایکل از پژوهشگران ارشد انستیتوی امنیت ملی اسرائیل به شبکه «آی ۲۴» گفته «صحبت از موفقیت سخت است. فکر می‌کنم حماس تحت فشار است... شرایط [توقف موقت جنگ] به شرایطی که

بنیامین نتانیاهو: این توافق موقت است و مأموریت گسترده‌تر اسرائیل بدون تغییر خواهد ماند.

● حماس: انگشت ما روی ماشه باقی می‌ماند.

● دکتر کوبی مایکل از پژوهشگران ارشد انستیتوی امنیت ملی اسرائیل به شبکه «آی ۲۴» گفته «صحبت از موفقیت سخت است. فکر می‌کنم حماس تحت فشار است... شرایط [توقف موقت جنگ] به شرایطی که توسط اسرائیل دیکته شده نزدیک‌تر است.»

دولت اسرائیل سه‌شنبه ۲۱ نوامبر (۳۰ آبان‌ماه) با توقف چهار روزه جنگ علیه حماس در ازای آزادی ۵۰ گروگان در غزه و آزادی ۱۵۰ فلسطینی زندانی در اسرائیل موافقت کرد. همچنین با ورود کمک‌های بشردوستانه به منطقه محاصره شده در نیمه شمالی غزه نیز موافقت شده است. خبرگزاری رویترز گزارش داد مقامات قطر میانجیگری مذاکرات محرمانه را برعهده داشته‌اند.

طبق آمار اسرائیل، گمان می‌رود حماس بیش از ۲۰۰ گروگان را در عملیات تروریستی هفتم اکتبر اسیر گرفته و به غزه منتقل کرده است.

در بیانیه دفتر بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل آمده است که ۵۰ زن و کودک طی چهار روز آزاد خواهند شد و در همین مقطع درگیری‌ها متوقف خواهد شد.

در این بیانیه بدون اشاره به آزادی فلسطینی‌هایی که در حمله تدافعی اسرائیل به اسارت گرفته شده‌اند آمده در ازای آزادی هر ۱۰ گروگان، درگیری‌ها یک روز دیگر تمدید خواهد شد. همچنین تأکید شده «دولت اسرائیل متعهد است که همه گروگان‌ها را به خانه بازگرداند و توافق پیشنهادی به عنوان اولین مرحله برای دستیابی به این هدف است.»

گروه تروریستی حماس اعلام کرد که «۵۰ گروگان در ازای ۱۵۰ زن و کودک فلسطینی که در زندان‌های اسرائیل نگهداری می‌شوند آزاد خواهند شد.» این گروه فلسطینی در بیانیه‌ای

بیزینس اینسایدر: احتمال اینکه روس‌ها از طریق جمهوری اسلامی ایران، انبارهای تسلیحاتی خود را پُر کنند زیاد است



بازدید علی خامنه‌ای از دستاوردهای موشکی و پهپادی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی / آبان ۱۴۰۲

با وجود «بازی‌های سیاسی» درگیر در قرارداد دریافت سوخو-۳۵ اما مرداسوف معتقد است شاید این قرارداد «در میان مدت یا حتا بلندمدت» اجرا شود. اما این نکته را هم افزود که وقتی مسکو هنوز درگیر جنگ با اوکراین است احتمال دارد که ماشین‌های زرهی یا هلیکوپتر به ایران صادر کند. روسیه در ماه اکتبر اذعان کرد که جنگ سبب فشار بر صنعت تسلیحات این کشور شده و به همین علت نیازهای ارتش را در اولویت قرار داده است. بر این اساس، مسکو قالب جدیدی را برای صادرات تسلیحات، از جمله انتقال فناوری قابل توجه‌تر، پیشنهاد کرده است.

رئیس شرکت دولتی تسلیحات «روزوبرون اسپورت» در ماه اکتبر گفت که قراردادهای مشارکت فناوری با کشورهای خارجی «فرصت‌هایی را برای راه‌اندازی تولید در مقیاس کامل در قلمرو خود و توسعه پایگاه صنعتی خود ارائه می‌دهد». این شرکت مدت‌ها پیش مجوز تولید نسخه سفارشی جنگنده‌های سوخو را برای هند صادر کرد. گزارش‌هایی مبنی بر علاقه ایران به ساخت این هواپیماها تحت نظارت روسیه وجود داشت. تهران همچنین ممکن است بخواهد تانک‌های T-۷۲ و T-۹۰ نیز بسازد.

فرزین ندیمی تحلیلگر دفاعی و امنیتی در مؤسسه «واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک» با اشاره به تبادلات فناوری میان جمهوری اسلامی و روسیه می‌گوید: «ایران مدت‌هاست رویای به راه افتادن خط تولید هواپیمای جنگنده و تانک را در سر می‌پروراند، اما اینکه آیا همکاری میان ایران و روسیه در حوزه موشکی به سایر حوزه‌ها گسترش پیدا کند باید منتظر ماند و دید.»

در پایان این گزارش آمده اگر مسکو موشک‌های خود را از طریق ایران تأمین کند، ممکن است با فشار بی‌سابقه‌ای مواجه شود، اما هنوز تردید وجود دارد که این موشک‌ها به دست روسیه برسند.

کوتاه‌برد ایران برای تقویت زرادخانه خود جهت ادامه حملات نظامی علیه اوکراین باشد.

خود روسیه نیز همچنان به تولید موشک و پهپاد ادامه می‌دهد، اما حملات مداوم به اوکراین، منابع تسلیحاتی این کشور را تحت فشار قرار داده است. زمستان سال گذشته، زمانی که مسکو شروع به استفاده از پهپادهای ایران کرد، هزار فروند از این پهپادها طی شش ماه پرتاب شدند. تنها در ماه سپتامبر حدود ۵۰۰ پهپاد علیه اهدافی در اوکراین پرتاب شد که یک رکورد جدید به شمار می‌رود.

اگر مسکو اکنون موشک‌های کوتاه‌برد از ایران دریافت کند، اوکراین ممکن است با فشار بی‌سابقه‌ای مواجه شود، اما هنوز تردید وجود دارد که این موشک‌ها به دست روسیه برسد. آنتوان مرداسوف پژوهشگر امور سوریه در مؤسسه خاورمیانه می‌گوید، «فکر نمی‌کنم که لغو تحریم‌ها تأثیر زیادی بر امکان ارسال موشک‌های بالستیک ایران به روسیه داشته باشد.» مرداسوف به «بیزینس اینسایدر» گفت، در حالی که مسکو «تا حد امکان به سلاح‌های با دقت بالا» نیاز دارد، اما «هی‌خواهد کاملاً به تهران وابسته شود. همچنین روس‌ها تردید دارند که با یکی از دشمنان سرسخت اسرائیل یا رقیب اصلی کشورهای عربی خلیج فارس در منطقه [جمهوری اسلامی] یک اتحاد نظامی استراتژیک برقرار کنند.» البته وی تأکید می‌کند «احتمال اتفاقات پیش‌بینی نشده وجود دارد، اما در حال حاضر در مورد امکان تأمین موشک‌های ذوالفقار و سایر موشک‌های ایران برای روسیه تردید دارم.»

به ویژه پس از آغاز جنگ روسیه علیه اوکراین در فوریه ۲۰۲۲ نشانه‌هایی وجود داشت که رژیم ایران امیدوار بود ۲۲ فروند جنگنده سوخو-۳۵ از روسیه دریافت کند. جمهوری اسلامی همچنین امیدوار است که در ازای صادرات پهپاد به روسیه و کمک به ساخت آنها در آنجا، مسکو مجوز تولید سایر تجهیزات نظامی روسیه در ایران را صادر کند.

● همزمان با جنگ غزه، روزنامه «الشرق الاوسط» گزارش داد جمهوری اسلامی تلاش می‌کند سلاح پیشرفته برای حزب‌الله بفرستد. مقامات ارشد حکومت نیز همواره تأکید می‌کنند که به پشتیبانی از «محور مقاومت» ادامه خواهند داد.

● آنتوان مرداسوف پژوهشگر امور سوریه در مؤسسه خاورمیانه به «بیزینس اینسایدر» می‌گوید، در حالی که مسکو «تا حد امکان به سلاح‌های با دقت بالا» نیاز دارد، اما «هی‌خواهد کاملاً به تهران وابسته شود. همچنین روس‌ها تردید دارند که با یکی از دشمنان سرسخت اسرائیل یا رقیب اصلی کشورهای عربی خلیج فارس در منطقه [جمهوری اسلامی] یک اتحاد نظامی استراتژیک برقرار کنند.»

سرتیپ پاسدار مهدی فرحی معاون وزیر دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ۲۲ آبان‌ماه در یک سخنرانی ادعا کرده بود «سال گذشته نزدیک به یک میلیارد دلار صادرات نظامی داشتیم.» اکنون همزمان با جنگ غزه که گروه تروریستی حماس علیه اسرائیل به راه انداخته، «الشرق الاوسط» گزارش داده است که جمهوری اسلامی تلاش می‌کند سلاح پیشرفته برای حزب‌الله بفرستد. این در حالیست که مقامات ارشد حکومت نیز همواره تأکید می‌کنند به پشتیبانی از «محور مقاومت» ادامه خواهند داد.

وبسایت آمریکایی «بیزینس اینسایدر» ۲۱ نوامبر (۳۰ آبان‌ماه) در گزارشی هشدار داده با انقضای تاریخ تحریم‌های تسلیحاتی شورای امنیت علیه جمهوری اسلامی، این احتمال که روس‌ها از طریق جمهوری اسلامی ایران به دنبال پر کردن انبارهای تسلیحاتی خود باشند زیاد است.

یک روز قبل از پایان تحریم‌های سازمان ملل علیه جمهوری اسلامی در واردات و صادرات تسلیحات نظامی مرتبط با موشک‌های بالستیک و پهپادهای تهاجمی جمهوری اسلامی در ۱۸ اکتبر (۲۶ مهرماه)، روسیه اعلام کرده بود دیگر نیازی به تبعیت از قطعنامه‌های شورای امنیت درباره برنامه موشکی جمهوری اسلامی نمی‌بیند.

این بیانیه نشان می‌داد که مسکو ممکن است به دنبال پر کردن مجدد انبارهای تسلیحاتی خود با موشک‌های بالستیک ساخت ایران باشد که می‌تواند پیامدهایی علیه اوکراین داشته باشد.

قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت سازمان ملل متحد چند روز پس از توافق اتمی آمریکا و ایران موسوم به «برجام» در سال ۲۰۱۵ به تصویب رسید و تا اکتبر سال ۲۰۲۳ جمهوری اسلامی را از صادرات و واردات موشک و پهپاد با بُرد بیش از ۳۰۰ کیلومتر و محموله بیش از ۵۰۰ کیلوگرم منع می‌کرد. آمریکا و کشورهای اروپایی عضو برجام تصمیم گرفتند تحریم‌ها علیه برنامه موشکی ایران را حفظ کنند اما حدس و گمان مداوم در مورد تأمین موشک‌های بالستیک کوتاه‌برد برای روسیه توسط ایران وجود دارد. در صورت ارسال این تسلیحات از ایران به روسیه گزینه تحریم‌های فوری وجود خواهد داشت. اگرچه تحریم‌های ایران مربوط به ممنوعیت خرید و فروش موشک‌های بالستیک منقضی شده، اما تحریم‌های چندجانبه قبلی می‌توانند بر اساس «بند غروب» که در قطعنامه ۲۲۳۱ مشخص شده دوباره به اجرا گذاشته شوند. با وجود این، بیانیه وزارت خارجه روسیه نشان می‌دهد که مسکو ممکن است به دنبال تأمین موشک‌های بالستیک

توماج صالحی با وثیقه آزاد شد؛ «نقض حکم» در دیوان عالی کشور



● توماج صالحی «پس از تحمل ۲۵۲ روز زندان انفرادی و مجموعاً یک سال و ۲۱ روز حبس ناعادلانه با سپردن وثیقه از زندان آزاد شد.»

● دیوان عالی کشور با لغو حکم توماج صالحی او را مشمول بخشنامه عفو اعلامی دانسته است.

● مهرداد امسال سازمان شاخص سانسور (index on censorship) توماج صالحی را به عنوان برنده جایزه سالانه آزادی بیان در هنر اعلام کرد.

توماج صالحی هنرمند زندانی عصر روز شنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۲ با سپردن وثیقه از زندان دستگرد اصفهان آزاد شد. وکیل توماج از پذیرش درخواست فرجام‌خواهی و «نقض حکم» او در دیوان عالی کشور خبر داده است.

توماج صالحی خواننده رپ اعتراضی که در جریان اعتراضات جنبش ملی در سال گذشته بازداشت و به شش سال زندان محکوم شده بود، در پی لغو حکم صادره در دیوان عالی کشور آزاد شد.

صفحه توماج صالحی در ایکس با اعلام خبر آزادی این هنرمند نوشت: «تو درخشیدی و بس به سپیدی تمام... توماج صالحی پسر ایران، پس از تحمل ۲۵۲ روز زندان انفرادی و مجموعاً یک سال و ۲۱ روز حبس ناعادلانه، سرانجام امروز ۲۷ آبان به قید وثیقه از زندان آزاد و به جمع خانواده بزرگ خود بازگشت. ضمن ابراز شغف و شادمانی از پایان یافتن این اسارت ظالمانه، پیگیر روند درمان آسیب‌های جسمی وارد شده به او خواهیم بود. به امید آزادی کامل و بی قید و شرط توماج عزیز؛ تو پیروز زندانی هستی که بردن.»

امیر رئیس‌پان وکیل توماج صالحی نیز شامگاه شنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۲ به «شبکه شرق» از پذیرش درخواست فرجام‌خواهی و نقض حکم او در دیوان عالی کشور و متعاقباً آزادی این خواننده با قرار وثیقه خبر داد.

امیر رئیس‌پان درباره جزئیات پرونده توماج صالحی گفته که «در پی فرجام‌خواهی صورت گرفته در پرونده توماج صالحی، این پرونده در شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور مورد رسیدگی قرار گرفت و در نهایت، نظر به طرح ایرادات متعدد به دادنامه اولیه، برخی از این ایرادات مورد پذیرش دیوان عالی کشور قرار گرفت و پس از نقض حکم، این پرونده به شعبه یک دادگاه انقلاب اصفهان مسترد شد.»

این وکیل دادگستری افزوده که «همچنین دیوان عالی کشور توماج صالحی را همچون دیگر افرادی که مشمول بخشنامه عفو اعلامی قرار گرفتند دانست و اعلام کرد که او نیز می‌تواند از عفو اعلامی استفاده کند.»

وکیل توماج صالحی با تأکید بر اینکه موکل وی با سپردن وثیقه از زندان آزاد شده گفته که «اگرچه توماج صالحی شامل بخشنامه عفو اعلامی است و باید بدون وثیقه پرونده مختومه می‌شد، اما با توجه به اینکه ایراداتی که از سوی شعبه ۳۹ دیوان عالی کشور وارد دانسته شده باید رفع شود، شعبه یک دادگاه انقلاب اصفهان، تشخیص داد که فعلاً قرار تأمین توماج صالحی را به وثیقه تبدیل کند و در نتیجه، او امروز از زندان اصفهان آزاد شد.»

توماج صالحی خواننده رپ ایرانی در جریان اعتراضات جنبش ملی و در آبان ۱۴۰۱ بازداشت شد. چند روز پس از بازداشت توماج صالحی ویدیوی کوتاهی توسط «باشگاه خبرنگاران جوان» وابسته به صداوسیما جمهوری اسلامی منتشر شد

او درباره عنوان اتهامی اول توماج صالحی گفته که «اتهام اول آقای صالحی، افساد فی الارض موضوع ماده ۲۸۶ قانون مجازات بود. جالب آنکه دادگاه اقدامات توماج صالحی را مصداق متن این ماده ندانسته بلکه براساس تبصره ماده ۲۸۶ اقدام به صدور ۶ سال و ۳ ماه حبس برای او کرده است. براساس تبصره این ماده، اگر دادگاه نتواند از اقدامات متهم، قصد اخلال گسترده و ایجاد ناامنی را احراز کند و همچنین عمل ارتكابی متهم، شامل دیگر مجازات‌های قانونی نباشد، فرد به حبس درجه ۵ یا ۶ محکوم خواهد شد که دادگاه آقای صالحی را به مجازات درجه ۵ محکوم کرده است. همچنین دادگاه با تکیه بر این موضوع که عناوین اتهامی آقای صالحی را بیشتر از ۳ مورد تشخیص داد، به میزان یک چهارم به مجازات درجه ۵ اضافه کرده تا توماج صالحی مجموعاً بابت این عنوان اتهامی به ۶ سال و ۳ ماه حبس محکوم شود.»

امیر رئیس‌پان همچنین نوزدهم تیرماه گذشته در توییتی نوشت موکل‌اش درباره اتهامات افساد فی الارض و همکاری با دولت متخاصم محکوم نشده است. به همین دلیل مشمول بخشنامه عفو می‌شود و انتظار این است که با اعمال این بخشنامه مقدمات آزادی‌اش فراهم شود.

بازداشت توماج صالحی با واکنش‌های زیادی روبرو شده بود؛ از جمله ۱۲۶ نویسنده، هنرمند و فعال مدنی در ۲۳ آبان‌ماه ۱۴۰۱ با انتشار نامه‌ای در حمایت از توماج صالحی او را «صدای مردم» دانستند که «خاموش نمی‌شود.» مهرداد امسال سازمان شاخص سانسور (index on censorship) توماج صالحی را به عنوان برنده جایزه سالانه آزادی بیان در هنر اعلام کرد.

که در آن فردی که هنوز مشخص نیست واقعا توماج بود یا نه، با چشم‌بند بسیار پهن روی زمین نشست و می‌گوید که اشتباه کرده است. این ویدیو نیز مانند دیگر ویدیوهای امنیتی رژیم نه تنها مورد توجه افکار عمومی قرار نگرفت بلکه فقط بر خشم و انزجار عمومی از جمهوری اسلامی افزود. با اینهمه یک ماه پس از بازداشت توماج صالحی خبرگزاری «تسنیم» نزدیک به سپاه پاسداران ویدیویی ۴۵ ثانیه‌ای از «اعترافات اجباری» توماج صالحی منتشر کرد.

سناریوی این ویدیوی اعترافات اجباری به شکلی است که توماج در اتاقی تاریک مقابل فردی که چهره‌اش مشخص نیست و نقش «بازجو» را به عهده دارد نشست و از اقدامات خود ابراز ندامت می‌کند و با لبخند تلخی می‌گوید: «کاش می‌تونستم برعکسش را تولید کنم!»

متن منتشرشده به همراه این ویدیو در خبرگزاری حاوی اتهامات سنگین علیه توماج صالحی بود. این خبرگزاری نوشته بود که «توماج صالحی در اتفاقات اخیر در صفحه تویتر خود به تبلیغ خشونت و درگیری با نیروهای مسلح و ساخت کوکتل مولوتف می‌پرداخت و اخبار جعلی منتشر می‌کرد. او همچنین با انتشار فراخوان‌های مختلف برای شهرهای کشور در تبلیغ اغتشاشات نقش داشت.»

امیر رئیس‌پان تیرماه امسال درباره حکم صادر شده علیه موکلش گفته بود که «توماج صالحی مجموعاً برای ۶ عنوان اتهامی به ۱۸ سال و ۹ ماه حبس، ۲۳ میلیون تومان جزای نقدی و ۴۰ ضربه شلاق تعزیری محکوم شده که مجازات اشد آن، یعنی ۶ سال و ۳ ماه حبس قابلیت اجرا دارد. دادگاه همچنین دستور داده که مجازات ۶ ماه حبس توماج صالحی در پرونده قبلی به اجرا گذاشته شود.»

خالد پیرزاده با وجود وضعیت وخیم جسمی از بیمارستان به زندان اوین بازگردانده شد



● خالد پیرزاده بدون سپری شدن مراحل درمان و با وضعیت نامساعد جسمی به زندان اوین بازگردانده شده است.

● این فعال مشروطه‌خواه به دلیل تشنج، گرفتگی ماهیچه‌های قلب و درد در قفسه سینه به صورت اورژانسی به بیمارستان «لقمان حکیم» تهران، اعزام و در بخش قلب این بیمارستان بستری شده بود.

● خالد پیرزاده ۲۸ شهریورماه امسال در حالی که قصد ترک ایران به مقصد ترکیه را داشت بازداشت شد.

در پی تشدید فشار نهادهای امنیتی و قضایی علیه فعالان مشروطه‌خواه، خالد پیرزاده که در پی وخامت حال جسمی از زندان اوین به بیمارستان منتقل شده بود پس از دو روز بدون طی شدن مراحل درمان به زندان بازگردانده شد.

خالد پیرزاده زندانی سیاسی مشروطه‌خواه و قهرمان پرورش اندام که روز سه‌شنبه ۲۳ آبان در پی وخامت حال جسمی به بیمارستان منتقل شده بود، بدون سپری شدن مراحل درمان و با وضعیت نامساعد جسمی به زندان اوین بازگردانده شده است.

خبرگزاری «هرانا» ارگان خبری مجموعه فعالان حقوق بشر در ایران گزارش داده که خالد پیرزاده روز سه‌شنبه ۲۳ آبان‌ماه به دلیل «تشنج»، «گرفتگی ماهیچه‌های قلب» و «درد در قفسه سینه»، به صورت اورژانسی به بیمارستان «لقمان حکیم» تهران، اعزام و «در بخش قلب» این بیمارستان بستری شده بود.

خبرگزاری هرانا به نقل از یک منبع مطلع و نزدیک به خانواده او نوشت: «آقای پیرزاده در حدود ساعت ۶ عصر روز پنجشنبه ۲۵ آبان ۱۴۰۲، علی‌رغم حال نامساعد جسمی به زندان اوین بازگردانده شده است. او هم‌اکنون در بند شش این زندان به سر می‌برد».

بیمارستان «لقمان حکیم» مرکز فوق تخصصی مسمومیت است و معمولاً بیمارانی که خودکشی کرده یا دچار مسمومیت دارویی و غذایی شده‌اند به این بیمارستان منتقل می‌شوند. مشخص نیست به چه علت خالد پیرزاده از سوی مسئولان زندان به این بیمارستان اعزام شده است.

خالد پیرزاده ۲۸ شهریورماه امسال در حالی که قصد ترک ایران به مقصد ترکیه را داشت بازداشت شد. او در ابتدا به بند ۲۰۹ زندان اوین منتقل و پس از سپری شدن مراحل بازجویی به بند شش زندان اوین منتقل شده است.

این فعال سیاسی پیشتر در تاریخ ۵ خرداد ماه ۹۸ توسط نیروهای اداره اطلاعات همراه با ضرب و جرح بازداشت و مدتی بعد با پایان مراحل بازجویی به زندان اوین منتقل شد. این فعال مشروطه‌خواه از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست محمد مقیسه به اتهام «اجتماع و تبانی بر علیه امنیت ملی» به ۵ سال حبس و به اتهام «توهین به رهبری» به ۲ سال حبس و در مجموع به ۷ سال حبس تعزیری محکوم شد. این حکم در خردادماه ۹۹ توسط شعبه ۳۶ دادگاه تجدید نظر استان تهران تأیید شد.

خالد پیرزاده که بیش از دو سال ممنوع از ملاقات و مرخصی بود از دهم خرداد ۱۴۰۰ دست به اعتصاب غذا

فوریست. نخاع من به دلیل شکستگی مهره‌های کمر آسیب دیده و نیازمند تزریق نخاعی دارو هستم. آیا انسانیت که با این وضعیت اسفناک جسمی و روحی و روانی خودم را به زندان معرفی کنم؟! چون هیچ رسیدگی در زندان به من نمی‌شود. داروهای تاریخ مصرف گذشته، داروهای بی‌کیفیت و داروهای که اصلاً مشخص نیست چه هستند را به من می‌دهند؛ این داروها را در بسته‌بندی فله‌ای می‌آورند زندان و اصلاً معلوم نیست چه داروهایی هستند!

خالد پیرزاده در سخنانی تکان‌دهنده و هولناک تأکید کرده بود که خودش دو بار در دوران بازجویی تهدید به تجاوز شده است! همسرش و حتا دختر خردسالش را تهدید به تجاوز کردند! او می‌گوید: «حتا به دختر کوچک من رحم نکردند و تهدید کردند به او تجاوز می‌کنند!»

او همچنین گفته بود همه این شکنجه‌ها با هدف گرفتن اعترافات اجباری بوده است. وی می‌افزاید «این حکومت عدل علی که می‌گویند اینست؟ کرامت انسانی که می‌گویند اینست؟ آزادی بیانی که می‌گویند اینست؟ دموکراسی‌ای که می‌گویند اینست؟ که این بلاها را سر من به عنوان فعال مدنی که هیچ جرمی انجام نداده بیاورند؟! من هنوز که هنوزه کابوس می‌بینم.»

خالد پیرزاده پیشتر با ارسال پیامی صوتی از زندان خطاب به جاوید رحمان، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل در امور ایران، گفته بود که در اثر شکنجه‌های گوناگون نیروهای جمهوری اسلامی به کلکسیون از بیماری تبدیل شده است.

زد و دو هفته بعد و چند روز پیش از برگزاری سیزدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری اسلامی به مرخصی درمانی فرستاده شد تا پس از آن مرخصی بطور مشروط آزاد شود. با این وعده وی به اعتصاب غذای خود پایان داد. اما با تغییر نظر دادگاه ضمن نیمه‌تمام ماندن روند درمان مجبور شد روز ۱۶ تیرماه به زندان بزرگ تهران (فشافویه) بازگردد و در ۲۳ تیرماه به زندان شیپان اهواز تعیند شد.

خالد پیرزاده در زمان کوتاهی که در مرخصی درمانی بسر می‌برد در گفتگو با کیهان لندن روایت تکان‌دهنده‌ای از شکنجه‌های جسمی و روحی که در زندان بر سر او آمده بیان کرد: «دو بار طناب دار گردنم انداختند. حکم وحشت اعدام! در بازجویی‌های روزهای اول چون ورزشکار بودم، بدن قوی و روی فرم و ۱۲۷ کیلو وزن داشتم و دور بازوی من ۵۳ سانتیمتر بود. اینها از حرصی که داشتند به من رحم نکردند و مرا تا حد مرگ شکنجه می‌کردند. دست‌های مرا می‌گذاشتند لای در فلزی اتاق بازجویی و در را بهم می‌کوبیدند! در دوران بازجویی دو نفر از بغل سوار زانوی من شدند؛ زیر زانوم خالی بود. زانوم شکست و از جایش در آمد! رباط صلیبی و ای‌سی‌ای و پی‌سی‌ال پایم پاره شد و اینقدر وضعیت حادی پیش آمد که در بیمارستان آرمان تحت عمل جراحی قرار گرفتم. الان یکسال از عمل جراحی‌ام گذشته اما هنوز خوب نشده‌ام و هنوز که هنوزه مجبورم با عصا راه بروم.»

این فعال مشروطه‌خواه همچنین به کیهان لندن توضیح داده بود «در طول بازجویی‌ها ۹ مهره کمرم آسیب دید؛ دیسک ۳ مهره گردن و ۴ مهره بین دو کتف بیرون زده و ۲ مهره دنباله‌شکسته است که نیازمند به عمل جراحی

جنایتکار می‌تواند تنبیه شود، اگر اراده‌ای برای آن وجود داشته باشد!



بشار اسد در نشست سران اتحادیه عرب / جده / عربستان سعودی / ۱۹ مه ۲۰۲۳ / رویترز

حقوق بین‌الملل، در کتاب «قانون جنگ و صلح» این منطق را چنان روشن و رسا می‌داند که با هر عقل سلیمی قابل درک است. در حقیقت، ضرورت تنبیه جنایتکار متجاوز به حقوق مردم بی‌گناه ریشه‌های عمیقی در نظم طبیعی دارد. هرگاه این نظم در معرض خطر قرار گیرد، اساس انسانیت به خطر می‌افتد. به همین دلیل می‌توان موضوع عقل سلیم را در مورد آن به کار برد که این حقیقت را به خوبی درک می‌کند که بدون هیچ توجیهی، یا بدون نیاز به مضامین مذهبی و الهی، بر اساس اصول عدالت نهفته در قانون طبیعت می‌توان باید متجاوز را مجازات کرد. [vii] این مسئولیت به عهده همه اعضای خانواده بشری است.

ضرورت حفاظت از عدالت برای دفاع از حقوق مردم، قاعده «یا استرداد کنید یا محاکمه» را به‌عنوان مبنایی برای اعمال اصل «صلاحیت جهانشمول» قرار می‌دهد. به موجب اصل یاد شده، که امروزه جایگاه مهمی در حقوق کیفری بین‌المللی دارد، صرف نظر از نوع جنایت، به عنوان مثال جنایت علیه بشریت و یا جنایت جنگی، و بی‌اعتنا به محل ارتکاب جنایت و همچنین تابعیت آمر و عامل جنایت، جنایتکار توسط هر کشوری می‌بایست مجازات شود. البته این نوع صلاحیت بر عهده کشورهایی است که پیشاپیش اجرای این اصل را پذیرفته‌اند.

به این ترتیب، اصل «صلاحیت جهانشمول» ساز و کاری بدیل برای دادخواهی قربانیان جنایت و خانواده‌هایی فراهم می‌آورد که در جامعه آنها به دلیل سلطه حکومت‌های خودکامه، امکانپذیر نیست. اینگونه حکومت‌ها نوعی شرایط امن برای جنایتکاران ایجاد کرده‌اند تا از بار مسئولیت جنایی خود فرار کنند. صلاحیت جهانشمول این فرصت را از جنایتکاران می‌گیرد. به همین دلیل، دادگاه‌هایی که اصل صلاحیت را در دفاع از قربانیان و منافع جامعه اجرا می‌کنند، به عنوان «آخرین راه حل قضایی» نامیده می‌شوند.

علاوه بر این، به دلیل خطیر بودن اینگونه جنایات

این اقدام اعضای جامعه مدنی سوری در مقابل جنایات رژیم بشار اسد و صدور حکم بازداشت از سوی قوه قضائیه یک کشور علیه رئیس کشوری دیگر، بی هیچ تردیدی می‌تواند مورد استفاده فعالان جامعه مدنی ایرانی قرار گیرد. مقداری توضیح در باره این موضوع می‌تواند مفید باشد.

بر اساس قاعده «یا مسترد کنید یا محاکمه» [v] هرگاه جنایاتی اتفاق افتد که دارای ماهیت بین‌المللی باشد، یعنی اینکه به لحاظ اخلاقی وجدان جهانیان را تکان دهد، و از نظر حقوقی ناقض قواعد آمره بین‌المللی باشد، جنایتکار تحت هیچ شرایطی نمی‌تواند از زیر بار مسئولیت فرار کند و در همه حال باید محاکمه و مجازات شود. مبنای حقوقی این قاعده علاوه بر اینکه از حقوق بین‌الملل عرفی سرچشمه می‌گیرد، در حقوق معاهداتی کنونی مانند مقاله‌نامه بین‌المللی علیه شکنجه، مقاله‌نامه بین‌المللی علیه تبعیض نژادی و از همه مهمتر مقاله‌نامه رم در اساسنامه دادگاه کیفری بین‌المللی تبلور یافته است.

در چنین شرایطی، یعنی ارتکاب جنایت بین‌المللی، مقامات جنایتکار موضوع اصل صلاحیت جهانشمول [vi] قرار می‌گیرند. به موجب این اصل، همه مصونیت‌های سنتی مسئولان جنایتکار، در هر رده‌ای که باشند، از آنها سلب شده و آنها مشمول اصل «یا استرداد کنید یا محاکمه» می‌شوند. در اینصورت اگر دادگاه‌های ملی کشوری مایل نباشند و یا قادر به محاکمه جنایتکار نباشند، هرگاه آن جنایتکار پای خود را از کشور خود بیرون گذارد، برای قوه قضائیه کشورهای دیگر این حق وجود دارد که او را دستگیر کرده و محاکمه کنند و یا اینکه به دادگاه صالحه دیگری اعم از ملی و یا بین‌المللی برای محاکمه مسترد نمایند.

منطق نهفته در این قاعده شگرف بین‌المللی را باید در «اصل عدالت» مستتر در حقوق طبیعی جستجو کرد که به موجب آن حفاظت از جان مردم در همه شرایط امری مطلق و اجتناب‌ناپذیر است. هوگو گروسیوس از پیشگامان

تصاویر منتشره از جنایت نیروهای سوری در منطقه غوطه شرقی نشان می‌دهد که گاز اعصاب به عنوان سلاح کشتار جمعی، که بر اساس مقاله‌نامه منع سلاح‌های شیمیایی ممنوع شده است، توسط سوریه در مقابله با مردم این کشور استفاده شده است. هرچند که این مقاله‌نامه توسط سوریه پذیرفته نشده، اما از آنجا که کاربرد سلاح شیمیایی ناقض قواعد آمره بین‌المللی است، رهبر سوریه و دیگر مقامات این کشور به عنوان جنایتکار بین‌المللی باید مورد پیگرد قانونی قرار گیرند.

در صورت ارتکاب جنایت بین‌المللی توسط مقامات یک کشور، آنها موضوع اصل صلاحیت جهانشمول قرار می‌گیرند. به موجب این اصل، همه مصونیت‌های سنتی مسئولان جنایتکار، در هر رده‌ای که باشند، از آنها سلب شده و آنها مشمول «یا استرداد کنید یا محاکمه» می‌شوند. در اینصورت اگر دادگاه‌های ملی کشوری مایل و یا قادر به محاکمه جنایتکار نباشند، هرگاه آن جنایتکار پای خود را از کشور خود بیرون گذارد، برای قوه قضائیه کشورهای دیگر این حق وجود دارد که او را دستگیر کرده و محاکمه کنند و یا اینکه به دادگاه صالحه دیگری اعم از ملی و یا بین‌المللی برای محاکمه مسترد نمایند. این اصل ریشه در حقوق طبیعی و «اصل عدالت» دارد.

دادگاه‌های بسیاری بر اساس این قواعد برگزار شده و در تازه‌ترین نمونه که به ایران و جمهوری اسلامی مربوط می‌شود، می‌توان به محاکمه حمید نوری در یک دادگاه سوئدی اشاره کرد. این قواعد در حقوق بین‌الملل راه فرار جنایتکاران را مسدود کرده است.

محمود مسائلی - خبرگزاری‌ها اعلام کردند حکم بازداشت بشار اسد، برادر او ماهر اسد، و دو ژنرال ارتش در روز سه شنبه ۱۴ نوامبر به اتهام مشارکت در جنایات علیه بشریت و مشارکت در جنایات جنگی در جریان حملات شیمیایی در اوت ۲۰۱۳ در غوطه شرقی [i]، ابتکار عدالت برای جامعه باز [ii]، و آرشو سوریه صادر شد. این حکم به دنبال شکایتی صادر شد که در مارس ۲۰۲۱، سازمان غیردولتی فرانسوی - سوری مرکز رسانه‌ها و آزادی [iii] بیان برای «جنایت جنگی» و «جنایت علیه بشریت» علیه بشار اسد مطرح کرد.

تصاویر منتشره از جنایت نیروهای سوری در منطقه غوطه شرقی نشان می‌دهد که گاز اعصاب به عنوان سلاح کشتار جمعی، که بر اساس مقاله‌نامه منع سلاح‌های شیمیایی ممنوع شده است، توسط سوریه در مقابله با مردم این کشور استفاده شده است. هرچند که این مقاله‌نامه توسط سوریه پذیرفته نشده، اما از آنجا که کاربرد سلاح شیمیایی ناقض قواعد آمره بین‌المللی است، رهبر سوریه و دیگر مقامات این کشور به عنوان جنایتکار بین‌المللی باید مورد پیگرد قانونی قرار گیرند.

هادی الخطیب بنیانگذار آرشو سوریه گفت: «فرانسه با صدور این حکم پیگرد موضع قاطعانه‌ای اتخاذ کرد که جنایات هولناکی را که ده سال پیش رخ داده، نمی‌توان نادیده گرفت. ما می‌بینیم که فرانسه، و امیدواریم کشورهای دیگر به زودی، شواهد محکمی را که در طول سال‌ها جمع‌آوری کرده‌ایم مورد توجه قرار داده و در نهایت بالاترین سطح مسئولیت کیفری را برای جنایتکاران درخواست نموده‌اند.» [iv]

محمود مسائلی کارشناس حقوق بین الملل: جامعه مدنی ایرانی باید با شناخت حقوقی علیه جمهوری اسلامی اقدام کند



است. در برخی دیگر کشورها شکایت‌های شهروندان ایرانی و ایرانی‌تبار در رابطه با جنایاتی که در جمهوری اسلامی اتفاق افتاده به نتیجه نرسیده‌اند و در برخی موارد حتی ثبت نیز نشده‌اند.

چرا دولت هیچکدام از کشورهایی که «پیمان رم» را که به تشکیل «دیوان بین‌المللی کیفری» انجامید امضا کرده‌اند از جمهوری اسلامی به این نهاد شکایت نمی‌کند؟ چرا در دادگاه‌های کشوری شکایت‌های شهروندان ایرانی و ایرانی‌تبار بایگانی می‌شوند یا حتی به ثبت نمی‌رسند؟ آیا بی‌توجهی به فرهنگ قضائی بین‌المللی از سوی نهادهای سیاسی و مدنی ایرانیان می‌تواند از جمله دلایل عدم موفقیت در این زمینه باشد؟

احمد رأفت این پرسش‌ها را با محمود مسائلی کارشناس حقوق بین‌الملل در میان گذاشته است.

دستگاه قضائی فرانسه در روزهای گذشته حکم بازداشت بشار اسد، برادرش ماهر و دو ژنرال به نام غسان عباس و بسام الحسن را به اتهام استفاده از سلاح شیمیایی در سال ۲۰۱۲ که منجر به کشته شدن بیش از ۱۰۰۰ نفر شد صادر کرد. قبل از آن دادگاهی در شهر کوبلنتز آلمان نیز دو مأمور اطلاعاتی سوریه را به اتهام شکنجه مخالفان محاکمه و به زندان محکوم کرده بود. با درخواست دولت‌های هلند و کانادا پرونده‌ای نیز علیه رئیس جمهور سوریه در «دیوان بین‌المللی کیفری» لاهه گشوده شده است.

با وجود تمام جنایت‌هایی که جمهوری اسلامی در ۴۴ سال گذشته مرتکب شده است، تنها در یک مورد یکی از کسانی که در این جنایت‌ها دست داشتند در یک دادگاه اروپائی با استفاده از اصل «صلاحیت فراسرزمینی» محاکمه شده است: حمید نوری که در سوئد به اتهام مشارکت در اعدام‌های جمعی در تابستان ۶۷ به حبس ابد محکوم شده

→ برای اعضای خانواده بین‌المللی، مقام فرد متهم به ارتکاب جنایت نمی‌تواند باعث رفع مسئولیت کیفری و یا تخفیف مجازات او شود. حتی بالاترین مقام کشورها مانند رئیس جمهور و یا پادشاه مشمول اصل صلاحیت جهانشمول بوده و باید در قبال جنایات خود مجازات شده و یا به دادگاه‌های کیفری صالح مسترد شوند.

در گذشته موارد متعددی از اعمال صلاحیت جهانشمول صورت گرفته است: اقدامات دادستان عمومی علیه متهمی که به دلیل کلاهبرداری از یوگسلاوی کمونیستی گریخته و به اتریش رسیده بود، از اولین نمونه‌هاست. [viii] درخواست اسپانیا برای استرداد دیکتاتور سابق شیلی آگوستو پینوشه: [ix] پیگرد قانونی پسر رئیس جمهور سابق لیبریا، چاکی تیلور در ایالات متحده؛ محاکمه رئیس جمهور سابق کشور چاد که در تبعید در سنگال زندگی می‌کرد [x] اما مشمول پیگرد کیفری توسط بلژیک قرار گرفت، محاکمه آدولف آیشمن در سال ۱۹۶۱ به اتهام کشتار یهودیان، جنایت علیه بشریت، و جنایت جنگی که در نهایت به مرگ محکوم شد. و تازه‌ترین نمونه که به ایران و جمهوری اسلامی مربوط می‌شود، محاکمه حمید نوری در یک دادگاه سوئدی از نمونه‌های اجرای این قواعد حقوق بین‌المللی هستند که به موجب آنها راه فرار جنایتکاران مسدود شده است. [xi]

در همه این موارد نکته بارز این است که فعالان و نهادهای جامعه مدنی اراده‌ای برای کشاندن جنایتکاران به پیشگاه عدالت ایفا کرده‌اند. در حقیقت دادگاه‌های کشورهای اصل «صلاحیت جهانشمول» و قاعده «یا مسترد کنید یا محاکمه» را پذیرفته‌اند، هنگامی مبادرت به این نوع اقدامات می‌کنند که شکایتی مبتنی بر شواهد و اسناد محکم و غیرقابل تردید در مورد آن جنایت‌ها دریافت کنند. افزون بر این، آنگونه که در قضیه صدور حکم دستگیری ولادیمیر پوتین توسط دادگاه کیفری بین‌المللی مشاهده می‌شود، تحت تعقیب قرار دادن این جنایتکاران بدون اراده‌ای مصمم از سوی دادخواهان امکانپذیر نیست. حال این مورد برای ایرانیان خارج کشور که خود را در گروه‌های مختلفی سازماندهی کرده و هرکدام برای خود رسانه‌هایی را نیز به وجود آورده‌اند، این پرسش مطرح است که آیا هنگام آن فرا نرسیده تا آنان نیز انجام اینگونه اقدامات موثر را در دستور کار قرار دهند؟

آیا وقت آن نرسیده تا مقداری پا را از حیطة تحلیل‌های خبری و تفسیرهای سیاسی فراتر نهاده و با آشنا ساختن خود با مبانی اینگونه اقدامات کیفری، جنایتکارانی را که موجبات ویرانی سرمایه‌های مادی و معنوی کشور را باعث شده‌اند، به پیشگاه عدالت بکشانند؟

نگارنده به تکرار از هموطنان فعال سیاسی درخواست نموده تا خود را برای این امور مهیا و آماده سازند. راهکارهای قانونی و مبانی علمی حقوق بین‌الملل نیز آن را تا حدی که در توان بوده، نوشته و یا در رسانه‌ها توضیح داده است. در نهایت، و پس از ناامیدی از اینکه این صدا هرگز شنیده نشد، لایحه‌ای را به دفتر دادستان دادگاه کیفری بین‌المللی به عنوان سند حقوقی تسلیم نموده که متن فارسی آن نیز در کیهان لندن انتشار یافت. همچنین متن انگلیسی لایحه تاریخی در وبسایت «اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل» انتشار یافته است. اینگونه اقدامات کیفری نسبت به جنایتکارانی که در سرزمین مادری ایرانیان خانواده‌های زیادی را به اشکال مختلف داغدار نموده‌اند نیز امکانپذیر است، اگر که فعالان سیاسی و حقوق بشری اهمیت آنرا درک کرده و اراده‌ای سیاسی برای اقدام و اجرا و تحقق آن به وجود آورند. جنایتکار را می‌توان به پای میز محاکمه کشاند، اگر اراده لازم برای این کار وجود داشته باشد.

* دکتر محمود مسائلی استاد بازنشسته روابط و حقوق بین‌الملل، دانشگاه‌های آتاوا و کارلتون و دبیرکل اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل با مقام مشورتی دائم نزد ملل متحد

[i] Eastern Ghata

[ii] Open Society Justice Initiative (OSJI)

[iii] Syrian Centre for Media and Freedom of Expression (SCM)

[iv] Chris Liakos, Claudia Colliva and Dalal Mawad, France issues arrest warrant for Syrian President Assad. CNN. November 16, 2023

[v] Aut dedere aut judicare – Prosecute or extradite

[vi] Universal jurisdiction

[vii] Grotius, H. (2001). On the Law of War and Peace. Kitchener, Canada: Batoche Books, p. 43

[viii] Public Prosecutor v. Milan T. See: Universal Jurisdiction: International and Municipal Legal Perspectives, Oxford, Oxford University Press, 2003

[ix] The case against Pinochet: <https://nsarchive2.gwu.edu/NSAEBB/NSAEBB125/index2.htm>

[x] Trial of Hissène Habré. See: <https://trialinternational.org/latest-post/hissene-habre>

[xi] نگاه کنید به فصل سوم با عنوان «اصل صلاحیت جهانشمول» از کتاب «موضوعات حقوق بشری و ایران» در حقوق بین‌الملل از این نویسنده که توسط نشر آفتاب (نروژ) به چاپ رسیده است. فرمت الکترونیک کتاب برای مطالعه رایگان در وبسایت «اندیشکده بین‌المللی نظریه‌های بدیل» در اختیار علاقمندان است.

از دستاوردهای «نگاه به شرق»: روسیه به ایران پشت کرد و سرمایه‌اش را به صنعت نفت عراق هدایت کرد



● روسیه سرمایه‌گذاری‌های بزرگی در صنعت نفت عراق انجام داده اما با وجود امتیازهای زیادی که جمهوری اسلامی با هدف «نگاه به شرق» به این کشور داده از سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران خودداری کرده است.

● دبیرکل شرکت‌های اکتشاف و تولید نفت گفته وزارت نفت نه تنها نتوانسته جذابیت برای سرمایه‌گذار خارجی ایجاد و قراردادهای جدید امضا کند بلکه حتی جلوی سرمایه‌گذار داخلی هم گرفته شده است.

● دبیرکل شرکت‌های اکتشاف و تولید نفت: مهاجرتی بزرگ در بخش صنعت نفت به عراق در جریان است و صنایع بالادستی ایران بیش از هر زمان دیگر در معرض از دست دادن سرمایه انسانی‌اش است.

در حالی که جمهوری اسلامی تبلیغات گسترده‌ای بر جذب سرمایه از روسیه در صنعت نفت ایران کرده بود، روس‌ها بازار ایران را رها کرده و به تازگی سرمایه‌گذاری بزرگی در صنعت نفت عراق انجام داده‌اند. همچنین موج مهاجرت گسترده نیروهای متخصص صنعت نفت ایران به عراق در جریان است.

با وجود امضای یک تفاهم‌نامه ۱۲۰ میلیارد دلاری میان روسیه با شرکت ملی نفت ایران، روس‌ها از سرمایه‌گذاری در ایران منصرف و در مقابل سرمایه خود را به عراق بردند. دو ماه پیش نسل جدید قراردادهای نفتی در عراق معرفی شد که توانست سرمایه خارجی زیادی را جذب کند.

یکی از سرمایه‌گذاران بزرگ در صنعت نفت عراق روسیه است که با وجود امتیازهای گسترده‌ای که جمهوری اسلامی با هدف «نگاه به شرق» به این کشور داده، از سرمایه‌گذاری در صنعت نفت ایران منصرف شده است.

روزنامه «هم‌میهن» در گزارشی به این موضوع پرداخته و به نقل از الینا باقری دبیرکل انجمن شرکت‌های اکتشاف و تولید نفت نوشته که «روسیه که گمان می‌کرد همه کشورها درهای خود را به روی آنها بسته‌اند؛ ایران را مقصدی مناسب و بکر می‌دید، ولی قراردادهای نفتی ایران به‌گونه‌ای بود که روس‌ها را از ایران راند و امروز می‌بینیم که روس‌ها در عراق سرمایه‌گذاری می‌کنند.»

او معتقد است جمهوری اسلامی سال‌هاست در قراردادهای صنعت نفت به منظور جذب سرمایه‌گذار خارجی تغییراتی ایجاد نکرده اما عراق بارها این قراردادها را دستخوش تغییراتی کرده تا برای سرمایه‌گذار خارجی جذابیت ایجاد کند.

الینا باقری گفته این تغییرات تا جایی پیش رفته که «حدود دو ماه پیش اعلام شد، در قراردادهای جدید نفتی، عراق مالکیت نفت تولیدی را به سرمایه‌گذار داد. یعنی سرمایه‌گذاری که پول می‌آورد مالکیت سهم نفت تولیدی خود را خواهد داشت و می‌تواند آن را بفروشد، وثیقه بگذارد و یا هر کاری که تشخیص داد، انجام دهد. چنین امتیازی برای شرکت‌هایی که در بازار بین‌المللی نفت کار می‌کنند بسیار چشمگیر و جذاب است چرا که با این سهم می‌توانند از طریق فروش و یا وثیقه‌گذاری، تامین مالی‌های گسترده انجام دهند.»

بر اساس توضیحات الینا باقری وزارت نفت نه تنها نتوانسته جذابیت برای سرمایه‌گذار خارجی ایجاد و قراردادهای

دبیرکل انجمن شرکت‌های اکتشاف و تولید نفت افزوده که عراق در ماه‌های گذشته نه تنها سرمایه‌گذاران خارجی ایران را از آن خود کرد، بلکه متخصصان نفتی و عملیاتی ایران را با پیشنهاد دستمزدی پنج تا ۱۰ برابر ایران جذب می‌کند. مهاجرتی بزرگ در بخش صنعت نفت به عراق در جریان است و صنایع بالادستی ایران بیش از هر زمان دیگر در معرض از دست دادن سرمایه انسانی‌اش است.

روسیه در حالی سرمایه‌گذاری به عراق را به سرمایه‌گذاری در ایران ترجیح داده که جمهوری اسلامی در سال‌های گذشته «نگاه به شرق» را به عنوان تاکتیکی در برابر تحریم‌های غرب قرار داده و در پی آن امتیازهای ویژه‌ای نیز به چین و روسیه بخشیده است.

در حالی که مقامات حکومتی امیدوار بودند روسیه و چین در برابر این امتیازهای ویژه در ایران سرمایه‌گذاری‌های بزرگی انجام دهند اما این دو کشور غالب سرمایه‌گذاری خود را به سوی کشورهای دیگر منطقه هدایت کرده‌اند.

در یکی از آخرین امتیازهای تقدیمی جمهوری اسلامی به روسیه، معاون وزیر صمت از واگذاری ۱۲۰ پروژه اکتشاف معدنی به روس‌ها خبر داده و گفته دولت برای همکاری با چین در پروژه‌های معدنی نیز برنامه‌ریزی کرده است.

علیرضا شهیدی معاون وزیر صمت، معدن و تجارت و رئیس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی ایران امروز شنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۲ در گفتگو با خبرگزاری «ایلنا» از تعهد این سازمان به اجرای ۴۲۰ پروژه در اکتشاف مواد معدنی کشور خبر داده و گفته که «سازمان زمین‌شناسی برای اتمام این پروژه‌ها پنج سال زمان دارد، بنابراین و از آنجایی که این پروژه کار زیادی می‌طلبد به فکر همکاری با شریک خارجی افتادیم و از یک سال پیش با روس‌ها وارد مذاکره شدیم تا اکتشاف مواد معدنی در بخشی از مناطقی که در اختیار سازمان زمین‌شناسی است را به کارشناسان این کشور واگذار کنیم.»

جدید امضا کند بلکه حتی جلوی سرمایه‌گذار داخلی هم گرفته شده است. او توضیح داده که «شرایط قراردادی در بالادست نفت به قدری غیرجذاب است که سرمایه‌گذاران در همه حوزه‌ها مثل پتروشیمی، فولاد، سیمان و معدن سرمایه‌گذاری کرده‌اند ولی به بالادست نفت نیامدند. برای اینکه بالادست نفت اصلاً جذاب نبوده است. قراردادهایی پر از ریسک، پر از ابهام با پیچیدگی‌های زیاد و نرخ بازدهی کم داریم که هیچ سرمایه‌گذاری را ترغیب به ورود نمی‌کند.»

دبیرکل انجمن شرکت‌های اکتشاف و تولید نفت افزوده که «ایران میادین بکر زیادی دارد. به همین دلیل شرکت‌های روسی شروع به مذاکره با ایران کردند و یک تفاهم‌نامه ۱۲۰ میلیارد دلاری نیز با شرکت ملی نفت منعقد کردند. هیچکسی نمی‌پرسد چرا یکی از این تفاهم‌نامه‌ها به قرارداد نرسیده است. همین روس‌ها تقریباً ایران را رها کردند و در عراق سرمایه‌گذاری را آغاز کرده‌اند. دلیل‌اش همان قراردادهای جذابی است که نرخ بازدهی را افزایش می‌دهد و با دستمزدهای سه برابری، سرمایه‌گذاران را به سمت خود می‌کشاند. در صورتی که در ایران یک قرارداد پیچیده پیش روی سرمایه‌گذار است که هزار ریسک آتی دارد، نرخ بازدهی و شاخص‌های اقتصادی حتی در مقابل صنایع داخلی بسیار ضعیف است. مشخص است که سرمایه‌گذار خارجی قراردادی را انتخاب می‌کند که نفع بیشتری داشته باشد.»

به عقیده این فعال حوزه نفت، «روسیه برای ایران یک فرصت طلایی بود اما این فرصت را به راحتی از دست دادیم. روسیه که گمان می‌کرد همه کشورها درهای خود را به روی آنها بسته‌اند؛ ایران را مقصدی مناسب و بکر می‌دید ولی قراردادهای به‌گونه‌ای بود که روس‌ها را از ایران راند و امروز می‌بینیم که روس‌ها در عراق سرمایه‌گذاری می‌کنند. عراق امروز مهد ورود چین، روسیه و همه شرکت‌های اینترنشنال نفتی شده است.»

رافائل گروسی: جمهوری اسلامی مجوز بازرسان با تجربه و حرفه‌ای آژانس را لغو می‌کند



رافائل گروسی رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی / عکس: رویترز

کافی برای دست‌کم سه مپ در اختیار دارد. بازرسان با تجربه از فهرست حذف شدند جمهوری اسلامی از نظر قانونی این اختیار را دارد که مجوز ورود بازرسان به تأسیسات اتمی را پس بگیرد یا لغو کند اما تأکید گروسی بر این است که جمهوری اسلامی دست روی بازرسان با تجربه آژانس گذاشته است. در همین ارتباط خبرنگاری رویترز به نقل از یک دیپلمات گزارش داد تعداد بازرسانی که ورودشان به ایران ممنوع شده هشت نفر است که همگی فرانسوی و آلمانی هستند. این گزارش افزوده که تنها یک کارشناس غنی‌سازی در تیم بازرسان تأسیسات ایران باقی مانده است.

یک دیپلمات ارشد تعداد دیگر کارشناسان غنی‌سازی با دانش لازم را احتمالاً کمتر از پنج نفر اعلام کرده است. وی توضیح داد «بازرسان زیادی با این نوع تخصص وجود ندارند و معمولاً کشورهایی که چنین کارشناسانی دارند، تمایلی به ابراز وجود چنین متخصص‌هایی ندارند. آنها بازرسانی بودند که با تجهیزات آشنا هستند و سال‌ها آنجا کار کرده و تأسیسات را بازرسی می‌کردند.»

رویترز می‌نویسد، اهمیت کار بازرسان با تجربه زمانی بیشتر مشخص می‌شود که دانست همین بازرسان مجرب آژانس بودند که در ژانویه ۲۰۲۳ تغییراتی را در خروجی آبشار یا خوشه سانتریفیوژهای غنی‌سازی اورانیوم متوجه شدند که جمهوری اسلامی آن را به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش نداده بود. این تغییرات غنی‌سازی اورانیوم را تا درجه‌ی ۷/۸۳ درصد که رکورد به شمار می‌رفت می‌رساند. بسیاری از دیپلمات‌ها گفتند، بازرسی که این تغییر را کشف کرد، یک کارشناس غنی‌سازی روس بود که بعداً همین امسال کمی پیش از دیگر بازرسان به کار وی پایان داده شد.

محمد اسلامی اواسط مهرماه گفته بود حذف سه چهار بازرسان آژانس عددی نیست. وی ادعا کرده بود آنها «اطلاعات درمی‌آوردند!» وی همچنین افزوده بود آنها را که «مرتب رفتار تند سیاسی علیه جمهوری اسلامی دارند از لیست حذف کردیم.»

● مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت، در حالی که این نهاد به مأموریت نظارتی خود ادامه می‌دهد ایران بازرسانی را هدف قرار داده است که «تجربه زیادی به ویژه در غنی‌سازی [اورانیوم] و سایر ظرفیت‌ها دارند.»

● رافائل گروسی در اولین روز از نشست عادی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین به خبرنگاران گفت: «آماده ساختن بازرسانی که تجربه، مهارت و توانایی لازم برای انجام کار خود را دارند، زمان زیادی می‌برد.»

● اهمیت کار بازرسان با تجربه زمانی بیشتر مشخص می‌شود که دانست همین بازرسان مجرب آژانس بودند که در ژانویه ۲۰۲۳ تغییراتی را در خروجی آبشار یا خوشه سانتریفیوژهای غنی‌سازی اورانیوم متوجه شدند که جمهوری اسلامی آن را به آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گزارش نداده بود. این تغییرات غنی‌سازی اورانیوم را تا درجه‌ی ۷/۸۳ درصد که رکورد به شمار می‌رفت می‌رساند.

رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی چهارشنبه ۲۲ نوامبر (اول آذرماه) هشدار داد ممانعت از «دست‌رسی بازرسان با تجربه آژانس» به تأسیسات اتمی ایران «ضربه بسیار جدی» به توانایی این نهاد برای انجام وظایف خود جهت راست‌آزمایی از فعالیت‌های اتمی جمهوری اسلامی است. به گزارش آسوشیتدپرس، رافائل گروسی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت، در حالی که این نهاد به مأموریت نظارتی خود ادامه می‌دهد، رژیم ایران بازرسانی را هدف قرار داده است که «تجربه زیادی به ویژه در غنی‌سازی [اورانیوم] و سایر ظرفیت‌ها دارند.»

گروسی در اولین روز از نشست عادی شورای حکام آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در وین به خبرنگاران گفت: «آماده ساختن بازرسانی که تجربه، مهارت و توانایی لازم برای انجام کار خود را دارند، زمان زیادی می‌برد.»

رئیس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی اشاره‌ای به تعداد بازرسانی که جمهوری اسلامی آنها را اخراج کرده نکرد اما گفت که این ممنوعیت مربوط به یک سوم از گروه اصلی با تجربه‌ترین بازرسان آژانس تعیین شده برای ایران است.

گروسی همچنین ابراز امیدواری کرد مقامات تهران از این کار صرف نظر کنند. وی گفت موضوع را با محمد اسلامی رئیس سازمان انرژی اتمی جمهوری اسلامی مطرح کرده است.

این اظهارات پس از آن صورت گرفته که هفته گذشته آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گزارشی محرمانه اعلام کرد که جمهوری اسلامی ایران همچنان چندین بازرسان این سازمان را از نظارت بر برنامه هسته‌ای کشور منع می‌کند و تهران ذخایر اورانیوم نزدیک به درجه تسلیحات خود را افزایش داده است.

آژانس بین‌المللی انرژی اتمی گفت که بر اساس ارزیابی خود، تا ۲۸ اکتبر، ایران ۳/۱۲۸ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصدی ذخیره کرده است. این مقدار نسبت به مدت مشابه سه ماه پیش ۷/۶ کیلوگرم افزایش پیدا کرده است.

اگرچه رژیم ایران ادعا می‌کند به دنبال دستیابی به مپ اتم نیست اما مدیرکل آژانس هشدار داده است که اگر تهران بخواهد تسلیحات اتمی تولید کند، اورانیوم غنی شده

معاون وزیر صمت گفته «پس از امضای تفاهم‌نامه در آذرماه، اجرای ۱۲۰ پروژه را به روس‌ها واگذار می‌کنیم. این ۱۲۰ پروژه از سال ۱۴۰۳ تا سال ۱۴۰۴ توسط روس‌ها انجام می‌شود و آنها علاوه بر اجرای پروژه آموزش نیروی انسانی ایرانی را هم بر عهده دارند.»

تلاش جمهوری اسلامی برای پیشبرد تئوری «نگاه به شرق» سبب طراحی دو قرارداد طولانی‌مدت با روسیه و چین شده است؛ قراردادهایی که بر اساس اطلاعات درز شده بیش از آنکه تفاهم‌نامه همکاری باشد «ایران‌فروشی» است!

خبرگزاری «ایرنا» دی ۱۴۰۰ خبر امضای قرارداد همکاری ۲۰ ساله میان ایران و روسیه را در پی سفر ابراهیم رئیسی به مسکو اعلام کرد. دو ماه پیش از آن در آبان ۱۴۰۰ نیز ابراهیم رئیسی در تماس تلفنی با ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه گفته بود اراده جمهوری اسلامی توسعه روابط تجاری و اقتصادی با روسیه است و «آمادگی داریم سند جامع همکاری‌های بلندمدت دو کشور را نهایی کنیم تا روند ارتقای هر چه بیشتر روابط و همکاری‌های دو کشور با سرعت، اجرایی شود.»

هرچند منابع جمهوری اسلامی و روسیه از اعلام جزئیات قرارداد ۲۰ ساله دو کشور خودداری کرده‌اند اما وبسایت اوایل پرایس آبان ۱۴۰۰ در گزارشی جزئیات قرارداد ۲۰ ساله میان جمهوری اسلامی و روسیه را که بر بهره‌برداری و توسعه‌ی میدان بزرگ گازی چالوس در آب‌های سرزمینی ایران در دریای کاسپین متمرکز است منتشر کرد.

بر اساس این گزارش، جمهوری اسلامی در ادامه سیاست «ایران‌فروشی» سهم بزرگی از توسعه این میدان گازی را به روسیه واگذار کرده است. چین بهره‌بردار دومی است که از این میدان گازی ایران سهم می‌برد و در همین حال سپاه پاسداران انقلاب اسلامی معتقد است امتیازی که از جیب ملت ایران به روسیه و چین پرداخته می‌شود، برای پیشبرد برنامه موشکی جمهوری اسلامی ضروری است!

جمهوری اسلامی همچنین قراردادی ۲۵ ساله را با چین امضا کرده که دارای ابعاد گسترده نظامی، امنیتی، تجاری، عمرانی، صنعتی و خدماتی است. بر اساس جزئیاتی از این قرارداد که در وبسایت «اوایل پرایس» منتشر شده بود، این قرارداد امتیازهای گسترده‌ای به چین داده و بخشی از منابع و فرصت‌های کشور را بدون در نظر گرفتن منابع ملی به چین اهدا کرده است. واگذاری معادن کشور به چین به عنوان بخشی از این قرارداد از سوی فعالان صنعتی و تجاری ایران تأیید شده است.

چین نیز در دو دهه گذشته میلیاردها یوآن در پروژه‌های مختلف عراق، از جمله بخش انرژی‌های سبز و نیروگاهی و ساخت جاده‌ها و مدارس سرمایه‌گذاری کرده است.

طرح استراتژیک توسعه بندر فاو نیز یکی از طرح‌های استراتژیک عراق است که سهم بزرگی در برجسته شدن نقش عراق در پروژه راه ابریشم جدید چین خواهد داشت. بندر فاو به راه‌آهن ترکیه نیز وصل خواهد شد و بعد از آن، خط ارتباطی دریایی چین به پاکستان و بندر فاو و خط ارتباطی راه آهن تا اروپا تکمیل می‌شود.

بهار امسال نیز دولت عراق چند قرارداد با چین امضا کرد که بر اساس آن، سه میدان نفتی کلابات - قمر، خشم الاحمر - انجانا، و خضرماء به شرکت اماراتی الهلال و سه میدان نفت‌خانه، سندباد، هویزه به شرکت چینی «ژئو جید» (Geo-jade) واگذار شده است.

با اجرایی شدن این قرارداد، ظرفیت تولید نفت عراق بین ۲۵۰ هزار تا ۸۰۰ هزار بشکه در روز افزایش خواهد یافت. این میادین بین عراق با کویت و ایران مشترک هستند.

دامون گلریز در گفتگو با کیهان لندن: حکومت با شکست در «جنگ روایت‌ها»، بین مخالفان دوقطبی «پهلوی- ضدپهلوی» می‌سازد



راهپیمایی طرفداران نظام برای تجدید «بیعت» با علی خامنه‌ای در اوج جنبش ملی ضد جمهوری اسلامی در ایران / مهرماه ۱۴۰۱

شناختی و فضای عمومی هشدار می‌دهند. آنها می‌دانند این فضا در دوران کنونی منشاء «جریان‌سازی» است که اقتدار نظام را به چالش جدی می‌کشد و برای مدیریت آن علاوه بر فیلترینگ باید کارهای دیگری هم کرد از جمله «روایت‌سازی».

حالا چطور ممکن است فردی که یکی از مأموریت‌هایش روایت‌سازی علیه پهلوی است در یک سخنرانی علنی به نقل از یک معترض جوان زندانی، شاهزاده رضا پهلوی را که پرطرفدارترین مخالف حکومت است برجسته کند؟ به نظر من، او از مطرح کردن نام پهلوی برای تفرقه‌افکنی بین نیروهای مخالف حکومت استفاده می‌کند.

● برای دامن زدن به جدال‌های لفظی بین طرفداران پادشاهی و مخالفان آنها؟

-دقیقاً؛ باید توجه کنیم آنچه در تمام این سال‌ها به نوعی دستاورد اصلی مخالفان حکومت در داخل و بیرون ایران بود، ایجاد یک «دوقطبی» بین مردم و حاکمیت بود. سال‌ها تلاش شد تا بخش عمده‌ای از مردم به این باور برسند که نظام اصلاح‌پذیر نیست. در واقع وقتی پروژه اصلاحات شکست خورد، بین مردم و حکومت شکاف بیشتر شد. این شکاف از دی‌ماه ۱۳۹۶ با تغییر جنس و محتوای شعارها و تحریم انتخابات وارد مرحله تثبیت خود شد.

شخص علی خامنه‌ای و حتی طرفداران اصلاح‌طلب حکومت می‌دانند این دوقطبی (یعنی اکثریت طرفدار انقلاب ملی در مقابل بازماندگان انقلاب اسلامی) چقدر برای نظام خطرناک است. اصلی‌ترین راه آنها برای مقابله با این دوقطبی «تفرقه‌افکنی» در جبهه مخالفان است. دست گذاشتن روی پهلوی برای آنها تأیید محبوبیت نظام پادشاهی یا شخص رضا پهلوی نیست. آنها با این کار طرفداران

«بازگشت رضا پهلوی» و اینکه اقبالی به علی خامنه‌ای و انقلاب نشان می‌دهند بازتاب زیادی به ویژه بین طرفداران پادشاهی داشت. بعضی معتقدند این یک اعتراف است و برخی دیگر این صحبت‌ها را زمینه‌ساز به کار بردن روش‌هایی می‌دانند که ابزار حکومت در به اصطلاح «جنگ شناختی» است. دیدگاه شما چیست؟

-در نگاه اول باعث خوشحالی است که نام پهلوی‌ها تا این سطح در ایران حتا بین مقامات جمهوری اسلامی مطرح شده؛ اما یک نگرانی وجود دارد که این صرفاً یک اعتراف برای تأیید محبوبیت شاهزاده رضا پهلوی نباشد. در واقع این نگرانی جدی است که این اظهارات بخشی از یک پروژه اطلاعاتی و امنیتی برای «جریان‌سازی علیه جبهه مخالفان جمهوری اسلامی» باشد.

یدالله جوانی نماینده علی خامنه‌ای در رأس سیاست‌های سپاه پاسداران است. در این چند سال یکی از مهمترین پروژه‌های سپاه پاسداران، سازماندهی نیروها در «جنگ روایات» است که علی خامنه‌ای به آن می‌گوید «جهاد تبیین».

خامنه‌ای ضعف‌های نظام را بهتر از هر کسی می‌داند. برخلاف شعار دادن‌ها، او خوب واقف است که بخش اصلی «کلان روایات» حکومتش به پایان رسیده؛ گواه این ادعا، لزوم صدور بیانیه «گام دوم انقلاب» به منظور «استمرار راه انقلاب ۵۷» است. مسئله اصلی برای خامنه‌ای «جنگ شناختی» برای به دست آوردن ادراک و قلوب مردم ایران است. حکومت به اهمیت فضای مجازی به عنوان یکی از مهمترین بست‌های جنگ شناختی آگاه است و می‌داند که در این عرصه ضعف اساسی دارند به ویژه در زمینه زیرساخت‌ها و فناوری. برای همین است مدام مقامات ارشد نظام و فرماندهان سپاه و ارتش در مورد جنگ

● دامون گلریز پژوهشگر گروه تحقیقاتی صلح بین‌الملل با اشاره به صحبت‌های اخیر یدالله جوانی معاون سیاسی سپاه پاسداران می‌پرسد چطور ممکن است فردی که یکی از مأموریت‌هایش روایت‌سازی علیه پهلوی است در یک سخنرانی علنی به نقل از یک زندانی معترض ناشناس، شاهزاده رضا پهلوی را که پرطرفدارترین مخالف حکومت است برجسته کند؟ وی معتقد است جوانی از مطرح کردن نام پهلوی برای تفرقه‌افکنی بین نیروهای مخالف حکومت استفاده می‌کند.

● «دست گذاشتن روی پهلوی برای آنها تأیید محبوبیت نظام پادشاهی یا شخص رضا پهلوی نیست. آنها با این کار طرفداران پهلوی را مقابل طیف‌های دیگری از مخالفان جمهوری اسلامی قرار می‌دهند که با حکومت پادشاهی و شخص پهلوی مشکل دارند».

● «قشر مذهبی در صدر پایگاه اجتماعی حکومت قرار دارد. برجسته کردن پهلوی این قشر را نسبت به وضعیت نظام حساس‌تر می‌کند. به قول معروف زمینه‌ساز کشاندن آنها به میدان می‌شود. با همین روش حتا سکولارهای جمهوریخواه مخالف نظام را که بسیاری از آنها مخالف هیستریک پهلوی هستند نیز جبهه جدیدی علیه پهلوی باز می‌کنند».

معاون سیاسی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در یک نشست سازمانی که اواسط آبان‌ماه ۱۴۰۲ در استان آذربایجان شرقی برگزار شد، با اشاره به اعتراضات ضدحکومتی در سال ۱۴۰۱ به بیان جزئیاتی تازه از وقایع آن روزها پرداخت و روایت کرد که بازداشتی‌ها می‌گفتند دوست داریم جمهوری اسلامی نباشد و رضا پهلوی برگردد.

یدالله جوانی همچنین گفت «دشمن با جنگ شناختی به تصرف دل و ذهن مردم می‌پردازد.» وی در ادامه تأسف خورد که «برخی جوانان انقلاب را که همه دنیا برای داشتن آن و رهبرش غبطه می‌خورند نمی‌بینند!» وی مقصر این وضعیت را «فضای مجازی» معرفی کرد که «جای خادم و خائن» را در ذهن عوض می‌کند.

مقامات جمهوری اسلامی از بالاترین رده‌های سیاسی و نظامی تا مدیران میانی و امامان جمعه در استان‌ها در سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های خود مدام بر ضرورت «جهاد تبیین» تأکید می‌کنند. رئیس مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات جمهوری اسلامی بهمن‌ماه ۱۴۰۱ در مصاحبه با خبرگزاری «فارس» گفته بود دشمن با «روایت‌سازی» از تاریخ، نسل جوان کشور را هدف قرار داده است. علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی نیز مدام نسبت به «جنگ شناختی» هشدار می‌دهد.

دامون گلریز استاد دانشکده علمی کاربردی لاهه و پژوهشگر گروه تحقیقاتی صلح بین‌الملل معتقد است حکومت در «روایت‌سازی» شکست خورده است. وی در مصاحبه با کیهان لندن به تشریح دیدگاه خود در رابطه با دلایل و روش‌های حکومت به عنوان ابزار مقابله با روایت‌های ضدنظام در جنگ شناختی می‌پردازد؛ ابزاری که خامنه‌ای به آن می‌گوید: «جهاد تبیین»!

● سخنرانی یدالله جوانی در مورد علاقمندی جوانان به

اطلاعاتی جمهوری اسلامی برآوردهای قوی تری از نبض جامعه دارند.

– جمهوری اسلامی خود را در «جنگ روایات» می بیند که روز به روز ابزار آن قوی تر می شود مثلاً با هوش مصنوعی. شبکه های اجتماعی تیغ دولبه است. با وجود فیلترینگ بیش از ۴۰ میلیون کاربر از ایران در اینستاگرام و توئیتر فعال اند. همزمان رسانه های جریان ساز بین المللی با بودجه های عظیم میانگین روزانه ۱۵۰ ساعت برنامه های صوتی تصویری با مضامین سیاسی شامل خبر و تحلیل در مورد ایران پخش می کنند.

روزانه ۵۰۰ میلیون توئیت زده می شود که فارسی زبانان سهم قابل توجهی در آن را در مقایسه با سایر کشورها دارند؛ گسترش هشتگ مهسا امینی نمونه آن است. در چنین فضای حکومت نیاز به تسخیر قلب و ادراک مردم دارد اما با اینکه در ایران راه تا کنون ناموفق بوده، ولی در تخریب بسیار هم موفق عمل کرده است. در تمام ابعاد جمهوری اسلامی در جنگ شناختی در داخل ایران بازنده بوده است. بزرگترین مسئله آنها شکست آرمان ها و شعار آنهاست. حکومت نتوانست «روایت ملی» را که لازمه بقای یک قدرت منطقه ای است تولید کند (اشاره من به لزوم تولید «روایت ملی» در اینجا به تحقیقات منجری چاترچی ملیر است که در کتاب اخیر خود به نام «چرا ملت ها برمی خیزند: روایت ها و راه رسیدن به قدرت بزرگ» استدلال می کند که قدرت های در حال ظهور برای دستیابی به موقعیت قدرت خود، و در نهایت مشارکت بین المللی، در کنار تولید سخت افزار تسلیحاتی و توسعه اقتصادی اگر به یک «روایت ملی» میان نخبگان و مورد پذیرش مردم نرسند، مانند بسیاری از قدرت ها به فروپاشی خواهند رسید.) حکومت خامنه ای در تولید یک روایت ملی ورشکسته شده و خوشبختانه در دوقطبی ملت و حکومت یک روند آغاز انقلاب ملی ضدحکومتی کلید خورده است. اگر ما مخالفان رژیم بتوانیم از اختلافات بکاهیم تا با گفتگو به یک روایت ملی در سطح نخبگان و مورد پذیرش اکثریت مردم برسیم، آنوقت فروپاشی قدرت حکومت به فروپاشی ایران نخواهد انجامید.

از شعارهای بنیادین حکومت «استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی» بود. معنای استقلال امروز در بین مردم با آنچه رژیم تعریف می کند تفاوت دارد. از آزادی خبری نیست، جمهوریت نظام هم بر باد رفته است. حتا درون نظام دیگر به صندوق رأی خودشان اعتماد ندارند. از همه مهمتر آرمان «اسلام» است که نظام در آن شکست خورده. وقتی «حجاب» تا این حد در جامعه ضعیف شده برای حکومت یک شکست بزرگ است.

در سایر حوزه ها هم وضعیت برای آنها بهتر از این نیست. چسبندگی کلان روایت «نابودی رژیم اشغالگر» از بین رفته اما کمتر دیدیم در مورد این موضوع در رسانه ها تحلیل شود که چرا حکومت بعد از ۴۴ سال مجبور شد در سازمان ملل و اتحادیه عرب به طرح «دو کشور» رأی بدهد. همه می دانیم برای نابودی اسرائیل ساعت شمار گذاشته بودند اما در نهایت عقب نشینی کردند؛ نه حزب الله وارد جنگ شد و نه جمهوری اسلامی. در واقع کلان روایات انقلاب ۵۷ و حکومت برآمده از آن انقلاب (یعنی استقلال، آزادی، جمهوری اسلامی و اسلام سیاسی) به پایان رسیده است. چیزی برای ارائه ندارند، جز پاچیدن سَم تفرقه که در آن بسیار موفق عمل می کنند. چیزی که برای سرپا نگه داشتن نظام دارند، اختلاف انداختن بین جریان هایی است که ظرفیت روایت سازی و جریان سازی علیه نظام را دارند.

– بله، سؤال من این است: اینکه فلان فرمانده سپاه می گوید زندانی ها از پهلوی حمایت می کنند تا چه حد برای طیف جمهوریخواه طرفدار شاهزاده و پادشاهی خواهان در عمل قدرت آفرین است؟ اگر قبول کنیم این یک اعتراف است، آیا سود ویژه ای برای مبارزه ما علیه جمهوری اسلامی دارد؟ یا بیشتر به انشقاق و دعواها درون جبهه مخالفان



دامون گلریز استاد دانشکده علمی کاربردی لاهه و پژوهشگر گروه تحقیقاتی صلح بین الملل

دامن می زند؟ تحریک مخالفان پهلوی به تقویت جریان حامی حکومت کمک می کند. نفع حکومت این است که از صبح تا شب در فضای سیاسی بیرون و داخل ایران هواداران جریان های سیاسی مخالف نظام با هم درگیر باشند. نفع حکومت این است که علیه پهلوی در بیرون ایران جبهه های مختلف باز کند، حال با پرچم ساواک یا دعوای بی معنی در تظاهرات ها. کار پر زحمتی نیست. کافیست مثل یدالله جوانی یک روایتی به ظاهر جذاب در برجسته ساختن پهلوی یا دوران پادشاهی قبل از انقلاب مطرح شود. جدال در شبکه های اجتماعی و حتی شبکه های سراسری به همین راحتی جرقه می خورد؛ یادتان هست چطور سر یک واقعه برای «هالو» در تظاهرات لندن چطور رسانه ها نزدیک به سه هفته مشغول جدال بودند؟ بزرگ کردن آن واقعه به نفع چه کسی تمام شد؟ با همین استدلال می گویم کارزار «من وکالت می دهیم» اشتباه بود. چون دوقطبی «ملت- حکومت» را تبدیل کرد به دوقطبی داخل مخالفان جمهوری اسلامی. دوقطبی «پهلوی- ضدپهلوی». در شبکه های اجتماعی دو سه هفته مردم درگیر هم شدند و جدال به تلویزیون ها و کارشناسان هم کشید. این کارزار به نفع چه کسی تمام شد؟ در نهایت هم در شرایطی که می دانیم طرفداران شاهزاده پهلوی در داخل و خارج ایران میلیونی هستند، در مجموع یک میلیون امضاء جمع شد و بعد حاکمیت همین را سوژه کرد برای تخریب.

● چرا فکر می کنید طرح این مسئله در این مقطع اهمیت دارد؟ مقامات حکومت ممکن است با هر هدفی پهلوی را برجسته کنند اما این مردم هستند که به نفع کسی که به وی اعتماد دارند شعار می دهند. حتماً دستگاه های

پهلوی را مقابل طیف های دیگری از مخالفان جمهوری اسلامی قرار می دهند که با حکومت پادشاهی و شخص پهلوی مشکل دارند. در هر مقطعی وقتی جنگ درونی بین مخالفان نظام آغاز شود، نیروهای سایبری که امکانات و ظرفیت های بالایی دارند وارد عمل می شوند و فضا را بیشتر مسموم می کنند. از جمله اختلاف انداختن و ایجاد چسبندگی بین چهره های تأثیرگذار و طرفدارانشان با هدف منحرف کردن بحث های مفید.

بنابراین می بینیم هر وقت حکومت با امواج سنگین اعتراض روبرو می شود مدتی بعد بحث های پوچ و بی نتیجه بالا می گیرد. در چنین فضایی طرح موضوع درباره مؤلفه های اصلی برای ضربه زدن به نظام مثل رهبری، سازماندهی (تشکیلات) و برنامه ریزی بی معنا می شود و اصلاً فضا اجازه مطرح شدن چنین موضوعات مهمی را نمی دهد و این به نفع رژیم است چرا که مخالفان بجای فعالیت در فضای ایجابی برای هم افزایی و توافق، در یک فضای سلبی و بهم ریخته و پر حاشیه به جدال، تک افزایی و «نفی دیگری» می پردازند.

● علی خامنه ای بارها در مورد «دوقطبی کردن جامعه توسط دشمن» هشدار داده اما در نهایت کمکی به نظام برای مقابله با این فضای دوقطبی نکرده است. به عنوان مثال اردیبهشت سال ۱۳۹۵ در یک سخنرانی گفت «ایجاد دو قطبی از ضربه های مهلکی است که دشمن به دنبال آن است» اما از دی ماه ۱۳۹۶ تا اواخر تابستان ۱۴۰۲ دست کم در چهار مقطع تظاهرات گسترده علیه نظام به راه افتاد. این را چطور توضیح می دهید؟

– دوقطبی که خامنه ای درباره آن هشدار داد، به تدریج در بطن جامعه ایجاد شد اما به نظرم بعد از خیزش مهسا تثبیت شد. او می داند دوقطبی «ملت- حکومت» چه پیامد هایی برای تغییر موازنه قدرت به ضرر نظام دارد. با کاهش چسبندگی کلان روایات انقلاب ۵۷، وقتی امکان ساختن روایت نو و جذاب را ندارند، تنها راه برای مقابله با انقلاب ملی در ایران به جان هم انداختن جریان های سیاسی مخالف علیه یکدیگر است. تفرقه افکنی بین مخالفان برای حکومت یک تاکتیک است که بخشی از یک استراتژی دفاعی در «جنگ شناختی» به شمار می رود.

در صدر پشتوانه یا پایگاه اجتماعی حکومت، قشر مذهبی قرار دارد. برجسته کردن پهلوی این قشر را نسبت به وضعیت نظام حساس تر می کند. به قول معروف زمینه ساز کشاندن آنها به میدان می شود. مثلاً از بین همین طرفداران نظام گروه هایی در عناد با پهلوی با ماشین سرکوب نظام همراه می شوند. با همین روش حتا سکولارهای جمهوریخواه مخالف نظام را که بسیاری از آنها «مخالف هیستریک پهلوی» هستند نیز جبهه جدیدی علیه پهلوی باز می کنند. بلافاصله موجی از سمت این گروه در مخالفت با تصور «بازگشت سلطنت» یا «بازگشت حکومت موروثی» آغاز می شود که به فضای درگیری بین مخالفان نظام دامن می زند. نمونه روایت سازی یدالله جوانی و برجسته کردن پهلوی از قول یک بازداشتی ناشناس، ارزش معنی داری برای سنجش ریزش سیاسی نیست، ولی قطعاً به نفع اختلاف اندازی در میان نیروهای مخالف حکومت است. متأسفانه برخی از خوش نیتان هم ناخواسته، در بلندگو کردن این نوع روایت سازی، به قول لنین، به «ابلهان مفید» رژیم تبدیل می شوند.

● یعنی شما معتقدید نظام «گلنگدن خالی می کشد» و سود می برد؟

سرایت ویروس «کشتی ربایی» از سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به حوثی‌های یمن

«وعده طالبان به
جمهوری اسلامی»:
ساخت یک سد دیگر
بیخ گوش ایران برای
خشک شدن سریع‌تر
هامون!



کشتی باری «گالکسی لیدر»

● این سد با بلندی نزدیک به ۵۰ متر ساخته می‌شود که ظرفیت ذخیره حدود شش میلیون مترمکعب آب را دارد و نزدیک به دو میلیارد افغانی معادل تقریباً ۱۵ میلیون دلار هزینه خواهد داشت.

● با اینکه ادعا شده این پروژه می‌تواند نقش مهمی در توسعه کشاورزی و اقتصاد افغانستان ایفا کرده و همچنین می‌تواند به احیای تالاب‌های هامون کمک کند اما برخی کارشناسان معتقدند که این سد می‌تواند به خشک شدن تالاب‌های هامون منجر شود.

طالبان یک سد جدید در خاشرود ولایت نیمروز در نزدیکی ایران می‌سازد. خبرگزاری صدای افغان (آوا) از برنامه ساخت یک سد (بند) در خاشرود ولایت نیمروز در نزدیکی مرز ایران بر اساس «حکم فوق‌العاده» رهبر طالبان خبر داد. گفته شده که این سد با بلندی نزدیک به ۵۰ متر ساخته می‌شود که ظرفیت ذخیره حدود شش میلیون مترمکعب آب را دارد و با تکمیل آن بیش از ۸ هزار هکتار زمین زراعتی را در شهرستان‌های (ولسوالی) گلستان، دلارام، خاشرود، غوری و چخانسوری آن استان (ولایت) آبیاری می‌کند.

در همین زمینه خبرگزاری «معمار» با اشاره به اینکه «این سد به ارزش حدود دو میلیارد افغانی حدود ۱۵ میلیون دلار ساخته خواهد شد» به نقل از تلویزیون افغانستان نوشته است: «سد خاشرود بر رودخانه خاشرود ساخته خواهد شد که از سیاه‌کوه سرچشمه می‌گیرد و به هامون پوزک در مرز ایران و افغانستان می‌ریزد. که بخشی از تالاب‌های هامون است که در سال‌های اخیر خشکیده است.»

در ادامه این گزارش آمده است که این پروژه می‌تواند نقش مهمی در توسعه کشاورزی و اقتصاد افغانستان ایفا کرده و همچنین می‌تواند به احیای تالاب‌های هامون کمک کند. خبرگزاری «معمار» با اشاره به اینکه ساخت این سد با انتقاداتی نیز مواجه شده نوشته است: «برخی کارشناسان معتقدند که این سد می‌تواند به خشک شدن تالاب‌های هامون منجر شود.»

اینهمه در حالیست که چند روز پیش از این تصمیم تازه دولت طالبان، در ۱۷ آبان‌ماه معاون رییس‌الوزرای طالبان در دیدار با رییس سازمان حفاظت محیط زیست جمهوری اسلامی توافق کرده بود تا در صورت بارش‌های مناسب حقایق ایران به سمت دریاچه هامون رها شده و هیات‌های تخصصی و کارشناسی برای بررسی و حل مسائل محیط زیستی مبادله شوند. این دریاچه با تالاب‌های خود در دوران پربابی و پیوستن دریاچه‌های کوچک خود، بین دو کشور ایران و افغانستان مشترک است اما از آنجا که سرچشمه‌ی آن به رود هیرمند یا هلمند وابسته است ←

سنگنوی حوثی‌ها در بیانیه‌ای اعلام کرد: «ما با خدمه کشتی مطابق با اصول و ارزش‌های اسلامی رفتار می‌کنیم.» متوقف کردن کشتی باری و گروگانگیری خدمه آن در خاورمیانه از اقداماتی است که سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در آن سابقه طولانی دارد اما کمتر پیش آمده بود که حوثی‌های یمن چنین اقدامی کنند.

عبدالمالک الحوثی از رهبران شبه‌نظامی انصارالله یمن گفت: «چشمان ما برای رصد و جستجوی مداوم هر کشتی اسرائیلی در دریای سرخ به ویژه در باب‌المندب و نزدیک آب‌های منطقه‌ای یمن باز است.»

یحیی سریع سخنگوی نیروهای حوثی نیز تهدید کرد که کشتی‌های تحت مالکیت یا مدیریت شرکت‌های اسرائیلی و یا حامل پرچم این کشور را هدف قرار خواهند گرفت. ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۲۹ آبان‌ماه با رد اظهارات نتانیاهو مبنی بر ارتباط شبه‌نظامیان با جمهوری اسلامی، آن را «اتهام‌زنی» خواند و مدعی شد: «گروه‌های مقاومت در منطقه از تهران ربودن این کشتی را فرمان نمی‌گیرند.»

پیش از او نیز حسین امیرعبداللہیان وزیر خارجه جمهوری اسلامی در مصاحبه با روزنامه «فایننشال تایمز» گفته بود «ما هیچ توصیه و دستوری را برای آنها صادر نکرده و هرگز نمی‌کنیم؛ آنها بر اساس مصالح خودشان تصمیم می‌گیرند.» در این میان، روزنامه «دیلی میل» ادعا کرده مالک کشتی با رئیس سابق موساد ارتباط داشته است.

به گفته منابع اسرائیلی، در این کشتی ۲۵ خدمه از ملیت‌های مختلف از جمله اوکراینی، بلغاری، فیلیپینی و مکزیک حضور دارند اما هنوز وضعیت آنها مشخص نیست. روزنامه «کیهان» چاپ تهران ربودن این کشتی را «سیلی مقاومت به اسرائیل در دریای سرخ» خواند و ادعا کرد «این کشتی به غنیمت گرفته شده است.»

● کشتی باری «گالکسی لیدر» متعلق به یک شرکت انگلیسی و بخشی از آن در مالکیت یک سرمایه‌دار اسرائیلی است، اما در حال حاضر به یک شرکت ژاپنی اجاره داده شده است.

● عبدالمالک الحوثی از رهبران شبه‌نظامی انصارالله یمن: «چشمان ما برای رصد و جستجوی مداوم هر کشتی اسرائیلی در دریای سرخ به ویژه در باب‌المندب و نزدیک آب‌های منطقه‌ای یمن باز است.»

● ناصر کنعانی سخنگوی وزارت خارجه جمهوری اسلامی با رد اظهارات نتانیاهو مبنی بر ارتباط شبه‌نظامیان با جمهوری اسلامی، آن را «اتهام‌زنی» خواند و مدعی شد: «گروه‌های مقاومت در منطقه از تهران فرمان نمی‌گیرند.»

● روزنامه «کیهان» چاپ تهران ربودن این کشتی را «سیلی مقاومت به اسرائیل در دریای سرخ» خواند و ادعا کرد «این کشتی به غنیمت گرفته شده است.»

شبه‌نظامیان حوثی یمن که یکی از بازوهای جمهوری اسلامی در «محور مقاومت» هستند ۱۹ نوامبر (۲۸ آبان‌ماه) یک کشتی باری با ۲۵ خدمه را که متعلق به یک سرمایه‌دار اسرائیلی است در دریای سرخ به گروگان گرفتند. کشتی «گالکسی لیدر» از ترکیه به سمت هند در حرکت بود.

بر اساس گزارش‌ها، این کشتی باری متعلق به یک شرکت انگلیسی است که بخشی از آن متعلق به یک سرمایه‌دار اسرائیلی است، اما در حال حاضر به یک شرکت ژاپنی اجاره داده شده است.

در پی ربودن این کشتی باری وزیر خارجه ژاپن اعلام کرد که این کشور «مستقیماً» درباره متوقف ساختن این کشتی با انصارالله یمن تماس خواهد گرفت. مقامات امنیتی اسرائیل گفته‌اند که هیچ شهروندی از این کشور در بین خدمه کشتی نیست.

محمد جوانبخت با بیان اینکه طبق بازدید گروه فنی اکنون جریان آب در سد کجکی برقرار است و «امیدواریم بخشی از حقابه ایران تامین شود»، گفت: «متأسفانه در این سفر، مقامات افغانستان، به تیم فنی ایران، اجازه بازدید از مخزن سد کجکی که بر اساس تصاویر ماهواره‌ای ذخیره‌ای اجرایی مناسبی دارد ندادند اما در بخش‌های مختلف فنی و اجرایی موضوع را دنبال می‌کنیم و هیچگاه از دریافت این حقابه ناامید نیستیم.»

در همین ارتباط و بسایت شفقنا در ۱۳ دی ماه ۱۴۰۱ به نقل از فداحسین مالکی نماینده مردم زاهدان در مجلس شورای اسلامی در مورد حقابه هیرمند نوشته بود: «خرهایی داریم که طالبان سعی می‌کند با استفاده از نهرهایی که اطراف سد است آب جاری شود که احساس شود آب این سد کم است که باید صحت و سقم این خبر تایید شود.» به گفته وی «موضوع حقابه کماکان در دستور کار است و حتی در شورای عالی امنیت ملی کمیته‌ای تشکیل شده است که روی این مسئله کار می‌کند. از آنطرف هم لچ و لچبازیهای طالبان کماکان ادامه دارد.» آخرین بررسی‌ها از رایزنیها بین دستگاه دیپلماسی با طالبان است. طالبان اعتقاد دارند که سد کجکی آب ندارد!

در ۱۴ آبان ماه نماینده مردم زابل، زهک، هیرمند، نیمروز و هامون در مجلس شورای اسلامی در همین زمینه به خبرگزاری ایلنا گفته بود: «اکنون با توجه به افزایش EC آب [هدایت الکتریکی آب] کیفیت کاهش یافته و مردم دائم گلایه دارند، همچنین صف‌های خرید آب از آب شیرین‌کن‌ها در شمال استان افزایش پیدا کرده و این نگران‌کننده است، امیدواری مردم این است که پروژه انتقال آب از شیله و دشت هامون عملیاتی شود که این نگرانی‌ها کمتر شود.»

در همین ارتباط مریم کثیری دانشجوی دانشگاه علامه با انتشار ویدیویی در ۲۱ مرداد ماه با اعلام اینکه سیاست در برابر کمبود آب سیستان و بلوچستان همیشه سکوت بوده گفته بود: «مقام‌های ایرانی هفته قبل از سد کمال‌خان در افغانستان بازدید کرده‌اند ولی همین هم‌رسانه‌ای نشده است.» همچنین در همین ارتباط وزیر کشور در ۲۹ اردیبهشت با اعلام اینکه باید درباره حقابه ایران به یک تفاهم با طالبان برسیم گفته بود: «طالبان امروز می‌گویند آب نیست، در حالی که برخی گزارش‌ها حاکی از آن است که آب پشت سد مربوطه (سد کمال‌خان و بند کجکی) وجود دارد. برای رفع این ابهام باید به یک تفاهم با طالبان برسیم و در هماهنگی با وزارت خارجه و طالبان، مسئولان ذیربط از وضعیت آب

که از ایالتی به همین نام در افغانستان آغاز شده و به سوی ایران جاری می‌شود، تنش‌های آبی بین دو کشور را در سال‌های اخیر تشدید کرده است.

علی سلاجقه در آن نشست اعلام کرده بود: «در شرایط فعلی که مردم ما ۱۸۰ روز درگیر گرد و غبار غلیظ هستند نیاز دارد که آب رها شود تا هامون مرطوب شده و دیگر منشأ گرد و غبار نباشد که این اتفاق به نفع مردم هر دو کشور در ولایت نیمروز شما و در زابل ما است.» در آن نشست، عبدالغنی برادر نیز در مورد رها کردن حقابه ایران اعلام کرده بود: «اگر که آبی باشد ما هم به دنبال این هستیم که حقابه ایران را رهاسازی کنیم و دلیلی ندارد که بخواهیم از این کار امتناع کنیم. الان کشور ما درگیر خشکسالی است و همین خشکسالی باعث خشکی هامون شده است. در زمانی که بارش‌ها مناسب باشد قطعاً رهاسازی آب نیز انجام خواهد شد و هامون بار دیگر پر آب می‌شود.»

همچنین در همان روز وزیر نیرو در نشستی با معاون رئیس‌الوزرای افغانستان اعلام کرده بود که به دلیل انحراف آب از طریق سد کمال‌خان بیش از ۲ میلیارد مترمکعب آب هیرمند به شوره زار گودزره منحرف و هدر رفته است.



ساخت سدهای متعدد همچون کجکی و کمال‌خان بر روی هیرمند برای انحراف مسیر آب، ندادن حقابه هامون از سوی افغانستان، نصب و به کار گرفتن انواع پمپ در مسیر رودخانه هیرمند برای کشاورزی در آن سوی مرز از یکسو و کاهش بارش‌های فصلی و تغییرات آب و هوایی از سوی دیگر، خشک شدن دریاچه هامون را در پی داشته است. بی‌آبی و هجوم ریزگردها از بستر خشک تالاب هامون با توفان‌هایی با سرعت ۹۰ تا ۱۲۰ کیلومتر در ساعت، همراه با شن و ماسه خشک، باعث به زیر خاک رفتن خانه‌های روستایی، تلف شدن دام‌ها و کاهش شدید ذخایر چاه‌های آب شیرین برای اندک زمین‌های کشاورزی باقی‌مانده از خشکسالی در حاشیه تالاب بین‌المللی هامون شده که پیامد این شرایط، از دست رفتن خاک حاصلخیز و کوچ اجباری بخشی از جمعیت استان سیستان و بلوچستان به استان‌های شمالی کشور است.

پشت سد دیدن کنند.» اینهمه در حالیست که در ۲۸ اردیبهشت ماه ریاست وزرای دولت اسلامی افغانستان در واکنش به اظهارات ابراهیم رئیسی درباره حقابه ایران از رود هیرمند با انتشار بیانیه‌ای تند، ضمن پافشاری بر ادعاهای خود، با تحقیر از مقامات رژیم ایران خواست ابتدا اطلاعات خود را در مورد آب این رود از طریق قانونی تکمیل کنند و سپس درخواست خود را مطرح نمایند.

در همین رابطه معاون وزیر نیرو در امور آب و آفیا در ۱۳ مرداد با اشاره به بازدید از ایستگاه آب سنجی هیرمند در کشور افغانستان و نتایج آن، اعلام کرده بود: «طبق معاهده ۱۳۵۱ باید سالانه ۸۲۰ میلیون مترمکعب از آب رود هیرمند وارد ایران شود و به مصرف تامین آب استان سیستان و بلوچستان و زاهدان برسد اما در ۴ سال گذشته آب موثری رهاسازی نشده است.»

به گفته علی اکبر محرابیان، این میزان آب اگر درست مصرف می‌شد می‌توانست آب مورد نیاز مردم ایران و افغانستان را برای دو سال تامین کند. انتظار ما این است طبق معاهده ۱۳۵۱ حقابه ایران از رودخانه هیرمند در سال آبی جاری رهاسازی و تحویل ایران شود.

ملا عبدالغنی برادر نیز در پاسخ به وزیر نیرو با اعلام اینکه افغانستان بر تامین حقابه ایران اهتمام دارد گفته بود: «در موضوع هدررفت آب به سمت گودزره، رئیس امارات اسلامی افغانستان هم بسیار متأسف شد که آب ضایع شده است و معتقد بود آب باید به سمت ایران می‌رفت.»

در همین زمینه ۶ مهرماه مدیرکل دفتر مدیریت بحران استانداری سیستان و بلوچستان اعلام کرده بود: «از ابتدای امسال تا کنون ۱۰۰ روز توفان و گرد و خاک با ایجاد اختلال در تردد جاده‌ای و مشکلات فراوان تنفسی برای شهروندان این استان ایجاد کرده است.»

آغاز تحقیقات کنگره آمریکا درباره همکاری دانشگاه پرینستون با حسین موسویان



حسین موسویان سفير سابق رژيم ايران در آلمان

شده‌اند. زمان آن رسیده که روی فعالیت آنها برای افزایش فساد آشکار و نفوذ دلال‌ها که بسیار عادی شده، نورافکن انداخته شود.»

در نامه کنگره به سرپرست دانشگاه پرینستون، به حضور موسویان در سمپوزیوم «STRATCOM» مربوط به اعضای کمیته‌های نیروهای مسلح مجلس و سنا نیز اشاره شده است. این نمایندگان تأکید کرده‌اند «جنبه‌های مختلفی از این موضوع ما را به عنوان اعضای کمیته آموزش و نیروی کار مجلس آزار می‌دهد.»

جاشوا کلسی رئیس عملیات رسانه‌ای فرماندهی استراتژیک ایالات متحده، در پاسخ به این پرسش که آیا STRATCOM به نگرانی‌ها در مورد حضور موسویان پاسخ داده، گفت: «می‌توانم تأیید کنم که ژنرال کاتن به نامه کنگره در تاریخ ۲۷ سپتامبر پاسخ داد که چون از مکاتبات رسمی بوده مستقیماً به کنگره رفت... ما چیز دیگری بجز این برای ارائه نداریم.» موسویان اما گفت: «سخنرانی من در فرماندهی استراتژیک ایالات متحده تماماً در مورد صلح در خاورمیانه بود و اینکه چرا ایالات متحده باید از جنگ اجتناب کند و بر صلح و همکاری متمرکز کند.» این ادعای موسویان در حالیست که مهم‌ترین و اصلی‌ترین عامل آتش‌افروزی و جنگ در منطقه جمهوری اسلامی است که وی به عنوان مدافع منافع آن در آمریکا حضور دارد!

انکار دخالت در ترور «میکونوس»

در دوران تصدی موسویان به عنوان سفير جمهوری اسلامی ایران در آلمان، مسئولیت سفارتی را بر عهده داشت که دادگاه آلمان آن را به عنوان مرکز «برنامه‌ریزی برای ترور چهار فعال سیاسی ایرانی در رستوران میکونوس» در سال ۱۹۹۲ در برلین تشخیص داد.

موسویان مدعی است این اتهام یک «دروغ بزرگ» است. وی توضیح داده «حکم ۳۹۸ صفحه‌ای دادگاه منتشر شده است و همه می‌توانند به آن دسترسی داشته باشند. حکم دادگاه برلین حاوی هیچگونه اتهام مستقیم یا غیرمستقیم علیه من نیست. مقامات آلمانی هرگز مرا مجبور به

را از همسرش بگیرد.»

موسویان به فاکس نیوز گفت: «کلیپ ۱۰ ثانیه‌ای مصاحبه دو ساعته من با تلویزیون ایران تقطیع شده است. تلویزیون ایران هرگز مصاحبه با مرا پخش نکرد. فقط هفت تا ۱۰ ثانیه درباره خانواده برایان هوک پخش شد.» وی که در زمان ترور مخالفان جمهوری اسلامی در رستوران میکونوس برلین (۱۷ سپتامبر ۱۹۹۲) سفير رژيم در آلمان بوده افزود: «من همیشه با ترور و تهدید به ترور علیه اتباع ایرانی و آمریکایی مخالف بوده‌ام.»

موسویان همچنین ادعا کرد: «زمانی که ترامپ سردار سلیمانی را ترور کرد، برای ملاقات با مادرم که در بیمارستان بستری بود، در ایران بودم. هفت میلیون نفر در مراسم تحريم سلیمانی در تهران و ۲۰ میلیون نفر در سایر شهرها شرکت کردند. این گواه روشنی بر محبوبیت سردار سلیمانی بود.» وقتی فاکس نیوز از موسویان پرسید که آیا با قرار گرفتن سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از جمله نیروی «قدس» در فهرست سازمان‌های تروریستی توسط دولت آمریکا موافق است، موسویان گفت: «قرار دادن سپاه قدس در لیست سازمان‌های تروریستی مثل این است که سنتکام ایالات متحده [فرماندهی مرکزی ایالات متحده] به عنوان سازمان تروریستی تعیین شود. من فکر می‌کنم بجای این اتهامات بی‌پایان، آنها باید بنشینند و صحبت کنند و اختلافات خود را از راه‌های مسالمت‌آمیز حل کنند.»

شبکه فاکس نیوز اخیراً از نقش سپاه پاسداران و جمهوری اسلامی در برنامه‌ریزی اولیه برای کمک به گروه تروریستی حماس در کشتار حدود ۱۲۰۰ نفر از جمله چند آمریکایی در حمله «هفت اکتبر» به اسرائیل گزارش داد.

رئیس کمیته آموزش و نیروی کار مجلس نمایندگان آمریکا به «فاکس نیوز» می‌گوید: «افرادی که با رژیم‌های بدخیم همسو هستند، همچنان در سیستم آموزش عالی آمریکا نفوذ می‌کنند. اینکه دانشگاه پرینستون ۱۵ ساله پناهگاه حسین موسویان شده خود عنوان یک کتاب درسی است. این افراد تهدیدی جدی برای امنیت ملی آمریکا هستند و بدون هیچ اقدام و یا تلاش‌های نظارتی پیگیرانه، رها

● ۱۲ عضو کمیته جمهوریخواه در نامه‌ای به مسئول دانشگاه پرینستون پرسش‌های متعددی در مورد تأثیرگذاری جمهوری اسلامی بر سیاستمداران آمریکایی از طریق فعالیت موسویان در مؤسسه «Ivy League» مستقر در نیوجرسی مطرح کرده‌اند.

● لیزا مک‌کلین نماینده کنگره آمریکا و عضو کمیته نیروهای مسلح می‌گوید: «مراکز آموزش عالی در آمریکا در مقابل چپ افراطی و دشمنان آمریکا مدت‌های طولانی است سر تعظیم فرود آورده‌اند. این واقعیت که به یکی از اعضای سابق رژیم ایران در پرینستون کرسی دانشگاهی داده‌اند، دلیلی بر این واقعیت است.»

● وی تأکید کرده «دانشگاه پرینستون ۱۵ سال است پناهگاه حسین موسویان شده که خود یک عنوان کتاب درسی است. این افراد تهدیدی جدی برای امنیت ملی آمریکا هستند و بدون هیچ اقدام یا تلاش‌های نظارتی پیگیرانه رها شده‌اند.»

● موسویان به فاکس نیوز گفته «کار من فقط دانشگاهی است و کاری با آمریکا یا ایران یا هیچ دولت دیگری ندارم.»

● جیم بنکس عضو جمهوریخواه مجلس نمایندگان از ایالت ایندیانا: «یهودستیزی در دانشگاه پرینستون به ابعاد بحرانی رسیده است. [رژیم] ایران یک حکومت تقویت‌کننده یهودستیزی و همچنین دولت اصلی حامی تروریسم است و جمهوریخواهان مجلس نمایندگان موظفند در مورد نفوذ شوم رژیم در دانشگاه‌های ایالات متحده تحقیق کنند.»

شبکه «فاکس نیوز» گزارش داد «کمیته آموزش و نیروی کار» مجلس نمایندگان آمریکا از روز پنجشنبه ۱۶ نوامبر (۲۵ آبان) تحقیقاتی را درباره نقش حسین موسویان دیپلمات سابق جمهوری اسلامی که به عنوان «پژوهشگر» در دانشگاه پرینستون اشتغال دارد آغاز کرده است. گفته می‌شود که او مظنون به پیشبرد منافع رژیم ایران به عنوان حامی تروریسم است.

بر اساس این گزارش ۱۲ عضو کمیته جمهوریخواه در نامه‌ای به کریستوفر ال. ایزنبرگر مسئول دانشگاه پرینستون پرسش‌های متعددی را در مورد تأثیرگذاری جمهوری اسلامی بر سیاستمداران آمریکایی از طریق فعالیت موسویان در مؤسسه «Ivy League» مستقر در نیوجرسی مطرح کرده‌اند.

لیزا مک‌کلین نماینده کنگره آمریکا و عضو کمیته نیروهای مسلح به همراه با جیم بنکس نماینده جمهوریخواه که تدوین نامه به سرپرست دانشگاه پرینستون را بر عهده داشتند، به فاکس نیوز گفت: «مراکز آموزش عالی در آمریکا در مقابل چپ افراطی و دشمنان آمریکا مدت‌های طولانی است سر تعظیم فرود آورده‌اند. این واقعیت که به یکی از اعضای سابق رژیم ایران در پرینستون کرسی دانشگاهی داده‌اند، دلیلی بر این واقعیت است.»

حضور موسویان در مراسم تشییع جنازه قاسم سلیمانی تروریست شماره یک سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در سال ۲۰۲۰ در تهران و ادای احترام به سلیمانی در برنامه تلویزیونی روی آنتن که در سال ۲۰۲۲ از صداوسیما جمهوری اسلامی پخش شد، زنگ خطر را از سوی سازمان غیردولتی «اتحاد علیه ایران هسته‌ای» به صدا درآورد.

موسویان در آن برنامه تلویزیون گفت که یک آمریکایی به او گفت: «همسر برایان هوک چند شبی است که نمی‌تواند بخوابد زیرا می‌ترسید جمهوری اسلامی انتقام خون سلیمانی

→ ترک کشورشان نکردند... من به دائم به آلمان رفت
و آمد داشتم.»

بنا به گزارش رسانه‌ها، پس از اینکه دادگاه برلین در سال ۱۹۹۷ حکم داد که رژیم ایران دستور ترور چهار مخالف حکومت را صادر کرده، دولت آلمان درخواست کرد که موسویان از سمت خود برکنار شود.

موسویان در ادامه ادعا می‌کنند: «کار من فقط دانشگاهی است و کاری با آمریکا یا ایران یا هیچ دولت دیگری ندارم. من در سال ۲۰۰۷ دستگیر و در نهایت از کار دیپلماتیک محروم شدم. بنابراین ۱۳ سال پیش از وزارت خارجه ایران بازنشسته شدم و از آن زمان تا کنون با هیچ دولتی از جمله دولت ایران مراد نشده‌ام.»
با وجود اینکه موسویان توسط رژیم ایران دستگیر شد، نامه کنگره در مورد ادعای جدایی موسویان حکومت تردید ایجاد کرده است.

در نامه نمایندگان جمهوریخواه آمده است: «با وجود عدم وابستگی احتمالی موسویان به حکومت ایران، توانایی موسویان برای سفر آزادانه به ایالات متحده و ایفای نقش به عنوان نماینده غیررسمی حکومت در حین بحث در مورد روابط ایران و آمریکا، رابطه او با دولت ایران را نامشخص گذاشته است.»

سایر مقامات رژیم ایران تأیید می‌کنند که موسویان در زمانی که ایران را ترک کرد، از خدمت به رژیم دست برداشت. محمدجواد ظریف وزیر خارجه پیشین جمهوری اسلامی در مصاحبه‌ای در سال ۲۰۱۶ از دفاع از وی در مقابل جناح رقیب رژیم گفت که «اتهامات جاسوسی علیه او [موسویان] را باور نمی‌کند. موسویان برای ایران تلاش می‌کند و به نظام جمهوری اسلامی و ایران اعتقاد دارد و کاملاً به آن وابسته است.»

یهودستیزی در دانشگاه پرینستون

جیم بنکس عضو جمهوریخواه مجلس نمایندگان از ایالت ایندیانا می‌گوید «یهودستیزی در دانشگاه پرینستون به ابعاد بحرانی رسیده است. [رژیم] ایران یک حکومت تقویت کننده یهودستیزی و همچنین دولت اصلی حامی تروریسم است و جمهوریخواهان مجلس نمایندگان موظفند در مورد نفوذ شوم رژیم در دانشگاه‌های ایالات متحده تحقیق کنند.»
این نماینده ادامه می‌دهد: «موسویان یک تبلیغاتچی قدیمی رژیم ایران است که فقط می‌داند چگونه دروغ‌های ضداسرائیلی و یهودستیزانه را آموزش دهد. پرینستون باید فوراً روابط خود با موسویان و سایرین مثل او را قطع کند. آنها بخشی از حلقه نزدیک به رابرت مالی مسئول بدنام وزارت خارجه دولت بایدن در امور ایران هستند... باید روابط با آنها قطع شود. رابرت مالی کسی است که به دلیل سوء استفاده از اطلاعات طبقه‌بندی شده کنار گذاشته شد.»
موسویان در پاسخ به اظهارات جیم بنکس گفته است «این ادعای زیادست؛ مثلاً گفته شده «موسویان به ایران کمک کرد تا بمب هسته‌ای بسازد! اما او هنوز نمی‌داند که ایران بمب هسته‌ای ندارد.»

یک گزارش طبقه‌بندی نشده اداره اطلاعات ملی ایالات متحده در ماه ژوئیه می‌گوید: «ایران در حال حاضر فعالیت‌های اصلی توسعه تسلیحات هسته‌ای را که برای تولید یک سیستم هسته‌ای قابل آزمایش لازم است انجام نمی‌دهد.» با این حال فعالیت‌های مشکوک اتمی جمهوری اسلامی همچنان ادامه دارد.

فاکس نیوز در پایان می‌نویسد دانشگاه پرینستون به پرسش‌های مطبوعاتی تلفنی و ایمیل فاکس نیوز پاسخ نداده است.

علی خامنه‌ای میان «دولت‌های مسلمان» تنها مانده: «لااقل برای یک مدّت محدود» شریان حیاتی اسرائیل را قطع کنید!



● علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی که در هفته‌های نخست جنگ در غزه به دولت‌های عربی گفته بود «باید» راه صدور نفت و ارزاق به «رژیم صهیونیستی» بسته شود حالا می‌گوید «لااقل برای یک مدّت محدود- فرض کنید تا یک سال یا کمتر یا بیشتر»- بایستی نگذارند که نفت و انرژی و کالا و امثال اینها وارد رژیم صهیونیستی بشود!

● در تازه‌ترین واکنش‌های جمهوری اسلامی به امید افزایش فشار علیه اسرائیل، سیدابراهیم رئیسی در نامه به سران ۵۰ کشور از جمله روسیه، چین، ترکیه، قزاقستان، آفریقای جنوبی، کنیا و اردن خواسته علیه اسرائیل بطور متحد عمل کنند!

● در ششمین هفته از عملیات اسرائیل علیه گروه تروریستی حماس در غزه، حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادعا کرد «غزه در مسیر پیروزی است» و «فروپاشی اسرائیل کار سختی نیست.»

علی خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی که در هفته‌های نخست جنگ غزه که با حمله وحشیانه گروه تروریستی حماس به اسرائیل از هفتم اکتبر آغاز شده، به دولت‌های عربی گفته بود «باید» راه صدور نفت و ارزاق به «رژیم صهیونیستی» بسته شود، روز ۲۸ آبان‌ماه در جریان بازدید از نمایشگاه دستاوردهای نیروی هوافضای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی گفت دولت‌های مسلمان «لااقل برای یک مدّت محدود» جریان و شریان حیاتی اسرائیل را قطع کنند! وی گفت: «یک جمله هم در مورد وظایف دولت‌های مسلمان عرض بکنیم. بعضی دولت‌های مسلمان، در جماع و در اظهارات و مانند اینها گاهی مهربان‌ها را محکوم می‌کنند- حالا بعضی محکوم هم نمی‌کنند! [اما] این کافی نیست؛ بایستی این جریان و شریان حیاتی رژیم صهیونیستی را قطع کنند، بایستی نگذارند که نفت و انرژی و کالا و امثال اینها وارد رژیم صهیونیستی بشود، بایستی روابط سیاسی‌شان [با رژیم صهیونیستی] را لااقل برای یک مدّت محدود- فرض کنید تا یک سال یا کمتر یا بیشتر- قطع کنند؛ اگر می‌خواهند این جنایات انجام نگیرد، این فاجعه متوقف بشود و تمام بشود، این کار وظیفه‌ی آنها است. ملت‌ها هم نباید بگذارند مظلومیت مردم فلسطین فراموش بشود؛ باید این اجتماعات را و این حرکات را انشاءالله دنبال کنند.»

حرف‌ها و راهکارهای علی خامنه‌ای برای فشار به اسرائیل و حمایت از گروه‌های فلسطینی در میان دولت‌های مسلمان خریدار ندارد. در شرایطی که اغلب دولت‌های عربی بعد از «پیمان ابراهیم» سطح روابط سیاسی و اقتصادی خود را با اسرائیل را ارتقاء داده‌اند بدیهی است که احتیاط خواهند کرد تا منافع‌شان قربانی جنگ غزه نشود.

با اینهمه مقامات حکومت امیدوارند آنچه به عنوان «آرمان فلسطین» روی آن پافشاری می‌کنند به زودی نتیجه دهد! در ششمین هفته از عملیات اسرائیل علیه گروه تروریستی حماس در غزه، حسین سلامی فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ادعا کرد «غزه در مسیر پیروزی است» و «فروپاشی اسرائیل کار سختی نیست.»
گویا در بالاترین رده‌های نظام دست‌کم آنطور که به

صورت عمومی اعلام می‌کنند به این نتیجه رسیده‌اند که در انتهای این جنگ شکست اسرائیل رقم خواهد خورد.

در همین ارتباط محسن رضایی عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام در مصاحبه با شبکه «المیادین» که ۲۷ آبان‌ماه پخش شد گفت «جنگ علیه غزه سرنوشت رژیم صهیونیستی و محور مقاومت را تعیین خواهد کرد... محور مقاومت در آینده نقش بزرگتری ایفا خواهد کرد و رژیم صهیونیستی نیز قطعاً در این جنگ شکست خواهد خورد.»
محسن رضایی می‌گوید: «هر اندازه رژیم صهیونیستی در غزه نفوذ کند، بیشتر در باتلاق غرق خواهد شد... اسرائیل می‌تواند وارد خیابان‌های غزه شود ولی با مقاومت پنهانی روبرو است.»

وی پیش‌بینی کرد که «این جنگ باعث سقوط بنیامین نتانیا هو می‌شود و در سال‌های آینده نیز شاهد سقوط رژیم صهیونیستی خواهیم بود.»

منابع داخلی در ایران تصویر علی خامنه‌ای را که پشت سر وی فرماندهان ارشد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی نشستند و چند موشک هم هوا شده است، «هشدار به اسرائیل» خواندند اما گرفتن عکس یادگاری با موشک و رجزخوانی علیه اسرائیل در تهران با عقب‌نشینی واقعی جمهوری اسلامی و اصلی‌ترین شریک آن حسن نصرالله دبیرکل حزب‌الله لبنان در میدان عمل جور در نمی‌آید! به همین دلیل است که همزمان صحبت از این می‌شود که جمهوری اسلامی و حزب‌الله لبنان در جنگ غزه پشت حماس را خالی کرده‌اند.

در تازه‌ترین واکنش‌های جمهوری اسلامی به امید افزایش فشار علیه اسرائیل، سیدابراهیم رئیسی در نامه به سران ۵۰ کشور از جمله روسیه، چین، ترکیه، قزاقستان، آفریقای جنوبی، کنیا و اردن نوشته «انتظار از کشورهای آزادیخواه و مستقل، به ویژه کشورهای اسلامی این است که در عرصه‌های دیپلماتیک و اقتصادی، با رویکرد منسجم و واحد، ضمن فشار بر این رژیم اشغالگر، زمینه‌ساز توقف جنایات این رژیم در کشتار غیرنظامیان و پایان محاصره غزه شوند.»

مهسا یزدانی؛ مادر داغداری که به دلیل «دادخواهی» به ۱۳ سال زندان محکوم شده است



مهسا یزدانی و فرزند جانبخته‌اش محمدجواد

تقسیم کرد. اگر قبل از مرگش را در یک جلد بتوان روایت کرد، بعد از مرگ محمدجواد به چندین جلد کتاب نیاز دارد. این وکیل دادگستری افزوده که «موضوع مهم در پرونده مهسا یزدانی این است که این مادر ابتدا از مسیر قانونی به دادخواهی فرزندش پرداخته و واقعا در آن زمان هم هیچ فعالیتی در فضای مجازی نداشته است. وقتی درها را بسته دیده، فریادش را در فضای مجازی سر داده است.»

وکیل مهسا یزدانی ایرادات حقوقی به رأی صادر شده علیه موکلش را نیز توضیح داده است: «رأی وحدت رویه‌ای (به شماره ۸۳۴-۲۴/۵/۱۴۰۲) در همین مرداد امسال داریم که قاضی اگر بخواهد اشد مجازات را برای کسی در نظر بگیرد، باید حتما دلایل و اسباب آن را قید کند. این مورد در پرونده خانم یزدانی دیده نمی‌شود. از سوی دیگر برای متهمی که فاقد کوچک‌ترین پیشینه سوءکیفری است، داغدار است و مادر دو فرزند است که یکی سه سال دارد، باید کیفیات مخففه حکم در نظر گرفته شود؛ یعنی این عوامل باید موجب تخفیف در حکم شود نه صدور اشد مجازات. اگر اشد مجازات صادر می‌شود، باید دلایل و اسباب آن ذکر شود که قاضی به چه دلیل و با چه استدلالی چنین متهمی را به اشد مجازات متهم کرده است؟»

میثم موسوی در بخش دیگری از صحبت‌هایش به «شرق» گفته که «یکی از احکام خانم یزدانی تحمل پنج سال زندان بابت توهین به مقدسات است. این در حالی است که دادگاه انقلاب اساسا صلاحیت رسیدگی به چنین مورد اتهامی را ندارد و این مسئله باید در دادگاه کیفری بررسی شود.»

فشارهای قضایی و امنیتی بر خانواده‌های دادخواه که فرزندان‌شان توسط جمهوری اسلامی کشته شده‌اند به روندی معمول در ایران تبدیل شده است. نهادهای امنیتی و قضایی نه تنها در برابر قتل حکومتی شهروندان توضیحی به خانواده‌ها ارائه نمی‌دهند و آمران و عاملان در عمل از مصونیت قضایی برخوردار هستند بلکه خانواده‌ها نیز به اشکال مختلف مورد آزاد روانی قرار گرفته و بسیاری از آنها با پرونده‌های قضایی روبرو، محکوم و زندانی می‌شوند.

ولی جنازه به ما تحویل داده نشد و شب به خانواده اعلام کردند که به خانه‌هایشان بروند.»

این مادر دادخواه گفته که دو روز پس از جان باختن محمدجواد و با گرفتن تعهدهایی از همسر و برادر مهسا یزدانی، اجازه خاکسپاری به خانواده زاهدی در «ولشکلا» که روستای مادری این خانواده است داده شد.

مهسا یزدانی افزوده که برایش شرط گذاشته بودند در مراسم خاکسپاری «حرف‌های تحریک‌کننده» نزنند. او هم به مسئولان حاضر گفته که تنها یک درخواست دارد، باید قاتل فرزندش شناسایی شود. همچنین دوربین‌های مرکز شهر و محل حادثه بازبینی شود تا مشخص شود محمدجواد به چه دلیلی کشته شده؛ او به «شرق» می‌گوید در چنین وضعیتی و با وجود بغض شدیدی که در گلو داشت، مراسم خاکسپاری در سکوت برگزار شد.

با اینهمه در جلسات بازپرسی به خانواده گفته شد هیچ فیلمی از دوربین‌های مداربسته خیابان پرتدد «انقلاب» ساری در زمان مرگ محمدجواد ضبط نشده است اما آنان این ادعا را نپذیرفتند.

مهسا یزدانی گفته در پی شکایت رسمی خانواده، به صورت مستمر در جلسات بازپرسی حاضر شده و مدام این سوال‌ها را مطرح می‌کرده است که: «فرزندش به چه دلیلی کشته شده و قاتل او کیست؟»

این مادر داغدار حالا توسط قاضی ذوقی در شعبه یک دادگاه انقلاب ساری با اتهامات «اهانت به مقدسات، تحریک مردم به بر هم زدن امنیت ملی، توهین به رهبری و فعالیت تبلیغی علیه نظام» با وجود داشتن یک پسر بچه سه ساله، به ۱۳ سال زندان محکوم شده است.

این اتهامات سیاسی و امنیتی در حالی به او وارد شده که در دادگاه به قاضی گفته «من تا امروز نمی‌دانستم سیاست چیه؟ تا اینکه جنازه پسر رو آوردن. منم یه برکه کاغذ گرفتم دستم و رفتم دادخواهی که هی من رو از این اتاق به اون اتاق پاس دادن و آخرش هم هیچی.»

میثم موسوی وکیل مهسا یزدانی به روزنامه «شرق» گفته که زندگی مهسا یزدانی را باید به قبل و بعد از مرگ محمدجواد

● مهسا یزدانی از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب ساری با اتهامات «اهانت به مقدسات، تحریک مردم به بر هم زدن امنیت ملی، توهین به رهبری و فعالیت تبلیغی علیه نظام» به ۱۳ سال حبس محکوم شده است.

● مهسا یزدانی: به ما گفته شد که در بدن او ۹۶ ساچمه وجود داشت. در تصاویری که بعدها منتشر شد، معلوم است خیابان بسته شده و اجازه رسیدن آمبولانس و خدمات پزشکی به او داده نشده است.

● وکیل مهسا یزدانی گفته زندگی موکلش را باید به قبل و بعد از مرگ محمدجواد تقسیم کرد. اگر قبل از مرگش را در یک جلد بتوان روایت کرد، بعد از مرگ محمدجواد به چندین جلد کتاب نیاز دارد.

مهسا یزدانی مادر محمدجواد زاهدی از جانب‌خستگان اعتراضات جنبش ملی که به دلیل دادخواهی خون فرزندش به ۱۳ سال زندان محکوم شده در گفتگو با روزنامه «شرق» جان باختن پسرش را روایت کرده و گفته در بدن او ۹۶ ساچمه وجود داشت و به دلیل اینکه مأموران خیابان را بسته بودند آمبولانس نتوانست به او برسد.

مهسا یزدانی اوایل آبان‌ماه امسال در دادگاه بدوی از سوی شعبه اول دادگاه انقلاب ساری با اتهامات «اهانت به مقدسات، تحریک مردم به بر هم زدن امنیت ملی، توهین به رهبری و فعالیت تبلیغی علیه نظام» به ۱۳ سال حبس محکوم شد. علت گشوده شدن پرونده علیه مهسا یزدانی، دادخواهی خون فرزند بوده و حکم صادر شده علیه این مادر دادخواه روز یکشنبه ۲۸ آبان در شعبه هشتم دادگاه تجدید نظر استان مازندران عینا تأیید شد.

مهسا یزدانی پیشتر در روز ۳۱ مرداد امسال از سوی مأموران امنیتی جمهوری اسلامی بازداشت و روز چهارم مهر با تودیع وثیقه یک میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومانی تا زمان صدور حکم موقتا از زندان آزاد شده بود.

محمدجواد زاهدی روز ۳۰ شهریور ۱۴۰۱ در جریان تیراندازی نیروهای جمهوری اسلامی به مردم در ساری، مرکز استان مازندران کشته شد. او متولد ششم شهریور ۱۳۸۱ بود.

مهسا یزدانی پس از محکومیت به ۱۳ سال زندان به دلیل دادخواهی در استوری اینستاگرامش نوشت: «وقتی محدمو کشتین یک سال زمین خوردم و دوباره ایستادم برای محمدم و بچه‌هام ایستاده‌ام تا پایان... هر چقدر پشتم خالی باشه روح محمد مثل یه کوه مواظبمه.»

مهسا یزدانی سه‌شنبه ۳۰ آبان ۱۴۰۲ در گفتگو با روزنامه «شرق» با شرح روایتی از جان باختن فرزندش گفته «عصر روز چهارشنبه ۳۰ شهریور محمدجواد برای تهیه دارو به داروخانه‌ای در خیابان انقلاب ساری می‌رود که گویا مرکز تجمعات و اعتراضات بوده است. از آنجا که روزهای اول اعتراضات بود، کسی چندان اطلاعی از مناطق پرخطر شهر نداشت و برای همین هم محمدجواد به این خیابان رفته بود که در بازگشت از داروخانه در خیابان انقلاب و روبروی چهارراه برق از پشت سر هدف شلیک گلوله قرار می‌گیرد. بعدها به ما گفته شد که در بدن او ۹۶ ساچمه وجود داشت. در تصاویری که بعدها از مرگ محمدجواد منتشر شد، معلوم است که خیابان بسته شده و اجازه رسیدن آمبولانس و خدمات پزشکی به او داده نشده است. نهایتا پیکر محمدجواد به بیمارستانی در قائمشهر برده می‌شود

اعتصاب دو روزه دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه ملی ایران (بهشتی)



ورودی بسیاری از دانشگاه‌ها از جمله دانشگاه امیرکبیر، تهران و تربیت مدرس، یکی از اهرم‌های سرکوب در آغاز ترم جدید دانشگاه‌هاست؛ موضوعی که باعث شد بسیاری از دانشجویان دختر به خاطر مسأله حجاب، مانع و پیرسینگ، و دانشجویان پسر به دلیل شکل شلوار و پیرسینگ در همان روز بازگشایی دانشگاه، از ورود به دانشگاه منع شوند.»

سردبیر «خبرنامه امیرکبیر» در بخش دیگری از این گفتگو گفته بود که «همزمان فضای اطراف چند دانشگاه از جمله دو دانشگاه تهران و صنعتی امیرکبیر پادگانی شده است؛ بیش از ۵۰ کافه در اطراف دانشگاه تهران و ۵ کافه در اطراف دانشگاه امیرکبیر با اتهاماتی چون «عدم رعایت حجاب» و «شبکه‌سازی علیه جمهوری اسلامی» تعطیل شده‌اند تا فضای اطراف دانشگاه نیز در ساکت‌ترین حالت ممکن قرار گیرد چرا که نهادهای امنیتی در یکسال اخیر فهمیده‌اند که دانشگاه کانون اعتراضات است و باید در فضای انزوا و قیروستانی قرار بگیرند تا هرگونه اعتراضات درون دانشگاه‌ها به بیرون از آنها سرایت نکند؛ با این حال در مواردی نیروهای حراست دانشگاهی به کافه‌های بیرون دانشگاه نیز یورش برده و اقدام به برخورد با دانشجویان بدحجاب کرده‌اند.»

«تشکل مستقل دانشجویان پیشرو» به تازگی گزارش داد که در هفدهم آبان یک دانشجوی زن در دانشگاه آزاد مرکز سوهانک به بهانه رعایت نکردن حجاب اجباری مورد حمله حراست قرار گرفته بود.

«شوراهای صنفی دانشجویان کشور» نیز چندی پیش در بیانیه‌ای با عنوان «جولان گزیمه‌های حجاب اجباری در دانشگاه» از افزایش احضار دانشجویان به کمیته‌های انضباطی خبر داده و تأکید کرده بود که این میزان برخورد با دانشجویان حتی در مقایسه با دوران اوج اعتراضات سال گذشته سابقه نداشته است.

پژوهشی دانشکده منجر خواهد شد و همچنین بدیهی ترین حقوق، از جمله حق امنیت دانشجویان را به خطر اندخته و به کاهش درک و تعامل میان دین باوران و سایر اعضای جامعه دانشگاهی می انجامد. این اقدامات تنها به سود متعصبین و سودجویانی است که در پوشش دین، تنها به قدرت نمایی و ارضای اهداف دیگرآزارانه خود مشغولند.» در پایان این بیانیه نیز تأکید شده که «همه‌ی دانشجویان مسئولند تا در برابر چنین زخمی با یکدیگر همدلی نشان دهند و متحد شوند. در این راستا، نویسندگان متن پیش رو، از تمامی دانشجویان دانشکده روانشناسی درخواست دارند تا برای نشان دادن همبستگی و وحدت مقابل این دست اقدامات و حفظ حرمت فضای آموزشی دانشکده، روزهای سه شنبه و چهارشنبه این هفته، کلاس‌های درسی خود را تحریم کرده و دست به اعتصاب بزنند.»

فشار بر دانشجویان به بهانه «حجاب» در سال تحصیلی جدید شدت یافته و گزارش‌های مختلفی از امنیتی شدن فضای دانشگاه و استقرار نیروهای امنیتی و لباس‌شخصی برای کنترل بیش از پیش دانشجویان در محوطه دانشگاه‌ها منتشر شده است.

سردبیر «خبرنامه امیرکبیر» نیز هفته سوم آبان‌ماه امسال در گفتگو با «کیهان لندن» گفته بود «در چند دانشگاه اصلی ایران از جمله امیرکبیر (پلی‌تکنیک)، «شریف» (دانشگاه صنعتی آریامهر) و علم و صنعت نیروهای اوباشی حضور پیدا کرده‌اند که گفته می‌شود وابستگی سازمانی به گشت انضباط شهری شهرداری تهران دارند.»

این فعال دانشجویی افزوده بود که «بررسی تصاویر ضبط شده دوربین‌های دانشگاه که بخش زیادی از آن در یکسال گذشته نصب شده برای تشخیص دانشجویان بدحجاب بدعت جدیدی است که توسط حراست دانشگاه‌ها در ترم جدید دنبال شده است. نصب دستورالعمل‌های پوششی در

● دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه ملی ایران (بهشتی) با صدور بیانیه‌ای اعلام کردند روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه، ۳۰ آبان و اول آذر، اعتصاب کرده و سر کلاس درس حاضر نمی‌شوند.

● این اعتصاب در اعتراض به فضای امنیتی و حمله غیرقانونی کارمندان حراست به دانشجویان و کلاس درس صورت گرفته است.

● نیروهای حراست دانشگاه ملی ایران (بهشتی) روز دوشنبه به داخل کلاس‌های درس در دانشکده روانشناسی حمله کردند و زمانی که استاد مشغول به تدریس بود، کارت دانشجویان دخترانی را که مقنعه از سرشان افتاده بود ضبط کردند.

در پی حمله نیروهای حراست به داخل کلاس درس دانشکده روانشناسی دانشگاه ملی ایران (بهشتی)، دانشجویان این دانشگاه با صدور بیانیه‌ای اعلام کردند روزهای سه‌شنبه و چهارشنبه، ۳۰ آبان و اول آذر، اعتصاب کرده و سر کلاس درس حاضر نمی‌شوند.

شورای صنفی دانشجویان کشور با اعلام خبر اعتصاب دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه ملی ایران (بهشتی) نوشته این اعتصاب در اعتراض به فضای امنیتی و حمله غیرقانونی کارمندان حراست به دانشجویان و کلاس درس صورت گرفته است.

«کیهان لندن» روز دوشنبه ۲۹ آبان به نقل از «خبرنامه امیرکبیر» گزارش داد که «نیروهای حراست دانشگاه بهشتی در اقدامی عجیب و غیرمنتظره امروز دوشنبه ۲۹ آبان ماه به داخل کلاس‌های درس در دانشکده روانشناسی حمله کردند و زمانی که استاد مشغول به تدریس بود، کارت دانشجویان دخترانی را که مقنعه از سرشان افتاده بود ضبط کردند.»

در ادامه این گزارش آمده بود که «این اقدام تنها به دانشکده روانشناسی محدود نشده و ماموران حراست به کلاس‌های درس دانشکده ادبیات و علوم انسانی نیز حمله‌ور شدند. در این دانشکده نیروهای حراست استاد را به دلیل اینکه برخی دانشجویان کلاسش حجاب نداشته‌اند، از کلاس درس بیرون کشیده و او را بازخواست کرده‌اند. همچنان آمار دقیقی از تعداد دانشجویانی که کارت آنان ضبط شده، وجود ندارد.»

دانشجویان اعتصاب‌کننده با صدور بیانیه‌ای نوشتند که «خبر کوتاه بود؛ در اقدامی غیرمنتظره امروز ۲۹ آبان ماه تعدادی از نیروهای حراست فیزیکی دانشگاه به کتابخانه و داخل کلاس‌های درس دانشکده روانشناسی حمله کرده و زمانی که استاد مشغول تدریس بوده کارت دانشجویان دخترانی که مقنعه از سرشان افتاده بود را ضبط کردند.»

در ادامه این بیانیه آمده که «ما دانشجویان دانشکده روانشناسی دانشگاه شهید بهشتی، امروز شاهد یکی از زشت‌ترین روزهای دوره تحصیل خود بودیم. امروز، ۲۹م آبان ماه، دانشکده روانشناسی مورد هجوم نیروهای حراست و افراد بی‌نام و نشانی قرار گرفت که صورت‌های خود را پوشانده بودند و هیچ مدرک شناسایی دال بر استخدام از سوی نهاد حراست به همراه نداشتند.»

این بیانیه افزوده که «ما دانشجویان دانشکده روانشناسی باور داریم که این اقدامات به تعطیلی فضای آموزشی و

جزئیات جدیدی از پرونده قتل مهرجویی و همسرش دو متهم به قتل، نوجوان هستند



داریوش مهرجویی و همسرش وحیده محمدی‌فر در صحنه‌ای از مستند «الماس در گام لامینور» ساخته‌ی حسن صلحجو که قرار بود به مناسبت ۸۵ سالگی مهرجویی در ۱۷ آذرماه ۱۴۰۲ به نمایش درآید

سه روز بعد از قتل مهرجویی و همسرش نوشت: «انتشار خبر قتل مهرجویی و همسرش، ذهن‌ها را بلافاصله متوجه ماجرای قتل‌های زنجیره‌ای در دهه ۷۰ کرد. به ویژه قتل مظلومانه داریوش فروهر و همسرش.»

اینهمه در حالیست که مسعود ستایشی سخنگوی قوه قضاییه روز سه‌شنبه ۲۹ آبان ۱۴۰۲ در مورد پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش اعلام کرد که نیمه اول آذر ماه کيفرخواست متهمان صادر خواهد شد. این سخنان نشان می‌دهد مراحل تحقیقات پرونده به اتمام رسیده و چهار فردی که به عنوان قاتلان مهرجویی و همسرش معرفی شدند به زودی محاکمه خواهند شد.

داریوش مهرجویی فیلمساز، نویسنده و کارگردان ایرانی شامگاه یکشنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۲ به همراه همسرش وحیده محمدی‌فر با حمله فرد یا افراد ناشناس به ویلای شخصی‌شان در زیبادشت فرخ آباد کرج به قتل رسیدند. علت جان باختن آنها برخورد ضربه چاقو به گردن و اعضای بدن عنوان شده است. پیکر داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر روز چهارشنبه ۲۴ مهرماه ۱۴۰۲ در مراسمی با حضور گسترده هنرمندان و دیگر شهروندان تشییع شد. این مراسم ساعت ۱۰ بامداد از مقابل تالار رودکی آغاز و سپس پیکر این فیلمساز و همسرش در قطعه هنرمندان «بهشت زهرا» به خاک سپرده شد. وحیده محمدی‌فر پانزدهم مهرماه، با انتشار یک استوری در صفحه اینستاگرام خود از تهدید شخصی ناشناس و همچنین سرعت وسایل‌شان خبر داده بود. همسر داریوش مهرجویی همزمان در گفتگو با روزنامه «اعتماد» تأیید کرده بود که یک فرد ناشناس با چاقو پشت شیشه خانه آنها ظاهر شده، آنها را تهدید کرده و بعد گریخته است. او همچنین گفته که «البته مدتی پیش هم یکسری وسایل از جمله سنتور مربوط به فیلم سنتوری را از خانه ما سرقت کردند که در حال حاضر وکیل همسرم پیگیر کارهای قانونی این موضوع است.»

فرهنگ سروری وکیل داریوش مهرجویی گفته که داریوش مهرجویی روز جمعه و دو شب پیش از وقوع قتل به

● داوود و اسکندر دو متهم از چهار متهم به قتل این زوج چهارده، پانزده سال بیشتر سن ندارند.

● میر ویس متهم اصلی این پرونده معرفی شده و بر اساس اطلاعات منتشر شده هر چهار متهم در انجام قتل نقش داشته‌اند.

● درباره پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش ابهامات زیادی مطرح شده و اظهارات دختر مقتولان و وکیل او نیز وجود ابهامات در پرونده و اظهارات مقامات قضایی را تأیید کرده است.

با نزدیک شدن به چهلمین روز از قتل تکانه‌نده داریوش مهرجویی و همسرش، روزنامه «اعتماد» در گزارشی اعلام کرده دو متهم از چهار متهم اصلی پرونده قتل، نوجوانان چهارده و پانزده ساله هستند.

با گذشت حدود ۴۰ روز از درگذشت داریوش مهرجویی فیلمساز، نویسنده و کارگردان ایرانی، و همسر نویسنده‌اش وحیده محمدی‌فر که شامگاه یکشنبه ۲۲ مهرماه ۱۴۰۲ در ویلای شخصی‌شان در زیبادشت فرخ آباد کرج به قتل رسیدند، اطلاعات جدیدی از پرونده منتشر شده است.

این پرونده چهار متهم دارد که به گفته منبع آگاهی که با روزنامه «اعتماد» گفتگو کرده دو تن از آنها نوجوانان چهارده و پانزده ساله هستند و هر چهار متهم با پایان دوران تحقیقات، به زندان قزل‌حصار منتقل شده‌اند.

روزنامه «اعتماد» چهارشنبه اول آذرماه ۱۴۰۲ در گزارشی به پرونده قتل داریوش مهرجویی و وحیده محمدی‌فر پرداخته و به نقل از یک منبع آگاه نوشته که داوود و اسکندر دو متهم از چهار متهم به قتل این زوج چهارده، پانزده سال بیشتر سن ندارند.

در این گزارش آمده که هنوز کسی جرأت ندارد با قاطعیت در مورد متهمان قتل مهرجویی و همسرش که انگیزه‌شان را خصومت، طلب مالی و سرقت عنوان کرده بودند، صحبت کند. روزنامه «اعتماد» به نقل از یک منبع آگاه نوشته که «میر ویس یکی، دو سال پیش در ویلای مهرجویی سربار و باغبان آنها بود، اما با شکایت داریوش مهرجویی و همسرش از شهرک زیبادشت بیرون انداخته می‌شود.»

این منبع آگاه افزوده که «میر ویس آن زمان زن و بچه نداشت. حالا نمی‌دانیم در این یکی، دو سال ازدواج کرده یا نه! اما شنیدم که میر ویس پس از اینکه از شهرک زیبادشت بیرون می‌شود در شهرک ناز بالای شهرک زیبادشت، خانه‌ای اجاره و زندگی می‌کرد.»

میر ویس متهم اصلی این پرونده معرفی شده و بر اساس آنچه مقامات قضایی و رسانه‌های داخلی از اعترافات متهمان و اظهارات آنها در صحنه بازسازی جرم منتشر کرده‌اند، هر چهار متهم در انجام قتل نقش داشته‌اند. روزنامه «اعتماد» می‌نویسد که وقتی باغبان خانه به عنوان عامل اصلی جنایت معرفی شد، برخی موضوع را پذیرفتند، ولی برخی دیگر موضوع را نپذیرفتند و همچنان بر این باورند که متهمان اصلی پرونده توسط فرد یا افرادی اجیر شده بودند. این گزارش به نقل از یکی از ساکنان شهرک «زیبادشت»، محل قتل داریوش مهرجویی و همسرش، نوشته که «ویلاهایی در شهرک زیبادشت است که اگر سارقان قصدشان صرفاً سرقت باشد، می‌توانند آنها را انتخاب کنند، ولی حالا

اینطور گفته شده که کینه و نیز ادعای مبلغی که یکی از آن افراد از مرحوم طلب داشته، باعث شده این جنایت رخ دهد. با این حال واقعیت ماجرا را فقط خدا داند.»

او افزوده که «روستای فرخ آباد نزدیک شهرک زیبادشت است. اکثر افرادی که برای کار به شهرک زیبادشت می‌روند در همین روستا زندگی می‌کنند. برخی از آنها هم در شهرک ناز؛ شهرک ناز هم نزدیک شهرک زیبادشت است.»

درباره پرونده قتل داریوش مهرجویی و همسرش ابهامات زیادی مطرح شده است؛ ابهاماتی که غالباً در شبکه‌های اجتماعی و یا از سوی خبرنگاران مطرح شده و اظهارات دختر مقتولان و وکیل او نیز وجود ابهامات در پرونده و اظهارات مقامات قضایی را تأیید کرده است.

چند روز پس از قتل مهرجویی و همسرش، نیروی انتظامی در حالی چهار فرد را به عنوان قاتلان معرفی و صحنه جرم را بازسازی کرد، که ابهاماتی درباره این قتل و همچنین اعترافات متهمان مطرح شد.

همزمان مانوش منوچهری وکیل دختر داریوش مهرجویی طی متنی در خبرگزاری ایسنا اعلام کرد: «با توجه به اینکه تاکنون به دلیل شرایط خانواده، امکان حضور مستقیم در روند تحقیقات و اطلاع از جزئیات پرونده فراهم نشده است، تقاضا دارم تا پایان رسیدگی و اتمام روند دادرسی و صدور حکم قطعی و روشن شدن تمامی ابعاد جنایت از انتشار هر گونه اخباری که مورد تأیید اولیای دم یا وکلای ایشان نباشد از جمله معرفی قاتل یا قاتلان احتمالی پرهیز شود.»

پس از انتشار اظهارات این وکیل دادگستری، مونا مهرجویی دختر مقتولان نیز در استوری اینستاگرامی خود نوشت: «تا کنون هیچیک از شواهد و مدارک، اقرار و آثار جنایت توسط ما بررسی نشده است. تا بررسی همه ابعاد و حضور در پرونده و روند دادرسی، قاتل از نظر ما مشخص نیست.»

روزنامه «اعتماد» درباره مطرح شدن ابهامات درباره این پرونده نوشته که «افکار و اذهان عمومی با ابراز نگرانی تحلیل‌های جنایی، سیاسی و اجتماعی مختلفی داشتند. حتی روزنامه کیهان روز بیست و پنجم مهرماه سال جاری،

واکنش محبوبه رضایی فعال مشروطه خواه به محکومیت بیش از ۲۶ سال زندان: جانم فدای ایران!



قرار گرفت، رنج کشیدم اما هرگز تسلیم نشدم. بارها در زندان عادل آباد در اوج درد به یاد برادرم وحید افکاری ادامه دادم. خواهرانم نسیم شهبازی و حنانه کیا جان شان را دادند، حسین حسین پورها چشمان شان را فدای ایران کردند و من امروز در راه آزادی ایران عزیزم بر خود وظیفه می بینم حبس را تحمل کنم.

قسم به خون محمد حسینی و مجید هاشمی ها، اعلام می کنم چه در زندان، چه خارج از زندان، به راهم در کنار ملت ایران ادامه خواهم داد و تا آزادی سرزمین مان دست از تلاش برنخواهم داشت.

یادآوری می کنم راه آزادی وطن مان دست در دست هم گذاشتن، اتحاد و همبستگی است. با هر گرایش سیاسی و عقیده ای با هم بر مسئله ای توافق داریم: «آزادی ایران» جانم فدای ایران، همچنان که اصغر نحوی پور زمانی که گلوله خورد فریاد زد «جانم فدای ایران».

محبوبه رضایی
زندان اوین
آبان ۱۴۰۲»

مریم شکرانی افزوده که «مشرق نیوز» در ۲۸ مهر نوشته است که سرقت جاروبرقی توسط باغبان از خانه مهرجویی و طلب ۳۰ میلیون تومانی آن مربوط به «چند سال» قبل است و مساله جدید نیست. «مشرق نیوز» در گزارش جدیدی که از رویارویی با متهمان قتل نوشته که باغبان هفته پیش از قتل با چاقو پشت در خانه مهرجویی ظاهر شده و در بیان اینکه چرا خانم محمدی فر صدای باغبان خود را تشخیص نداده، نوشته است که «باغبان صدای خود را عوض کرده است» این ادعاها چقدر صحت دارد؟ که مشرق نیوز از وضعیت متهمان توصیف می کند: متهم اصلی یعنی باغبان که کریم نام دارد در بازداشتگاه خودکشی ناموفق داشته است. میرویس، متهم دیگر یک دختر کوچک دارد که بیمار است و روز قتل مهرجویی دخترش به دکتر برده اما مطابق ادعای مشرق نیوز شب برای کشتن مهرجویی آمده و داوود و اسکندر دو متهم بسیار کم سن و سال هم به گفته مشرق نیوز هنوز گیج و گنگ هستند و گویی نمی دانند چه اتفاقی افتاده است!

● «عشق به میهن مان هراس از زندان را بی معنا و امید را زنده تر از قبل کرده است؛ در زندان اوین و در کنار دیگر خواهران و برادران مبارز و آزادی خواهم.»

● «راه آزادی وطن مان دست در دست هم گذاشتن، اتحاد و همبستگی است. با هر گرایش سیاسی و عقیده ای با هم بر مسئله ای توافق داریم: آزادی ایران.»

محبوبه رضایی فعال سیاسی مشروطه خواه که به تازگی با حکمی از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب تهران به ریاست قاضی محمدرضا عموزاد مهدریجی به ۲۶ سال و پنج ماه زندان محکوم شده است در پیامی از زندان اوین در واکنش به صدور این حکم کم سابقه و سنگین، اعلام کرده «عشق به میهن مان هراس از زندان را بی معنا و امید را زنده تر از قبل کرده است.»

در پرونده ای که محبوبه رضایی به ۲۶ سال و پنج ماه زندان محکوم شده، رضا محمدحسینی و سمانه نوروز مرادی دو فعال دیگر مشروطه خواه نیز به ترتیب به ۲۱ سال و هشت ماه، و ۱۳ سال و ۹ ماه زندان محکوم شده اند. متن کامل پیام محبوبه رضایی از زندان اوین را در ادامه می خوانید.

«جرم من میهن پرستی است

اکنون که توسط قاضی بی دادگاه انقلاب شعبه ۲۸، که با افتخار اعلام می کرد روح الله زم و محسن شکاری را اعدام کرده، و با دستور ضابط قضایی (اطلاعات سپاه پاسداران) که کتباً از قاضی عموزاده برایم درخواست اشد مجازات را کرده بود، به ۲۶ سال و ۵ ماه زندان محکوم شده ام با افتخار اعلام می کنم با آنکه جوانی ام در زندان سپری می شود اما اندوهگین نیستم؛ چرا که عشق به میهن مان هراس از زندان را بی معنا و امید را زنده تر از قبل کرده است؛ در زندان اوین و در کنار دیگر خواهران و برادران مبارز و آزادی خواهم.

زندان، شکنجه و کشتار نمی تواند انسان های آزاده را از آرمان و اهداف خود منصرف کند. آنها رنجها را به جان می خردند و مصمم تر و قوی تر از گذشته تلاش و مبارزه می کنند. ماهها در زندان بوشهر جسم و روانم مورد تعرض

مهرجویی کشف شده است. در فیلم بازسازی صحنه متهم می گوید که طلاها را از همسر مهرجویی گرفته اما مشرق نیوز در گزارشی با تیتراژ اولین ملاقات با قاتلان مهرجویی و همسرش در یکم آبان نوشته که «تمام اموال سرقت شده از خانه مهرجویی که شامل ۷ انگوی طلا، دو گوشی موبایل، یک خلخال بوده و دو آلت قتاله همگی در بیرون ویلا کشف شده و قاتلان این اموال را در چند نقطه جداگانه دفن کرده بودند تا مدتی بعد جنایت آنها را خارج کنند.»

این روزنامه نگار نوشته که «روزنامه «جوان» در تاریخ ۲۴ مهر ۱۴۰۲ نوشته که مونا دختر خانواده مهرجویی به پلیس گفته از ساعت ۵/۸ تا ۱۰ شب به صورت پیامک با پدرش در ارتباط بوده است. سایت جنایی هم همین موضوع را نوشته که مونا تا ساعت ۱۰ با خانواده خود در تماس بوده و ساعت ۱۰:۲۰ دقیقه که به جلوی در خانه می رسد از جنایت آگاه می شود و به پلیس زنگ می زند. آیا در کمتر از ۲۰ دقیقه قتل انجام شده و وسایل مسروقه و چاقوها دفن شده؟!»

→ وکیلش گفته بود به خاطر اینکه آن خانه دیگر امنیت ندارد، قصد دارند هفته بعد آن را ترک کنند.

مقامات قوه قضاییه یکبار بدون حضور خبرنگاران و تنها با حضور تیمی خبری از صداوسیما جمهوری اسلامی اقدام به بازسازی صحنه جنایت با حضور چهار متهم پرونده کردند. بار دیگر روز شنبه سی ام مهرماه متهمان به محل جنایت آورده شدند و با حضور شماری از خبرنگاران صحنه جنایت بازسازی شد. پس از این بازسازی برخی ابهامات درباره پرونده و ادعاهای مقامات قضایی و متهمان مطرح شد.

مریم شکرانی روزنامه نگار در ایران در توضیحاتی در شبکه اجتماعی ایکس همه این ابهامات را جمع آوری کرده و نوشته که «در فیلم بازسازی صحنه قتل، متهم می گوید که از دیوار به داخل پریده اند و در باز بوده و وارد حال شده اند. تابناک در ۲۹ مهر به نقل از همشهری نوشته که متهم اعتراف کرده وقتی او (مهرجویی) در باز کرد من به او حمله کردم. در ثانیه ۱۹ فیلم بازسازی صحنه قتل، متهم توضیح می دهد که چگونه از روی دیوار ویلای مهرجویی به داخل پریده اند. ضابط به سیم خاردارها اشاره می کند و می پرسد چرا از آن در نرفتید که راحت تر بود؟! متهم می گوید «کریم گفت دوربین دارد!» اعتماد در تاریخ ۲۳ مهر از قول منتظرالمهدی، سخنگوی پلیس نوشته که ویلای مهرجویی دوربین نداشته است.»

مریم شکرانی در ادامه نوشته که «در بازسازی صحنه قتل، متهم می گوید وارد حال شده اند و داریوش مهرجویی رو به تلویزیون نشسته و پشت به ما در حال تماشای فیلم بود. در ثانیه ۴۸ یک متهم در پس زمینه فیلم می گوید «خواب بود!» این همان که وقتی مقتول به پشت بوده، قاتلان چگونه متوجه شده اند خواب بود اما در همان لحظه یکی دیگر از متهمان می گوید ناگهان بلند شد و به سمت ما آمد!»

این روزنامه نگار افزوده که «در بازسازی صحنه قتل متهم نشان می دهد که وقتی مهرجویی به سمت آنها آمده ۲ ضربه چوب به جلوی سر وارد کرده در صورتی که اعتماد به نقل از فراز در ۲۳ مهر نوشته پشت سر او کوبیده و شده و تصاویر نشان می دهد که جسد مهرجویی بر خلاف همسرش، با صورت به زمین افتاده است. خبرنگار فارس در ۲۳ مهر در گزارشی میدانی که صحنه قتل را توصیف می کند، نوشته که جای دست و انگشتان خون آلود روی در و دیوار اتاق خواب است که به گفته کارشناسان نشان می دهد همسر مهرجویی با فشار دست به در و دیوار این اتاق تلاش کرده مانع ورود قاتلان شود اما ناموفق بوده است. در فیلم بازسازی صحنه قتل، متهمان می گویند او در داخل اتاق پناه گرفته بود ما به زور وارد شدیم و ضربه های چاقو را به او زدیم! ضربه قبلی و دستان خون آلود خانم محمدی فر کجای این فیلم است؟!»

مریم شکرانی افزوده که «در دقیقه ۱۱/۳ فیلم بازسازی صحنه قتل در اتاق که متهم نحوه قتل همسر مهرجویی را توضیح می دهد ضابط می پرسد: (خانوم محمدی فر) گوشی داشت یا نه؟ متهم جواب می دهد «نداشت. ما اینجا آمدیم گوشی نداشت» مشرق نیوز نوشته که در گوشی همسر مهرجویی پیام «ارسال نشده ای» به دخترش وجود دارد که نوشته کریم اومد تو خو من! در صورت صحت این ماجرا کجا و چگونه فرصت ارسال پیام ایجاد شده؟!»

کی دیگر از ابهامات اینست که «در بازسازی صحنه جرم متهم می گوید که هم دست و هم دهان خانم محمدی فر بسته شده بود اما در تصویر اجساد، دهن خانم محمدی فر بسته نبوده و تنها یک دست او بسته است. «اعتماد» در تاریخ ۲۹ مهر از قول فاضلی هریکندی، رییس کل دادگستری البرز نوشته است که متهم چهارم روز پنجشنبه دستگیر شده و همراه او چاقو، دو گوشی موبایل و طلاهای همسر

پایگاه خبری «آکسیوس»: افزایش حملات هکری وابسته به جمهوری اسلامی همزمان با جنگ غزه



عکس: رویترز

● بر اساس گزارش مایکروسافت، فعالیت‌های هکری جمهوری اسلامی علیه اسرائیل تا ۱۱ روز پس از جنگ بطور جدی آغاز نشده بود. اما از آن زمان، کارشناسان شواهدی از بدافزار مخرب پاک‌کننده، عملیات هک و نفوذ، حذف وبسایت‌ها و کمپین‌های جاسوسی را کشف کردند.

● گیل مسینگ رئیس بخش کارگزاری شرکت امنیت سایبری «Check Point Software Technologies» مستقر در اسرائیل، گفت که حداقل ۱۰ گروه هکری مرتبط با رژیم ایران در این حملات دخیل هستند.

● شرکت «پالواتو» ارائه دهنده فایروال‌های مبتنی بر تکنولوژی App-ID دریافت‌های هکری مرتبط با ایران از ژانویه تا اوایل اکتبر امسال، سازمان‌های آموزشی و دولتی اسرائیل را هدف قرار داده‌اند.

با ادامه جنگ غزه که از هفتم اکتبر با حمله تروریستی گروه حماس علیه اسرائیل شروع شد، کارشناسان در هفته‌های اخیر دریافته‌اند که هک‌های مورد حمایت جمهوری اسلامی علیه اهداف اسرائیلی تهاجمی‌تر عمل می‌کنند.

پایگاه خبری «آکسیوس» گزارش داد در شرایطی که ایالات متحده به حمایت از اسرائیل ادامه می‌دهد، کارشناسان امنیتی هشدار داده‌اند که جمهوری اسلامی می‌تواند علیه سازمان‌ها و شرکت‌های آمریکایی مرتبط با اسرائیل، اقدامات سایبری تلافی‌جویانه انجام دهد.

فعالیت‌های هکری جمهوری اسلامی در سال‌های اخیر پیچیده‌تر شده است. از کمپین‌های بی‌هدف و مبتنی بر «فیشینگ» تا حملات سایبری مخرب علیه سایر کشورها، از جمله حمله بدافزار پاک‌کننده به دولت آلبانی.

گزارش‌ها خبری از نخستین روزهای جنگ حاکی از آن بود که جمهوری اسلامی در هماهنگی حمله غافلگیرکننده‌ی حماس به اسرائیل کمک کرده است. اما طبق گزارش مایکروسافت در این ماه، هیچ مدرکی مبنی بر اینکه گروه‌های هکر ایرانی از برنامه‌های حماس اطلاع قبلی داشته‌اند، وجود ندارد.

جمهوری اسلامی در کنار چین، روسیه و کره شمالی بزرگترین دشمنان سایبری آمریکا و متحدان آن هستند.

هک‌های مرتبط با جمهوری اسلامی اغلب مشهور به جاسوسی از اسرائیل و دیگر همسایگان هستند با این حال، در سال‌های اخیر فعالیت هک‌های مرتبط با ایران گسترش پیدا کرد تا جایی که حملات مخرب‌تری به دولت‌ها و زیرساخت‌های حیاتی وارد کند. جمهوری اسلامی همزمان قابلیت‌های جاسوسی خود را نیز ارتقاء داده است.

بر اساس گزارش مایکروسافت، فعالیت‌های هکری جمهوری اسلامی علیه اسرائیل تا ۱۱ روز پس از جنگ بطور جدی آغاز نشده بود. اما از آن زمان، کارشناسان شواهدی از بدافزار مخرب پاک‌کننده، عملیات هک و نفوذ، حذف وبسایت‌ها و کمپین‌های جاسوسی را کشف کردند.

گیل مسینگ رئیس بخش کارگزاری شرکت امنیت سایبری «Check Point Software Technologies» مستقر در اسرائیل، روز دوشنبه ۲۰ نوامبر از طریق ایمیل به آکسیوس گفت که حداقل ۱۰ گروه هکری مرتبط با رژیم ایران در این حملات دخیل هستند.

به گفته مسینگ، یک گروه که گمان می‌رود به جمهوری

اختلال مشکوک اینترنت در سراسر ایران؛ «مشکل پیش آمده زیرساختی است!»

● خبرگزاری فارس گزارش داد «طبق پیگیری‌ها از اپراتورهای ارائه‌دهنده اینترنت، مشکل پیش‌آمده زیرساختی است و عمدتاً در شرکت‌های ارائه‌دهنده اینترنت ثابت رخ داده است.»

● حساب کاربری «نت بلاکس» گزارش داد یک اختلال شدید در دسترسی به اینترنت در ایران وجود دارد و این دسترسی به ۵۷ درصد کاهش یافته است.

● حوالی ظهر به وقت ایران روابط عمومی شرکت ارتباطات زیرساخت در اطلاعیه اعلام کرد که «به دنبال ایجاد اختلال در شبکه انتقال استان تهران در ارائه ترافیک داخل و بین‌المللی اپراتورهای کشور اختلال رخ داد.»

● وزیر ارتباطات ۲۵ آبان اعلام کرده بود که اینترنت ماهواره‌ای ملی در راه است!

● غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل ۲۱ آبان‌ماه (همزمان با جنگ اسرائیل در غزه علیه حماس) در جلسه شورای هماهنگی پدافند غیرعامل خوزستان به تشریح «نقشه جدید اسرائیل علیه زیرساخت‌های صنعتی ایران» پرداخت و نسبت به برنامه‌های اسرائیل برای حمله سایبری به زیرساخت‌های جمهوری اسلامی هشدار داد.

بنا به دلایل نامعلوم صبح شنبه ۲۷ آبان‌ماه در بخش‌هایی از ایران اینترنت دچار اختلال شد. برخی منابع داخلی گزارش داده‌اند دسترسی کاربران به شبکه‌های اجتماعی قطع شده اما برخی دیگر از منابع اعلام کردند حتا وبسایت‌های داخلی و خبرگزاری‌ها نیز به علت سرعت پایین اینترنت باز نمی‌شوند.

منابع غیررسمی گفته‌اند ارائه خدمات به مشتریان بانک‌ها و دفاتر پیشخوان دولت نیز برای چند ساعت متوقف شد. خبرگزاری فارس گزارش داد «طبق پیگیری‌ها از اپراتورهای ارائه‌دهنده اینترنت، مشکل پیش‌آمده زیرساختی است و عمدتاً در شرکت‌های ارائه‌دهنده اینترنت ثابت رخ داده است.»

حساب کاربری «نت بلاکس» گزارش داد یک اختلال شدید در دسترسی به اینترنت در ایران وجود دارد و دسترسی به اینترنت ۵۷ درصد کاهش یافته است.

وبسایت «زویمت» که اخبار فناوری را پوشش می‌دهد، در این زمینه نوشت: «دسترسی به اینترنت برای کل کاربران ایران با اختلال جدی یا قطع کامل روبروست. در حال حاضر تنها دسترسی به شبکه داخلی کشور میسر است و تنها سرویس‌هایی که در داخل کشور میزبانی شده‌اند در دسترس هستند.»

حوالی ظهر به وقت ایران روابط عمومی شرکت ارتباطات زیرساخت در اطلاعیه اعلام کرد که «به دنبال ایجاد اختلال در شبکه انتقال استان تهران از ساعت ۰۹:۴۵ تا

پیشنهاد احمدرضا رادان به سفیر رژیم سوریه برای ارتقاء همکاری‌های پلیسی و امنیتی!



دیدار احمدرضا رادان با سفیر سوریه در تهران

نیوزلند قرار گرفتند. در این میان برخی فرماندهان از جمله رادان در صدر این جنایت‌ها قرار دارند. وی از متهمان ردیف اول کشتار مردم در سال ۱۳۸۸ است. پرونده جنایات فجیع کهریزک تنها یکی از این موارد است.

رادان در شرایطی به سفیر سوریه پیشنهاد ارتقاء همکاری‌ها و تجربیات پلیس جمهوری اسلامی را ارائه داده که از یکسو خانواده‌های داغدار جانباختگان «آبان‌۹۸» در سالگرد قتل عزیزانشان سوگواری و از سوی دیگر مصادف با اولین سالگرد قتل معترضان است که در جریان انقلاب ۱۴۰۲ توسط نیروهای امنیتی کشته شده‌اند. همچنین این پیشنهاد زمانی مطرح شده که یک دادگاه در فرانسه حکم بازداشت بشار اسد رهبر سوریه را به اتهام «جنایت علیه بشریت» صادر کرده است!

با توجه به همکاری‌های گسترده رژیم ایران و سوریه در تجارت انواع مواد و کالاهای ممنوعه پیشنهاد همکاری رادان به مقامات سوری برای مبارزه با مواد مخدر بیشتر از آنکه جدی باشد فکاهی است!

پیشتر دکتر امیر حمیدی کارشناس حوزه «تروریسم بین‌المللی» که یکی از مأموران ویژه در «پروژه کاساندر» بوده است در مصاحبه با کیهان لندن گفته بود قاچاق مواد مخدر یکی از اصلی‌ترین منابع درآمد سپاه پاسداران انقلاب اسلامی است. «پروژه کاساندر» تحقیقات مخفی آژانس مبارزه با مواد مخدر (DEA) درباره فعالیت‌های قاچاق و نحوه پولشویی حزب‌الله لبنان است که از سال ۲۰۰۸ آغاز شد. در همین ارتباط روزنامه «واشنگتن پست» روز دوشنبه ۱۳ نوامبر (۲۲ آبان‌ماه) گزارش داد تجارت کاپتاگون به ابزاری کلیدی نفوذ برای رژیم سوریه و منبع درآمدی عظیم برای شبه‌نظامیان تحت حمایت جمهوری اسلامی که اکنون به نیروهای آمریکایی حمله می‌کنند، تبدیل شده است.

فرنج هیل عضو جمهورخواه ایالت آرکانزاس در مجلس نمایندگان آمریکا مدت‌هاست که خواستار هماهنگی بیشتر ایالات متحده با کشورهای منطقه در مورد مهار قاچاق کاپتاگون شده است. او این موضوع را با دولت‌های عراق، عربستان سعودی، مصر، اسرائیل و ترکیه در میان گذاشته است. برخی نمایندگان گفته‌اند دولت بایدن باید اطلاعات، نیروی‌های امنیتی و منابع دیپلماتیک بیشتری برای جلوگیری از درآمدهای چند میلیارد دلاری رژیم ایران، سوریه و شبه‌نظامیان از تجارت غیرقانونی کاپتاگون اختصاص دهد.

● سردار پاسدار احمدرضا رادان که در فهرست ناقضان حقوق بشر قرار دارد در دیدار با شفیق دیوب گفته «پلیس جمهوری اسلامی می‌تواند در زمینه توسعه فناوری، مبارزه با مواد مخدر و تروریسم، انتقال تجربیات آموزشی و پلیس سایبری با پلیس سوریه همکاری داشته باشد».

● رادان در شرایطی به سفیر سوریه پیشنهاد ارتقاء همکاری‌ها و تجربیات پلیس جمهوری اسلامی را ارائه داده که از یکسو خانواده‌های داغدار جانباختگان «آبان‌۹۸» در سالگرد قتل عزیزانشان سوگواری و از سوی دیگر مصادف با اولین سالگرد قتل معترضان است که در جریان انقلاب ۱۴۰۲ توسط نیروهای امنیتی کشته شدند. همچنین این پیشنهاد زمانی مطرح شده که یک دادگاه در فرانسه حکم بازداشت بشار اسد رهبر سوریه را به اتهام «جنایت علیه بشریت» صادر کرده است!

رژیم‌های سرکوبگر در بالاترین رده‌های نظامی و امنیتی به دنبال ارتقاء روابط با یکدیگرند. همکاری‌هایی که عمدتاً در راستای تقویت ماشین سرکوب با هدف سرپا نگاه‌داشتن خودشان است که با بحران مشروعیت مواجه‌اند.

فرمانده کل نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در دیدار با سفیر رژیم سوریه در تهران اعلام کرده با تمام توان برای ارتقای سطح همکاری با پلیس سوریه آماده‌ایم.

سردار پاسدار احمدرضا رادان در دیدار با شفیق دیوب که روز شنبه ۲۷ آبان برگزار شد گفته «پلیس جمهوری اسلامی می‌تواند در زمینه توسعه فناوری، مبارزه با مواد مخدر و تروریسم، انتقال تجربیات آموزشی و پلیس سایبری با پلیس سوریه همکاری داشته باشد و هیچگونه مانعی در راستای همکاری دو کشور وجود ندارد».

شفیق دیوب سفیر سوریه نیز گفته «خواهان این هستیم که از تجربیات پلیس ایران در برقراری نظم و امنیت در کشورمان بیشترین بهره را داشته باشیم». رژیم‌های ایران و سوریه در سرکوب خونین اعتراضات، جنایت و نقض حقوق بشر شکنجه و قتل‌عام گسترده معترضان علیه خود سابقه طولانی دارند. در سال‌های اخیر به ویژه از دی‌ماه ۱۳۹۶ تا پس از تظاهرات سراسری ۱۴۰۱ ده‌ها نفر از مقامات نیروی انتظامی و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و تعدادی از فرماندهان ارشد ارتش جمهوری اسلامی به دلیل دخالت مستقیم در سرکوب‌ها در فهرست تحریم‌های آمریکا و دولت‌های اروپایی و متحدان آنها از جمله کانادا، استرالیا و

۱۰۰۲۵ در ارائه ترافیک داخل و بین‌الملل اپراتورهای کشور اختلال رخ داد.»

این شرکت اعلام کرد «ضمن عذرخواهی از هموطنان بابت اختلال ایجاد شده، خوشبختانه با تلاش همکاران و کارشناسان فنی این شرکت، اقدامات لازم انجام و شبکه به حالت عادی بازگشت و در حال حاضر هیچگونه اختلالی در شبکه ارتباطات زیرساخت وجود ندارد.»



ساختمان مرکزی شرکت ارتباطات زیرساخت در تهران

قطع اینترنت در ایران با این وضعیت دارای سابقه است. اواسط اسفند ۱۴۰۰ پس از آتش‌سوزی مشکوک در مجتمع مخابراتی انقلاب اسلامی (LCT) در مناطق وسیعی از تهران و کرج اینترنت قطع شد.

با اینهمه وسعت قطع شدن اینترنت و مدت زمان طولانی آن عادی نیست. از یکسو احتمال اینکه سیستم‌های الکترونیک یا شبکه زیرساخت‌های اینترنت در ایران هک شده یا مورد حملات سایبری قرار گرفته دور از ذهن نیست و از سوی دیگر احتمال دارد که خود مخابرات جمهوری اسلامی و نهادهایی که در زمینه فناوری الکترونیک به آن خدمات ارائه می‌دهند مشغول آزمایش‌هایی با هدف تحقق آرزوی نظام یعنی اینترنت محدود داخلی و بدون دسترسی به شبکه جهانی باشند! عیسی زارع‌پور وزیر ارتباطات ۲۵ آبان‌ماه ادعا کرده بود که اینترنت ماهواره‌ای ملی در راه است! او گفت «اینترنت ماهواره‌ای ملی در برنامه‌های بلندمدت ما قرار دارد و برای اینکه بتوانیم از ظرفیت‌های خودمان برای ارائه اینترنت ماهواره‌ای استفاده کنیم، این موضوع در دستور کار سازمان فضایی ایران قرار گرفته است.»

غلامرضا جلالی رئیس سازمان پدافند غیرعامل ۲۱ آبان‌ماه (همزمان با جنگ اسرائیل در غزه علیه حماس) در جلسه شورای هماهنگی پدافند غیرعامل خوزستان به تشریح «نقشه جدید اسرائیل علیه زیرساخت‌های صنعتی ایران» پرداخت. وی با تأکید بر ضرورت توجه به تهدیدات سایبری به زیرساخت‌ها گفت: «رژیم صهیونیستی راهبردی علیه ما تنظیم کرده بود و گفته بود که زیرساخت‌های صنعتی که خدمتی به مردم ارائه می‌دهند، به میزان خدمت و وابستگی که میان مردم و آن زنجیره خدمات ایجاد می‌شود، اهمیت دارند.»

هرچند در زمان تنظیم این گزارش منابع داخلی خبر داده‌اند که اختلال اینترنت در ایران برطرف شده اما همچنان خبرهایی می‌رسد که در چندین شهر ایران دسترسی به اینترنت همچنان با اختلال روبروست.

واگذاری ۱۲۰ پروژه معدنی به روس‌ها؛ چینی‌ها هم در صف هستند



و توسعه‌ی میدان بزرگ گازی چالوس در آب‌های سرزمینی ایران در دریای کاسپین متمرکز است منتشر کرد. بر اساس این گزارش، جمهوری اسلامی در ادامه سیاست «ایران‌فروشی» سهم بزرگی از توسعه این میدان گازی را به روسیه واگذار کرده است. چین بهره‌بردار دومی است که از این میدان گازی ایران سهم می‌برد و در همین حال سپاه پاسداران انقلاب اسلامی معتقد است امتیازی که از جیب ملت ایران به روسیه و چین پرداخته می‌شود، برای پیشبرد برنامه موشکی جمهوری اسلامی ضروری است!

در گزارش وبسایت اوپل پرایس که به قلم سایمون واتکینز نوشته شده آمده بود که قرارداد توسعه و بهره‌برداری میدان عظیم گازی چالوس میان جمهوری اسلامی و روسیه تحت بخشی از «قرارداد ۲۰ ساله ایران و روسیه» امضا شده است. منابع آگاه به اوپل پرایس گفته‌اند که بر اساس قرارداد امضا شده تقسیم سهام میدان گازی چالوس به این ترتیب است که شرکت‌های گازپروم و ترانس‌اوپل روسیه در مجموع ۴۰ درصد، سی.ان.پی.سی و سی.ان.او.اوسی چین در مجموع ۲۸ درصد و شرکت اکتشاف و تولید خزر ایران (KEPCO) ۲۵ درصد سهم دارند.

یک منبع آگاه به اوپل پرایس گفته بود بر اساس این قرارداد شرکت گازپروم روسیه مسئولیت کلی مدیریت توسعه و بهره‌برداری از میدان گازی چالوس را بر عهده خواهد داشت، شرکت ترانس‌اوپل روسیه، حمل و نقل و عملیات مربوطه را انجام می‌دهد، شرکت سی.ان.پی.سی چین بخش عمده تأمین مالی و ارائه تسهیلات بانکی لازم را بر عهده گرفته و سی.ان.او.اوسی چین نیز مسئول تأمین قطعات زیرساخت و مهندسی است.

اکنون به نظر می‌رسد واگذاری حجم بالایی از معادن کشور به روس‌ها نیز در راستای قرارداد ۲۰ ساله ایران و روسیه است.

جمهوری اسلامی همچنین قراردادی ۲۵ ساله را با چین امضا کرده که دارای ابعاد گسترده نظامی، امنیتی، تجاری، عمرانی، صنعتی و خدماتی است. بر اساس جزئیاتی از این قرارداد که در وبسایت «اوپل پرایس» منتشر شده بود، این قرارداد امتیازهای گسترده‌ای به چین داده و بخشی

با روسیه و چین شده است؛ قراردادهایی که بر اساس اطلاعات درز شده بیش از آنکه تفاهم‌نامه همکاری باشد «ایران‌فروشی» است!

خریدگاری «ایرنا» دی ۱۴۰۰ خبر امضای قرارداد همکاری ۲۰ ساله میان ایران و روسیه را در پی سفر ابراهیم رئیسی به مسکو اعلام کرد. دو ماه پیش از آن در آبان ۱۴۰۰ نیز ابراهیم رئیسی در تماس تلفنی با ولادیمیر پوتین رئیس



جمهوری روسیه گفته بود اراده جمهوری اسلامی توسعه روابط تجاری و اقتصادی با روسیه است و «آمادگی داریم سند جامع همکاری‌های بلندمدت دو کشور را نهایی کنیم تا روند ارتقای هر چه بیشتر روابط و همکاری‌های دو کشور با سرعت، اجرایی شود.»

هرچند منابع جمهوری اسلامی و روسیه از اعلام جزئیات قرارداد ۲۰ ساله دو کشور خودداری کرده‌اند اما وبسایت اوپل پرایس آبان ۱۴۰۰ در گزارشی جزئیات قرارداد ۲۰ ساله میان جمهوری اسلامی و روسیه را که بر بهره‌برداری

● معاون وزیر صمت گفته بعد از امضای تفاهم‌نامه در آذرماه، اجرای ۱۲۰ پروژه را به روس‌ها واگذار می‌کنیم. این ۱۲۰ پروژه از سال ۱۴۰۳ تا سال ۱۴۰۴ توسط روس‌ها انجام می‌شود.

● معاون وزیر صمت افزوده که سازمان زمین‌شناسی برای اکتشاف مناطقی که در اختیار دارد همکاری با چینی‌ها را هم در دستور کار قرار داده است.

● دبیر کل خانه صنعت معدن تهران فروردین سال ۱۴۰۰ گفته بود که چینی‌ها مدت‌هاست که در معادن کشور کار می‌کنند و هر قدر شرایط کار برایشان جذاب‌تر باشد استقبال بیشتری از آن می‌کنند!

معاون وزیر صمت از واگذاری ۱۲۰ پروژه اکتشاف معدنی به روس‌ها خبر داده و گفته دولت برای همکاری با چین در پروژه‌های معدنی نیز برنامه‌ریزی کرده است.

علیرضا شهیدی معاون وزیر صمت، معدن و تجارت و رئیس سازمان زمین‌شناسی و اکتشافات معدنی ایران امروز شنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۲ در گفتگو با خبرنگاری «ایرنا» از تعهد این سازمان به اجرای ۴۲۰ پروژه در اکتشاف مواد معدنی کشور خبر داده و گفته که «سازمان زمین‌شناسی برای اتمام این پروژه‌ها پنج سال زمان دارد، بنابراین و از آنجایی که این پروژه کار زیادی می‌طلبد به فکر همکاری با شریک خارجی افتادیم و از یک سال پیش با روس‌ها وارد مذاکره شدیم تا اکتشاف مواد معدنی در بخشی از مناطقی که در اختیار سازمان زمین‌شناسی است را به کارشناسان این کشور واگذار کنیم.»

معاون وزیر صمت گفته در صورتی که کمیسیون اقتصادی ایران و روسیه در ۱۲ و ۱۳ آذر برگزار شود، تفاهم‌نامه این همکاری در همان تاریخ امضا خواهد شد.

علیرضا شهیدی افزوده که «پس از امضای تفاهم‌نامه اجرای ۱۲۰ پروژه را به روس‌ها واگذار می‌کنیم. این ۱۲۰ پروژه از سال ۱۴۰۳ تا سال ۱۴۰۴ توسط روس‌ها انجام می‌شود و آنها علاوه بر اجرای پروژه آموزش نیروی انسانی ایرانی را هم بر عهده دارند.»

معاون وزیر صمت مدعی شده که «روس‌ها در سالیان گذشته هم در ایران پروژه‌هایی را در زمینه اکتشافات معدنی ایران اجرا کردند و حالا پیش‌بینی می‌شود بیش‌تر از ۱۰۰ نفر کارشناس روسی برای اکتشاف مواد معدنی به ایران وارد شوند و در قالب یک پیمانکار این پروژه را پیش ببرند.» رئیس سازمان زمین‌شناسی همچنین گفته «هر آنچه از مواد معدنی که در این پروژه کشف شود، در اختیار سازمان زمین‌شناسی و پس از آن در اختیار وزارت صنعت معدن تجارت قرار می‌گیرد.» او توضیح نداده که آیا روس‌ها پس از اکتشاف نیز سهمی از معادن خواهند داشت یا خیر.

علیرضا شهیدی همچنین از برنامه دولت برای همکاری با چین در پروژه‌های معدنی خبر داده و گفته که «سازمان زمین‌شناسی برای اکتشاف مناطقی که در اختیار دارد همکاری با چینی‌ها را هم در دستور کار قرار داده است البته این طرح هنوز در مراحل اولیه است و با قطعیت نمی‌توان درباره آن صحبت کرد، اما در صورت حصول توافق رویه کار با چینی‌ها همانند کار با روس‌هاست.»

تلاش جمهوری اسلامی برای پیشبرد تئوری «نگاه به شرق» با توهم تضعیف «غرب» و بی‌اثر کردن تحریم‌ها طی سال‌های گذشته سبب طراحی دو قرارداد طولانی‌مدت



ایرباس ماهان در باند فرودگاه «خمینی» تهران
زمستان ۱۳۹۷ / منبع: اینستاگرام ماهان

طرح دو حزبی در کنگره آمریکا: درخواست برای ممنوع شدن دسترسی خطوط هواپیمایی ایران به فرودگاه‌های اروپا و کشورهای عضو ناتو

اما همزمان به بسیاری از فرودگاه‌های کشورهای اروپایی و قفقاز نیز پرواز داشتند.

کیت سلف در این طرح همچنین هشدار داده فرودگاه‌هایی که به این خطوط هوایی تحریم شده اجازه فرود می‌دهند، با این خطر مواجه‌اند که ابزار ممنوعه‌ای را که در جنگ‌ها و حمله‌های تروریستی مورد استفاده قرار می‌گیرند، وارد تأسیسات خود کنند.

این نمایندگان پیشتر در هفتم نوامبر ۲۰۲۳ خطاب به جیمز کلورلی وزیر خارجه وقت بریتانیا که در حال حاضر مسئولیت وزارت خارجه کشور را بر عهده دارد نوشته بودند «به نمایندگی از دو حزب آمریکا در همبستگی با اوکراین در مقابل تهاجم روسیه که جمهوری اسلامی با ارائه پهنادهای انتحاری از آن حمایت می‌کند خواستاریم که پرواز هواپیماهای ایران به فرودگاه «هیثرو» لندن را ممنوع کنید.» آنها تأکید کرده‌اند پرواز هواپیماهای «ایران ایر» به لندن برای آنها درآمدی ایجاد می‌کند که به مأموریت ممنوعه آنها یعنی انتقال تسلیحات به سایر کشورها کمک می‌کند از جمله تأمین تسلیحات برای تقویت ماشین جنگی روسیه در مقابل اوکراین.

شواهد و مستندات نشان می‌دهد که اغلب خطوط هواپیمایی ایران با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی همکاری‌های غیرقانونی دارند و انواع راکت و موشک و قطعات مربوط به پهپادهای انتحاری و تهاجمی و کالاهای الکترونیک با مصارف نظامی را به روسیه و سایر کشورها منتقل می‌کنند.

فرماندهان سپاه پاسداران همکاری شرکت‌های هواپیمایی ایران با نیروهای مسلح برای جابجایی تسلیحات و مهمات را پنهان هم نمی‌کنند. محمود چهارباغی فرمانده توپخانه سپاه در سوریه ششم مهرماه ۱۳۹۸ در یک سخنرانی اعلام کرد که هواپیمایی ماهان تسلیحات به دمشق حمل می‌کرد.

کاپیتان امیر اسداللهی یکی از خلبانان شرکت هواپیمایی «ماهان ایر» خرداد ۱۳۹۹ در یک مصاحبه گفت، که در سال ۹۲ طی پروازی که قاسم سلیمانی فرمانده پیشین نیروی قدس سپاه پاسداران نیز سوار آن بوده به همراه ۲۰۰ مسافر «هفت تن بار ممنوعه» به سوریه منتقل کرده است.

قابل توجه اینکه بیشترین پروازهای مسافربری ایرلاین‌های ایرانی به ترکیه است که عضو ناتو است.

با فشارهای آمریکا در دوره‌ای که دونالد ترامپ رئیس جمهور این کشور بود، شماری از کشورهای اروپایی از جمله ایتالیا، آلمان و فرانسه پروازهای ماهان به کشورشان را ممنوع کردند. این ممنوعیت‌ها هم به اعتبار این خطوط هوایی لطمه زده و هم درآمدهای آنها را به شدت کاهش داده است.

● کیت سلف نماینده جمهوریخواه مجلس نمایندگان آمریکا از ایالت تگزاس می‌گوید جمهوری اسلامی و گروه‌های نیابتی بطور عمده از غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی به عنوان «سپرانسانی» برای عملیات تروریستی استفاده می‌کنند و ایرلاین‌ها و هواپیماهای غیرنظامی و فرودگاه‌ها بخشی از تاکتیک آنهاست.

● پیشتر ۱۲ نماینده خطاب به وزارت خارجه بریتانیا نوشته بودند که به نمایندگی از دو حزب آمریکا در همبستگی با اوکراین در مقابل تهاجم روسیه که جمهوری اسلامی با ارائه پهنادهای انتحاری از آن حمایت می‌کنند خواستاریم که پرواز هواپیماهای ایرانی به فرودگاه «هیثرو» لندن را ممنوع کنید.

● آنها تأکید کرده‌اند پرواز هواپیماهای «ایران ایر» به لندن برای آنها درآمدهایی ایجاد می‌کند که به مأموریت ممنوعه آنها یعنی انتقال تسلیحات به سایر کشورها کمک می‌کند از جمله تأمین تسلیحات برای تقویت ماشین جنگی روسیه در مقابل اوکراین.

کیت سلف نماینده جمهوریخواه مجلس نمایندگان آمریکا از ایالت تگزاس، طرحی ارائه داده که طبق آن از اتحادیه اروپا و کشورهای عضو پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو) خواسته شده خطوط هواپیمایی جمهوری اسلامی را به علت همکاری با سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در پشتیبانی از تروریسم تحریم کنند و اجازه دسترسی آنها به فرودگاه‌های خود را ندهند.

این نماینده تأکید کرده جمهوری اسلامی ایران و گروه‌های نیابتی بطور عمده از غیرنظامیان و زیرساخت‌های غیرنظامی به عنوان «سپر انسانی» برای عملیات تروریستی استفاده می‌کنند و به کار گرفتن ایرلاین‌ها و هواپیماهای غیرنظامی و فرودگاه‌ها بخشی از تاکتیک آنهاست.

وی می‌گوید: «به همین دلیل است من طرح قطعنامه‌ای را ارائه کردم تا از اتحادیه اروپا و ناتو بخواهم شرکت‌های هواپیمایی ایرانی را که شریک تروریسم هستند، تحریم و از دسترسی آنها به فرودگاه‌های خود ممانعت کنند.»

در این طرح آمده جمهوری اسلامی بزرگترین حامی تروریسم دولتی در جهان است و از خطوط هوایی خود برای گسترش تروریسم بهره‌برداری می‌کند. در این طرح به شرکت‌های «ماهان ایر»، «ایران ایر» و «فارس ایر قشم» اشاره شده که در ارسال پهپاد به روسیه نقش دارند.

در این طرح دو حزبی که به امضاء دست‌کم ۱۲ نفر از نمایندگان رسیده است آمده این سه شرکت هواپیمایی وقتی بشمار اسد رئیس جمهوری سوریه اقدام به سرکوب مردم می‌کرد برای آن رژیم سلاح و نیرو ارسال می‌کردند

از منابع و فرصت‌های کشور را بدون در نظر گرفتن منابع ملی به چین اهدا کرده است. واگذاری معادن کشور به چین به عنوان بخشی از این قرارداد از سوی فعالان صنعتی و تجاری ایران تأیید شده است.

شهرام شریعتی دبیرکل خانه صنعت معدن تهران فروردین سال ۱۴۰۰ گفته بود که چینی‌ها مدت‌هاست که در معادن کشور کار می‌کنند و هرقدر شرایط کار برایشان جذاب‌تر باشد استقبال بیشتری از آن می‌کنند!

شهرام شریعتی گفته بود که «در موضوع سند همکاری ۲۵ ساله بین ایران و چین، جزئیات سرمایه‌گذاری یا بهره‌برداری از معادن به ما چیزی ابلاغ نشده اما آنچه واضح است معادن و از جمله معدن طلا بخشی از قراردادهای سرمایه‌گذاری بین ایران و چین است.»

دبیرکل خانه صنعت معدن تهران با تأکید بر اینکه از گذشته تا به امروز قراردادهای چین با دولت ایران برای بخش خصوصی غیرشفاف بوده گفته بود که «معادن طلای ایران با ذخایر بالا، بیشتر دولتی هستند و خواه ناخواه اگر قراردادی در بخش تکنولوژی، فروش و سرمایه‌گذاری منعقد شود دولتی است و بخش خصوصی از مضمون قرارداد و اخبار آن مطلع نمی‌شوند.»

بهرام شکوری رئیس کمیسیون معادن اتاق بازرگانی ایران هم با بیان اینکه از جزئیات قرارداد ۲۵ ساله ایران و چین به بخش خصوصی اطلاعاتی ندادند گفته بود که «اگر قرار است مانند قبیل چینی‌ها از معادن طلا بهره‌برداری کنند، فقط بخش دولتی از جزئیات مطلع است.»

بهرام شکوری معتقد است که نباید منافع ایران وقف کشورهای مثل چین و روسیه شود و ایران نیازمند ارتباط سازنده با غرب است که بتواند در مقابل کشورهای مانند چین هم دست بالا را در قراردادهای اقتصادی داشته باشد. بر اساس اطلاعات ارائه شده از سوی رئیس کمیسیون معادن اتاق بازرگانی ایران، قرار بود که در قالب سند ۲۵ ساله حدود ۸۰ میلیارد دلار از ۴۵۰ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری در صنایع معدنی ایران سرمایه‌گذاری شود. در حالی که کل سرمایه‌گذاری که تا کنون در صنایع معدنی ما انجام شده به ۵۰ میلیارد دلار نمی‌رسد.

فرش قرمز جمهوری اسلامی برای بهره‌برداری جمهوری خلق چین از منابع معدنی ایران پیشتر توسط دولت حسن روحانی پهن شده بود. علیرضا رزم‌حسینی وزیر صنعت، معدن و تجارت دولت روحانی سه سال پیش اعلام کرده بود که «تمام معدنی که فعالیت نداشته‌اند سه ماه فرصت دارند معادن را فعال کنند و در غیر اینصورت قرارداد آنها یکطرفه از سوی دولت لغو می‌شود.»

لغو مجوز استخراج معدن به معنای بر باد رفتن سرمایه معدنکاران است و دولت مالکیت معدن را به دست خواهد گرفت.

چند روز پس از اعلام این خبر از سوی وزیر پیشین صمت، رئیس کمیسیون معادن و صنایع معدنی اتاق بازرگانی ایران از تصمیم دولت برای معرفی پروژه‌های معدنی ایران به چینی‌ها خبر داده و با اشاره به غیرفعال بودن ۵۰ درصد از معادن ایران گفته بود: «بنا شده پروژه‌هایی که در حوزه صنایع معدنی است و جذابیت سرمایه‌گذاری خارجی داشته باشند به چینی‌ها هم ارائه شود.»

ظرفیت‌های بخش معادن و منابع طبیعی کشور در حالی قرار است به روسیه و چین تقدیم شود که ایران با برخورداری از ۶۸ نوع ماده معدنی و شناسایی حدود ۶۰ میلیارد تن ذخیره معدنی از نظر تنوع در بین کشورهای جهان در جایگاه دهم بوده و حدود ۷ درصد ذخایر معدنی جهان در ایران قرار دارد.

یک اسپانیائی شیعه در رابطه با سوء قصد به بنیانگذار حزب VOX بازداشت شد



صحنه‌ای از ویدئویی که پلیس اسپانیا در ارتباط با دستگیری متهم به ترور سیاستمدار این کشور منتشر کرده است

در اقدام برای ترور خود تاکید کرده است. بنیانگذار VOX گویا مدارک و شواهدی را دال بر تهدیدهایی که در چند سال گذشته از سوی عوامل وابسته به جمهوری اسلامی دریافت کرده نیز در اختیار مقامات قضائی و پلیسی گذاشته است. آخو ویدال کوادراس در پاسخ به این پرسش که چرا تا کنون این مدارک را علنی نساخته و شکایتی در این رابطه تنظیم نکرده، گفته است فکر نمی‌کرده که «آنها جرأت کنند به یک مقام سیاسی یک کشور اروپائی در قلب اروپا تیراندازی کنند».

آخو ویدال کوادراس از زمانی که در سال ۱۹۹۹ به نمایندگی از «حزب مردم» اسپانیا به پارلمان اروپا راه یافت و به ویژه در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۰۷ میلادی که معاونت این نهاد را در زمان ریاست جوزپ بوردل عهده‌دار بود، از جمله حامیان جدی سازمان مجاهدین خلق بوده و از آن زمان در نشست‌های این سازمان حضور می‌یافته و سخنرانی می‌کرده است. آخرین بار آخو ویدال کوادراس در نیمه ماه سپتامبر ۲۰۲۳ در نشست سازمان مجاهدین خلق در بروکسل شرکت و سخنرانی کرد. نام این سیاستمدار اسپانیائی در فهرستی که سال گذشته وزارت خارجه جمهوری اسلامی منتشر کرده بود، در کنار برخی دیگر از نمایندگان پارلمان‌های کشورهای اروپائی به چشم می‌خورد. کسانی که نام آنان در این فهرست قرار داده شده، از سوی جمهوری اسلامی متهم به پشتیبانی از گروه‌های تروریستی‌ای هستند که علیه نظام حاکم بر ایران و برای اخلاف در امنیت داخلی فعالیت می‌کنند.

حزب VOX، بنا بر تحقیقات سنای اسپانیا و اداره مالیات این کشور، در جریان انتخابات پارلمان اروپا در سال ۲۰۱۴ میلادی حدود ۸۰۰ هزار یورو از سازمان مجاهدین خلق کمک مالی دریافت کرده بود. از آنجا که در اسپانیا شخصیت‌های حقیقی نمی‌توانند به هیچ سازمان سیاسی بیش از ۵۰ هزار یورو کمک مالی کنند، سازمان مجاهدین از طریق ۱۴۶ نفر از اعضا و هوادارانش در ۱۵ کشور از جمله آلمان، ایتالیا، سوئیس، کانادا و ایالات متحده کمک‌های مالی خود را به صندوق این حزب واریز کرده بود.

کرده باشد و در جستجوی مدارک و شواهدی برای شناسائی آمران واقعی این عملیات تروریستی هستند. این منابع اگرچه نامی از جمهوری اسلامی نمی‌برند ولی می‌افزایند به دلیل تهدیدهایی که در گذشته آخو ویدال کوادراس از جانب عناصر وابسته به رژیم حاکم بر ایران دریافت کرده بود، بعید نیست که این دولت در این اقدام تروریستی دست داشته باشد.

یکی از عوامل پلیس ضد تروریسم اسپانیا در گفتگو با برخی از رسانه‌های اسپانیائی گفته است توثیق سفارت جمهوری اسلامی در مادرید بلافاصله پس از تیراندازی به آخو ویدال کوادراس، خود دلیلی بر اطلاع داشتن این سفارتخانه از پشت پرده این جنایت است چرا که سفارت جمهوری اسلامی در این توثیق می‌گوید نقشی در این عملیات تروریستی ندارد، در حالی که تا آن زمان هنوز کسی از تروریسم حرفی نزنده بود و حدس زده می‌شد که این تیراندازی با فعالیت‌های دفتر حقوقی این شخصیت سیاسی مرتبط باشد.

روزنامه پرتیراژ «ال پائیس» نیز در آخرین گزارش خود در ارتباط با تیراندازی به آخو ویدال کوادراس از «پیست ایرانی» صحبت کرده و از جمله معروف لاتین Excusatio non petita accusatio manifesta استفاده می‌کند. معنی این جمله که یکی از عبارات معروف در ادبیات قضائی غرب است به زبان فارسی چنین می‌شود: «عذر نطلبیده، اتهامی روشن است!»

آخو ویدال کوادراس که هنوز در بیمارستان بستری است، تحت مراقبت‌های شدید پلیس قرار دارد. مامورین پلیس در ورودی‌های بیمارستان گروگرو مارانیون مستقر شده‌اند زیرا واهمه دارند که کسانی قصد کشتن این سیاستمدار ۷۸ ساله را داشته باشند و شاید بخواهند کاری را که ناتمام مانده در بیمارستان تمام کنند.

آخو ویدال کوادراس با اینکه هنوز در بخش مراقبت‌های ویژه بستری است با فرانسيسكو ده خورخه قاضی دادستانی کل ملاقات داشته و بنا بر آنچه رسانه‌های اسپانیائی می‌نویسند، در این دیدار بار دیگر بر نقش جمهوری اسلامی

● پلیس اسپانیا ۳ نفر را در رابطه با تیراندازی به آخو ویدال کوادراس معاون سابق پارلمان اروپا در ۹ نوامبر، در مادرید بازداشت کرده است.

● یکی از این ۳ نفر یک اسپانیائی است که در سال‌های گذشته به مذهب تشیع گرویده و با محافل افراطی وابسته به جمهوری اسلامی در رابطه بوده است.

● پلیس به دنبال فردی تونسی تبار با تابعیت فرانسوی است که به سمت این سیاستمدار اسپانیائی تیراندازی کرده است. این فرد که نامش فاش نشده به اتهام قتل دیگری در فرانسه نیز تحت تعقیب است.

● رسانه‌های اسپانیائی از «پیست ایرانی» نام می‌برند، ولی مقامات قضائی هنوز در این رابطه ابراز نظر نکرده و می‌گویند تحقیقات هنوز به نتیجه نرسیده است.

احمد رأفت - پلیس مبارزه با تروریسم اسپانیا سه نفر را در رابطه با سوء قصد به جان آخو ویدال کوادراس معاون سابق پارلمان اروپا و بنیانگذار حزب راستگرای VOX در جنوب این کشور بازداشت کرده است. دو نفر از بازداشت‌شدگان اسپانیائی و نفر سوم یک زن بریتانیائی است. پلیس نام افراد بازداشت شده را اعلام نکرده و می‌گوید به دنبال نفر چهارمی با تابعیت فرانسوی ولی تونسی تبار است. پلیس فرانسه از مدت‌ها پیش این فرد را در فهرست متهمین به قتل فراری قرار داده است.

یکی از دو اسپانیائی بازداشت‌شده مدت‌ها پیش به مذهب تشیع گرویده و به گفته برخی از رسانه‌های اسپانیائی با محافل افراطی شیعی و جمهوری اسلامی رابطه داشته است.

اسپانیائی دیگری که بازداشت شده است صاحب موتوری است که در محل حادثه در روز ۹ نوامبر حضور داشته و تروریستی را که به آخو ویدال کوادراس تیراندازی کرده بود، فراری داده است. لاشه سوخته این موتور بعد از ظهر همان روز در حومه مادرید پیدا شد و پلیس توانست از همین طریق صاحب آن را که در فوئن خیرولا در حومه مالاگا در جنوب اسپانیا ساکن بود بازداشت کند. اسپانیائی شیعه و همسر بریتانیائی‌اش نیز در جنوب اسپانیا در لانخارون در حومه گرانا‌دا بازداشت شدند. نقش این زن در این ترور هنوز مشخص نیست.

پلیس با بررسی فیلم‌های تلویزیون‌های مداربسته خیابان‌های اطراف محل تیراندازی به آخو ویدال کوادراس توانست این اسپانیائی تازه‌مسلمان را شناسائی کند که در روزهای قبل از این واقعه بارها در نزدیکی خانه این سیاستمدار اسپانیائی در حال قدم زدن دیده شده است. بنا بر تحقیقاتی که تا کنون پلیس مبارزه با تروریسم اسپانیا و دادستانی کل که به جرائم تروریستی رسیدگی می‌کند انجام داده‌اند، این اسپانیائی که حدود پنج سال پیش تغییر مذهب داده و به تشیع گرویده، قاتل فرانسوی تونسی تبار را برای کشتن معاون سابق پارلمان اروپا اجیر کرده بود و می‌توان او را تا این لحظه آمر این اقدام تروریستی دانست.

منابع دادستانی کل این کشور البته می‌افزایند که بعید به نظر می‌رسد که اسپانیائی بازداشت شده خودسرانه عمل

مصوبه مجلس شورای اسلامی برای توزیع یارانه بنزین بین همه مردم؛ هشدار درباره ایجاد بازار سیاه و انفجار قیمت



● یکی از ایرادهایی که به این طرح وارد است، احتمال بالای ایجاد یک بازار سیاه است که در آن افراد، به ویژه آنها که اتومبیل ندارند، بتوانند سهمیه بنزین خود را در آن بفروشند و در مجموع قیمت بنزین با افزایش روبرو شود.

● روزنامه «هم‌میهن»: مجلس تصمیم دارد در چند ماه مانده به انتخابات دور دوازدهم مجلس شورای اسلامی، کارت آس رو کند و با اختصاص یارانه (سهمیه) بنزین به هر کد ملی، مردم را به رأی دادن تشویق کند.

● یک کارشناس اقتصادی: کار دولت تولید ثروت است اما چون در تولید ثروت ناتوان است، اصرار دارد توزیع ثروت را انجام دهد!

یکی از تازه‌ترین مصوبات مجلس شورای اسلامی برای اختصاص یارانه بنزین از اتومبیل به شخص است که با عنوان «توزیع یارانه‌های انرژی میان همه خانواده‌های ایرانی» در رسانه‌های داخلی مطرح شده است.

کمیسیون تلفیق برنامه هفتم مجلس شورای اسلامی، توزیع یارانه‌های انرژی میان همه خانواده‌های ایرانی را تصویب کرده است. بر این اساس دولت باید «به منظور توسعه عدالت اقتصادی و بهبود توزیع درآمد تا پایان سال اول برنامه هفتم اقدامات لازم برای بهره‌مندی مساوی همه ایرانیان از یارانه حامل‌های انرژی از جمله بنزین را انجام دهد.»

حسین حسین‌زاده عضو کمیسیون انرژی مجلس از این مصوبه به عنوان «چراغ سبز مجلس به دولت» نام برده و گفته که «این موضوع فعلاً یک طرح کلی است و ساز و کار اجرایی و جزئیات آن زمانی مشخص می‌شود که وزارت نفت و دولت بخواهند در این مسیر قدم بردارند که در آن زمان قطعاً از سمت دولت اعلام می‌شود.»

این نماینده مجلس شورای اسلامی توضیح داده «چیزی که در حال حاضر شاهد آن هستیم واقعا عادلانه نیست چرا که ۵۰ درصد مردم خودرو ندارند اما هزینه حامل‌های انرژی را پرداخت می‌کنند. برای همین، مجلس به دولت اعلام کرد که مجاز است سهمیه سوخت را در قالب کد ملی هر فرد به سرپرستان خانوار بدهد.»

طرح ارائه یارانه بنزین به کد ملی پیش از این نیز مطرح شده اما معلق مانده بود. یکی از ایرادهایی که به این طرح وارد بود، احتمال بالای ایجاد یک بازار سیاه است که در آن افراد، به ویژه آنها که اتومبیل ندارند، بتوانند سهمیه بنزین خود را در آن بفروشند.

از سوی دیگر برخی اجرای چنین طرحی را مقدمه‌ی افزایش دوباره قیمت بنزین ارزیابی می‌کنند؛ موضوعی که از سوی حسین حسین‌زاده تکذیب شده است. این نماینده مجلس شورای اسلامی گفته که مصوبه مجلس «هیچ ارتباطی با افزایش قیمت بنزین ندارد و فقط به نحوه توزیع همین مقدار بنزینی که در حال حاضر توزیع می‌شود مرتبط است.»

در حالی قرار است بر اساس این طرح یارانه بنزین بجای خودرو به هر کد ملی اختصاص یابد که احسان خاندوزی وزیر اقتصاد به تاگی اعلام کرده که پیشنهاد «بنزین برای همه» در ستاد هماهنگی اقتصادی متوقف شده است.

احسان خاندوزی همچنین بدون اشاره به اعتراضات سراسری آبان ۹۸ که با افزایش قیمت بنزین آغاز شد، گفته

است، اصرار دارد توزیع ثروت را انجام دهد.»

هاشم اورعی کارشناس انرژی و استاد دانشگاه در گفتگو با «هم‌میهن» تبعات اجرای این طرح را بسیار مخرب دانسته و سبب ایجاد بازار سیاه بنزین و پیرو آن افزایش افسارگسیخته قیمت بنزین در کشور ارزیابی کرده است.

این کارشناس اقتصادی چنین طرح‌های پوپولیستی را «احمقانه» و «خیانت» ارزیابی کرده و گفته «یعنی کاری می‌کنند که مملکت هرچه دارد بین مردم تقسیم کند، مردم بخورند و بعد مملکت امکان مالی برای جاهایی که باید سرمایه‌گذاری کند نداشته باشد. پولی برای خدمات عمومی، امنیت، بهداشت و زیرساخت نداشته باشد و مملکت بیشتر و بیشتر از همه دنیا به‌ویژه از کشورهای همسایه عقب بیافتد.»

به عقیده هاشم اورعی با اجرای این طرح قیمت بنزین حتماً افزایش خواهد یافت اما یک بازار سیاه و یک سیستم آشفته هم شکل می‌گیرد: «یک اکثریتی کوپن بنزین دست‌شان است و اقلیتی هم دنبال خرید کوپن بنزین خواهند رفت، در نتیجه عرضه و تقاضا پیش خواهد آمد و قیمت بنزین مسلماً به شدت بالا خواهد رفت. با مشکلات عجیبی مواجه خواهیم شد مثلاً اسنپ باید از مردم بنزین بخرد و اگر بنزین را به هر قیمتی که می‌فروشند نخرد، کارش لنگ می‌ماند. در نتیجه قیمت بنزین به شدت افزایش خواهد یافت. دولت مجبور می‌شود باز هم بیشتر دخالت کند و برای قیمت فروش بنزین، بین کوپن‌داران و خریداران کوپن فرق بگذارد. بعد مردم از روی میز به زیر میز می‌روند و بازار سیاهی شکل خواهد گرفت، یعنی سیستم به هم ریخته آشفته و غیرقابل کنترل ایجاد خواهد شد که نتیجه کار افزایش قیمت بنزین خواهد بود.»

او می‌گوید دولت می‌تواند قیمت بنزین را پله پله و مدیریت شده افزایش دهد اما با اجرای این طرح قیمت بنزین می‌تواند تا ۲۰ هزار تومان هم افزایش پیدا کند. او با اشاره به سوء مدیریت دولت و مجلس گفته که «این روش می‌گوید که ما مردش نیستیم که قیمت را گران کنیم، واگذار می‌کنیم به خودتان و هر کاری می‌خواهید بکنید؛ ته قضیه از نظر من این است.»

که «ما در زمینه سیاست‌گذاری اصلاح نرخ حامل‌های انرژی، هزینه زیاد داده‌ایم اما درس کمتر گرفته‌ایم.»

با توجه به اینکه احسان خاندوزی وزیر اقتصاد بطور قاطع گفته که پیشنهاد «بنزین برای همه» در ستاد هماهنگی اقتصادی متوقف شده، برخی معتقدند مصوبه جدید مجلس، اقدامی پوپولیستی برای جمع کردن رأی در انتخابات پیش روی مجلس شورای اسلامی بوده است.

این موضوع در گزارشی از سوی روزنامه «هم‌میهن» نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در این گزارش آمده که مجلس تصمیم دارد چند ماه مانده به انتخابات دور دوازدهم مجلس شورای اسلامی، کارت آس رو کند و با اختصاص یارانه (سهمیه) بنزین به هر کد ملی، مردم را به رأی دادن تشویق کند.

گزارش روزنامه «هم‌میهن» ایجاد بازار سیاه در صورت اجرای این طرح را نیز مطرح کرده و نوشته این طرح می‌تواند به افزایش سرسام‌آور قیمت بنزین در کشور منجر شود. مشابه اتفاقی که اکنون در سیستان و بلوچستان در جریان است و صاحب کارت سوخت، سهمیه خود را به خریداری که نیازمند آن سوخت است، با قیمت گزاف می‌فروشد.

بر اساس این گزارش «قیمت هر دبه بنزین ۲۰ لیتری در زابل، ۴۰۰ هزار تومان و در چابهار به ۷۰۰ هزار تومان است. یعنی هر لیتر بنزین در زابل، ۲۰ هزار تومان و در چابهار به ۳۵ هزار تومان می‌رسد.»

«هم‌میهن» این پرسش را مطرح کرده که «آیا قرار است که این اختلاف نظر بین دولت و مجلس و تلاش برای خرید رأی از سوی نمایندگان مجلس، به باری جدید و البته سنگین، بر دوش مردم بدل شود؟»

از سوی دیگر ناترازی بنزین در ایران که علت آن از سوی دولت «مصرف بالا» عنوان شده و به مشکلات در تولید هیچ اشاره نمی‌شود، سبب شده ایران به واردکننده بنزین در زمان پیک مصرف تبدیل شود. در چنین شرایطی کارشناسان معتقدند که دولت باید بر افزایش تولید در کشور متمرکز شده و موانع موجود برای تولید بیشتر بنزین را برطرف کند اما آنطور که هاشم اورعی کارشناس انرژی می‌گوید «کار دولت تولید ثروت است اما چون در تولید ثروت ناتوان

تغییر محاسبه سن بازنشستگی با هدف جبران ناترازی صندوق‌های بازنشستگی



● خردادماه امسال نیز رئیس سازمان برنامه و بودجه از پیش‌بینی افزایش پلکانی سن بازنشستگی در برنامه هفتم توسعه خبر داده و هدف آن را «حل مشکل ناترازی صندوق‌های بازنشستگی» عنوان کرده بود.

● یک نماینده مجلس شورای اسلامی می‌گوید یکی از مشکلاتی که سبب ناترازی در صندوق‌های بازنشستگی شده ساختار رانته دولت است و این ساختار باید اصلاح شود.

● رئیس اتحادیه پیشکسوتان جامعه کارگری: با افزایش سن بازنشستگی، سازمان تأمین اجتماعی نمی‌تواند پاسخگوی نیاز مستمری‌بگیران و شاغلان باشد و به ناکارآمدی سازمان منتج خواهد شد.

نمایندگان مجلس شورای اسلامی در مصوبه‌ای جنجالی سن بازنشستگی در ایران را افزایش داده‌اند. هدف نمایندگان از این مصوبه نجات صندوق‌های بازنشستگی از ورشکستگی و جبران ناترازی در این صندوق‌ها بوده است.

برخی فعالان کارگری می‌گویند با مصوبه جدید مجلس شورای اسلامی درباره افزایش سن بازنشستگی، اگر فردی به تازگی بیمه شده باشد، ۵/۴۲ سال طول می‌کشد تا بازنشسته شود. وبسایت «خانه ملت»، خبرگزاری مجلس شورای اسلامی، افزایش ۱۲ ساله سن بازنشستگی را تکذیب کرده و نوشته سقف افزایش سن بازنشستگی، پنج سال است.

احمد امیرآبادی فراهانی نماینده مجلس شورای اسلامی گفته «آن چیزی که مجلس در حال حاضر درباره‌اش بحث کرده است به نظر درست نبود و ما درخواست داشتیم که ابهام برطرف شود و تلاش می‌کنیم دوباره یک اصلاحیه در موردش انجام شود، چراکه ابهام دارد؛ بعضی‌ها می‌گویند ۴۲ سال شده، برخی هم می‌گویند ۳۵ سال شده است. معتقدم مصوبه ابهام دارد و این باید درست شود.»

احمد امیرآبادی فراهانی یکی از مشکلاتی که سبب ناترازی در صندوق‌های بازنشستگی شده را ساختار رانته دولت عنوان کرده و گفته که این ساختار باید اصلاح شود. او گفته «هنگامی که هر حزب، گروه و جریانی بر سرکار می‌آید و یکسری آدم‌هایی که تخصص ندارند برسرکار می‌آورند و در هیات مدیره‌ها می‌گذارند، این‌ها باعث می‌شود ارزش افزوده و درآمد صندوق‌ها کاهش پیدا کند؛ در واقع این‌ها مشکلات اساسی صندوق‌ها است. این باندها و رانته‌های قدرتی که بعضاً شکل می‌گیرد، باعث می‌شود رفقا و هم‌حزبی‌های‌شان را می‌برند. این‌ها گرفتاری‌های صندوق‌ها است نه افزایش سن بازنشستگی.»

جزئیات مطرح شده درباره مصوبه مجلس شورای اسلامی نشان می‌دهد این مصوبه سن بازنشستگی برای مردان را ۶۲ سال و برای بانوان ۵۵ سال در نظر گرفته است. همچنین فرد بیمه شده به ازای میزان سابقه‌ای که تا کنون داشته، در ردیف‌های ضریبی مختلف به سابقه لازم برای بازنشستگی افزوده می‌شود.

بر اساس این مصوبه بیمه‌پردازانی که ۲۸ تا ۳۰ سال سابقه خدمت دارند به سنوات اشتغال آنها برای بازنشستگی اضافه نمی‌شود. بیمه‌پردازانی که ۲۵ تا ۲۸ سال سابقه خدمت دارند به سنوات اشتغال آنان به ازای هر سال تا زمان بازنشستگی دو ماه اضافه می‌شود. بیمه‌پردازانی که ۲۰ تا ۲۵ سال سابقه خدمت دارند به سنوات اشتغال آنان به ازای هر سال تا زمان بازنشستگی سه ماه اضافه می‌شود. بیمه‌پردازانی که مطابق

قوانین ۱۰ تا ۲۰ سال سابقه خدمت دارند به سنوات اشتغال آنان به ازای هر سال تا زمان بازنشستگی چهار ماه اضافه می‌شود. بیمه‌پردازانی که مطابق قوانین تا ۱۰ سال سابقه خدمت دارند به سنوات اشتغال آنان به ازای هر سال تا زمان بازنشستگی پنج ماه اضافه می‌شود.

بر این اساس برای مثال فردی که تاکنون شش سال کامل کار کرده و بطور کامل حق بیمه برای او پرداخت و رد شده است، طبق این جدول ۴۰ سال در مجموع باید سابقه پر کند که به معنای آن است که ۳۴ سال دیگر نیز باید حق بیمه پرداخته و کار کند تا بتواند بازنشسته شود؛ مگر آنکه زودتر از این ۳۴ سال به سن ۶۲ سالگی رسیده باشد.

در حال حاضر مردان با سه نوع سن و سابقه بازنشست می‌شوند بطوری که در نوع اول با داشتن ۳۵ سال سابقه بدون شرط سنی، دوم ۵۰ سال سن و ۳۰ سال سابقه با حقوق کامل و نوع سوم داشتن ۶۰ سال سن و ۲۰ سال سابقه که براساس میزان سابقه حقوق دریافت می‌کنند.

خردادماه امسال داوود منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه از پیش‌بینی افزایش پلکانی سن بازنشستگی در برنامه هفتم توسعه خبر داده و هدف از این تصمیم را «حل مشکل ناترازی صندوق‌های بازنشستگی» عنوان کرده بود. رئیس سازمان برنامه و بودجه افزوده بود که صندوق‌های بازنشستگی، ناترازی‌های شدیدی دارند و منابع و مصارف آنها با هم سازگاری نداشته و دچار کسری هستند؛ اصلاحات سنج‌ای می‌تواند به افزایش منابع صندوق‌های بازنشستگی کمک کند.

داوود منظور همچنین اشاره کرده بود که «با توجه به محدودیت منابع صندوق‌های بازنشستگی، خدماتی که بازنشستگان انتظار دارند دریافت کنند، عملاً تحقق پیدا نمی‌کند که باعث عدم رضایتمندی می‌شود.»

هرچند «سن بازنشستگی» باید بر مبنای برنامه‌های درازمدت دولت‌ها تعیین شود اما به نظر می‌رسد یکی از اهداف مهم این مصوبه چاره‌های کوتاه‌مدت برای جلوگیری از ورشکستگی صندوق‌های بازنشستگی است.

بر اساس مصوبه جدید در سال ۱۴۰۳ فردی که به سن بازنشستگی رسیده باید ۶ ماه دیگر هم کار کند و حق بیمه بپردازد تا بازنشسته شود. در سال ۱۴۰۴ فردی که به سن بازنشستگی رسیده باید یک سال دیگر کار کند. در سال

از سوی دیگر مهدی طغیانی سخنگوی کمیسیون

مساجد متروکه!



جمهوری اسلامی می‌گوید تعداد مساجد ایران از حدود ۲۵۰۰۰ مسجد در سال ۵۷ پس از چهل سال حکومت اسلامی به حدود ۷۵۰۰۰ مسجد رسیده است. در بودجه ۱۴۰۲ مبلغ ۹۸ میلیارد تومان تنها برای مرکز رسیدگی به امور مساجد در نظر گرفته شد که ۱۱۰ درصد نسبت به سال قبل افزایش داشت.

نسبت به دیگر صندوق‌ها «بهتر» عنوان شده، به گزارش مرکز آمار ایران، سازمان تأمین اجتماعی به عنوان بزرگترین سازمان بازنشستگی ایران حدود ۵/۱۵ میلیون شاغل را تحت پوشش دارد که حق بیمه پرداخت می‌کنند. در مقابل، این سازمان به حدود چهار میلیون و سیصد هزار بازنشسته حقوق بازنشستگی می‌دهد. اما تعداد بازنشستگان تأمین اجتماعی هر سال افزایش می‌یابد و در شش سال گذشته بیش از ۸۰۰ هزار نفر به جمع بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تأمین اجتماعی اضافه شده‌اند.

صندوق بازنشستگی کشوری دومین سازمان بازنشستگی ایران است که ۸۰ هزار شاغل دارد که بیمه می‌پردازند. در مقابل، این صندوق به یک میلیون و ۶۳۰ هزار بازنشسته حقوق پرداخت می‌کند. یعنی تعداد مستمری‌بگیران این صندوق تقریباً دو برابر کسانی است که حق بیمه پرداخت می‌کنند. اکثر شاغلان صندوق بازنشستگی کشوری و بازنشستگان این صندوق، کارکنان و آموزگاران وزارت آموزش و پرورش هستند.

دولت‌های جمهوری اسلامی طی سال‌های گذشته با پولپاشی به این صندوق‌ها تلاش کرده‌اند آنها را سرپا نشان دهند بطوری که بر اساس بودجه ۱۴۰۲، امسال ۳۳۰ هزار میلیارد تومان بودجه به این صندوق‌ها اختصاص یافته است. این بودجه کمکی به صندوق‌های بازنشستگی در سال گذشته ۲۱۷ هزار میلیارد تومان بوده است. یک دهه پیش رقم تخصیص‌یافته به این صندوق‌ها حدود ۳۰ هزار میلیارد تومان بود و طی ده سال حدود یازده برابر افزایش یافته است.

اینهمه در حالیست که جمعیت کشور رو به سالمندی می‌رود و این به معنای آن است که تعداد بیمه‌پردازهای جدید هر روز کمتر می‌شود و در مقابل شمار مستمری‌بگیران از صندوق‌ها بازنشستگی با افزایش روبرو می‌شود.

از وقتی آخوندها دین را دام کردند، نه تنها مساجد متروکه شده بلکه دیگر کمتر کسی در ایران به دنبال عبادت اسلامیست. دکان پرسود دین که در عصر رضاشاه پهلوی در حال تخته شدن بود، به دست رژیم جمهوری اسلامی چنان پرسود شد که جیب مردم ایران را جارو کرد. علاوه بر آن دکانداران دین زندگی عادی و آزاد را هم از مردم ربودند.

این گزارش بر مبنای شاخص «نسبت پشتیبانی» در صندوق‌های بازنشستگی تنظیم شده و تأکید کرده بود که وضعیت ۱۷ صندوق بازنشستگی فعال در کشور نشان می‌دهد این شاخص در دو صندوق وکلا و روستایی- عشایری که نسبتاً جوان هستند، وضعیت بسیار مناسبی دارد؛ در تأمین اجتماعی روند بهتری دارد (اما مطلوب نیست) و در سایر صندوق‌ها وضعیت بحرانی است و عملاً بدون کمک دولت و نهادهای مالک امکان ادامه حیات صندوق وجود ندارد و باید اعلام ورشکستگی کند.

هرچند در گزارش «شرق» وضعیت سازمان تأمین اجتماعی

اقتصادی مجلس شورای اسلامی معتقد است مصوبه مجلس شورای اسلامی نسبت به آنچه دولت پیشنهاد داده بود بهتر و به سود بازنشستگان و شاغلان بوده است. سخنگوی کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی گفته که «پیشنهاد دولت در لایحه برنامه هفتم این بود که سن بازنشستگی به ۳۲ افزایش یابد، و این دو سال به همه کارمندان و کارکنان بدون پلکانی شدن اضافه شود. اما مجلس پیشنهاد ۳۵ سنوات را با پلکانی کردن مصوب کرد که در واقع کسانی که به پایان دوره بازنشستگی نزدیکتر هستند کمتر تحت تاثیر قرار می‌گیرند و کسانی که فاصله شان زیاد است به میزان فاصله تحت تاثیر قرار می‌گیرند.» این نماینده مجلس شورای اسلامی با اشاره به وضعیت بحرانی صندوق‌های بازنشستگی گفته که «ضریب جانشینی صندوق‌های بازنشستگی از بحران عبور کرده است. امید کسانی که می‌خواهند بازنشسته شوند به مستمری است و اگر این صندوق‌ها ورشکسته شوند قطعاً متضرر اصلی بازنشستگان هستند. این صندوق‌ها از ورشکستگی عبور کرده‌اند و درحال نابود شدن هستند.»

او همچنین گفته که «فرض کنیم دولت همه بدهی‌اش را به این صندوق‌ها بدهد، اما باز هم تعهدات صندوق‌ها سنگین است و بار زیادی روی دوش اینهاست که باید تدبیری کرد.»

بدهی دولت به صندوق‌های بازنشستگی یکی از مهمترین دلایل ناترازی صندوق‌ها است. سال‌هاست این بدهی روی هم انباشته شده و حالا به ارقام نجومی رسیده است. برای نمونه بدهی دولت به سازمان تأمین اجتماعی که پرداخت مستمری و بازنشستگی خانوارهای کارگری و دیگر حداقل بگیران را به عهده دارد به بیش از ۷۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. در همین حال سال‌هاست که قانون همسان‌سازی حقوق بازنشستگان سازمان تأمین اجتماعی تصویب و ابلاغ شده است اما مدیران این سازمان می‌گویند منابع مالی کافی برای افزایش حقوق‌ها بر اساس قانون همسان‌سازی را ندارند.

گزارشی که امرداد امسال منتشر شد نشان می‌داد که از ۱۷ صندوق فعال بازنشستگی در کشور ۱۵ صندوق به سطح ورشکستگی رسیده‌اند و دو صندوق بازنشستگی دیگر نیز به شدت دچار بحران هستند و یک گام تا ورشکستگی فاصله دارند.



یکی دیگر از موفقیت‌های جمهوری اسلامی: مقام نخست در صدور مهاجر!

نمی‌کند. طی سال‌های ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۲ قرار شده ۱۲ هزار پرستار استخدام شوند که هنوز این روند تکمیل نشده و هنوز به جذب سالانه ۳ هزار پرستار در سال هم نرسیده‌ایم.» با اینهمه، روزنامه «شهروند» یک روز پس از انتشار این مصاحبه، در گزارشی سخنان دبیرکل خانه پرستار درباره مهاجرت پرستاران در کشور را تکذیب کرد و نوشت: «بر اساس آماری که برخی از سازمان‌های رسمی کشور در خصوص مهاجرت همکاران پرستار در سال ۱۴۰۱ داده‌اند، افرادی که با ویزای کار از گروه پرستاری، کشور را ترک کرده‌اند کمتر از ۲۷۰ نفر بوده‌اند.»

موج سریالی مهاجرت نخبگان، متخصصین و نیروی کار حرفه‌ای از ایران ادامه دارد و آمارها از خروج ۴۵ میلیارد دلار سرمایه انسانی با مهاجرت نخبگان در چهار سال گذشته حکایت می‌کنند. برآوردها همچنین نشان می‌دهد سرمایه خارج کشور رقمی برابر با فروش یک دهه نفت است.

ارقام محاسبه شده برای زیان اقتصادی ناشی از خروج نخبگان نیز، ارقامی تکاندهنده است. برای نمونه به گفته مسعود خوانساری رئیس اتاق بازرگانی تهران با استناد به آمار منتشر شده از مهاجرت نیروی کار، طی چهار سال گذشته ۴۵ میلیارد دلار سرمایه انسانی از کشور خارج شده است. رئیس اتاق بازرگانی تهران پیش‌بینی کرده رقم واقعی خسارت ناشی از مهاجرت نیروی کار بیش از این رقم باشد چرا که بخشی از اقتصاد ایران «زیرزمینی» است.

بابک نگاهداری رئیس مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز پیشتر اعلام کرده بود که ضرر خروج نخبگان، سه برابر درآمد نفتی کشور است.

وبسایت «اقتصاد ۲۴» روز ۶ آبان در گزارشی به زیان ناشی از خروج نخبگان از کشور پرداخت و نوشت که بیش از یک دهه است خروج نخبگان و نیروی کار حرفه‌ای از سوی کارشناسان هشدار داده شده و البته از سوی حکومت نادیده گرفته شده است.

در این گزارش آمده بود که رضا فرجی دانا وزیر علوم دولت حسن روحانی در دی‌ماه سال ۱۳۹۲ گفته بود که اگر آمار جهانی در مورد خروج سالانه ۱۵۰ هزار نفر از نخبگان کشور درست باشد، ایران ۱۵۰ میلیارد دلار ضرر می‌دهد، زیرا برای آموزش هر نفر یک میلیون دلار هزینه کرده است. روزنامه «شرق» در خرداد ۱۳۹۱ در گزارشی نوشته بود که از مجموع ۲۲۵ دانش‌آموز ایرانی که طی سال‌های ۱۳۷۲ تا ۱۳۸۶ در ۵۳ المپیاد جهانی شرکت کردند بیش از ۱۴۰ نفر یعنی معادل ۶۲/۲ درصد آن‌ها هم‌اکنون در یکی از دانشگاه‌های مطرح دنیا در آمریکا و کانادا تحصیل می‌کنند. آمار این روزنامه نشان می‌داد که در ۶۹/۲ درصد مدال‌آوران المپیاد فیزیک، ۷۶/۷ درصد مدال‌آوران المپیاد ریاضی و ۵۰ درصد مدال‌آوران المپیاد کامپیوتر در کنار ۵۰ درصد مدال‌آوران المپیاد شیمی، خارج از مرزهای جغرافیایی ایران و در دانشگاه‌ها و مراکز تحقیقاتی برتر دنیا همچون دانشگاه هاروارد، استنفورد، ام‌آی‌تی، کالیفرنیا، کمبریج، جان هاپکینز و پرینستون در آمریکا و دانشگاه تورنتو و سلیمون فریز در کانادا مشغول تحصیل و تحقیق هستند.

همچنین دست‌کم چهار سال است گزارش‌هایی از مهاجرت کارگران ایرانی به کشورهای منطقه و به امید داشتن درآمدی بیشتر منتشر می‌شود؛ از جمله مهاجرت گسترده کارگران ساختمانی به عراق یا مهاجرت تولیدکنندگان فرش ایران به کشورهای افغانستان و پاکستان.



بین‌المللی در کشور آمریکا (۲/۶ درصد) در سال ۲۰۲۲ میلادی بالاتر بوده است.

همچنین میل به ماندگاری دانشجویان ایرانی در مقطع دکترا در ایالات متحده آمریکا در مقایسه با برخی از کشورهای خاورمیانه نشان می‌دهد که میل به ماندگاری دانشجویان ایرانی با اختلاف فاحشی، بالاتر از میل به ماندگاری سایر دانشجویان از کشورهای منطقه خاورمیانه قرار دارد. اینهمه درحالیست که به گفته مسئولان دولتی، مهاجرت فارغ‌التحصیلان تیزهوش مدارس سمپاد نیز قابل توجه است. رئیس سازمان پرورش استعدادها درخشان در ۲۷ آبان اعلام کرده بود: «بر اساس فوندهای آماری، مهاجرت در میان فارغ‌التحصیلان مدارس سمپاد مشابه هر جمع نخبگانی دیگر در کشور بوده و بالا است.»

روزنامه «هم‌میهن» در گزارش دیگری که ۲۲ آبان در همین ارتباط منتشر کرد نوشت: «در مجموع جمعیت ایرانیان مهاجر در دنیا دو میلیون و ۶۲ هزار نفر برآورد شده است.»

در بخشی از این گزارش با استناد به آمار سالنامه مهاجرتی ایران در سال ۱۴۰۱ آمده است که تصمیم به بازگشت در میان مهاجران ایرانی بسیار کم‌رنگ‌تر از گذشته شده که به نظر می‌رسد این موضوع به شرایط سال‌های مختلف بستگی داشته باشد. در سال ۱۳۹۳ در پیمایش صورت‌گرفته، عدم بازگشت قطعی از سوی ایرانیان مهاجر خارج از کشور ۳۲ درصد بود. این در حالیست که بر اساس پیمایش انجام شده، در سال ۱۳۹۶ سال پس از امضای توافق هسته‌ای، تصمیم عدم بازگشت قطعی ۱۰ درصد و تصمیم به بازگشت قطعی ۴۲ درصد بوده است.

بر اساس آخرین پیمایش در سال ۱۴۰۱ و پس از تحریم‌های شدید سال‌های اخیر و پیامدهای آن تصمیم عدم بازگشت قطعی به ۶۲ درصد رسیده است.

در این میان، پرستاران و پزشکان نیز بخش دیگری از نیروهای متخصص هستند که روند مهاجرت آنها در چند سال اخیر افزایش چشمگیری داشته است.

در همین ارتباط محمد شریفی مقدم دبیرکل خانه پرستار در ۲۱ آبان به وبسایت «خبرآنلاین» گفته بود: «سالانه بیش از ۳ هزار پرستار از کشور مهاجرت می‌کنند اما وزارت بهداشت حتی اندازه همین آمار به کادر درمان اضافه

«بر اساس آخرین آمار پایگاه داده یونسکو در سپتامبر ۲۰۲۳ جمعیت دانشجویان ایرانی در خارج از کشور، برای هشتمین سال متوالی، روند افزایشی داشته و در سال ۲۰۲۱ وارد تراز ۷۰ هزار شده است.»

در این میان، پرستاران و پزشکان نیز بخش دیگری از نیروهای متخصص هستند که روند مهاجرت آنها در چند سال اخیر افزایش چشمگیری داشته است.

همچنین دست‌کم چهار سال است گزارش‌هایی از مهاجرت کارگران ایرانی به کشورهای منطقه و به امید داشتن درآمدی بیشتر منتشر می‌شود؛ از جمله مهاجرت گسترده کارگران ساختمانی به عراق یا مهاجرت تولیدکنندگان فرش ایران به کشورهای افغانستان و پاکستان.

نتایج یک پژوهش در مورد وضعیت خروج مهاجران، دانشجویان و محققان ایرانی نشان داده است که در سال ۲۰۲۰ تعداد مهاجران جدید ورودی ایرانی به کشورهای OECD (کشورهای پیشرفته و در حال توسعه عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی) ۴۸ هزار نفر بوده که در سال ۲۰۲۱ با ۱۴۱ درصد افزایش به ۱۱۵ هزار ورودی جدید در سال رسیده است. به این ترتیب جمهوری اسلامی رتبه اول صدور مهاجر بر اساس نرخ رشد مهاجران جدید را به نام خود کرده است.

طبق پژوهش مشترک بهرام صلواتی و محمدامین مولا در مورد وضعیت خروج مهاجران، دانشجویان و محققان ایرانی که روز یکشنبه ۲۸ آبان در روزنامه «هم‌میهن» منتشر شد آمده است: «بر اساس آخرین آمار پایگاه داده یونسکو در سپتامبر ۲۰۲۳ جمعیت دانشجویان ایرانی در خارج از کشور، برای هشتمین سال متوالی، روند افزایشی داشته و در سال ۲۰۲۱ وارد تراز ۷۰ هزار شده است.»

در این تحقیق آمده که رتبه «دانشجو فرستی» ایران در سال ۲۰۱۹ از رتبه ۱۹ دنیا به رتبه ۱۷ در سال ۲۰۲۰ افزایش یافته و در سال ۲۰۲۱ رتبه ۱۷ در این زمینه کشور ثابت مانده است. بنا بر این گزارش، نرخ رشد دانشجویان ایرانی خارج از کشور در بازه ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۹ پایین‌تر از نرخ رشد دانشجویان بین‌المللی در دنیا بوده اما در بازه زمانی ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۱ این نرخ برای کشور ایران بالاتر از نرخ جهانی بوده است.

در این پژوهش به گزارش اخیر Open-doors در نوامبر سال ۲۰۲۳ اشاره شده و آمده است: «جمعیت دانشجویان ایرانی مشغول به تحصیل در آمریکا، بعد از یک دوره ۴ ساله نزولی، مجدداً روند صعودی به خود گرفته و در سال تحصیلی ۲۰۲۳ - ۲۰۲۲ به رقم ۱۰۸۱۲ نفر رسیده که نسبت به سال گذشته ۳/۱۶ درصد رشد داشته است که این نرخ رشد نسبت به میانگین کشور آمریکا بالاتر بوده است.»

در این گزارش، به بررسی وضعیت خروج دانشجو از کشورهای همجوار ایران در سال تحصیلی ۲۰۲۳ - ۲۰۲۲ به کشور آمریکا اشاره و تاکید شده است: «در حالی که اغلب کشورهای همجوار به ویژه کشورهای حوزه خلیج فارس نرخ رشد منفی دانشجوی فرستی به آمریکا را تجربه کرده‌اند، ایران بیشترین نرخ رشد دانشجوی فرستی را در این بازه تجربه کرده است و در صدر این فهرست قرار دارد.»

طبق این گزارش، جمعیت محققان و پژوهشگران ایرانی مشغول به فعالیت در کشور آمریکا نیز پس از یک دوره ۴ ساله نزولی، مجدداً روند صعودی به خود گرفته و در سال ۲۰۲۲ به رقم ۱۴۵۰ نفر رسیده که نسبت به سال گذشته ۳/۱۰ درصد رشد داشته و نسبت به میانگین رشد محققان

افزایش ۴۳ درصدی ابتلا به سرطان در ایران تا سال ۱۴۰۴

کرده بود: «از آنجا که پس از سال‌ها خدا همین یک بچه را به ما داده بود، دیگر هزینه‌ها برابمان فرقی نداشت که قرار است بعد چه اتفاقی بیفتد. یکی از داروهایش در همان اوایل شروع درمانش ۳۸ میلیون و ۵۰۰ هزار تومان بود که لازم بود در ۶ ماه اول تزریق شود. حالا وین کرسنت ماهی یک ویال تزریق می‌کند که احتمالا به خاطر افزایش وزن دوز دارو بالا می‌رود. هیچ جا داروی متوتروکسات وجود ندارد؛ هیچ جا! فقط نوع هندی و ترکی در بازار موجود است. آمپول این دارو تا ۶ میلیون تومان است. این دارو را توانستیم از داروخانه ۱۳ آبان با قیمت ۲۰۰ هزار تومان جور کنیم.»

مادر یک دختر ۱۲ ساله مبتلا به سرطان مغز استخوان نیز گفته بود: «در این دو سالی که تحت‌درمان است، حتی فرصت نکردم برای بیماری دخترم گریه یا ناراحتی کنم؛ تا دکتر گفت دخترم مبتلا به سرطان است، همه مدت در حال دوندگی برای پیدا کردن دارو بودیم؛ دارویی تجویز شد که ماهی ۴۰ تا ۵۰ میلیون پولش می‌شد.»

دکتر کاوه جاسب پزشک فوق تخصص خون و سرطان کودکان در همین ارتباط گفته است: «یکی از شایع‌ترین داروهای که در شیمی‌درمانی استفاده می‌کنیم، وین کرسنت است. می‌گویند تولید انگلیسی این دارو فلانجا موجود است اما تا نوع ترکی و هندی دارو تمام نمی‌شود، موجودش نمی‌کنند. چه مافیما و جریانی وجود دارد که وین کرسنت‌های هندی و ترکی تمام شود تا وین کرسنت و متوتروکسات انگلیسی موجود شود؟ این باید مدیریت شود. اینجا جایی نیست که بخواهیم به مسائل اقتصادی و بیزنس فکر کنیم. باید ورود و خروج داروها را کنترل کنند و کاری به هیچ سرمایه‌گذار و شرکت دارویی در این رابطه نداشته باشند که چقدر رانت می‌دهد. این مسئله ساده قابل حل است.»

به گفته این پزشک، سازمان غذا و دارو به راحتی می‌تواند این مسئله را مدیریت کند: «من برای بیمار در اوج بیماری دارو می‌خواهم اما در داروخانه‌های دولتی به بیمار می‌گویند نیست. در حالی که این دارو در بازار سیاه یا بازار آزاد تهران به راحتی گیر می‌آید. این چه مدیریتی است که دارو در سیستم دولتی نیست ولی در بازار آزاد موجود است؟ اسم افرادی که در بازار آزاد دارو فعالیت می‌کنند را هم بیماران دارند و به راحتی می‌توان فهمید که چه کسانی هستند و چه داروهای دارند. تنها معاونت غذا و دارو می‌تواند این داستان را حل کند. یعنی کسی باشد که مافیما و شرکت‌های دارویی برای اجازه آوردن و بردن دارو به آن فشار بیاورند.»

وبسایت «خبرآنلاین» در اردیبهشت ۱۴۰۲ با اشاره به بحران داروهای شیمی‌درمانی به عنوان مشکل بزرگ خانواده‌های بیماران مبتلا به سرطان و بیماری‌های خاص نوشته بود: «بجز وین بلاستین آلمانی و مجارستانی، قیمت سایر داروهای شیمی‌درمانی در بازار آزاد و آنچه در دست دلال است نیز بسیار زیاد و حتی باورنکردنی است؛ به عنوان مثال قیمت غیردولتی هر آمپول «کیترودا/Keytrud» بین ۵۰ تا ۹۰ میلیون تومان است. آمپول «انکاسپار/oncaspar» با قیمتی بین ۷۵ تا ۱۰۰ میلیون به فروش می‌رسد.»

با اینهمه وزیر بهداشت در تیرماه گذشته ادعا کرده بود که «بر اساس توافقی انجام شده هیچ تغییری در وضعیت قیمت داروهای سرطانی که از خارج وارد می‌شد به لحاظ ارزش ترجیحی اتفاقی نمی‌افتد و قیمت‌ها تغییری نمی‌کند.»



نوشیدنی‌های داغ، عدم رعایت بهداشت دهان و دندان را از عوامل اصلی بروز سرطان دانست.

در همین زمینه محمداسماعیل اکبری سرطان‌شناس گفته است: «بر اساس بررسی‌های انجام شده طی ۲۰ سال گذشته بالاترین سرطان در کشور در زنان سرطان سینه بوده است؛ این سرطان با شیوع ۱۲ درصد بالاترین میزان شیوع سرطان را دارد که ۲۶ درصد سرطان زنان را تشکیل می‌دهد.»

وی با بیان اینکه سرطان پستان ششمین علت مرگ ناشی از سرطان در زنان است، اضافه کرد که «در ایران دومین علت مرگ، ناشی از سرطان در زنان است. اکنون مدیریت درمان بیماری سرطان در کشور مطلوب و نزدیک به استاندارد جهانی است و کمتر از ۲۰ درصد از بیماران مبتلا در هر سال فوت می‌کنند.»

بررسی‌های یک پژوهش مطالعاتی که خبرگزاری «ایسنا» در مهرماه سال گذشته منتشر کرد، نشان می‌داد جمعیت زنان مبتلا به سرطان پستان در ایران در طول پانزده سال گذشته روند افزایشی داشته است.

نتایج دیگر تحقیقات در دانشگاه‌های علوم پزشکی گلستان و تهران و مرکز ثبت سرطان و تحقیقات سرطان در بهار ۱۴۰۰ شامل این پیش‌بینی بوده که تعداد مبتلایان به سرطان از ۱۱۲ هزار مورد ثبت‌شده در سال ۲۰۱۶ به ۱۶۰ هزار مورد جدید در سال ۲۰۲۵ افزایش یابد. این به معنای افزایش ۴۲/۶ درصدی است که نزدیک به ۲۹ درصد آن به تغییر ساختار جمعیت مرتبط است.

ابتلا به سرطان در ایران در حالی افزایش می‌یابد که پوریا عادلی دبیر کمیسیون دارو و تجهیزات پزشکی سازمان نظام پزشکی ایران پیشتر از سفر مبتلایان به کشورهای همسایه به ویژه ترکیه برای درمان سرطان خبر داده بود که ناشی از هزینه‌های سرسام‌آور درمان سرطان در ایران است.

در ۷ شهریورماه روزنامه «فرهیختگان» با انتشار گزارشی به بررسی وضعیت توزیع داروهای سرطان پرداخت و به نقل از پدر یک کودک دوساله مبتلا به سرطان نوشت: «دکتر می‌گوید داروی خارجی استفاده کنید اما گیر آوردنش مشکل است. داروی وین کرسنت تزریق می‌کند. این دارو وقتی در بازار گیر بیاید بین ۷۰۰ تا ۸۰۰ هزار تومان است و وقتی هم گیر نمی‌آید تا سه میلیون هم می‌رسد.»

مادر یک دختر چهارساله مبتلا به سرطان خون نیز گویا

● بر اساس آخرین داده‌های ملی ثبت سرطان مبتنی بر کل جمعیت کشور، پیش‌بینی شده است که تعداد موارد جدید ابتلا به سرطان در ایران به ۱۶۰ هزار مورد در سال ۱۴۰۴ افزایش یابد که این میزان، افزایش ۴۳ درصدی را نشان می‌دهد.

● به گفته رضا ملک‌زاده استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۰ سرطان نخست شایع در ایران شامل سینه، پروستات، روده بزرگ، معده، ریه، مثانه، تیروئید، رحم، مغز و سیستم عصبی است و شایع‌ترین آنها در زنان ایران شامل سینه، روده بزرگ، تیروئید، معده، رحم، لوکمی، تخمدان، مغز و سیستم عصبی، ریه و مری است.

بر اساس گزارش وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، سالانه ۵۵ هزار نفر از شهروندان ایران بر اثر ابتلا به انواع سرطان‌ها با مرگ زودرس از جهان می‌روند.

خبرگزاری ایرنا روز گذشته ۲۷ آبان با اعلام این مطلب نوشت: «بیش از ۵۵ هزار مرگ سالانه ناشی از سرطان‌ها نخستین عامل مرگ زودرس در کشور است بطوری که ۳۴

هزار مرگ از مجموع ۱۲۲ هزار مرگ سالانه زودرس (زیر ۷۰ سال) و ۱۱ هزار مرگ از مجموع ۸۵ هزارمرگ خیلی زودرس (زیر ۵۰ سال) به دلیل ابتلا به انواع سرطان‌ها رخ می‌دهد.»

بر اساس آخرین داده‌های ملی ثبت سرطان مبتنی بر کل جمعیت کشور، پیش‌بینی شده است که تعداد موارد جدید ابتلا به سرطان در ایران به ۱۶۰ هزار مورد در سال ۱۴۰۴ افزایش یابد که این میزان، افزایش ۴۳ درصدی را نشان می‌دهد.

حدود ۲۹ درصد افزایش سرطان‌ها در ایران طی سال ۱۴۰۴ مربوط به تغییرات در ساختار جمعیتی ایران (رشد جمعیت و پیری جمعیت) و ۱۴ درصد نیز با سایر عوامل از جمله «توسعه و تشدید عوامل خطر بروز سرطان‌ها» مرتبط خواهد بود. بیشترین افزایش پیش‌بینی شده در موارد جدید ابتلا به سرطان در ایران طی سال ۱۴۰۴ نسبت به سال ۹۵،

سرطان‌های تیروئید (۱۱۴ درصد)، پروستات (۶۷ درصد)، پستان (۶۳ درصد)، روده بزرگ (۵۴ درصد)، تخمدان (۵۱ درصد)، ریه (۴۹ درصد)، لنفوم غیرهوچکین (۴۵ درصد)، مغز و سیستم عصبی (۴۰ درصد)، معده (۲۰ درصد)، مثانه (۲۶ درصد) و سرطان خون (۲۴ درصد) هستند.

به گفته رضا ملک‌زاده استاد دانشگاه علوم پزشکی تهران، ۱۰ سرطان نخست شایع در ایران شامل سینه، پروستات، روده بزرگ، معده، ریه، مثانه، تیروئید، رحم، مغز و سیستم عصبی است و شایع‌ترین آنها در زنان ایران شامل سینه، روده بزرگ، تیروئید، معده، رحم، لوکمی، تخمدان، مغز و سیستم عصبی، ریه و مری است.

وی افزود: «اکنون میزان بروز سالانه سرطان در ایران (۱۶۹ در ۱۰۰ هزار نفر) کمتر از میانگین میزان بروز سالانه سرطان در دنیا (۲۰۱ در ۱۰۰ هزار نفر) است. بر اساس این آمار، همچنین میزان بروز سرطان در مردان و زنان ایرانی (۱۸۰ در ۱۰۰ هزار و ۱۶۰ در ۱۰۰ هزار) نسبت به میانگین جهانی (۲۲۲ در ۱۰۰ هزار و ۱۸۶ در ۱۰۰ هزار) کمتر است.»

وی با بیان اینکه نزدیک به ۲۵۰ هزار ایرانی اکنون با سرطان زندگی می‌کنند، افزود: «نزدیک به نیمی از سرطان‌ها قابل معالجه و نیمی دیگر قابل پیشگیری هستند.»

این استاد دانشگاه سبک زندگی ناسالم شامل پرخوری، بی‌تحریکی و چاقی و اضافه وزن، عدم مصرف سبزیجات تازه و میوه طی پنج وعده در روز، مصرف سیگار، دخانیات، تریاک، الکل، قند و شیرینی‌ها، غذاهای پرچرب، نمک زیاد،

انسیه خزعلی: زنان طلبه مستعد فیلمسازی و بازیگری معرفی شوند چرا اسیر سلبریتی‌ها باشیم؟!



انسیه خزعلی

۲۲ آبان ماه معاون ابراهیم رئیسی (قاضی مرگ) از طرح حکومت برای بورسیه دختران دانشجو از غزه خبر داده و گفته بود: «دختران دانشجوی غزه را استقبال می‌کنیم که بیایند در اینجا درس بخوانند!»

این زن مقام مسئول در دولت رئیسی که صحبت‌هایش به اندازه مردان مسئول جمهوری اسلامی زن‌ستیز است، در سال‌های اخیر همواره بر بارداری و فرزندآوری و نیز دورکاری زنان شاغل با ارائه پیشنهادهای چون اهدای زمین، راه‌اندازی مراکز شناسایی زنان باردار و جلوگیری از سقط جنین تأکید داشته است.

در همین ارتباط خزعلی چندی پیش در سخنان عجیبی ادعا کرده بود: «خانواده‌های تک فرزند یا بدون فرزند جامعه را به سیاه‌چاله می‌کشاند.»

معاون سید ابراهیم رئیسی در امور زنان و خانواده ۱۳ مهرماه با اعلام اینکه اینک خانواده‌ها به یک یا ۲ فرزند بسنده کرده‌اند ادعا کرده بود: «باید این سطح به پنج تا ۶ فرزند افزایش یابد و تحقق این مهم می‌تواند ما را از گرفتار شدن در سیاه‌چاله جمعیت و چالش جمعیتی نجات دهد!» وی افزوده بود «سهام بانوان در قانون جوانی جمعیت به خوبی دیده شده و اهدای زمین به صورت سهم ۵۰ درصدی زن و ۵۰ درصدی مرد صورت می‌گیرد.»

انسیه خزعلی که خودش در ۱۶ سالگی ازدواج کرده و ۴ فرزند دارد، درارتباط با «درمان ناباروری» نیز گفته بود: «اگر مراکز خصوصی افراد را تحت پوشش قرار ندهند، مجوز آنها لغو خواهد شد چون هزینه درمان ناباروری بالاست.»

در همین ارتباط خزعلی در شهریور سال گذشته نیز مشکل جمعیت در ایران را با عنوان «سیاه‌چاله جمعیتی» یک واقعیت دانسته و ادعا کرده بود: «اگر وارد پیری جمعیت شویم تا ۳۵۰ سال امکان بیرون آمدن از آن را نداریم.»

آموزش‌های حرفه‌ای دارد که اساساً نظام آموزشی کشور در این زمینه دچار ضعف و کاستی‌های جدی است.» در ادامه گزارش روزنامه «جوان» آمده است: «اصولاً مشکل کار این بوده و نیست که فیلمسازان یا فیلمنامه‌نویسان ما از میان طلبه‌ها نبوده‌اند؛ چه بسیار طلبه و طلابی که با ورود به ساحت سینما دچار فضای پدیده‌ای غربی، چون سینما شده‌اند و به مرور تن به استحاله داده‌اند که مصادیق آن بسیار است.»

پرویز پرستویی بازیگر سینمای ایران نیز در واکنش به اظهارات معاون رئیسی در صفحه اینستاگرام خود نوشت: «خانم خزعلی شما وقتی ۶ سالتان بود، من فعالیت را شروع کردم و اکنون ۵۴ سال است که خود را خدمتگذار مردم می‌دانم. فرمودید زنان طلبه می‌توانند به عرصه فیلم و بازیگری ورود کنند تا به قول خودتان شما اسیر سلبریتی‌ها نشوید؟ در دولت جمهوری اسلامی، خیلی‌ها هستند که مثل شما تخصص لازم را در سمت‌های اشغال شده ندارند و همین باعث شده کشور به این روز بیافتد.»

این بازیگر سینما در ادامه نوشته است: «در عمرتان چند فیلم دیده‌اید؟ تا به حال گرسنه خوابیده‌اید؟ تا به حال اجاره خانه‌تان عقب افتاده؟ مزه فقر را چشیده‌اید؟»

انسیه خزعلی در حالی فعالان عرصه سینمای ایران را «سلبریتی» خوانده است که در فروردین سال گذشته ادعا کرده بود با سینماگران زن معترض به آزار جنسی دیدار کرده در حالی که ترانه علیدوستی عضو کمیته پنج نفره بررسی این اعتراض ادعای وی را رد کرده و گفته بود این زنان معترض با هیچکس ملاقات نداشته‌اند.

خزعلی چند روز پیش نیز در سخنانی از بورسیه دختران دانشجو از غزه توسط جمهوری اسلامی خبر داد آنهم در شرایطی که بسیاری از دختران ایرانی به دلیل فقر از تحصیل بازمانده‌اند.

● معاون ابراهیم رئیسی (قاضی مرگ): «افراد حوزوی که استعداد و توانایی اولیه برای کارهای هنری و رسانه‌ای مانند ساخت فیلم، بازیگری، فیلمنامه و... دارند معرفی شوند تا آموزش‌های لازم را فرا بگیرند. چرا ما باید اسیر سلبریتی‌هایی باشیم که حرکت‌های ضد ارزشی می‌کنند!»

● روزنامه «جوان» اعتراض کرد: «اصولاً مشکل کار این نبوده و نیست که فیلمسازان یا فیلمنامه‌نویسان ما از میان طلبه‌ها نبوده‌اند؛ چه بسیار طلبه و طلابی که با ورود به ساحت سینما دچار فضای پدیده‌ای غربی، چون سینما شده‌اند و به مرور تن به استحاله داده‌اند که مصادیق آن بسیار است.»

● پرویز پرستویی به انسیه خزعلی: «در دولت جمهوری اسلامی، خیلی‌ها هستند که مثل شما تخصص لازم را در سمت‌های اشغال شده ندارند و همین باعث شده کشور به این روز بیافتد.»

وبسایت «انتخاب» به نقل از انسیه خزعلی نوشت: «برخی از زنان طلبه می‌گفتند که توانایی فیلمسازی دارند، ولی پشتیبانی نمی‌شوند، من هم استقبال کردم.»

معاون امور زنان و خانواده دولت سیزدهم در نشست «ارائه ظرفیت‌های حوزه علمیه خواهران در همکاری با معاونت زن و خانواده» به منظور حمایت از زنان طلبه برای ورود به عرصه فیلمسازی و بازیگری گفت: «برخی از زنان طلبه مطرح می‌کردند که توانایی فیلمسازی، کارگردانی و تربیت بازیگر را دارند ولی هیچگونه پشتیبانی و حمایتی از آنان صورت نمی‌گیرد، اینجانب استقبال کردم که از ظرفیت آنان در عرصه هنر متعهد استفاده شود.»

معاون ابراهیم رئیسی (قاضی مرگ) در ادامه گفت: «افراد حوزوی که استعداد و توانایی اولیه برای کارهای هنری و رسانه‌ای مانند ساخت فیلم، بازیگری، فیلمنامه و... دارند معرفی شوند تا آموزش‌های لازم را فرا بگیرند. چرا ما باید اسیر سلبریتی‌هایی باشیم که حرکت‌های ضد ارزشی می‌کنند!» معاون رئیسی در امور زنان و خانواده تأکید کرد: «قطعا بحث آموزش، تربیت و استفاده از بانوان حوزوی بسیار مهم است و در اولویت است و ما برنامه‌های متعددی در سراسر کشور داریم و از بانوان حوزوی استفاده می‌کنیم و برخی از مدیران کل ما بانوان حوزوی هستند اما نیاز است که این مسئله گسترش بیشتری پیدا کند و بانوان حوزوی نیز باید آموزش‌ها بیشتری با مسائل روز ببینند.»

خزعلی ادامه داد: «در بخش‌های فرهنگی تلاش می‌کنیم مثلاً در عفاف و حجاب با آستان قدس قرارداد داریم و مربیانی برای آموزش زیست عقیفانه به والدین، پرورش یافته‌اند. همچنین زیست عقیفانه را برای سربازان مقرر کردیم زیرا اگر آقایان در مسئله زیست عقیفانه آموزش کامل را فرا نگیرند به زندگی با عفت و زیست عقیفانه ضربه‌زننده است.» در همین ارتباط، روزنامه اصولگرای «جوان» روز یکشنبه ۲۸ آبان به اظهارات انسیه خزعلی واکنش نشان داد و در مطلبی نوشت: «حرف شما درباره بازیگر شدن طلبه‌های زن، غیرکارشناسی است، قبلاً هم طلبه‌ها به این عرصه آمدند و استحاله شدند!»

روزنامه «جوان» در ادامه نوشت: «بازیگری و به ویژه فیلمسازی و فیلمنامه‌نویسی مقوله‌ای است که نیاز به

تخلف و اختلاس؛ فسادی که در جمهوری اسلامی پایانی ندارد؛ بازداشت ۴ مدیر پالایشگاه نفت ایران با تخلف مالی بیش از یکصد میلیارد تومان



● خبرگزاری «تسنیم» نوشته است: «اسنادی از بروز تخلف در فاکتورهای خرید مایحتاج پالایشگاه مشاهده شده که پس از بررسی منجر به تشکیل پرونده شد و در حال حاضر ۴ نفر از مدیران داخلی این پالایشگاه به دلیل تخلفات صورت گرفته دستگیر و تفهیم اتهام شدند.»

● در ۲۴ آبان ماه یکی از مدیران سابق در استان قزوین به علت اختلاس و تصرف غیرقانونی در اموال دولتی دستگیر شد.

● ۱۸ آبان ماه خبرگزاری «ایرنا» از بازداشت اعضای یک شبکه اختلاس در مجتمع فولاد میانه خبر داد. این خبرگزاری همچنین در ۶ آبان از متلاشی شدن شبکه گسترده ارتشاء، اختلاس و زمین خواری در سراوان خبر داده بود.

● هفتم آبان ماه خبرگزاری «ایسنا» از بازداشت مدیران ۲ شرکت پیش فروش اتومبیل در تاجیکستان خبر داده بود. مقامات قضایی جمهوری اسلامی روز سه شنبه هفتم شهریور نیز از کشف یک اختلاس حدود سه هزار میلیارد تومانی در یک بانک دولتی دیگر در تهران خبر داده بودند.

شنبه ۲۷ آبان خبرگزاری «تسنیم» از بازداشت ۴ مدیر داخلی پالایشگاه نفت تهران خبر داد. این خبرگزاری وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی به نقل از یک منبع آگاه نوشت: «۴ نفر از مدیران پالایشگاه نفت تهران از ماه‌ها پیش دستگیر و پرونده قضائی برای رسیدگی به تخلفات آنها تشکیل شده است.»

بر اساس این گزارش، بخشی از دستگیری‌ها در پالایشگاه نفت تهران به دلیل تخلفات در ساخت و ساز و توسعه این مرکز از جمله قطع اشجار و تغییر کاربری بوده است. در ادامه این گزارش آمده است: «اسنادی از بروز تخلف در فاکتورهای خرید مایحتاج پالایشگاه مشاهده شده که پس از بررسی منجر به تشکیل پرونده شد و در حال حاضر ۴ نفر از مدیران داخلی این پالایشگاه به دلیل تخلفات صورت گرفته دستگیر و تفهیم اتهام شدند.»

«تسنیم» مبلغ ریالی این تخلفات را بر اساس برآوردهای اولیه، بیش از یکصد میلیارد تومان اعلام کرده است. هفتم آبان ماه نیز خبرگزاری «ایسنا» از بازداشت مدیران ۲ شرکت پیش فروش اتومبیل در تاجیکستان خبر داده بود. به گفته دادستان عمومی و انقلاب شهرستان تاجیکستان «مدیران دو شرکت پیش فروش خودرو که با جذب سرمایه‌های مردم با اقدامات متقلبانه وعده تحویل خودرو داده بودند بازداشت شدند.»

مدیر یکی از این شرکت‌ها بیش از ۸۰۰ میلیارد تومان از دارایی‌های بیش از هزار نفر را دریافت کردند و چهار نفر از مدیران شرکت دیگر بیش از ۴۰۰ میلیارد تومان از ۵۰۰ نفر جمع کرده بودند.

در ۲۴ آبان ماه نیز یکی از مدیران سابق در استان قزوین به علت اختلاس و تصرف غیرقانونی در اموال دولتی دستگیر شد.

اتهام این مدیر سابق اختلاس به نفع خود و تصرف غیرقانونی در اموال دولتی در دوران تصدی بوده که با سوء استفاده از موقعیت شغلی صورت گرفته بود.

در همین ارتباط ۱۸ آبان ماه خبرگزاری «ایرنا» از بازداشت اعضای یک شبکه اختلاس در مجتمع فولاد میانه خبر داد و

سه هزار میلیارد تومانی در یک بانک دولتی دیگر در تهران خبر داده بودند.

علی صالحی دادستان تهران بدون نام بردن از بانک یا فرد مربوطه توضیح داد «در جریان این پرونده، مدیر دایره صندوق بانک که در پی اخذ اقامت یکی از کشورهای اروپایی بود و در همین راستا به کرات به خارج از کشور رفت و آمد داشته است، با همکاری فردی در خارج از شبکه بانکی، اقدام به طراحی برنامه‌ای به منظور اختلاس بیش از ۹/۲ میلیارد تومان از منابع بانک کرده است تا با تبدیل آن به ۶۰ میلیون ارز دیجیتال خارجی از نوع تتر، این مبلغ را به کیف پول مجازی خود وارد کند و سپس به صورت غیرقانونی از یکی از مرزهای غربی خارج شود و به کشور اروپایی مدنظر خود برود.»

پیش از اعلام این خبر توسط مقامات قضائی، کیهان لندن اوایل تیرماه ۱۴۰۲ به نقل از یک منبع آگاه گزارش داده بود رئیس دایره صندوق شعبه بانک ملی حوالی شرق تهران با نام خانوادگی «ع.خ» در تهران قصد داشت با سوء استفاده از موقعیت خود اقدام به صدور چند فقره چک رمزدار بین بانکی در مجموع به مبلغ سه هزار میلیارد تومان معادل ۶۰ میلیون دلار کند و سپس از کشور خارج شود که رئیس شعبه متوجه این تلاش شد و آن را متوقف کرد.

اختلاس در کنار دیگر فسادهای رایج در جمهوری اسلامی یکی از ویژگی‌های ناشی از ساختار سیاسی و اقتصادی جمهوری اسلامی است که تا کنون میلیاردها تومان از اموال خصوصی و عمومی مردم را به جیب وابستگان رژیم ریخته که اغلب به خارج کشور فرار کرده و پول‌ها را نیز با خود برده‌اند.

به نقل از دادستان شهرستان میانه نوشت: «تصمیم مقتضی درباره این پرونده پس از اتمام تحقیقات در دادسرا و صدور کیفرخواست، در دادگاه کیفری اتخاذ شده و اطلاع‌رسانی لازم انجام خواهد شد.»

این خبرگزاری همچنین در ۶ آبان از متلاشی شدن شبکه گسترده ارتشاء، اختلاس و زمین خواری در سراوان خبر داده و نوشته بود: «اداره کل اطلاعات استان سیستان و بلوچستان، با همکاری دادگستری شهرستان سراوان، یک شبکه گسترده ارتشاء، اختلاس و زمین خواری را در سراوان شناسایی و متلاشی کرد.»

بر اساس این گزارش «شناسایی این شبکه گسترده ارتشاء و اختلاس و زمین خواری از اسفندماه سال ۱۴۰۱ آغاز و طی چند ماه کار اطلاعاتی و جمع‌آوری ادله و مستندات قضائی، یک باند بزرگ اختلاس و زمین خواری در شهرستان سراوان مورد ضربت قرار گرفت.»

در ادامه این گزارش آمده: «پس از شناسایی اراضی دولتی و ملی تصرف شده در شهرستان سراوان با دستور مقام قضائی تا کنون بیش از ۶۵ هکتار از اراضی مذکور به ارزش ۵۰۰ میلیارد تومان از بد زمین‌خواران آزاد و به بیت‌المال برگردانده شد. همچنین ۴ نفر از مدیران و زمین‌خواران بزرگ سراوان نیز دستگیر و به دادسرای شهرستان سراوان معرفی شدند.»

چهارماه پس از بازداشت کارمند یک بانک دولتی در کرج به اتهام اختلاس چهار میلیارد تومانی، در شرایطی که در دیوار شهرها در ایران پر از تبلیغ برای سپرده‌گذاری مردم در بانک‌هاست، مقامات قضائی جمهوری اسلامی روز سه شنبه هفتم شهریور از کشف یک اختلاس حدود

محکومیت اسحاق جهانگیری به یک سال زندان با اتهام توهین و افتراء به سردار قالیباف

● اسحاق جهانگیری به دلیل افتراء به ۴ ماه حبس تعزیری و به دلیل نشر اکاذیب به ۸ ماه حبس تعزیری محکوم شده منتها با توجه به قانون و پست مسئولیتی جهانگیری حکم حبس به ۴۴۰ میلیون ریال جزای نقدی تبدیل و بسیار تخفیف داده شده است.

● این شکایت پس از اظهارات جهانگیری در مناظرات انتخابات سال ۹۶ ثبت شده است.

● اسحاق جهانگیری معاون اول دولت‌های یازدهم و دوازدهم و کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری سال ۹۶ بود که به نفع حسن روحانی کنار رفت.

اسحاق جهانگیری فعال اصلاح‌طلب و معاون اول دو دولت حسن روحانی به اتهام «توهین و افتراء» به سردار محمدباقر قالیباف رئیس مجلس شورای اسلامی به ۱۲ ماه حبس محکوم شد. به دلیل پست مسئولیتی اسحاق جهانگیری در جمهوری اسلامی، این حکم به ۴۴ میلیون تومان جریمه نقدی تبدیل شده و در واقع بسیار کاهش یافته است. خبرگزاری «فارس» وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی روز شنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۲ گزارش داد اسحاق جهانگیری معاون اول دولت‌های یازدهم و دوازدهم به جرم توهین و افتراء به محمدباقر قالیباف در مناظرات انتخاباتی به مجموعاً ۱۲ ماه حبس محکوم شد.

این خبرگزاری نوشته که «این شکایت پس از اظهارات جهانگیری در مناظرات انتخابات سال ۹۶ ثبت شد و دادگاه برخی جملات اسحاق جهانگیری نظیر «۲۲۰۰ میلیارد توسط جناب آقای قالیباف بخشیده شده است»، «آپارتمان ۱۰ میلیارد تومانی را به ۲ میلیارد تومان بخشیدید»، «در زمان شما بیشترین تخلف بانکی حول و حوش بانک‌های اطراف شهرداری انجام شد»، «بانک سرمایه سهامش متعلق به شهرداری بوده این سهام را به مفسد اقتصادی منتقل کردید» را مصداق سوء نیت و تخریب شخصیت طرف مقابل دانسته و تأکید کرده دفاعیات وکیل جهانگیری بلاوجه و به دور از واقع است.»

بر اساس رأی دادگاه، قاضی به رأی قطعی پرونده موسوم به «املاک نجومی» و تبرئه محمد باقر قالیباف شهردار اسبق تهران در این پرونده نیز اشاره کرده است. سازمان بازرسی نیز تأکید کرده هیچ پرونده مفتوحی درباره قالیباف وجود ندارد. بر اساس حکم صادرشده، اسحاق جهانگیری به دلیل افتراء به ۴ ماه حبس تعزیری و به دلیل نشر اکاذیب به ۸ ماه حبس تعزیری محکوم شده منتها با توجه به قانون و پست مسئولیتی جهانگیری، حکم حبس به ۴۴۰ میلیون ریال جزای نقدی تخفیف داده شده است؛ این حکم قابل تجدید نظرخواهی است.

اوایل امسال برخی خبرگزاری‌ها از شکایت سردار محمدباقر قالیباف از اسحاق جهانگیری خبر دادند.

دولت بایدن به دنبال قرار دادن مجدد شبه‌نظامیان حوثی در فهرست سازمان‌های تروریستی



دیدار محمد عبدالسلام سخنگوی انصارالله یمن با علی خامنه‌ای / مرداد ۱۳۹۵

از فهرست سازمان‌های تروریستی بود. آنتونی بلینکن وزیر خارجه آمریکا بهمن ۱۳۹۹ در حالی که هنوز بطور رسمی تصدی وزارت خارجه آمریکا به وی سپرده نشده بود می‌گفت «خارج شدن حوثی‌ها از فهرست سازمان‌های تروریستی در راستای بازگرداندن آنها به میز مذاکره و آسان‌تر شدن ارسال کمک‌های بشردوستانه به مردم آن مناطق است.»

حوثی‌ها (انصارالله) بازوی نیابتی جمهوری اسلامی ایران در یمن هستند. بخشی از ماموریتی که در چارچوب «محور مقاومت» به عهده حزب‌الله در لبنان و حشدالشعبی در عراق گذاشته شده در یمن به حوثی‌ها واگذار شده است. در سال‌های اخیر سرویس‌های اطلاعاتی و نظامی گزارش‌های متعددی از قاچاق تسلیحات نظامی از ایران به یمن منتشر کرده‌اند. نیروهای شبه‌نظامی انصارالله با مین‌ریزی در دریا و حمله قایق‌های انتحاری به اختلال در رفت و آمد امن و آزاد کشتی‌ها در دریای سرخ و خلیج عدن می‌پردازند.

وزارت خزانه‌داری آمریکا در فوریه سال ۲۰۲۱ حوثی‌ها را از فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا خارج کرد. شماری از نمایندگان کنگره آمریکا از جمله اندرو کلاید طرحی را به مجلس ارائه کرده‌اند که بر اساس آن حوثی‌ها به فهرست سازمان‌های تروریستی آمریکا بازگردانده شوند. این طرح با نام «قانون ایستادگی در برابر تجاوز حوثی‌ها»، تحریم‌های اعمال شده علیه حوثی‌های یمن را که در دوران دولت دونالد ترامپ وضع شده بود برمی‌گرداند.

شبه‌نظامیان حوثی یمن که یکی از بازوهای جمهوری اسلامی در «محور مقاومت» هستند ۱۹ نوامبر (۲۸ آبان‌ماه) یک کشتی باری با ۲۵ خدمه را که متعلق به یک سرمایه‌دار اسرائیلی است در دریای سرخ به گروگان گرفتند. کشتی «گالکسی لیدر» از ترکیه به سمت هند در حرکت بود. محمدعلی الحوثی از اعضای ارشد شبه‌نظامیان انصارالله یمن، آزاد شدن کشتی اسرائیلی را مشروط به توقف جنگ در غزه کرده است.

روزنامه «وطن امروز» چاپ تهران در گزارشی با عنوان «انصارالاقصی» به نقل از «منابع موثق یمنی» نوشت که خدمه کشتی و سرنشینان آن در حال حاضر تحت بازجویی قرار دارند و ملیت آنها توسط دستگاه‌های مربوطه شناسایی شده است.

● جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید در یک نشست خبری اقدام شبه‌نظامیان حوثی یمن در ربودن کشتی «گالکسی لیدر» را «نقض آشکار قوانین بین‌المللی» خوانده و تأکید کرده است که جمهوری اسلامی همدست حوثی‌ها در ربودن این کشتی تجاری است.

● یکی از اولین اقدامات جنجالی دولت بایدن بلافاصله پس از روی کار آمدن، خارج کردن حوثی‌ها از فهرست سازمان‌های تروریستی بود.

● دریاسالار شائول چورف فرمانده سابق نیروی دریایی اسرائیل و رئیس مرکز تحقیقاتی حيفا می‌گوید: «از ۲۵ درصد تجارت اسرائیل با شرق دور، هفت درصد از بندر ایلات می‌گذرد. به این ترتیب، حمله حوثی‌ها برای تحت تأثیر قرار دادن تجارت اسرائیل از طریق دریای سرخ طراحی شده است.»

جان کربی سخنگوی شورای امنیت ملی کاخ سفید سه‌شنبه ۲۱ نوامبر (۳۰ آبان) در یک نشست خبری اقدام شبه‌نظامیان حوثی یمن در ربودن کشتی «گالکسی لیدر» را «نقض آشکار قوانین بین‌المللی» خواند و تأکید کرد که جمهوری اسلامی همدست حوثی‌ها در ربودن این کشتی تجاری است.

این مقام آمریکایی گفته دولت بایدن در حال بررسی امکان قرار دادن مجدد این گروه در فهرست سازمان‌های تروریستی ایالات متحده است. جان کربی خواستار آزادی فوری کشتی ربوده‌شده و کارکنانش شد و گفت: «با توجه به این اتفاق، ما بررسی برای تعیین تروریستی بودن بالقوه [حوثی‌ها] را آغاز کرده‌ایم و گزینه‌های دیگر را نیز با متحدان و شرکای خود در نظر خواهیم گرفت.»

وبسایت یهودی «JNS» در گزارشی می‌نویسد ربودن کشتی «گالکسی لیدر» پیام مستقیم به اسرائیل بود. دریاسالار شائول چورف فرمانده سابق نیروی دریایی اسرائیل و رئیس مرکز تحقیقاتی حيفا می‌گوید: «از ۲۵ درصد تجارت اسرائیل با شرق دور، هفت درصد از بندر ایلات می‌گذرد؛ به این ترتیب، حمله حوثی‌ها برای تحت تأثیر قرار دادن تجارت اسرائیل از طریق دریای سرخ طراحی شده است.» یادآوری می‌شود که یکی از اولین اقدامات جنجالی دولت بایدن بلافاصله پس از روی کار آمدن، خارج کردن حوثی‌ها

ارتش آمریکایی‌روهای وابسته به جمهوری اسلامی را در عراق در دو عملیات هدف قرار داد



سابرینا سینگ سخنگوی پنتاگون

اکتبر، ایالات متحده سه حمله دیگر را انجام داده است. اما این حملات از پیش برنامه‌ریزی شده بود و تأسیسات و زیرساخت‌های خاصی را هدف قرار داد که شبه‌نظامیان وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی از آنها استفاده می‌کردند. این واکنش اخیر ایالات متحده از این جهت متفاوت بود که برنامه‌ریزی نشده بود.

سینگ گفت: «این گروه‌ها نیروهای ما را در عراق و سوریه هدف قرار داده‌اند. ما در حال حاضر احساس می‌کنیم که اقدامات مناسبی را برای از بین بردن برخی از امکانات و برخی سلاح‌های آنها انجام داده‌ایم... ما همیشه این حق را برای خود محفوظ می‌داریم که در زمان و مکان مورد نظر خود پاسخ دهیم.»

خرگزار فرانسو گزارش داد در حمله آمریکا به نیروهای وابسته به سپاه پاسداران در عراق دست‌کم ۵ نفر کشته شدند.

پیش از این تام کاتن سناتور جمهوریخواه گفته بود «به نظر می‌رسد دولت بایدن از اینکه کاری برای مقابله با حمله گروه‌های نیابتی وابسته به [رژیم] ایران به نیروهای آمریکایی انجام نمی‌دهد، راضی است. اما وقتی [جمهوری اسلامی] ایران به موشک‌هایی دست پیدا کند که می‌تواند به آمریکا برسد، چه خواهیم کرد؟»

بسیاری از تحلیلگران اعتقاد دارند ضعف نشان دادن در مقابل جمهوری اسلامی و شبه‌نظامیان وابسته به سپاه پاسداران آنها را در افزایش حملات به نیروهای آمریکایی در منطقه تشویق کرده است.

● بر اساس گزارش ستاد فرماندهی سنتکام، این حملات ۳۰ آبان و اول آذر علیه مواضع «شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی» انجام شد.

● معاون سخنگوی پنتاگون گزارش داد که یک فروند هواپیمای AC-130J Ghost Rider ارتش آمریکا یک گروه شبه‌نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی در عراق را هدف قرار داد. این گروه عامل حمله موشکی به نیروهای آمریکایی و ائتلاف در پایگاه هوایی الاسد عراق بود.

● خبرگزاری فرانسه گزارش داد در حمله آمریکا به نیروهای وابسته به سپاه پاسداران در عراق دست‌کم ۵ نفر کشته شدند.

نیروهای آمریکایی در منطقه در دو عملیات جداگانه مواضع شبه‌نظامیان «کتاب حزب‌الله» از گروه‌های وابسته به سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در عراق را هدف قرار دادند. بر اساس گزارش ستاد فرماندهی سنتکام این حملات ۳۰ آبان و اول آذر علیه مواضع «شبه‌نظامیان مورد حمایت جمهوری اسلامی» انجام شد.

یک مقام دفاعی آمریکا گفت که در حمله هواپیماهای جنگنده یک مرکز عملیات کتاب حزب‌الله و یک مقر فرماندهی آنها در الانبار و جرف الصخر در جنوب بغداد هدف قرار گرفت.

معاون سخنگوی پنتاگون روز سه‌شنبه ۲۱ نوامبر (۳۰ آبان‌ماه) گزارش داد که یک فروند هواپیمای AC-130J Ghost Rider ارتش آمریکا یک گروه شبه‌نظامی مورد حمایت جمهوری اسلامی در عراق را هدف قرار داد. این گروه عامل حمله موشکی به نیروهای آمریکایی و ائتلاف در پایگاه هوایی الاسد عراق بودند.

این عملیات در شرایطی انجام شد که در داخل آمریکا جمهوریخواهان و حتا شماری از دموکرات‌ها دولت بایدن را متهم می‌کنند که در برابر تهدیدات جمهوری اسلامی و شرکای منطقه‌ای آن ضعف نشان داده و همین آنها را گستاختر کرده است.

به گفته سخنگوی پنتاگون این حمله صدمات غیرجذبی به نیروهای آمریکا و همچنین آسیب جزئی به زیرساخت‌های تأسیسات پایگاه عین‌الاسد زد.

وی توضیح داد که «بلافاصله پس از حمله، یک فروند هواپیمای AC-130 ارتش آمریکا کاروان شبه‌نظامیان مورد حمایت [رژیم] ایران و تعدادی از پرسنل شبه‌نظامی تحت حمایت جمهوری اسلامی را که در این حمله شرکت داشتند، هدف قرار داد که شماری تلفات دادند.»

سینگ همچنین گفت: «ما توانستیم نقطه مبدأ این حملات را شناسایی کنیم زیرا یک AC-130 از قبل در منطقه قرار داشت و بنابراین قادر به پاسخگویی بود. آنها با شناسایی موقعیت ستیزه‌جویان توانستند وارد عمل شوند و حین حرکت کاروان آنها را هدف قرار دادند.»

سینگ گفت که از روز ۱۷ اکتبر نیروهای آمریکایی ۶۶ بار در عراق و سوریه مورد حمله قرار گرفته‌اند. وی همچنین گفت که این اولین بار است که از موشک بالستیک مشابه آنچه در این حمله استفاده شده استفاده می‌شود. بر اساس گزارش پنتاگون از زمان شروع این حملات در ماه

محمد سعید احدیان، دستیار سیاسی و رسانه‌ای محمدباقر قالیباف در مطلبی در صفحه توئیتر خود در واکنش به انتشار این اخبار نوشت که «خبر می‌زند قالیباف بعد از ۵ سال تازه پارسال برای مناظره سال ۹۶ از جهانگیری شکایت کرد؛ اما ماجرا چیست؟ دکتر قالیباف همان سال ۹۶ بدلیل دروغ‌های آقای جهانگیری از او شکایت کرد اگر قوه قضاییه وقت همان زمان به این شکایت رسیدگی می‌کرد باعث بازدارندگی از دروغ‌گویی در مناظرات می‌شد.»

محمد سعید احدیان در ادامه نوشته بود که «در نهایت اسفند پارسال در داسرا قرار مجرمیت صادر و سپس پیغام‌ها برای گرفتن رضایت شروع شد که تنها شرط آقای قالیباف پذیرش رسمی اشتباه بود در همین حال که آقایان پیگیر رضایت هستند، تیم رسانه‌ای‌شان شروع به عملیات روانی برای تأثیرگذاری بر رای دادگاه کرده است.»

روز شنبه پس از انتشار خبر محکومیت اسحاق جهانگیری به یک سال زندان در این پرونده، سرورالسادات مقیمی وکیل اسحاق جهانگیری توضیحاتی درباره پرونده ارائه کرد.



این وکیل دادگستری در گفتگو با وبسایت «خبرآنلاین» گفته که «آقای قالیباف به دلیل مطالب مطرح شده در مناظرات انتخاباتی سال ۱۳۹۶ اقدام به شکایت از آقای جهانگیری معاون اول وقت رئیس‌جمهور و کاندیدای انتخابات ریاست جمهوری فوده است که در اسفند ماه سال ۱۴۰۱ در شعبه ۱۵ دادرای رسیدگی به جرایم کارکنان دولت مطرح گردید، پرونده مطروحه متعاقباً به شعبه ۱۰۵۹ دادگاه رسیدگی به جرایم کارکنان دولت ارجاع شد.»

سرورالسادات مقیمی افزوده که «ریاست محترم شعبه رسیدگی کننده در اردیبهشت ماه سال جاری اقدام به برگزاری جلسه رسیدگی با حضور وکلای طرفین نمودند و بدلیل ابهامات متعدد موجود در پرونده، در راستای اخطار رفع نقص پرونده به داسرا ارسال گردید.»

وکیل اسحاق جهانگیری افزوده که «به دلیل عدم رفع نقص پس از عودت پرونده به شعبه ۱۰۵۹ برای دومین بار اخطار رفع نقص صادر و پرونده به شعبه ۱۵ ارسال شد و پس از ارسال جوابیه از مرجع مورد استعلام به دلیل ابهامات موجود در جوابیه مورد اشاره، در انتظار تشکیل جلسه و ادامه روند رسیدگی به پرونده جهت شفافیت موضوعات مطروحه بودیم که بطور ناگهانی رأی صادره از ناحیه دادرسی و نه قاضی پرونده به بنده ابلاغ گردید.»

او همچنین با اشاره به «بدوی بودن رأی» گفته که «ما در فرصت قانونی با مستندات کافی به آن اعتراض خواهیم نمود لکن متأسفانه برخلاف مر قانون و ممنوعیت صریح قانونی مفاد رأی غیرقطعی از ناحیه برخی خبر گزاری‌ها منتشر شده است.»

گردشگری و کتاب از سبد مصرفی بسیاری از خانوارها حذف شد

تورم بالای آموزش و مسکن در گروه کالاهای غیرخوراکی در ماه گذشته خبر می‌داد؛ سه گروهی که بیشترین سهم را در سبد هزینه‌ای خانوارهای کم‌درآمد و تنگدست دارند.

افزایش قیمت مواد خوراکی، اجاره‌بها و آموزش به معنی افزایش هزینه‌های خانوارهای تنگدست و کم‌درآمد است چون این خانوارها سبد مصرفی متنوعی ندارند و به دلیل درآمد محدود، فقط می‌توانند برای اقلام خیلی ضروری هزینه کنند. در چنین شرایطی افزایش تورم اقلام غذایی سبب کوچک شدن سفره خانوارهای تنگدست و کاهش مصرف مواد غذایی شده است.

آمارها نیز نشان از کاهش مصرف مواد خوراکی و پیامدهای همراه با سوء تغذیه دارد. در همین رابطه دکتر کوروش اعتماد مدیرکل دفتر مدیریت بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت با ارائه آماری از وضعیت بروز پوکی استخوان در ایران گفته که «بر اساس آخرین مطالعه صورت گرفته با توجه به افزایش بروز سالمندی در کشور، بروز موارد پوکی استخوان رو به افزایش است. بطور مثال ۵۰ درصد افراد بالای ۵۰ سال کشور دچار پوکی استخوان هستند.»

مدیرکل دفتر مدیریت بیماری‌های غیرواگیر وزارت بهداشت، تغذیه ناسالم را در کنار عدم فعالیت بدنی، مصرف الکل و مصرف دخانیات بر افزایش پوکی استخوان موثر ارزیابی کرده و گفته سرانه مصرف لبنیات در کشور را بسیار پایین‌تر از میانگین جهانی است.

مهدی هدایت دبیر اتحادیه تولیدکنندگان و صادرکنندگان صنایع لبنی خراسان رضوی نیز به تازگی از کاهش مصرف سرانه لبنیات در این استان خبر داده و گفته که «سرانه مصرف لبنیات استان در سال ۱۳۹۱-۱۳۹۰ حدود ۱۱۰ کیلوگرم بود که این عدد در حال حاضر تقریباً به ۷۰ کیلوگرم رسیده است.»

مهدی هدایت افزوده که در سال ۱۳۸۹ یارانه به شیر تعلق گرفته بود اما به دلیل مشکلات بودجه‌ای کشور این یارانه افزایش نداشته و به مرور توزیع شیر رایگان در مدارس حذف شده است. وبسایت «اقتصاد ۲۴» نیز نهم آبان ۱۴۰۲ در گزارشی با عنوان «ایرانیان در تله تورم، چاقی، بحران کمبود مصرف پروتئین» به کاهش مصرف مواد غذایی مفید و جایگزینی مصرف مواد خوراکی غیرمفید اما شکم پر کن در میان خانوارهای کشور پرداخته است.

در این گزارش با اشاره به اینکه «از اصلی‌ترین دلایل شیوع چاقی را باید تغذیه نامناسب و به خصوص حذف مواد غذایی پروتئینی و ویتامین‌ها و مواد مغذی کافی و لبنیات دانست» آمده که در انتهای سال گذشته، مصرف گوشت ایرانیان از ۱۳ کیلوگرم در سال ۱۳۹۰ به ۶ کیلو در سال ۱۴۰۰ رسیده و این مقدار طی یکسال از ۱۴۰۰ تا ۱۴۰۱ برای دهک‌های پایین به زیر ۳ کیلوگرم کاهش یافته است. این کاهش ۵۰ درصدی مصرف گوشت سرانه درحالی است که در جهان و حتی در منطقه خاورمیانه مصرف گوشت قرمز تفاوت فاحشی با سایر نقاط جهان دارد.

همچنین بر گزارش سازمان خوار و بار و کشاورزی سازمان ملل متحد (فائو) سرانه مصرف گوشت قرمز سالانه هر فرد در غنا ۹، کینه ۵/۶، نیجریه ۵/۸، هندوستان ۵/۳، عراق ۸/۷، تانزانیا ۱۰ کیلوگرم، یمن ۶/۱۴ و کره شمالی ۸/۱۰ کیلوگرم است که نشان می‌دهد آمار مصرف گوشت قرمز در کره شمالی، تانزانیا و عراق و غنا از ایران بالاتر بوده و ایران در رده کشورهایمانند یمن، نیجریه و کینه و هندوستان در زمینه مصرف گوشت قرمز قرار دارد.



قطع رقیعی و جلد شومیز با کاغذ تحریر، قیمت‌اش بالای یک میلیون تومان می‌شود. کتاب‌های کودک اگر کاغذ گلاسه داشته باشد و رنگی چاپ شود با مثلاً ۱۸ صفحه قیمت‌اش در حدود ۱۰۰ هزار تومان می‌شود. اگر خانواده‌ای سه‌نفره در ایران بخواهند به صورت متوسط هر ماه کتاب بخرند، باید نزدیک ۵ میلیون تومان کنار بگذارند.

در بخش دیگری از این گزارش آمده که کتاب‌های تخصصی هم حال و روز بهتری ندارند و «حوزه‌های محیط زیست، میراث فرهنگی، فلسفه، اقتصاد، معماری و شهرسازی و... از آندست کتاب‌هایی هستند که چاپ‌شان برای خیلی از ناشرها نمی‌ارزد. به نظر می‌رسد این حوزه‌ها با چالش‌های جدی روبرو شده‌اند و علاقمندان هر کدام از این حوزه‌ها ترجیح می‌دهند از روش‌های هک کردن سایت‌های مهم تخصصی خارجی برای تأمین منابعی که در دسترس ندارند استفاده کنند.»

با افزایش قیمت کتاب و همچنین کاهش قدرت خرید مردم، کتاب از سبد مصرفی بسیاری خانوارها حذف شده و برای برخی دیگر از خانوارها نیز تنها خرید قسطی کتاب امکان‌پذیر است. «دنیای اقتصاد» در اینباره نوشته که خرید قسطی کتاب تا همین چند سال پیش در ایران معنایی نداشت. کتاب همواره جزو کالاهایی بود که از سوبسید دولتی بهره می‌برد و ناشرها می‌توانستند کاغذ دریافت کنند، اما در سال‌های اخیر این روند تقریباً متوقف شده و فقط تعداد محدودی از ناشران می‌توانند از آن بهره ببرند. همه این مسائل دست به دست هم داده تا از دی‌جی‌پی تا برخی دیگر از سایت‌ها اعلام کنند که کتاب‌ها را به صورت اقساط می‌فروشند.

اینهمه در حالیست که همچنان برای بخش زیادی از خانوارهایی که درآمدهایی حداقلی دارند کتاب و سفر و گردشگری کاملاً از سبد مصرفی کنار گذاشته شده اما باز هم پرداخت هزینه‌های ضروری خوراک و اجاره به سختی امکان‌پذیر است.

گزارش مرکز آمار ایران از تورم مهرماه امسال از تورم بالای اقلام غذایی ضروری برای بدن در گروه خوراکی‌ها و همچنین

● مواردی چون سفر، تفریح، کتاب، ورزش و حتی درمان سهم ناچیزی از سبد مصرفی خانوارها را به خود اختصاص داده و در میان برخی اقشار این ارقام بطور کلی از سبد مصرفی حذف شده است.

● به علت افزایش قیمت کتاب، خانوارها توان هزینه کردن برای این کالا را ندارند و در این میان کتابخوان‌ها، دانشجویان و پژوهشگران بیش از همه روزهای سختی را می‌گذرانند.

● برای بسیاری از خانوارهایی که درآمدهایی حداقلی دارند کتاب و سفر و گردشگری کاملاً از سبد مصرفی کنار گذاشته شده اما باز هم پرداخت هزینه‌های ضروری خوراک و اجاره به سختی امکان‌پذیر است.

افزایش تورم و کاهش قدرت خرید خانوارها سبب حذف برخی موارد از جمله سفر و تفریح از سبد مصرفی خانوارها شده است. بسیاری از خانوارها در ایران ناچار هستند کل درآمد ماهانه خود را برای موارد خیلی ضروری مانند خوراک، مسکن و آموزش فرزندان هزینه کنند.

گزارش‌ها نشان می‌دهد سبد مصرفی خانوارها حتی در میان اقشار متوسط نیز تنوع خود را از دست داده و کوچک شده است. آنها ناچار هستند درآمدهایی را که هر ماه به دلیل تورم ارزش خود را از دست می‌دهد برای تأمین اقلام ضروری مانند خوراک هزینه کنند. مواردی چون سفر، تفریح، کتاب، ورزش و حتی درمان سهم ناچیزی از سبد مصرفی خانواده‌ها را به خود اختصاص داده و در میان برخی اقشار این ارقام بطور کلی از سبد مصرفی حذف شده است.

معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران به تازگی گزارشی با عنوان «بررسی الگوی مصرف و درآمد خانوارهای استان تهران» منتشر کرده که نشان می‌دهد گردشگری سهم بسیار ناچیزی از هزینه‌های خانوارها را به خود اختصاص می‌دهد.

بر اساس این گزارش، خانوارهای تهرانی بطور متوسط ۳۷/۸ درصد از درآمدشان را برای مسکن، سوخت و روشنایی، ۳۲/۴۶ درصد برای هزینه‌های خوراکی و دخانی، ۹/۷۶ درصد هزینه‌های متفرقه، ۸/۳۹ درصد حمل و نقل و ارتباطات، ۳/۹۶ درصد بهداشت و درمان، ۱/۸۴ درصد پوشاک و کفش، ۲/۴۶ درصد لوازم خانگی و هزینه‌های نگهداری آن، ۱/۷ درصد غذاهای آماده، رستوران و هتل، ۰/۵۴ درصد مربوط به تحصیل و آموزش، ۰/۷۲ درصد و ۰/۳۰ درصد مربوط به فروش کالاهای بادوام و سایر هزینه‌ها اختصاص می‌دهند.

این گزارش افزوده که محاسبه سهم ۰/۷۲ درصدی تفریحات و سرگرمی رقمی معادل یک میلیون و ۶۵۰ هزار تومان می‌شود. روزنامه «دنیای اقتصاد» در گزارشی با عنوان «تهرانی‌ها در قحطی تفریح» با استناد به گزارش معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق بازرگانی نوشته که تورم سال‌های اخیر گردشگری را تحت‌تأثیر خود قرار داده و باعث شده خانوارها در ایران تصمیم بگیرند سهم سفر و تفریح‌شان را به بخش مسکن و خوراک سرازیر کنند، هرچند که همچنان با چالش‌های جدی در این دو بخش مواجه‌اند.

این روزنامه در گزارش دیگری به حذف کتاب از سبد مصرفی خانوار پرداخته و نوشته به علت افزایش قیمت کتاب، خانوارها توان هزینه کردن برای این کالا را ندارند و در این میان کتابخوان‌ها، دانشجویان و پژوهشگران بیش از همه روزهای سختی را می‌گذرانند.

بر اساس این گزارش، قیمت کتاب در دو سه سال گذشته سر به فلک گذاشته بطوری که چهار جلد کتاب داستان با

ادعاهای رئیس کل بانک مرکزی درباره وضعیت ارزی پیامدهای کسری بودجه در اقتصاد کشور

پیدا نکند.»

این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه «حرفها با هم تناقض دارد؛ یعنی تناقض در گزارشهایی که بخشهای مختلف دولت می‌دهند، مشاهده می‌شود» گفته «این نشان می‌دهد که هزینه‌هایی وجود دارد؛ مقدار زیادی هزینه‌های خارج از کشور می‌کنند و بخشی هم هزینه‌های غیرضروری در داخل کشور است. در واقع به فکر رفاه مردم و کنترل تورم نیستند.»

احمد حامی یزدی معتقد است «با این کسری بودجه، ما افزایش نقدینگی و تورم وحشتناکی خواهیم داشت؛ اتفاقی غیر از این نمی‌افتاد. کسری بودجه یعنی چه؟ یعنی هزینه‌هایی وجود دارد، اما درآمدها تحقق نیافته است. در این صورت، یا از بانک‌ها یا از بانک مرکزی استقراض می‌کنند. در نهایت پولی که دولت از بانک مرکزی به طور مستقیم یا غیرمستقیم می‌گیرد، به بازنشسته‌ها و کارمندان بابت یارانه یا حقوق می‌دهد.»

این کارشناس اقتصادی توضیح داده که «این پول به اقتصاد کشور تزریق می‌شود؛ در حالی که رشد اقتصادی آن قدر نیست که نیازی به افزایش نقدینگی باشد. پول در اختیار دریافت‌کنندگان قرار می‌گیرد، ولی کالایی در برابر این پول در کشور نیست که بخرند. در نتیجه این افزایش نقدینگی موجب بالا رفتن قیمت همه کالاها می‌شود؛ به خصوص کالاهایی مثل غذا و دارو. همان‌طور که در دو سال گذشته دولت سیزدهم این اتفاق افتاد؛ به طوری که قیمت شیر در دو سال گذشته سه برابر شده است. گوشت کیلویی ۵۰۰ هزار تومان شده است.»

یکی دیگر از آثار تورم ناشی از عملکرد دولت گند شدن روند سرمایه‌گذاری و تولید در کشور است. این در حالیست که اقتصاد ایران در پی بیش از یک دهه رکود تورمی کوچک و کوچک‌تر شده است.

وحید شقایق شهری اقتصاددان و استاد دانشگاه با اشاره به کاهش قدرت اقتصادی ایران گفته که «در سال ۲۰۱۰ اقتصاد ایران با اقتصاد کشورهای عربستان و ترکیه تقریباً برابر بود اما در این ۱۰ سال اخیر به واسطه تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی در ایران، اقتصاد ترکیه بیش از دو برابر و اقتصاد عربستان بیش از ۳۵ درصد از اقتصاد ایران پیش‌رفتند. ترکیه در حال حاضر رتبه یازدهم را در دنیا دارد و عربستان در رتبه هفدهم دنیا قرار دارد.»

این اقتصاددان افزوده که «اقتصاد پاکستان به اقتصاد ایران نزدیک شده و فاصله اقتصاد ایران و پاکستان به کمتر از ۷۰ میلیارد دلار رسیده است و اگر در دو سال آینده بتوانیم رشد اقتصادی بالایی داشته باشیم، اقتصاد پاکستان هم از ایران بزرگ‌تر می‌شود. در حالی که این اختلاف در سال ۲۰۱۰ بیش از ۳۵۰ میلیارد دلار بوده و باید این موضوع را در نظر گرفت که در آن دوره، میزان تولید برای هر دو کشور کمتر بود.»

اینهمه نشان می‌دهد فارغ از ادعاهای تیم اقتصادی دولت از جمله محمدرضا فرزین درباره «خوب» بودن وضعیت ارزی کشور، کمبود منابع ارزی و کسری بودجه چگونه سبب دور باطلی از تشدید تورم و رکود در اقتصاد ایران می‌شود. در این شرایط مقامات حکومتی به جای چاره‌اندیشی برای حل مشکلات به ادعاهای بی‌اساس می‌پردازند.



در ۸ ماهه سال جاری نسبت به مدت مشابه در سال پیش ۶۴ درصد افزایش یافته است.

با اینهمه دولت در نیمه دوم سال با انباشت کسری بودجه روبروست و به عقیده کارشناسان اقداماتی که برای جبران کسری انجام می‌شود نیز تورمزا هستند. همچنین با وجود کسری بودجه دولت با مداخله در بازار ارز، قیمت‌ها را افزایش می‌دهد تا درآمدهای ریالی خود را افزایش دهد.

آمارهای ارائه شده نشان می‌دهد دولت در هفت ماه ابتدایی امسال با کسری بودجه ۴۰۰ هزار میلیارد تومانی مواجه شده. داوود منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه نیز به کسری بودجه دولت اعتراف و به تازگی اعلام کرده که ۳۰ درصد از منابع بودجه سال جاری تحقق پیدا نکرده است.

مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی نیز در گزارشی به بررسی عملکرد مالی دولت در چهار ماهه نخست سال ۱۴۰۲ پرداخته و اعلام کرده که فقط ۶۳ درصد از منابع مورد نیاز بودجه در این مدت محقق شده است؛ این یعنی کسری ۲۵۸ هزار میلیارد تومانی تا پایان تیرماه!

اینهمه در حالیست که آثار کسری بودجه در نیمه دوم سال نمایان‌تر شده و دولت نیازمند است راهکارهایی را برای جبران کسری بودجه و تأمین هزینه جاری بکار بگیرد.

احمد حامی یزدی کارشناس اقتصادی معتقد است با بروز کسری بودجه، «تنها کاری که به طور معمول دولت بلد است، این است که نقدینگی را افزایش دهد؛ این که پول بدون پشتوانه و بدون ضوابط اقتصادی معمول چاپ کنند، در نتیجه تورم وحشتناکی را تجربه خواهیم کرد.»

او بهانه دولت برای عدم تحقق درآمدهای نفتی به عنوان علت کسری بودجه را رد کرده و گفته که «من تعجب می‌کنم که می‌گویند کسری بودجه به خاطر عدم تحقق درآمدهای نفتی باشد، چون از آن طرف ادعا می‌کنند که فروش نفت افزایش پیدا کرده و قیمت نفت هم به دلیل جنگ اوکراین و جنگ غزه افزایش یافته است. بنابراین چه دلیلی دارد که پیش‌بینی‌شان از درآمد ارزی و نفتی تحقق

● رئیس کل بانک مرکزی خواستار بازگشت ارز به بانک مرکزی شده و با بیان اینکه «ارز مفت به کسی نمی‌دهیم» گفته «دست هرکس ارز هست، باید برگرداند، زیرا ارز متعلق به عموم جامعه است.»

● میانگین قیمت دلار در ۸ ماهه سال جاری نسبت به مدت مشابه در سال پیش ۶۴ درصد افزایش یافته است.

● دولت در نیمه دوم سال با انباشت کسری بودجه روبروست و به عقیده کارشناسان اقداماتی که برای جبران کسری انجام می‌شود نیز تورمزا هستند.

رئیس کل بانک مرکزی مدعی است «در حوزه ارز در خارج از کشور، تیم علمیات روانی ایجاد شده» و هشدار داده که «دست هرکس ارز هست، باید برگرداند.»

محمدرضا فرزین رئیس کل بانک مرکزی خواستار بازگشت ارز به بانک مرکزی شده و با بیان اینکه «ارز مفت به کسی نمی‌دهیم» گفته «دست هرکس ارز هست، باید برگرداند، زیرا ارز متعلق به عموم جامعه است.»

رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی در دهمین همایش بانکداری الکترونیک و نظام‌های پرداخت مدعی شده «تیمی در خارج کشور با عملیات روانی در حال تلاش برای متلاطم کردن بازار هستند؛ تا بازار آرامش دارد فوراً مصاحبه‌هایی را به نقل از مقامات آمریکا و قطر و... علیه ایران منتشر می‌کنند؛ فتر مجازی درست کردند و مدام دارند انتظارات تورمی را برای فعالان اقتصادی زنده نگه می‌دارند و مدام می‌گویند فتر ارز فشرده شده و تا آخر سال رها می‌شود.»

رئیس کل بانک مرکزی با بیان اینکه نه تنها عملیات روانی بلکه عملیات واقعی می‌کنند، افزوده که «طی روزهای اخیر توافقات بسیار خوبی با وزارت صمت و شهرداری تهران برای واردات خودروهای برقی داشتیم زیرا که منابع ارزی ما در شرایط خوبی است؛ هیچ مشکلی در بازار ارز نداریم؛ تسلطمان نیز در حوزه ارز بسیار افزایش یافته است. ارزمان را به مفتی خرج نمی‌کنیم و بابت زیر ساخت‌های کشور خرج می‌کنیم؛ ارز را مفت به کسی نمی‌دهیم، ارز دست هر کسی هم هست باید برگرداند. زیرا که ارز کالایی عمومی است و همه ارز باید به کشور برگردد. این موضوع بخشی از سیاست تثبیت ماست.»

ادعای «شرایط خوب» برای وضعیت ارزی در حالی مطرح می‌شود که عملکرد محمدرضا فردین به عنوان رئیس کل بانک مرکزی نیز نتوانسته در ماه‌های گذشته قیمت دلار در کشور را تثبیت کند.

احسان سلطانی اقتصاددان و پژوهشگر اقتصادی محاسبه کرده که میانگین قیمت دلار در ۸ ماهه سال ۱۴۰۲ نسبت به میانگین سال ۱۴۰۱ افزایش ۴۴ درصدی داشته است.

این پژوهشگر اقتصادی در کانال تلگرامی خود نوشته که «میانگین قیمت دلار در ۸ ماهه سال جاری نسبت به ۱۴۰۱، ۴۴ درصد افزایش یافته که بیش از ۳۵ درصد از افزایش ۱۴۰۱ است. با این وجود گروهی رانتخور و سفته‌باز در پی بالا بردن قیمت دلار برای چپاول و فلاکت هر چه بیشتر مردم هستند. غارت و تخریب اقتصاد (بی‌ثباتی اقتصاد کلان) با شوکهای قیمت ارز انجام می‌شود.

احسان سلطانی همچنین نوشته که میانگین قیمت دلار

زمزمه‌های کمبود گاز در زمستان؛ از سوزاندن مازوت تا صف‌های طولانی در سیستان و بلوچستان



می‌دهد که میزان تزریق گاز به میدین کشور در سال ۱۳۹۹ کمتر از ۳۷ میلیون مترمکعب در روز بوده است.

عرفان افاضلی دبیرکل فدراسیون صنعت نفت درباره آسیب نفتی ناشی از کمبود گاز گفته که «اکنون ضریب برداشت ما از میدین نفتی کمتر از ۲۰ درصد است و در واقع هر یک درصد که ضریب برداشت از میدین نفتی افزایش پیدا کند تقریباً یک میلیارد بشکه اضافه برداشت خواهیم داشت. بنابراین در صورت عدم تزریق گاز رقم خسارت قابل پیش‌بینی نیست.»

عرفان افاضلی افزوده که «اکنون میدینی مثل پارس شمالی این قابلیت را دارند که گاز از آنها برداشت و تزریق شود اما سرمایه‌گذاری لازم برای این منظور وجود ندارد در صورتی که با ۴ میلیارد دلار می‌توان پارس شمالی را وارد مدار و گاز را برداشت و تزریق کرد، اما این عدد سرمایه‌گذاری وجود ندارد و این در حالی است که اگر تزریق گاز و فضا افزایشی را در چند سال آینده نداشته باشیم روزانه تقریباً ۲۰ تا ۲۵ میلیون متر مکعب در سال افت تولید گاز را خواهیم داشت.»

حمیدرضا صالحی نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران نیز شهریور امسال به روزنامه «دنیای اقتصاد» گفته بود که «تابستان امسال ۱۰ تا ۱۲ هزار مگاوات ناترازی برق و خاموشی داشته‌ایم» و «زمستان نیز شاهد خاموشی به دلیل مصرف بالای گاز و کمبود آن خواهیم بود.»

حمیدرضا صالحی علت اصلی این اوضاع را عدم سرمایه‌گذاری دانسته و تاکید کرده بود که با خاموشی بخش صنعت در تابستان امسال «حدود ۵ تا ۶ میلیارد دلار از جی‌دی‌پی کشور کم شد و این یک عدد محاسبه شده است.»

حمیدرضا صالحی با تأکید بر اینکه «با شروع فصل زمستان باید منتظر مازوت‌سوزی باشیم» گفت: «کمبود گاز باعث شده که مشکل خاموشی در نیروگاه‌ها داشته باشیم و این موضوع سبب می‌شود که به سمت مازوت‌سوزی برویم.»

نایب رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران توضیح داده بود که «کمبود گاز باعث شده که مشکل خاموشی در نیروگاه‌ها داشته باشیم و این موضوع سبب می‌شود که به سمت مازوت‌سوزی برویم و در این راستا پای سازمان محیط زیست به میان می‌آید که از کار نیروگاه‌ها پیشگیری کند. با توجه به شرایط کنونی در زمستان نیز شاهد خاموشی خواهیم بود، چراکه علاوه بر مازوت‌سوزی با وارونگی هوا نیز مواجه هستیم و این موضوع سبب تولید سم می‌شود و باید این موضوع را در نظر گرفت که نیروگاه‌های ایران نسبت به نیروگاه‌های دنیا کربن بیشتری تولید می‌کنند.»

کلان‌شهر در ایران برخی معتقدند سوزاندن مازوت در نیروگاه‌ها آغاز شده و یکی از دلایل آلودگی هوای کلانشهرها همین است. دولت استفاده از مازوت به عنوان سوخت در نیروگاه‌ها را تکذیب می‌کند اما روزنامه «جهان صنعت» گزارش داده که از ۱۶ نیروگاه بخاری در کشور ۱۴ نیروگاه مانند نیروگاه طوس در مشهد، «مفتح» در همدان، سهند بناب در تبریز، ایران‌شهر در سیستان و بلوچستان، «شهید منتظری» در اصفهان، «شهید منتظر قائم» در البرز، «شهید رجایی» در قزوین و بندرعباس مازوت می‌سوزانند.

مرتضی فیروزی کارشناس انرژی و صنعت پتروشیمی در همین ارتباط گفته که پالایشگاه‌های ایران همچنان ۳۰ درصد مازوت می‌سازند که میزان سولفور این مازوت ۳/۵ درصد است.

در همین حال حبیب قراقرزولو مدیرعامل برق منطقه‌ای تهران بزرگ گفته که «امسال نیروگاه‌ها مقدار سوخت مناسبی را در مخازن خود ذخیره کرده‌اند تا در تامين برق زمستان با مشکل مواجه نباشیم.»

او مدعی شده که تحویل سوخت گاز به نیروگاه‌ها در فصل زمستان به علت افزایش مصرف گاز در بخش خانگی حدود ۱۲۰ میلیون مترمکعب کاهش می‌یابد.

مدیرعامل برق منطقه‌ای تهران بزرگ همچنین گفته که «بجای گاز، به سمت استفاده از سوخت دوم یعنی گازوئیل و بعد از آن اگر در برخی مناطق دچار کمبود سوخت شویم به سمت استفاده از مازوت می‌رویم.»

در آنسو وبسایت «تجارت نیوز» نیز گزارش داده که ۳۰ درصد تولیدکنندگان برای زمستان سوخت ندارند و خط تولید آنها تعطیل خواهد شد.

کمبود گاز در ایران ابعاد گسترده‌ای دارد بطوری که حتی ذخایر نفتی کشور به خاطر نبود گاز از بین رفته است. آرش نجفی رئیس کمیسیون انرژی اتاق بازرگانی ایران روز چهارشنبه ۱۷ آبان به خبرنگاری «ایلنا» گفت: «در کل خسارت کمبود گاز در حدی است که اگر ما تزریق گاز به مخازن نفتی نداشته باشیم برخی از چاه‌ها از حیز انتفاع خارج می‌شوند و در نتیجه اقتصاد نفت کشور دچار خسارت بالایی خواهد شد.»

بر اساس گزارش‌های وزارت نفت ایران و اداره اطلاعات انرژی آمریکا، ۸۰ درصد نفت تولیدی ایران از میدینی است که در نیمه دوم عمر خود قرار داشته و با آفت فشار مواجه هستند؛ بطوری که سالانه ۸ تا ۱۰ درصد از تولید آنها کاسته می‌شود. ایران برای جلوگیری از شتاب آفت تولید نفت میدین کهنه خود باید روزانه نزدیک به ۳۰۰ میلیون مترمکعب گاز به مخازن تزریق کند، اما آخرین گزارش وزارت نفت نشان

● رئیس کمیته نفت و انرژی مجلس شورای اسلامی اوایل آبان‌ماه در یک برنامه تلویزیونی از کمبود ۲۵۰ میلیون مترمکعبی گاز در زمستان امسال در ایران خبر داد.

● هرچند دولت سوزاندن مازوت در نیروگاه‌ها را تکذیب می‌کند اما با آلودگی شدید هوای چند کلان‌شهر در ایران به نظر می‌رسد استفاده از مازوت به عنوان سوخت در نیروگاه‌ها آغاز شده است.

با آغاز فصل سرما در ایران بار دیگر موضوع ناترازی و کمبود گاز پررنگ شده است. مقامات دولتی در حالی ادعای سپری شدن زمستان بدون مشکل کمبود گاز را دارند که به نظر می‌رسد سوزاندن مازوت در برخی نیروگاه‌ها شروع شده و در سیستان و بلوچستان هم مردم ساعت‌ها برای دریافت کپسول گاز در صف‌های طولانی می‌ایستند.

در سال‌های گذشته کمبود برق در فصل گرما و کمبود گاز در فصل سرما همواره خسارت زیادی به صنایع کشور وارد و زندگی شهروندان را با مشکلات بسیار روبرو کرده است. امسال نیز زمزمه کمبود گاز در فصل زمستان مطرح است و دولت نتوانسته ناترازی گاز را جبران کند.

حسین حسین‌زاده رئیس کمیته نفت و انرژی مجلس شورای اسلامی اوایل آبان‌ماه در یک برنامه تلویزیونی از کمبود ۲۵۰ میلیون مترمکعبی گاز در زمستان امسال در ایران خبر داد و این شرایط را «بحران انرژی» دانست و تنها راه حل آن را «خواباندن صنعت» ارزیابی کرد.

حسین حسین‌زاده با ارائه آمار و ارقام مصرف گاز، با فرض تولید روزانه یک میلیارد مترمکعب گاز، امکان تأمین انرژی برای مصارف خانگی، پتروشیمی، فولاد و سیمان را ناممکن توصیف کرده بود.

در سیستان و بلوچستان نیز مدت‌هاست کمبود گاز مایع وجود دارد و سوخت‌رسانی با کپسول با گندی و تأخیر در جریان است. وبسایت «حال‌وش» که خبرهای مربوط به سیستان و بلوچستان را پوشش می‌دهد روز شنبه ۲۷ آبان ۱۴۰۲ گزارش داد که «کمبود گاز ناشی از سوم‌دیریت باعث شده تا شهروندان شهرستان سراوان در سیستان و بلوچستان جهت دریافت سیلندر گاز ساعت‌ها در صف‌های طولانی دریافت گاز معطل باشند.»

یکی از شهروندان که در صف سیلندر گاز بوده به «حال‌وش» گفته که «بیشتر از ده روز است که مردم از صبح زود برای گرفتن گاز مایع در صف می‌ایستند تا ظهر اما باز هم به مردم گاز نمی‌رسد. تکلیف آنهايي که این چند روزه علاف بودند چه می‌شود؟! مسئولین چرا این مشکلات را رسیدگی نمی‌کنند؟»

در روزهای گذشته همراه با آلودگی شدید هوای چند



تشدید بحران کم‌آبی در کشور؛ فلاکت اکولوژیک در کمین ایران

● مدیرعامل آب و فاضلاب استان تهران: حجم ذخایر سدهای پنجگانه استان تهران ۵۷ میلیون مترمکعب نسبت به سال گذشته کسری دارد و با گذشت دو ماه از پاییز، بارش‌ها شروع نشده است.

● فرونشست زمین، بیابانزایی، کانون‌های جدید ریزگرد و نهایتاً مهاجرت دستجمعی و تغییر در تنوع زیستی از نتایج فلاکت آبی خواهد بود که در نهایت فلاکت اکولوژیک را در پی خواهد داشت.

تازه‌ترین آمارها از تشدید بحران کم‌آبی در کشور و تغییر رژیم خشکسالی در برخی استان‌ها از جمله تهران حکایت دارد. بر اساس گزارش مقامات مسئول، خشکسالی تابستان امسال در مشهد طی ۷۰ سال اخیر بی‌سابقه بوده است.

محسن اردکانی مدیرعامل آب و فاضلاب استان تهران امروز جمعه ۲۶ آبان ۱۴۰۲ با ارائه گزارشی از وضعیت آبی استان تهران گفته که «دوره‌های خشکسالی در استان تهران دو ساله بوده و سپس چند سال ترسالی در این استان ثبت شده است، اما امسال شاهد سومین خشکسالی پیاپی در استان تهران هستیم و رژیم خشکسالی این استان تغییر یافته است.»

محسن اردکانی با بیان اینکه «۷۵ درصد آب شرب استان تهران از منابع پشت سد تامین می‌شود بنابراین در خشکسالی آسیب‌پذیری بیشتر دارد» گفته که «حجم ذخایر سدهای پنج‌گانه استان تهران ۵۷ میلیون مترمکعب نسبت به سال گذشته کسری دارد و این در حالی است که اکنون با گذشت دو ماه از پاییز، بارش‌ها شروع نشده است.»

برای تامین و توزیع آب در استان تهران هر اقدامی که ممکن بود انجام دادیم و اکنون نوبت مدیریت مصرف است. کمبود آب به عنوان یکی از جدی‌ترین بحران‌های ایران، امسال شدیدتر شده است و استان‌های مختلف را درگیر کرده است. حسین اسماعیلیان مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب مشهد گفته که «خشکسالی تابستان امسال در این کلان شهر طی ۷۰ سال اخیر بی سابقه بود اما خوشبختانه این شرایط سخت سپری شد.»

به گفته حسین اسماعیلیان «بیش از ۵۰ درصد آب شرب مورد نیاز مشهد از طریق سدها تامین می‌شود که با توجه به خشکسالی‌های شدید با کاهش بسیار شدید منابع آب از جمله حجم ذخیره سدها مواجه هستیم و در تابستان حجم ذخیره آب سدها به ۷ درصد نیز رسید.»

حمید فضایی معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای استان اردبیل نیز روز گذشته اعلام کرد که در اثر برداشت اضافه سطح آب‌های زیرزمینی در دشت اردبیل سالانه ۲۷ سانتیمتر کاهش پیدا می‌کند.

این مقام مسئول افزوده که بروز خشکسالی‌های بیش از یک دهه اخیر، برداشت بی‌رویه و بیش از مفاد پروانه از آبخوان، توسعه اراضی پایاب چاه‌ها توسط کشاورزان و همچنین کشت محصولات پرباب بر در سطح دشت اردبیل از اصلی‌ترین چالش‌های بخش آب استان است.

معاون حفاظت و بهره‌برداری شرکت آب منطقه‌ای اردبیل گفته که «حجم مخزنی سد یامچی در اثر کمبود بارش و استفاده بی‌رویه شهروندان از آب، ۱۰ درصد نسبت به مدت مشابه سال گذشته کاهش یافته است.»

او افزوده که «حجم آب ذخیره سد یامچی به عنوان اصلی‌ترین منبع آب شرب شهر اردبیل سال گذشته ۱۸ و ۲ دهم میلیون متر مکعب بود که این میزان هم اکنون به ۱۶ و ۲ دهم میلیون متر مکعب کاهش یافته است.»

داده‌ها نشان می‌دهد از ۳۱ استان کشور در سال آبی جدید ۱۰ استان هیچ میزانی از بارش نداشته‌اند؛ ۹ استان کمتر از ۵ میلیمتر بارش داشته‌اند که بطور میانگین ۲/۳۹ میلیمتر بارش برای ۹ استان بوده است.

سه استان هم بین ۵ تا ۱۰ میلیمتر بارندگی داشتند. چهار استان بین ۱۰ تا ۲۰ میلیمتر بارندگی داشتند و فقط پنج استان بین ۲۰ تا ۸۸/۵ میلیمتر بارش داشته‌اند.

نکته قابل توجه اینکه، استان مازندران با ۸/۹ میلیمتر رکورد بارندگی را داشته و بعد از آن استان گیلان با ۸/۶ میلیمتر و سپس استان گلستان با ۶۱/۹ میلیمتر، اردبیل با ۳۶/۴ و خراسان شمالی با ۲۳/۶ میلیمتر بیشترین بارندگی را داشته‌اند. به این ترتیب می‌توان نتیجه گرفت فقط پنج استان نیمه شمالی کشور بیش از ۵۱ درصد از بارش‌ها را به خود اختصاص داده‌اند.

۲۷ درصد از کشور (۱۰ استان) هیچ بارشی نداشته، ۹ استان فقط ۲ درصد، چهار استان ۱۳/۱۴ درصد و سه استان هم ۶/۸ درصد از بارش‌های کل کشور را داشته‌اند.

چنین وضعیتی در رابطه با سدهای کشور هم صادق است. چنانچه از اطلاعات منتشر شده از سوی دفتر اطلاعات و داده‌های آب کشور بر می‌آید، وضعیت سدهای کشور نشان می‌دهد که در بیش از ۴۰ سد در ۱۶ استان کشور بین منفی ۲۵ تا مثبت ۲۵ درصد از مخزن سدها پر شده و این آمار در قیاس با زمان مشابه در سال قبل حتی وضعیت بدتری را هم نشان می‌دهد. بنابر آمار، ۳۴/۲۲۵ درصد از سدهای این گروه در قیاس با سال قبل تراز منفی دارند.

درصد پرشدگی سدهای کشور در ۱۱ استان هم نشان می‌دهد که ۱۶ سد در این استان‌ها (یعنی کل سدها در این ۱۱ استان) بین ۲۵ تا ۷۵ درصد تراز منفی مخزن دارند. همچنین بر اساس جدیدترین پژوهش‌های اقلیم‌شناسان

در گروه «انتساب آب و هوای جهانی» (دبلیو دبلیون‌ای) اثر تغییر اقلیم بر میزان بارندگی و دمای بالا را از ژوئیه ۲۰۲۰ تا ژوئن ۲۰۲۳ در ایران و بخش‌هایی از «هلال حاصلخیز» در عراق و سوریه بررسی شده است.

بر اساس یافته‌های این پژوهش خشکسالی سه سال اخیر دومین خشکسالی بد این منطقه از زمان ثبت رکوردها توصیف شده است. محققان گفتند که کم‌آبی، برداشت گندم را کاهش داده، به تنش میان کشورهای همسایه دامن زده و دسترسی به منابع آب را سخت‌تر کرده و ده‌ها میلیون نفر با کمبود آب و مواد غذایی روبرو شده‌اند.

این پژوهش با تأکید بر اینکه گرمایش زمین در این منطقه احتمال وقوع دمای طاقت فرسای سه سال اخیر در ایران را ۱۶ برابر و در عراق و سوریه را ۲۵ برابر کرده، اعلام کرده که همین دمای بالا به تبخیر خیلی شدیدتر آب در دریاچه‌ها، سدها، رودها، تالاب‌ها و خاک دامن زده و یک خشکسالی خفیف را به یک خشکسالی شدید بدل کرده است.

کاهش تولید محصولات کشاورزی و افزایش قیمت‌ها، کاهش اشتغال در بخش‌های وابسته به آب مانند کشاورزی و صنایع تبدیلی، مهاجرت و بروز تنش‌های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی، افزایش بیماری‌ها و افزایش ناهنجاری‌های اجتماعی از جمله پیامدهای کم‌آبی و بحران آب است.

خرگزاری «رکنا» امروز جمعه ۲۶ آبان ۱۴۰۲ در مطلبی با اشاره به اینکه «۵ استان کشور در شرایط ورشکستگی آبی و ۶ استان دیگر کشور در شرایط در حال ورشکستگی آبی قرار دارند» نوشته «استان‌های سیستان و بلوچستان، اصفهان و خراسان رضوی در شرایطی وخیم تر به سر می‌برند. این استان‌ها با توجه به شاخص فلاکت در شرایط فلاکت آبی قرار دارند و این به منزله آن است که حتی با وجود منابع آب در آینده تبعات آن رفع نخواهد شد.»

این گزارش افزوده که فرونشست زمین، بیابانزایی، کانون‌های جدید ریزگرد و نهایتاً مهاجرت دستجمعی و تغییر در تنوع زیستی از نتایج فلاکت آبی خواهد بود که در نهایت فلاکت اکولوژیک را در پی خواهد داشت و حیات در این سرزمین به خطر خواهد افتاد.

در ادامه این مطلب آمده که بررسی‌ها نشان می‌دهد که تغییرات اقلیمی در ایران نزدیک به ۲۰ درصد در به وجود آمدن شرایط فعلی موثر بوده است و عمده علت آن مداخلات انسانی در طبیعت است. مدیریت سرزمین و میزان برداشت‌های ما از طبیعت جزء اصلی‌ترین عواملی بوده است که شرایط کنونی را پیش آورده و ادامه این روند ما را وارد یک شرایط بسیار بدتر خواهد کرد و این زیست میلیون‌ها ایرانی را در فلات ایران تهدید می‌کند.

۱۸ هزار آموزگار بدون حقوق و بیمه مشغول کار در آموزش و پرورش



سال تحصیلی جدید، موج «پاکسازی» در مدارس را تأیید کرده و گفته «امسال نزدیک به ۲۰ هزار مدیر مدرسه تغییر کردند تا در مدارس تحول ایجاد کنند، همچنین ۷ هزار مدرسه در مسیر تحول شناسایی شدند که امسال در ۵ هزار مدرسه فعالیت‌های خود را آغاز خواهیم کرد.»

وزیر آموزش و پرورش همچنین گفته که «تمامی مدارس شناسایی شده در مسیر تحول مدارس عادی و دولتی هستند، انشالله روحیه تحولی به این مدارس برده می‌شود و شاهد الگوسازی برای تمامی مدارس کشور خواهیم بود.»

منظور وزیر آموزش و پرورش از تحول، سند «تحول بنیادین آموزش و پرورش است» که هدفش اسلامی کردن بیش از پیش مدارس است.

بر اساس توضیحات ارائه شده از سوی حکومت، در تهیه سند ملی تحول بنیادین آموزش و پرورش با الهام گرفتن از اسناد بالادستی و بهره گرفتن از ارزش‌های بنیادین آنها و توجه به اهداف راهبردی نظام جمهوری اسلامی ایران، چشم‌انداز و اهداف تعلیم و تربیت در افق ۱۴۰۴ طراحی شده است. تحول بنیادین در نظام آموزش و پرورش مبتنی بر «آرمان‌های بلند نظام اسلامی باید معطوف به چشم‌اندازی باشد که در افق روشن ۱۴۰۴، ترسیم‌گر ایرانی توسعه یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه با هویتی اسلامی انقلابی، الهام‌بخش جهان اسلام همراه با تعاملی سازنده و موثر در عرصه روابط بین‌المللی است.»

روزنامه «هم‌میهن» نیز پیشتر در گزارشی به سرکوب آموزگاران که فعالیت صنفی دارند پرداخته و نوشته که حدود ۸۰ نفر از معلمان در یک سال گذشته و بعد از آغاز اعتراض‌های شهریورماه ۱۴۰۱ از رتبه‌بندی محروم شدند. این گزارش همچنین با اشاره به اخراج و بازنشستگی اجباری شماری از آموزگاران نوشته که مهرماه امسال برای تعداد دیگری از معلمان، آغاز فصل جدید کارشان نیست و گروهی دیگر هم زودتر از موعد باید از کلاس درس برای همیشه خداحافظی کنند.

از سوی دیگر هفته گذشته خبرگزاری «تسنیم» گزارش داد که معلمان خرید خدمات وزارت آموزش و

حمیدرضا حاجی‌بابایی رئیس فراکسیون فرهنگیان مجلس شورای اسلامی اردیبهشت امسال تعداد کمبود آموزگار در ایران را ۳۰۰ هزار نفر عنوان کرده و گفته بود که «اگر می‌خواهیم یک آموزش و پرورش بانشاط داشته باشیم باید از طریق دانشگاه فرهنگیان ۳۰۰ هزار معلم تربیت کرده و راهی کلاس‌های درس کنیم. حتما دانشجویی که در دانشگاه تربیت معلم درس خوانده، می‌تواند بهتر تدریس کند.»

آمار اعلام شده درباره کمبود آموزگار بر اساس کلاس درس‌های موجود در مدارس کشور برآورد شده است؛ این در حالیست که اکثر کلاس‌های درس در ایران بیش از ظرفیت استاندارد دانش‌آموز دارند و در صورت کاهش جمعیت کلاس‌ها و رسیدن آنها به سطح استاندارد، کمبود معلم بیش از رقم اعلام شده خواهد بود.

رضا مراد صحرایی سرپرست وزارت آموزش و پرورش اما بدون اشاره به کمبود ۳۰۰ هزار نفری معلم در این وزارتخانه بر کمبود ۵۰ هزار معلم پرورشی تأکید و ابراز امیدواری کرده بود که با استخدام ۲۷ هزار نیروی پرورشی بخشی از این کمبود در سال جاری جبران شود.

معلمان پرورشی که بخش قابل توجهی از آنها دانش‌آموختگان حوزه علمیه هستند، پروپاگاندای ایدئولوژیک جمهوری اسلامی در مدارس را پیش برده و حتی در نقش «مخبر» و خبرچین‌های نهادهای امنیتی فعالیت می‌کنند. در حالی که برای بسیاری دروس مهم در برخی مدارس معلم وجود ندارد، سرپرست وزارت آموزش و پرورش فعالیت‌های پرورشی را از اولویت‌های اصلی این وزارتخانه خوانده است. وزارت آموزش و پرورش در برنامه‌های با عنوان «طرح امین» نیز اقدام به استخدام آخوندهای تحصیلکرده در حوزه علمیه در آموزش و پرورش کرده است. بر اساس طرح «امین» که از حدود ۶ سال قبل آغاز شده روحانیون باید حدود ۳۰ ساعت در هفته در مدارس به تبلیغات مذهبی بپردازند.

کمبود آموزگار در حالی بوده که طی ماه‌های گذشته در اقدامی سرکوبگرانه در آموزش و پرورش، شماری از مدیران و آموزگاران نیز اخراج، تعلیق، و یا زودتر از موعد بازنشسته شدند. رضا مراد صحرایی وزیر آموزش و پرورش همزمان با آغاز

● عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی: حدود ۱۸ هزار معلم خرید خدمات به کلاس‌های درس بدون معلم رفتند، اما این افراد هنوز قرارداد، حقوق و بیمه ندارند.

● با وجود موج گسترده‌ای از اعتراضات به کمبود آموزگار در هزاران کلاس درس، رضا مراد صحرایی امروز اعلام کرده که امسال حدود ۱۹ هزار مربی پرورشی استخدام می‌شوند! ● طی ماه‌های گذشته در اقدامی سرکوبگرانه در آموزش و پرورش، شماری از مدیران و آموزگاران نیز اخراج، تعلیق، و یا زودتر از موعد بازنشسته شدند.

یک عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی از اشتغال ۱۸ هزار آموزگار بدون حقوق و بیمه در آموزش و پرورش خبر داده است.

محمد وحیدی عضو کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی می‌گوید حدود ۱۸ هزار معلم خرید خدمات به کلاس‌های درس بدون معلم رفتند، اما این افراد هنوز قرارداد، حقوق و بیمه ندارند. حداقل انتظار این است که آموزش و پرورش وضعیت آن‌ها را تعیین تکلیف کند.

به گفته این نماینده مجلس شورای اسلامی مهرماه امسال ۲۳ هزار کلاس درس دوره ابتدایی آموزگار نداشتند بنابراین آموزش و پرورش مجبور شد تعدادی از معلمان خرید خدمات را که برخی ۱۰ سال سابقه تدریس داشتند و از سیستم حذف کرده بود، مجدد به تدریس دعوت کند.

محمد وحیدی افزوده که معلمان خرید خدمات در حالی حقوق ندارند که برخی برای تدریس باید به مناطق روستایی و دوردست رفته و هزینه رفت و آمد بالایی پرداخت کنند. او همچنین گفته در نشستی که اعضای کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی با وزیر آموزش و پرورش داشتند به وی تأکید کرده‌اند که باید هر چه سریعتر با این آموزگاران قرارداد امضا و حقوق و مزایای آنها مانند دیگر آموزگاران پرداخت شود.

محمد وحیدی در ادامه گفته که «رئیس سازمان برنامه و بودجه در این جلسه تأکید کرد که حق التدریس معلمان شاغل و خرید خدمات آموزشی همانند سایر حقوق‌ها پایان هر ماه پرداخت خواهد شد. آقای منظور رئیس سازمان برنامه و بودجه معتقد است که وزارت آموزش و پرورش می‌تواند در مبالغی که ماهانه به آن پرداخت می‌کنیم، حقوق معلمان خرید خدمات را هم پرداخت کند.»

اینهمه در حالیست که به نظر می‌رسد وزارت آموزش و پرورش در پی کمبود شدید آموزگار ناچار شده آموزگاران را که با آزمون استخدامی جذب وزارتخانه شدند را بدون گذراندن دوره‌های مقدماتی به کلاس درس بفرستند. محمد وحیدی در اینباره توضیح داده «معلمانی که به تازگی از طریق آزمون استخدامی جذب شدند بدون گذراندن دوره آموزش معلمی در دانشگاه فرهنگیان، وارد کلاس‌های درس شدند و همزمان با تدریس درحال گذراندن دوره آموزشی خود هستند، در حالی که این افراد باید ۶ ماه یا یک‌سال دوره آموزش معلمی را قبل از ورود به مدارس طی کنند.»

با وجود موج گسترده‌ای از اعتراضات به کمبود آموزگار در هزاران کلاس درس، رضا مراد صحرایی امروز اعلام کرده که امسال حدود ۱۹ هزار مربی پرورشی استخدام می‌شوند! وزارت آموزش و پرورش سال‌هاست با کمبود آموزگار روبروست و این بحران هر سال با بازنشسته شدن شماری از آموزگاران و عدم استخدام آموزگاران جدید، جدی‌تر شده است.

تغییرات آب و هوایی سلامت جوامع بشری را تهدید می‌کند



اقتضای آسیب‌پذیر همراه است.

کادر درمان، نظام بهداشت و سیاست‌گذاران باید از این تغییرات آگاهی داشته باشند تا بتوان با اثرات نامطلوب آنها مقابله کرد. یکی از مهم‌ترین مشکلات مبارزه با افزایش درجه حرارت و دی‌اکسیدکربن، هزینه این کار است.

تأکید بر اثرات سوء تغییرات اقلیمی و آب و هوا بر سلامت انسان یکی از بهترین راه‌های مبارزه جهت سرمایه‌گذاری در این زمینه است. سیاست‌گذاری در جهت کاهش گازهای گلخانه‌ای در نهایت به نفع جامعه و بشریت است.

برخی از این اقدامات عبارتند از:

کاهش استفاده از منابع فسیلی انرژی نظیر ذغال سنگ و مشتقات نفتی

بهبود وسایل حمل و نقل عمومی

بهبود سیستم‌های کشاورزی و غذایی

کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی با کاهش آلاینده‌های هوا به کاهش بیماری‌های قلبی-ریوی، سکنه مغزی، انواع سرطان و دیابت منجر خواهد شد.

در سال ۲۰۱۶ بسیاری از کشورهای جهان جهت کاهش گازهای گلخانه‌ای و مقابله با گرمایش زمین، معاهده پاریس را امضا کردند. هدف این معاهده این است که با کاهش گازهای گلخانه‌ای با گرمایش زمین مقابله شود. نقش کادر درمان و بهداشت در سراسر جهان در این زمینه بسیار تعیین‌کننده است.

سیاست‌گذاران حوزه بهداشت و درمان نیز باید با اتخاذ تصمیمات صحیح از عوارض سوء این پدیده بر سلامت جامعه جلوگیری کنند. تشویق رفتارهای بهداشتی صحیح نظیر عدم استفاده از دخانیات یا افزایش تحرک می‌تواند در این زمینه بسیار کمک کننده باشد.

دولتمردان نیز باید از سیاست‌های پرخطر برای محیط زیست اجتناب ورزند. افزایش دانش عمومی در زمینه تغییرات اقلیمی و آب و هوایی و تأمین بودجه تحقیقات در این زمینه نیز می‌تواند در شناخت بهتر این پدیده و ارائه راهکارهای عملی یاری‌رسان باشد.

*دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی پزشک متخصص پیوند اعضا و عضو کنونی هیئت هماهنگی پروژه ققنوس ایران است.

● مطالعات میدانی در ایران نشان می‌دهد که حدود یک چهارم جمعیت از درجاتی از نارسایی کلیه رنج می‌برند. در آمریکای مرکزی نیز در کشورهای نظیر نیکاراگوئه و السالوادور، نیمی از مرگ‌ها بر اثر بیماری‌های کلیوی است. به نظر می‌رسد این مسئله با افزایش درجه حرارت و در نتیجه گرمادگی و کم‌آبی ناشی از آن مرتبط باشد.

● کاهش استفاده از سوخت‌های فسیلی با کاهش آلاینده‌های هوا به کاهش بیماری‌های قلبی-ریوی، سکنه مغزی، انواع سرطان و دیابت منجر خواهد شد.

دکتر رضا سعیدی فیروزآبادی - امروزه تغییرات اقلیمی و آب و هوا تمامی جوانب زندگی انسان را تحت تأثیر خود قرار داده است. متوسط دمای کره زمین حدود یک درجه افزایش یافته. غلظت دی‌اکسیدکربن در جو کره زمین در حال افزایش است. افزایش دما و گازهای گلخانه‌ای علاوه بر اثرات سوء زیست محیطی، سلامت انسان را نیز بطور مستقیم و غیرمستقیم به مخاطره انداخته است.

برای نمونه، افزایش درجه حرارت منجر به گرمادگی یا افزایش بیماری‌های قابل انتقال از حشرات می‌شود. از طرف دیگر، تغییرات اقلیمی با افزایش خطرات ناشی از سیل و بلایای طبیعی، نوع بشر را در معرض اختلالات روانی ناشی از حوادث مانند اضطراب و افسردگی قرار می‌دهد.

افزایش غلظت دی‌اکسیدکربن روی محصولات کشاورزی نیز تأثیرات سوء نظیر کاهش پروتئین و ویتامین‌ها می‌گذارد. این تغییرات روی بدن انسان اثرات سوء داشته و به افزایش بیماری‌های غیرواگیر می‌انجامد. افزایش دما به ویژه در افراد سالخورده می‌تواند به افزایش انواع بیماری‌ها نظیر اسهال و مالاریا منجر شود. تخمین زده می‌شود که تغییرات اقلیمی می‌تواند سالانه منجر به مرگ حدود ۵۰۰ هزار نفر در جهان شود.

تغییرات اقلیمی با افزایش آلاینده‌ها در هوا نیز همراه است که می‌تواند با افزایش بیماری‌های غیرواگیر نظیر بیماری‌های قلبی و ریوی همراه باشد. بیماری‌های مزمن کلیوی نیز بر اثر تغییرات اقلیمی و افزایش دما رو به افزایش است. این موضوع به ویژه در مناطق گرم و خشک جهان نظیر خاورمیانه و آمریکای مرکزی بیشتر نمود دارد.

مطالعات میدانی در ایران نشان می‌دهد که حدود یک چهارم جمعیت از درجاتی از نارسایی کلیه رنج می‌برند. در آمریکای مرکزی نیز در کشورهای نظیر نیکاراگوئه و السالوادور، نیمی از مرگ‌ها بر اثر بیماری‌های کلیوی است. به نظر می‌رسد این مسئله با افزایش درجه حرارت و در نتیجه گرمادگی و کم‌آبی ناشی از آن مرتبط باشد.

در مطالعات علمی، گرمایش زمین و تغییرات اقلیمی با افزایش مرگ و میر، نیاز به بستری شدن در بیمارستان، بیماری‌های قلبی-ریوی، مشکلات زایمان، انواع سرطان‌ها و بیماری‌های روانی همراه بوده است. افزایش این بیماری‌ها با کاهش بازدهی افراد و افزایش فقر، به ویژه در

→ پرورش اعلام کردند که «از ابتدای مهر امسال تا به امروز یک ریال حقوق و بیمه نداشته‌ایم!»

بر اساس این گزارش، معاون برنامه‌ریزی وزارت آموزش و پرورش درباره پرداخت نشدن حقوق این آموزگاران گفته که «حقوق ایندسته از معلمان به‌صورت ماهانه نیست و مبتنی بر عملکرد ما است، یعنی ابتدا باید اعتبار از سوی سازمان برنامه و بودجه به وزارت آموزش و پرورش اختصاص یابد و پس از آن در اختیار شرکت‌ها و معلمان قرار بگیرد!»

خبرگزاری «رکنا» روز چهارشنبه ۲۴ آبان ۱۴۰۲ به نقل از برخی آموزگاران استان سیستان و بلوچستان گزارش داده که با گذشت دو ماه از آغاز سال تحصیلی جدید بخشی از دانش‌آموزان این استان هنوز کتاب درسی ندارند.

بر اساس این گزارش، دانش‌آموزان ساکن این استان چون در منطقه محروم تحصیل می‌کنند، می‌بایست کتب درسی خود را به صورت رایگان دریافت کنند اما هنوز تعداد زیادی از دانش‌آموزان کتاب ندارند. این گزارش افزوده که آموزگاران برای اینکه دانش‌آموزان از درس و تحصیل عقب نمانند، سعی می‌کنند با تهیه نسخه‌های پرینت از کتب درسی، از دور ماندن دانش‌آموزان از محتوای کتب درسی جلوگیری کنند.

داوود گلی مسئول روابط عمومی اداره کل آموزش و پرورش استان سیستان و بلوچستان اما دانش‌آموزان را مقصر نرسیدن کتاب درسی دانسته و گفته «دانش‌آموزانی که تا کنون کتب درسی خود را دریافت نکرده‌اند، کسانی هستند که به دلایل مختلف، تا زمان شروع سال تحصیلی، در استان حضور نداشته‌اند. برخی از دانش‌آموزان برای امرار معاش به صورت فصلی در استان‌های دیگر کار می‌کنند و به این ترتیب مراحل ثبت درخواست دریافت کتاب در سامانه را انجام نداده‌اند و برای همین تحویل کتب درسی برایشان با تأخیر مواجه شده است.»

کمیته کتاب‌های درسی پیش از این نیز گزارش شده بود و مقامات آموزش و پرورش هم بار دیگر با این ادعا که «کمیته کتاب نداریم» دانش‌آموزان را مقصر عدم دریافت کتاب معرفی کرده بودند. در هفته سوم مهرماه اعلام شده بود که ۴۰ تا ۵۰ هزار دانش‌آموز کتاب درسی دریافت نکرده‌اند.

علی لطیفی رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش در اینباره توضیح داده که «در آموزش و پرورش با توجه به اینکه حجم و تعداد دانش‌آموزان بسیار زیاد است، همیشه درصدهایی را داریم که به دلایل متعدد کتاب‌های درسی را با تأخیر دریافت می‌کنند. ثبت‌نام یک سری از دانش‌آموزان به هر دلیلی انجام نشده است، بنابراین کتاب هم با تأخیر به دست آنها می‌رسد البته وقتی این افراد به ما مراجعه می‌کنند و باید کمک کنیم که ثبت‌نام آنها قطعی شود.»

رئیس سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش افزوده که «یک سری از دانش‌آموزان هم ثبت‌نام خود را انجام داده‌اند اما ثبت سفارش کتاب را موفق نشدند که انجام دهند بنابراین این افرادی که با تأخیر انجام دادند، کتاب هم با تأخیر بدست آنها می‌رسد.

علی لطیفی همچنین گفته که «بخشی دیگر مدارسسی هستند که در ثبت کد مدرسه مشکل دارند، یعنی یا مدرسه تغییر کرده یا کد جدید برای آنها اختصاص داده نشده است. همچنین دسته دیگر دانش‌آموزانی هستند که ثبت سفارش آنها به صورت موقت انجام شده و اکنون برای ثبت سفارش قطعی شاهد تغییر در وضعیت هستند که چیزی حدود ۴۰ تا ۵۰ هزار دانش‌آموز را شامل می‌شود.»

اینهمه در حالیست که «فقر» به عاملی برای عدم درخواست کتاب درسی و حتی ثبت‌نام نکردن دانش‌آموزان در مدارس تبدیل شده است.



عکس هفته | محبوبه رضایی فعال سیاسی مشروطه‌خواه: جانم فدای ایران!
محبوبه رضایی فعال سیاسی مشروطه‌خواه به تازگی به جرم میهن‌دوستی و آزادیخواهی به ۲۶ سال و پنج ماه زندان محکوم شده است. وی طی پیامی در واکنش به این حکم نوشت: «جرم من میهن‌پرستی است» و «عشق به میهن‌مان هراس از زندان را بی‌معنا و امید را زنده‌تر از قبل کرده است.»